

# هَجَجُ الْفَصَاحِي

رسول الله محمد

كسبه قلمد م. عبدالله

این نسخه از کتاب شریف نهج الفصاحه ، شامل احادیث گهربار رسول گرامی اسلام حضرت محمد صلوات الله علیه و آله است ، که بر ای نخستین بار با قلم منسوب به آن حضرت در سال ۱۳۹۸ در ۴۶۴ صفحه آماده و به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا شده است . نامه های منتسب به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم که در سال ۶ هجری قمری به حاکمان وقت جهت ابلاغ رسالت ارسال شده ، اکنون در چند موزه معتبر دنیا نگهداری میشوند و "قلم رسالت" بوسیله استخراج رسم الخط موجود در این نامه ها تولید شده است . پیش از این یک جلد کلام الله مجید و یک جلد خطبه غدیر نیز با دستخط منسوب به حضرت رسول اکرم (ص) بوسیله "قلم رسالت" توسط حمید رباعی آماده و به کتابخانه آستان قدس رضوی اهدا شده است.



بسم الله الرحمن الرحيم محمد رسول الله  
 المرر م. ساوی سلام خلد های عمک الله  
 الکر الکر لا اله الا الله لا اله الا  
 الله و ابراهیم علیه و آله و سلم  
 الله عز و جل ما به هدی ما به هدی  
 سل و ما مرید محمد اطعم و من سید  
 ا- رسی مکا سوا علیک در الله اکر مدد  
 کمد ما بر - للمسلمین ما سلطوا لک و  
 اکر - و سید صبه هادی منها صلح های مرید  
 ما مر علی کتبه و نسبه و لما الکرمه



امه السعاه النبى و امه العسر الامعار و امه السماحه الم. و امه العمال العلا و امه العكب الكد و امه  
العلم السار و امه العلم السه و امه العوك السرم و امه الدم العوى

سرکشی آفت شجاعت است، تفاخر آفت شرافت است، منت آفت سماحت است، خود پسندی آفت جمال است، دروغ آفت سخن است  
فراموشی آفت دانش است، سفاهت آفت بردباری است، اسراف آفت بخشش است، هوس آفت دین است

**اسوا الدعوه اذا دعيم**

وقتی شما را دعوت کردند بپذیرید

**انظر المهروم و احس المکر و انظر ما بعد ادک ان يقول لك الهوم اذا ممر م. عذبه مانه و  
انظر الذى بکره ان يقول لك الهوم اذا ممر م. عذبه ما حسيه**

نیک کردار باش و از کار بد بپرهیز بین میل داری دیگران در باره تو چه بگویند همان طور رفتار کن و از آنچه نمیخواهی در باره تو بگویند برکنار  
باش

**امه الدم. بلا نه معه ماهر و امام حار و کسد حار**

آفت دین سه چیز است: دانای بد کار و پیشوای ستم کار و مجتهد نادان

**امه العلم السار و اصاعه ان کد به عر احله**

آفت دانش فراموشیست و دانشی که بنا اهل سپاری تلف می شود

**اکر كما ناکر الممد و احلم كما کلم الممد**

مانند بندگان غذا میخورم و مانند آنها بر زمین می نشینم

**امروا السا می ساس.**

با زنان در باره دخترانشان شور کنید

**انه المامم بلا - ادا حد - حد - و ادا وعد اطف و ادا اسم. كار.**

نشان منافق سه چیز است، سخن بدروغ گوید، از وعده تخلف کند و در امانت خیانت نماید

**ای الله ای کفر لعاب الموم. توبه**

خداوند از گناه قاتل مؤمن نمیگذرد و توبه او را نمی پذیرد

**ای الله ای بهر عمر صاحب بدعه حی بدعه بدعه**

خداوند عمل بدعتگذار را نمی پذیرد تا از بدعت خویش دست بردارد

**اسموا الرمه عند الله کله عمر. حیر علیک و بعتی م. حرمت**

اگر میخواهید پیش خداوند منزلتی بلند یابید خشونت را به بردباری و محرومیت را به عطا تلافی کنید

**اد الموده لم. وادک ما با اس**

آنکه با تو در دوستی می زند با وی ره دوستی گیر که این گونه دوستی پایدارتر است

**ادا بهت مصدم علیما ما. مصر سی ملا علیک ما. مصر سی ع. اعلک ملدی مراسم ما.**

**مصر ع. دی مراسم سی مکتا و مکتا ادا هم. بهول**

صدقه را از خوشتن آغاز کن اگر چیزی فزون آمد بکسان خود ده اگر از کسان تو چیزی فزون آمد بخویشان ده و اگر از خویشان نیز چیزی فزون آمد به دیگران ده و همچنین صدقه را از عیال خویش آغاز کن

**ای الله ای بررم عبده الموم. الا م. حب لا کسب**

خدا روزی بنده مؤمن خویش را از جایی که انتظار ندارد میرساند

**اَكْبُوا مَا بَدَا لِلَّهِ بِهِ**

صدقه را از آنچه خداوند آغاز کرده است آغاز کنید

**اسْرُوا و سَرُوا مِمَّا سَرَّ اللهُ لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ عَلَيْهِ حَقٌّ**

شما را مژده میدهم و شما بدیگران مژده دهید که هر کس شهادت دهد که خدائی جز خدای یگانه نیست و بدان معتقد باشد وارد بهشت می شود

**انْفِصِمِ الْفَلَاحُ إِلَى اللَّهِ الْفَلَاحُ**

منفورترین چیزهای حلال در پیش خدا طلاق است

**انْفِصِمِ الْعِلْمُ إِلَى اللَّهِ مِمَّا كَفَرَ**

منفورترین مردم پیش خدا آن کس است که ایمان آورد و سپس کافر شود

**انْفِصِمِ الرَّحَالُ إِلَى اللَّهِ الْاَلَدُ الْاَلَدُ**

منفورترین مردان در پیش خدا مرد لجوج و ستیزه جوست

**انْفِصِمِ الْعَمَلُ إِلَى اللَّهِ مِمَّا كَانَتْ يَدَاكَ فِيهِ وَ عَمَلُ عَمْرٍ الْاَمْرُ**

منفورترین بندگان در پیش خدا کسی است که جامه وی از کارش بهتر باشد، یعنی جامه او جامه پیمبران باشد و کار وی کار ستمگران

**انْفِصِمِ الصَّفَاةُ مِمَّا تَرْمَوْنَ وَ تَصْرَوْنَ بِصَفَاةِكُمْ**

ناتوان را پیش من آرید زیرا شما به برکت ناتوانان خود روزی می خورید و یاری می شوید



تلعوا حاحه م. لا سبطع الالاع حاحه م. الالاع سلطانا حاحه م. لا سبطع الالاعا سب الله مدمه عر الصراط  
نوم الالاعه

حاجت کسی را که از ابلاغ آن ناتوانست بزرگان برسانید زیرا هر کس حاجت در مانده ای را بزرگی برساند روز رستاخیز خداوند پاهای وی را بر صراط استوار میسازد

ام. ادم اطع ربک سمی عاملا و لا تعصه مسمی حاجلا

فرزند آدم! پروردگار خویش را فرمانبردار باش تا ترا خردمند خوانند و از فرمان وی بیرون مباش که ترا نادان شمارند

ام. ادم ادا اصبر مهمی می حسدک اما می سربک عدک مو- نومک مهمر الالاعا

فرزند آدم وقتی تن تو سالم است و خاطرت آسوده است و قوت یک روز خویش را داری جهان گو مباش

ام. ادم عدک ما بکک و بطلک ما بظکک ام. ادم لا تهلز سع و لا بکر سع

فرزند آدم، آنچه حاجت تو را رفع کند در دسترس خود داری و در پی آنچه ترا به طغیان وامیدارد روز میگذاری، به اندک قناعت نمیکنی و از بسیار سیر نمیشوی

انالی حربنا مالنا فمک عم ما سبک ماک صر و احب ما سبک ماک مهاره و اعمر ما سبک ماک

گری نه و اعلم ان سرم الموم. صامه باللذ و عره اسمعاوه عم. الالاع

جبریل پیش من آمد و گفت ای محمد هر چه میخواهی زنده بمان که عاقبت خواهی مرد، هر چه را میخواهی دوست بدار زیرا از آن جدا خواهی شد و هر چه میخواهی بکن که پاداش آن را خواهی دید و بدان که شرف مؤمن بپا خاستن شب است و عزت وی بی نیازی از مردم

انالی حربنا مالنا سرامک انه م. ما- لا سربک بالله سنا ذکر الاله علینا حربنا و ان سرم و ان رلی

مال نعم علی و ان سرم و ان رلی مال نعم علی و ان سرم و ان رلی مال نعم و ان سرم- العصر



جبریل پیش من آمد و گفت امت خود را بشارت بده که هر کس بمیرد و چیزی را با خدا شریک نسازد به بهشت میرود گفتم ای جبرئیل و اگر دزدی کرده باشد و اگر زنا کرده باشد؟ گفت آری گفتم و اگر دزدی کرده باشد و اگر زنا کرده باشد؟ گفت آری گفتم و اگر دزدی کرده باشد و اگر زنا کرده باشد؟ گفت آری و اگر هم شراب خورده باشد

الحب ابله. ملک و ندرک حاجت ارحم السم و امسم راسه و اطعمه م. طعامک بله. ملک و ندرک حاجت

آیا دوست داری دلت نرم شود و حاجت خود بیابی بر یتیم رحمت آور وی را بنواز و از غذای خویش بدو بخوران تا دلت نرم شود و حاجت خود بیابی

المسور السده می کمر العباره انما السده ابله. نمر احدک عطا له نعله

آیا گمان میکنید نیرومندی در بردن سنگ است، نیرومند حقیقی آنست که خشمگین شود و بر خشم خود غالب گردد

الحدوا عند الفهرا ابادی ما له دوله نوم الفامه

با فقرا دوستی کنید زیرا در روز رستاخیز دولتی بزرگ دارند

ابدرو. ما الفصه بهر العدر م. نهم الناس الی نهم لفسدوا سم

آیا میدانید سخن چینی چیست؟ سخن چینی آنست که سخنی را از کسان پیش دیگران نقل کنند و میان آنها را بهم بزنند

ابرک مصور الکلام و حسد م. الکلام ما نباع به حاجت

از سخنان بیهوده چشم بیوش سخنی که رفع حاجت کند ترا کفایت کند

ابرکوا الدنا لاجلنا مانه م. احد مه موم ما نسمه احد م. حنه و حو لا سمر

دنیا را بمردم دنیا واگذارید زیرا هر کس از دنیا بیش از حد کفایت بر گیرد در هلاک خویش میکوشد اما نمیداند



## اسم الله می عسر و سر

در سختی و سستی از خدا بترس

اسم الله و لا تُعْرَبْ. المَعْرُوفِ سِئَا و لَوْ اِنْ سَعَرَ م. دَلُوْكَ مِ اِنَّا الْمَسْسِي و اِنْ بَلَى اَكَا و وَحِكِ اِلَهٍ مَسِيْطِ

از خدا بترس و هیچ کار نیکی را حقیر مشمار گر چه کار نیک منحصر باین باشد که دلو خویش را در ظرف تشنه ای بریزی و برادر خود را با روی گشاده ملاقات کنی

اسم دعوه المظلوم مانما سال الله تعالی حهه و ا. الله تعالی لا يسمع ذا حم حهه

از دعای مظلوم بهره‌یز زیرا وی بدعا حق خویش را از خدا می‌خواهد و خدا حقرا از حق دار دریغ نمیدارد

اسموا الله واعدلوا م. اولادكم كما كمو. ا. سروك

از خدا بترسید و میان فرزندان خود بعدالت رفتار کنید همان طور که می‌خواهید با شما بنیکی رفتار کنند

اسموا دعوه المظلوم مانما كمر عر الممام سور الله تعالی و عربی و خلائی لابصرک و لو بعد ح.

از نفرین مظلوم بترسید زیرا نفرین وی بر ابرها می‌رود و خداوند می‌گوید بعزت و جلال من سوگند که ترا یاری میکنم اگر چه پس از مدتی باشد

سوا الكمر الحرام می السار. مانه اسام الحرام.

از استعمال سنگ حرام در ساختمان بهره‌یزید که مایه ویرانی است

اسموا مراسم الموم. مانه سطر سور الله عر و حر

از فراست مؤمن بترسید که چیزها را با نور خدا مینگرد





**اَسْمُوا السَّمَّ فَإِذَا السَّمُّ أَحْلَكَ مِمَّنْ كَانُوا مَبْلُوكَ وَكَلَمَهُ عَزَّ وَاسْتَكَلُوا كَارِصَهُ**

از بخل بهره‌زید زیرا که بخل پیشینیان را هلاک کرد و آنها را وادار کرد که بخون یک دیگر دست بیالایند و محارم خویش را حلال شمارند

**اَسْمُوا النَّارَ وَ لَوْ سَمَّ بَمَرَةٍ فَإِنَّ لَهَا كُدُومًا مَبْلُوكَهُ طَمَنَهُ**

از آتش بهره‌زید و گر چه بوسیله یک پاره خرما باشد و اگر ندارید بوسیله سخنی نیک

**اِسْمُ الْمَكَارِمِ بِكُمُ. اَعْبُدِ النَّاسَ وَ ارْصُمْ بِمَا مَسَّكَ اللهُ لَكُمُ. اَعْبَى النَّاسِ**

از چیزهای حرام بهره‌ز تا از همه کس عابدتر باشی و بقسمت خویش راضی باش تا از همه کس ثروتمندتر باشی

**اِسْمَى النَّاسِ مِمَّنْ مَالُ الْعَمَلِ مِمَّا لَهُ وَ عَلَيْهِ**

از همه مردم بهره‌زگارتر آن کس است که حق را بر نفع و ضرر خویش بگوید

**اَسْمُوا الدُّنْيَا مَوَالِدِيَّ نَفْسِي بَدَدَ اِنَا لَأَسْكُرُ مِمَّنْ حَارُو- وَ مَارُو-**

از دنیا بهره‌زید، قسم بآن کس که جان من در کف اوست که دنیا از هاروت و ماروت ساحرتر است

**اَسْمُوا اللهُ مِي السَّاءِ مَائِم. عَدَدَكُمُ عَوَائِر.**

در باره زنان از خدا بترسید که آنها پیش شما اسیرند

**اِسْمُ اللهِ حَيْثَمَا كُنْتُمْ وَ اَبْعِ السَّبِيحَةَ اَلْعَسِيحَةَ بِمَكْنَا وَ كَالِمِ النَّاسِ كَلِمَ حَسَم.**

هر کجا هستی از خدا بترس؛ به دنبال گناه کار نیک انجام بده تا آن را محو کند و با مردم خوش اخلاق و نیکو رفتار باش

**اَسْمُوا دَعْوَةَ الْمَطْلُومِ مَا نَا بَصْفَدِ اِلَى السَّمَاءِ كَانَا سَرَارَهُ**

از نفرین مظلوم بترسید که چون شعله آتش بر آسمان می‌رود



**اِئْتُوا دَعْوَةَ الْمَطْلُوفِ وَ اِنْ كَانِ كَامِرًا مَاتَا لِمِ دَوَسَا حَمَا۔**

از نفرین مظلوم بترسید اگر چه کافر باشد، زیرا در برابر نفرین مظلوم پرده و مانعی نیست

**اِئْتُوا اللَّهَ وَ اصْلَحُوا ذَا۔ سَكَم**

از خدا بترسید و میان خویش را اصلاح کنید

**اِئْتُوا الدَّسَا وَ اِئْتُوا السَّا مَا اِنَّمَا طَلَعَ رِصَادٌ وَ مَا حُو سِي مِمَّ مَكْرُوهٌ نَاوِمٌ لِّصِدِّهِ مِي الْاَلْسَا مِمَّ۔**

**السَّا**

از دنیا بترسید و از زنان بپرهیزید زیرا شیطان نگران و در کمین است و هیچ یک از دامهای وی برای صید پرهیزکاران مانند زنان مورد اطمینان نیست

**اِئْتُوا الطَّلِعَ مَا اِنَّمَا الطَّلِعَ طَلَمَا۔ نَوْمُ الْعَامَةِ**

از ستمگری بپرهیزید که ستمگری مایه تاریکی روز رستاخیز است

**اِئْتُوا صَاحِبَ النَّكَامِ كَمَا سَمِيَ السَّبْعَ اِذَا حَبَطَ وَ اِذَا مَا حَبَطُوا عَرَهُ**

از بیماری که بخوره مبتلا است بپرهیزید چنان که از شیر میگریزد اگر در دره ای فرود آمد شما در دره دیگر فرود آئید

**اِئْتُوا رِلَةَ الْعَالَمِ وَ اسْطُرُوا مَسَهُ**

از لغزش دانا بترسید و منتظر باز گشت وی باشید

**اَسَا اِلَّا كَاوِرٌ صَلَا نِعْمًا رَ وَسَعْمًا عَمَّا اِسْمُ مِمَّ مَوَالِهِ حَبِي رَحْعٌ وَ اِمْرَاهُ عَصَبٌ رَوْحًا حَبِي رَحْعٌ**

دو کسند که نمازشان از سرشان بالاتر نمیروند بنده ای که از آقایان خود گریخته باشد تا هنگامی که باز گردد و زنی که شوهر خود را نافرمانی کرده باشد تا باز گردد



اسا، لا سطر الله السم يوم الصامه فاطع الرحمه و خار السو

دو کس را خداوند روز قیامت بنظر رحمت نمی نگرد، آنکه با خویشان ببرد و آنکه با همسایه بدی کند

اسا، کر م. واحد و لانه کر م. اس. و ارفه کر م. لانه مملککم بالجماعه

دو تن از یکی بهتر و سه تن از دو تن برتر و چهار تن از سه تن نیکوتر است، همیشه با جماعت باشید

اسا، کر صما ام. اذ م الموم و الموم کر له م. الصه و کره مله المال و مله المال امر للعسا-

فرزند آدم از دو چیز بیزار است یکی مرگ در صورتی که مرگ برای او از فتنه بهتر است و کمی مال در صورتی که هر چه مال کمتر باشد حساب آن آسانتر است

اسا، مملکما الله می الدنيا البی و عوم الوالد.

دو چیز را خداوند در این جهان کیفر می دهد تعدی و ناسپاسی پدر و مادر

احسبوا العصر فانما معاصم کر سر

از شراب بگریزید که کلید همه بدیهاست

احسبوا الکر ما، الفد لا برال سکر حی نورا الله نهالی اکبوا عکدی صا می الامارم.

از تکبر بپرهیزید زیرا بنده همین که بتکبر خو گرفت خداوند می گوید این بنده را در شمار گردن کشان بشمار آرید

احسبوا کر مسکر

از هر چه مست میکند بپرهیزید

احسب الفص

از خشم بپرهیز

**احسبوا دعوا - المظلوم ما ساء و سوء الله حكا -**

از نفرین های مظلوم بترسید که میان آن و خدا حجابی نیست

**اخروك على مسد الله اخروك على النار**

هر کس از شما در خوردن قسم جدی جری تر است بجهنم نزدیکتر است

**ا. لكر ملك كفى و ا. كفى الله فى الارض كاره**

هر پادشاهی قرقى دارد و قرق خدا در زمین محرمات اوست

**اخلوا الله بهر لك**

خدا را ستایش کنید تا شما را بیامرزد

**اخذلوا فى طلب الدنيا ما. كلا مسر لما كس له منا**

در طلب دنیا معتدل باشید زیرا بهر کس هر چه قسمت اوست میرسد

**اخوع الاسم طالب العلم و اسمعك الدي لا سمعه**

از همه مردم گرسنه تر آن کس است که در پی دانش میرود و از همه مردم سیرتر آن کس است که طالب آن نیست

**احسبوا الداعى و لا تردوا الكفه و لا بصروا المسلم.**

دعوت را بپذیرید، هدیه را رد مکنید و مسلمانان را نزنید

**احر الاعمال الى الله الصلاه لومنا به بر الوالد. به العناد فى سبب الله**

بهترین کارها در نزد خدا نماز بوقت است آنگاه نیکی با پدر و مادر آنگاه جنگ در راه خدا

**احد البلاد الى الله مساعدا و انصم البلاد الى الله اسواما**

محبوبترین جای شهرها در پیش خدا مسجدهاست و منفورترین جای شهرها در پیش خدا بازارهاست

**احد الهات الى الله الانها الاكصا**

محبوبترین بندگان در پیش خدا پرهیزکاران گمنامند

**احد الاعمال الى الله ادومها و ابر مر**

محبوبترین کارها در پیش خدا کاریست که دوام آن بیشتر است اگر چه اندک باشد

**احد حسب حونا ما عسى ابر بكره نصبت حونا ما عسى ابر بكره حسبت**

بوما ما

در دوستی میانه نگهدار که شاید دوست روزی دشمن تو شود و در دشمنی راه افراط مسپار که شاید دشمن روزی دوست گردد

**احد للناس ما كبر لفسك بكره مومنا و احسن غاوره مبر خاور بكره مسلما**

آنچه برای خود می خواهی برای مردم بخواه تا مؤمن باشی و با همسایگان نیکی کن تا مسلمان باشی

**احد الاعمال الى الله مبر اطعمه مبر حوع او ذمعه مبر مفرما او كسف عنه كرا**

بهترین کارها در پیش خدا آنست که بینوائی را سیر کنند، یا قرض او را بپردازند یا زحمتی را از او دفع نمایند

**احد الاعمال الى الله بعد الهرايم اذكار السرور على المسلم**

بهترین کارها در پیش خدا بعد از ادای واجبات خوشحال کردن مرد مسلمان است

**احد الاعمال الى الله حفظ اللسان.**

بهترین کارها در پیش خدا نگه داری زبان است

**احد الاعمال الى الله العز من الله و المقصم من الله**

بهترین کارها در پیش خدا دوستی و دشمنی در راه خداست

**احد العباد الى الله كلمه هم نهار لاما حار**

بهترین جهادها در پیش خدا سخن حقی است که به پیشوای ستم کار گویند

**احد العباد الى الله**

در نظر من بهترین سخنان آنست که راست تر باشد

**احد الطعام الى الله ما كرم - عليه الاذى**

بهترین غذاها در پیش خدا آن است که گروهی بسیار بر آن بنشینند

**احد اللغو الى الله نهار العز و الرمی**

بهترین بازی ها در پیش خدا اسب دوانی و تیر اندازی است

**احد عباد الله الى الله احسنهم كلها**

بهترین بندگان در پیش خدا کسی است که خلقش نیکتر باشد

**احد الله نهار عبادا سمعا ادا باع و سمعا ادا اسرى و سمعا ادا مصى و سمعا ادا امصى**

خداوند بنده ای را که بهنگام خرید و بهنگام فروش و بهنگام پرداخت و بهنگام دریافت سهل انگار است دوست دارد

**احد عماى الله الى الله اسمع لهما ده**

از جمله بندگان آن کس پیش خدا محبوبتر است که برای بندگان خدا سودمندتر است

**احمد للناس ما كبر لهست**

آنچه برای خود میخواهی برای مردم بخواه

**احد بوبكم الى الله سب مه سم مكرم**

محبوبترین خانه های شما در نظر خدا خانه ایست که در آن یتیمی محترم باشد

**احرسوا من الناس سو الظم**

بوسیله بدگمانی از مردم در امان باشید

**احكار الطعام مکه الهاد**

احتکار خوردنیها در مکه کفر است

**احبوا الراى مى وجوه المداحم**

بر چهره ستایشگران خاک بیفشانید

**احذر ان ترى علك اثار المكسب و اسب كلو من ذلك منكسر مع المراسم**

مبادا آثار نیکان در تو نمودار باشد و نیک نباشی که در این صورت با ریاکاران محشور خواهی شد

**احذروا السعوه النعمه العالم كبر ان كلس اله**

از شهوت مخفی بپرهیزید شهوت مخفی آنست که دانشمند دوست دارد کسان در محضر وی بنشینند

**احذروا الهی مانه لیس م. عهوه حی احصر م. عهوه الهی**

از ستمگری بپرهیزید زیرا کیفری از کیفر ستمکاری آماده تر نیست

**احرم الناس اصطع للسط**

آنکه در فرو بردن خشم از دیگران پیشتر است از همه کس دوراندیش تر است

**احذروا رله العالم ما. رله بکبه می البار**

از لغزش عالم بپرهیزید که لغزش او در آتش نگونسارش خواهد کرد

**احسوا حوار نعم الله لا سرحا معلما رالب ع. موه مهاذ - السع**

قدر نعمتهای خدا را بدانید و آن را از خود مرانید زیرا کمتر ممکن است نعمتی از قومی زایل شود و پس آنان باز گردد

**احسوا اذا ولتم و اعوا عما ملکم**

وقتی فرمان روائی یافتید به نیکی گرائید و زیر دستان خود را ببخشید

**احص الله کده امام**

جانب خدا را نگهدار تا همیشه وی را روبرو بینی

**احص لساک**

زبان خویش را نگهدار

**احص ما س. لک و ما س. رخلک**



دهان و فرج خویش را نگهدار

### احفظ ود اسك لا يطمه مطفي الله نورك

دوستی پدر خویش را حفظ کن و رشته آن را مبر که خداوند نور تو را خاموش میکند

احفظ عورت الا م. روحك او ما ملكك من اذا كان الهوم بخصه م. بخص مال ا. اسطفه  
ا. لا ترسا احد ملا ترسا من اذا كان احدا كالتا مال الله احم ا. بسكي مه م. الاسم

عورت خویش را جز از همسر و کنیز خود مستور دار گفتند اگر کسان خویشاوندان یک دیگر باشند؟ گفت اگر توانستی که هیچ کس آن را نبیند بهتر است که نه بینند گفتند اگر یکی از ما تنها باشد گفت از خداوند بیش از مردم باید شرم کنند

### احذر الصدق و العزير لانا امي و حرم عر ذكورا

طلا و ابریشم بر زنان امت من حلال است و بر مردانشان حرام

احام عر امي م. بقدی لانا صلاله الاحوا و اناع السعوا- می البطور و الهروم و الهله بقد المعرمه

پس از خودم بر امتم از سه چیز بیم دارم، گمراهی هوسها و پیروی خواهشهای شکمها و فرجها و غفلت پس از معرفت

اصروا الاسم باكداسه ما. الرجز فاد. م. بكمه

مردم را از معاشرانشان بشناسید زیرا کند هم جنس با هم جنس پرواز

احد الامر السدیه سكر و مبول العاصی الرسوه كمر

هدیه گرفتن امیر نارواست و رشوه گرفتن قاضی کفر است

اکسر الناس صفة رجز احکم بکده می امله و له ساعده الایام علی امسه مکرمه م. الدنيا نهر راک و  
مده علی الله تعالی نهر حبه

زیانکارترین مردم آن کس است که که عمری بآرزو گذارند و روزگار وی را بمنظور نرساند و از دنیا بی توشه برون رود و در پیشگاه خداوند دلیلی نداشته باشد

اکسی ما کسر علی امی کر الطیر و مداومه النور و الکسر و صفة النهر.

بر امت خویش، بیشتر از هر چیز، از شکم پرستی و پر خوابی و بیکارگی و بی ایمانی بیمناکم

اکلصم دست کک الفلز م. الفمز

ایمان خویش را خالص کن که اندکی عبادت ترا کفایت کند

اکلصوا اعمالکم لله ما. الله لا نهر الا ما کلصم له

اعمال خویش را برای خداوند از روی اخلاص انجام دهید، زیرا خدا فقط کارهایی را میپذیرد که از روی اخلاص برای او انجام گرفته باشد

اکوف ما اکام علی امی کر مناعم علم اللسان.

بیش از هر چیز از منافقان دانا بر امت خود بیم دارم

اکوانکم حولکم حملکم الله مه کب اذکم مم. کار اکوه کب بده ملطعمه م. طعامه و لباسه

م. لباسه و لا بکله ما نهمه ما. کله ما نهمه ملهمه

بندگان شما برادران شما هستند که خداوند آنها را زیر دست شما قرار داده هر کسی برادر وی زیر دستش باشد باید از غذای خود بدو بخوراند و از لباس خویش بر او بیوشاند و کاری که بیش از طاقت وی باشد بدو رجوع نکند و اگر کار سختی بدو رجوع کرد یاریش کند

اکوف ما اکام علی امی العوی و طول الامر

بر امت خویش بیش از هر چیز از هوس و آرزوی دراز بیم دارم

اد ما امرصم الله تعالی علیک بکرم. امعد الناس و احسد ما حرم الله علیک بکرم. اورع الناس و  
ارصم بها مسمه الله لک بکرم. اعی الناس

واجبات خدا را بجای آر تا عابدترین مردم باشی، و از محرمات خدا بپرهیز تا پارساترین مردم باشی به قسمتی که خدا برای تو تعیین کرده  
راضی باش تا بی نیازترین مردم باشی

ادعوا الله و اسم مومنینا لاجابه و اعلموا ان الله لا یسخر دعا

خدا را بخوانید و باجابت دعای خود یقین داشته باشید و بدانید که خداوند دعا را از قلب غافل بیخبر نمیپذیرد

اد الامانه الی من اسمک و لا کم من کانت

با کسی که تو را امین میداند به امانت رفتار کن و با کسی که بتو خیانت کرده است خیانت مکن

ادبی رلی ماخسر. نادبی

خداوند مرا ادب آموخت و نیک آموخت

ادر و الحدود عن المسلمین ما استطعمنا. الامام لا یخطی فی الفهوه کر م. ان خطی فی الفهوه

تا آنجا که می توانید مجازات ها را از مسلمانان باز دارید زیرا اگر پیشوائی در بخشش خطا کند بهتر از آن است که در مجازات خطا کند

ادر و الحدود بالسبت و اصلوا الصرام عراسه الا می حد م. حدود الله

وقتی تردید پیش آمد مجازاتها را باز دارید و لغزشهای بزرگان را ببخشید مگر در کار حد و مجازات

ادبی انزل النار عذابا سمر سمل. م. نار سمر جماعه م. حراره سمله

از مردم جهنم آنکه عذابش از همه آسانتر است دو کفش آتشین بپا دارد که مغز وی از حرارت کفشهایش بجوش می آید

**اذا لی حکا - المو - بمرله مانه صربه بالسم**

آسانترین کفشهای مرگ مانند صد ضربت شمشیر است

**اذا ابرکله الی برکنا مانهوه حس. الوحه حس. الاسم**

وقتی قاصدی پیش من میفرستید نیک صورت و نیک اسم بفرستید

**اذا اسم المروم ما طلبوه عند حسار الوحوه**

اگر نیکی میخواهید آن را پیش نیکصورتان بجوئید

**اذا اسر احدکم بالهنا س. المسلم. ملا بصم و هو عصما. و لسو سعه می النظر و المکلم و ا لاساره**

اگر یکی از شما بکار قضاوت میان مسلمانان دچار شود باید به هنگام غضب از قضاوت خودداری کند و میان ارباب دعوی در نگاه و نشیمنگاه و اشاره تفاوتی نگذارد

**اذا الی علی نوه لا ارباد مه علما بربی الی الله تعالی ملا نورک لی می طلوع السمم ذلک النوه**

اگر روزی بر من بگذرد و در آن روز دانشی نیاموزم که مرا بخداوند نزدیک کند، طلوع آفتاب آن روز بر من مبارک مباد

**اذا الی احدکم کادمه بظفامه مد کاه علاحه و کانه ملکسه مبه ما. له کله مبه ملساوله اکل**

**او اکل.**

وقتی خادم شما غذائی می آورد که آن را تهیه کرده و دود آن را خورده باید وی را با خویشتن بنشانند و اگر او را نشانند یک یا دو لقمه باو بدهد

**اذا الی احدکم امله ملسر و لا سکرکار. کرک المرم.**

وقتی یکی از شما پیش کسان خود میرود خود را بپوشاند و مانند شتران برهنه نباشند

**اِذَا اَتَاكَ اللهُ مَالًا فَلِرَبِّهِ عِلَّةٌ وَ كِرَامَةٌ**

اگر خداوند چیزی بتو داد باید نشان نعمت و کرم وی در تو پدیدار شود

**اِذَا اَتَاكَ مِمَّنْ بَرَّصُوا كَلْبَهُ وَ كَسَبَهُ مَرْحُومًا اِنْ لَمْ يَهْلُوا بِكَ مِمَّنْ فِي الْاَرْضِ وَ مَسَادٌ عَرَبِيٌّ**

وقتی کسی که خلق و دین وی مایه رضایت است بخواستگاری می آید بوی زن بدهید و اگر چنین نکنید فتنه و فساد در زمین فراوان خواهد شد

**اِذَا اَتَاكَ السَّارِ مَصْفُومًا مِي بَدَهُ وَ لَوْ طَلَعًا فَرَمًا**

وقتی سائلی پیش شما آمد چیزی بدو بدهید اگر چه یک قطعه سم سوخته باشد

**اِذَا اَتَاكَ كَرْمٌ مَوْءٌ مَّا كَرْمُوهُ**

وقتی بزرگ طایفه ای پیش شما آمد او را بزرگ شمارید

**اِذَا اَبَى عَلَيْكَ خِرَابٌ اَبَى فَمَسْ. مَابِ فَمَسْ. وَ اِذَا اَبَى عَلَيْكَ خِرَابٌ اَبَى مَسِي مَابِ مَسِي**

اگر همسایگان ترا نیکوکار دانستند نیکوکاری و اگر همسایه گانت ترا بدکار شمردند بد کاری

**اِذَا اَجْمَعَ الْعَالَمُ وَ الْعَابِدُ عَرَّ الصِّرَاطِ مِزَّ لِلْعَابِدِ اَذْكُرُ الْعَمَلِ وَ نِعْمَ نِعْمَاتِكَ وَ مِزَّ لِلْعَالَمِ مِمَّنْ حَسَا**

**مَسْعٍ لِمَنْ اَحْسَبُ مَاكَ لَا سَمْعَ لَا حِدَّ اِلَّا سَمِعَ مَعَا مَعَا الْاَسَا**

وقتی عالم و عابد بر صراط اجتماع کنند بعباد گویند بهشت درآی و از عبادت خویش بهرمنند شو و بعالم گویند اینجا بایست و برای هر که میخواهی شفاعت کن زیرا هر که را شفاعت کنی شفاعت تو پذیرفته خواهد شد آنگاه عالم در صف پیغمبران میایستد

اذا اجمع الداعيا. ماخر امرسما نانا ما. امرسما نانا امرسما خوارا و ا. سيم احدسما ماخر الدي

سيم

وقتی دو کس ترا با هم دعوت کردند دعوت کسیرا که خانه اش نزدیکتر است بپذیر زیرا آنکه خانه اش نزدیکتر است در همسایگی مقدم است و اگر یکی زودتر دعوت کرده است دعوت او را بپذیر

اذا احر الله عبدك اسلاه و اذا احمه الله النافع امناه مالوا ما امساوه مال لا سر ك له مالا و لا ولدا

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد وی را مبتلا سازد و وقتی ویرا کاملا دوست دارد او را خاص خود سازد گفتند چگونه او را خاص خود میسازد گفت مال و فرزندی برای او باقی نمیگذارد

اذا احر الله عبدك كما نظر احدكم لمي سهمه الما

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد دنیا را از او منع میکند چنان که شما مریض خویش را از نوشیدن آب منع میکنید

اذا احر الله عبدك اسلاه لسمع بصره

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد ویرا مبتلا سازد تا تضرع او را بشنود

اذا احر الله عبدك مدم حبه مي ملو- الملاكه و اذا انهم الله عبدك مدم بفضه مي ملو-

الملاكه له بدمه مي ملو- الادمس.

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد دوستی ویرا در دل فرشتگان جای میدهد و وقتی بنده ای را دشمن دارد دشمنی او را در دل فرشتگان اندازد سپس آن را در دل آدمیان جای دهد،

اذا احر احدكم اياه ملقلمه مانه ابي مي الاله و ايس مي الموده

وقتی کسی آشنای خود را دوست دارد بدو خبر دهد که این کار موجب بقای الفت و دوام مودت است

اذا احسب رجلا فلا يهارة و لا نخاره و لا ساره و لا يسره احداهمسي ا. بوامي له عدوا صكر ك بها  
لسم منه صفرم ما سكر و سه

وقتی با کسی دوست شدی با او مجادله و رقابت مکن و بر او برتری مجو و از هیچ کس در باره او چیزی میپرس چه ممکن است به یکی از دشمنان او بر خوری و در باره وی سخن بخطا گوید و میان شما را تفرقه اندازد

اذا احسب ا. ب. بعلوا ما لله عد ره ماظروا ما سهه م. السا

وقتی بخواهید مقام بنده را در نظر خدا بدانید بنگرید که پشت سر او چه میگویند

اذا اراد الله بعد كرا سهه مي الكرم. و رحده مي الكسا و بصره عمونه

وقتی خداوند برای بنده ای نیکی خواهد ویرا در کار دین دانا و بدنیا بی اعتنا سازد و عیوب ویرا بدو بنمایاند

اذا اراد الله بعد كرا صر خواصه الاسم الله

وقتی خداوند برای بنده ای نیکی خواهد حاجت های مردم را در دست او قرار میدهد

اذا اراد الله بعد كرا عكر له الفعونه مي الكسا و اذا اراد الله بعد كرا السر امسك عنه بكنه حني

بوامي به نوم العمامه

وقتی خداوند برای بنده خویش نیکی خواهد کیفر او را در دنیا میدهد و وقتی برای او بد خواهد گناه وی را میگذارد که در روز رستاخیز کیفر دهد

اذا اراد الله بعد كرا صم له مهر مله و حمر منه العسر. و الصدوم و حمر مله واعنا لما سكر منه و

حمر مله سلما و لسانه صاكا ما و كلينه مسهيه و حمر اذبه سهه و عنه بصره

وقتی خداوند برای بنده ای خوبی خواهد قفل دل ویرا میگشاید و در آن ایمان و راستی قرار میدهد و قلب وی را نسبت برفتار او هوشیار میسازد دل وی را سلیم و زبانش را راستگو و اخلاقش را مستقیم و گوش ویرا شنوا و چشمش را بینا میسازد

**اذا اراد الله ناجر سر كرا مفسد مي الكرم و ومر صفره كسره و ررمه الرعم مي مفسد و الهصد مي مفسد و نصره عوبه صوبوا منا و اذا اراد الله عن ذلك تركه عملا**

وقتی خداوند برای مردم خانه ای نیکی خواهد آنان را در کار دین دانا سازد و خوردسالانشان سال خوردگانشان را محترم دارند مدارا در معیشت و اعتدال در خرج را نصیب آنها سازد و عیوبشان را بآنها بنمایاند تا از آن باز گردند و اگر برای آنها جز این خواهد بخودشان واگذارشان کند

**اذا اراد الله نعو كرا امد له مي الهمر و العمه السكر**

وقتی خداوند برای قومی نیکی خواهد عمرشان را دراز و زبانشان را بشکر باز کند

**اذا اراد الله نعو بها ررمه السماحه و الهام و اذا اراد نعو اعطاعا صم عليه با العناه**

وقتی خدا بخواد قومی را بزرگ کند آنها را صاحب عفت و گذشت میکند و وقتی بخواد قومی را منقرض سازد در خیانت را برویشان میگشاید

**اذا اراد الله نعو كرا ولي عليه خلما حه و مصي سبه علمانه و حمر المال مي سمعانه و اذا اراد نعو سرا ولي عليه سمعانه و مصي سبه خالعه و حمر المال مي كلاس**

وقتی خداوند برای قومی نیکی خواهد خردمندانشان را بر آنها فرمانروا سازد و دانشمندانشان میان آنها قضاوت کند و مال را بدست بخشندگان دهد و وقتی برای قومی بدی خواهد سفیهانشان را بر آنها فرمانروا سازد و نادانان میان آنها قضاوت کنند و مال را بدست بخیلانشان دهد

**اذا اراد الله ناجر سر كرا اذكر عليه الرعم**

وقتی خدا برای مردم خانه ای نیکی خواهد آنها را با مدارا قرین سازد



**اذا اراد الله يوم هو يوم حمز امرح الی مرصع**

وقتی خداوند برای مردمی بدی خواهد کارشان را بدست تجمل پرستان آنها می سپارد

**اذا اراد الله بفره حلا کا اطهر صعب الرا**

وقتی خدا بخواهد مردم قریه ای را نابود سازد زنا را در میان آنها پدید می آورد

**اذا اراد الله بعد کرا حمز له واعطا م. بعه نامره و سناه**

وقتی خدا برای بنده ای نیکی خواهد واعظی از نفس وی بر او گمارد که او را بکار نیک وادارد و از کار بد باز دارد

**اذا اراد الله بعد کرا طهره موز موه مالوا و ما طعور الهمد مال عمر صالحه بلعه اناه حی بصبه علیه**

وقتی خدا برای بنده ای نیکی خواهد او را پیش از مرگش پاک میکند گفتند پاکی بنده چگونه است گفت کار نیکی بدو الهام می کند تا جان وی را در اثنای انجام آن بگیرد

**اذا اراد الله بعد کرا عابه می صامه**

وقتی خداوند برای بنده ای نیکی خواهد او را در خواب عتاب کند

**اذا اراد الله بعد کرا عسله موز و ما عسله مال بعم له عملا صالحا موز موه له بصبه علیه**

وقتی خداوند برای بنده ای نیکی خواهد او را شیرین کند گفتند شیرینی او چگونه است گفت پیش از مرگش کار نیکی را پیش پای او میگذارد و در اثنای انجام آن جانش را میگیرد

**اذا اراد الله بعد کرا اسعمله موز و ما اسعمله مال بعم له عملا صالحا م. بعی موه حی برصی عه**

م. حوله

وقتی خداوند برای بنده ای نیکی خواهد او را بکار گیرد گفتند بکار گرفتن او چگونه است گفت نزدیک مرگ وی کار نیکی را پیش پایش میگذارد تا اطرافیانش را از او خشنود کند

**ادا اراک الله بعد کرا ررمع الرعم می معاسمه و ادا اراک بعد سرا ررمع العرم می معاسمه**

وقتی خداوند برای بندگان نیکی خواهد آنها را در کارهای زندگیشان با مدارا قرین سازد و هنگامی که برایشان بدی خواهد آنها را با زیاده روی همراه کند

**ادا اراک الله بالامر کرا حمز له ورر صدم ای سی ذکره و ای ذکر اعانه و ادا اراک نه عر  
دلک حمز له ورر سو ای سی له ذکره و ای ذکر له نهه**

وقتی خداوند برای امیر نیکی خواهد برای او وزیری راست و درست قرار میدهد که اگر چیزی را فراموش کرد یاد آوریش کند و اگر بیاد آورد در انجام آن یاریش کند و اگر برای او جز این خواهد برای او وزیر بدی قرار دهد که اگر چیزی را فراموش کرد یاد آوریش نکند و اگر بیاد آورد یاریش نکند

**ادا اراک الله بعد کرا حمز صانه و معروه می اجر العاط و ادا اراک الله بعد سرا حمز صانه و  
معروه می عر اجر العاط**

وقتی خدا برای کسی نیکی خواهد سر و کار او با مردم حقیقتش می افتد و موقعی که برای کسی بدی خواهد سر و کار او با مردم حق ناشناس می افتد

**ادا اراک الله بعد کرا حمز عناه می نهه و نهه می مله و ادا اراک بعد سرا حمز معره سر. عسه**

وقتی خدا برای کسی نیکی خواهد ثروتش را در روحش و تقوایش را در قلبش قرار میدهد و وقتی برای کسی بدی خواهد فقر را پیش چشم او جای میدهد

ادا اراد الله فهو سرا كسر مصاعبه و امر خالصه مادا بکلم اللهه و حد اعوانا و ادا بکلم الحاجز  
مصر و ادا اراد الله فهو سرا كسر خالصه و امر مصاعبه مادا بکلم الحاجز و حد اعوانا و ادا بکلم اللهه  
مصر

وقتی خدا برای قومی نیکی خواهد دانایان آنها را زیاد و نادانها ایشان را کم کند تا هنگامی که دانا سخن گوید یاریش کنند و موقعی که نادان لب گشاید مغلوب گردد و وقتی برای قومی بد خواهد نادان هایشان را زیاد و دانایان آنها را کم کند تا هنگامی که نادان لب گشاید یاریش کنند و وقتی دانا سخن گوید مغلوب گردد

ادا اراد الله ان يوسع عبدا اعنى عليه العسر

وقتی خداوند خواهد بنده ای را از پا درآورد راههای چاره را بر او ببندد

ادا اراد الله كلم سي له نصفه سي

وقتی خدا بخواهد چیزی را بیافریند چیزی مانع او نمیشود

ادا اراد الله مبصم عبد بارصم حمز له مسا حاحه

وقتی خداوند بخواهد بنده ای را در سرزمینی بمیراند برای وی در آنجا حاجتی پدید می آورد

ادا اراد الله تعالى اناك مصابه و مكره سله ذوى الفصول عهولعه حى بعد مسه مصاوه و مكره مادا

مصى امره رذ السع عهولعه و ومهر الكداهه

وقتی خدا بخواهد قضا و قدر خویش را اجرا کند عقل صاحب خردان را میگیرد و قضای خویش را در باره آنها جاری میسازد، وقتی فرمان وی انجام گرفت عقولشان را باز پس میدهد و پشیمانی رخ میدهد

ادا اراد احدكم ان يسع عماره ملنمره على حاره

وقتی کسی بخواهد خانه یا ملک خویش را بفروشد باید نخست به همسایه خویش پیشنهاد کند

**اذا ارد - امرأ مملک بالودع حی برک الله مه المکره**

وقتی خواستی کاری را انجام دهی تأمل کن تا خدا راه آن را بتو نشان دهد

**اذا ارد - اے کس الله مامصم الدسا و اذا ارد - اے کس الناس معا کار عدد م. مصولنا  
مامصه السع**

اگر میخواهی خدا ترا دوست دارد دنیا را دشمن دار و اگر می خواهی مردم ترا دوست دارند آنچه از زواید دنیا داری پیش آن ها بریز

**اذا ارد - اے همز امرأ مکر عامسه ما کار کرا مامصه و اے کار سرا مامه**

وقتی در کاری تصمیم میگیری در نتیجه آن بیندیش اگر نتیجه نیک است آن کار را انجام بده و اگر بد است از آن در گذر

**اذا ارد - اے بکر عو - عرد ماکر عو - بسد**

وقتی میخواهی عیوب دیگران را یاد کنی عیوب خویش را بیاد آر

**اذا اساء ماحسب.**

وقتی بدی کردی، بدی را بنیکی محو کن

**اذا اساحر احدکم احرا ملنلمه اخره**

وقتی یکی از شما کسیرا مزدور می کند مزدش را باو بگوید

**اذا اسسار احدکم اکاه ملسر علیه**

وقتی یکی از شما با برادر خود مشورت می کند وی باید رأی خود را صریح بگوید

ادا اسباط السلطان سلط السطان.

وقتی سلطان بغضب آید شیطان تسلط یابد

ادا اسفطر - المراه مصر - عز الهوم لیکدوا رکنا می راه

اگر زنی خود را معطر کند و بر مردمی بگذرد که بوی او را دریابند زناکار است

ادا اسکم فاساکوا عرصا

وقتی مسواک می کنید مسواک را بعرض دهان بکشید

ادا اساء فاحس. فاء العساء بدحم الساء

وقتی بدی کردی بدنبال آن نیکی کن که نیکی ها بدیها را محو می کند

ادا اسد کل النوع مفلک برعمف و خر م. ما الهرام و مز عز الدسا و احلنا می الدمار

وقتی گرسنگی سخت شد نانی و جرعه آبی برگیر و جهان و هر چه در آنست گو مباش

ادا اسکی الهوم. اخلصه م. الدبو - کما کلصم الکتر کس الددد

مصیبتی که بر مؤمن وارد می شود او را از گناهان پاک می کند چنان که کوره کثافت آهن را پاک میسازد

ادا اصم ام. ادم فاء الاعصا کلنا بصر اللسا. مفعول اتم الله منا ما ما ک. فاء اسفم اسفما

و ا. اعو حکم اعو حکما

وقتی صبح فرا رسد همه اعضای تن در مقابل زبان تعظیم کنند و گویند در باره ما از خدا بترس زیرا صلاح کار ما بتو وابسته است، اگر باستقامت گرائیدی ما نیز باستقامت گرائیم و اگر بکجی متمایل شدی ما نیز کج شویم

اذا اعطى الله احدكم كراما فليدع نفسه و احز سه

وقتی خدا بیکى از شما چیزی داد در صرف آن از خود و کسان خود آغاز کند

اذا الهى المسلمان سمنما من احدنا صاحبه فالعاب و المصوم في النار من با رسول الله صدا العابر مما

بال المصوم مال انه كان حربنا على من صاحبه

وقتی دو مسلمان شمشیر بدست با یک دیگر روبرو شوند و یکی از آنها دیگری را بکشد قاتل و مقتول به جهنم میروند، گفتند ای پیغمبر خدا قاتل بجای خود مقتول چرا گفت برای آنکه او نیز بکشتن دیگری راغب بود

اذا الهى الله في قلب امر خطبه امراه فلا باسم ان سطر العبا

وقتی خداوند خواستگاری زنی را بدل کسی انداخته باشد مانعی نیست که او را بنگرد

اذا ام احدكم النام ملهف ما من الصبر و الصبر و المرصم و ذا العاهه و اذا

صبر لنفسه ملطول ما سا

وقتی کسی در نماز پیشوای مردم شد نماز را سبک گیرد که در میان کسان کوچک و بزرگ و بیمار و ناتوان و حاجتمند هست و هر وقت برای خود نماز گذارد هر چه خواهد طول دهد

اذا باب المراه باخره مراسم روحنا لهنا الهلاكه حى بصبر

وقتی زنی دور از بستر شوهر خود شب را بروز آورد فرشتگان تا صبح او را لعنت کنند

اذا بطيب المراه لمر روحنا مانها هو نار و سبار

وقتی زنی برای کسی جز شوهر خود بوی خوش بکار برد مایه آتش و عار است

اذا بار - الرما - الهى المو - صبار امى كما سى احدكم صبار الرطر م. الطعم

وقتی آخر زمان فرا رسد مرگ نیکان امت مرا گلچین می کند چنان که شما خرماهای خوب را از طبق انتخاب می کنید

**اذا هی احدکم ملطرا ما هی ماهه لا یندری ما کسر له من امسه**

وقتی کسی آرزوئی میکند مراقب باشد که چه آرزو می کند زیرا نمیداند که از آرزوی وی در نامه اعمال چه مینویسند

**اذا لم یصور الهمد ملک عسه منکی سما می سا**

وقتی بد کاری بنده کمال یابد چشمانش در اختیار او باشد و هر وقت بخواهد گریه آغاز کند

**اذا حاکم الرابر ما کرموه**

وقتی کسی بملاقات شما آمد ویرا گرامی دارید

**اذا حاکم الاکما ما کومح. و لا یرصوا سم. الکنار.**

وقتی اشخاص همشأن بخواستگاری پیش شما آمدند دختران خود را بشوهر بدهید و در کار آنها منتظر حوادث مباشید

**اذا جا الموم - نطالب الهمه ما - و هو سمد**

وقتی مرگ طالب علم فرا رسد شهید میمیرد

**اذا جامع احدکم روحه او خاربه فلا سطر الی مرحما ما. ذلک نور - الهمی**

وقتی یکی از شما با همسر یا مملوک خویش نزدیک شود بفرج او ننگرد که مایه کوری است

**اذا حاکم می بسک سی مدعه**

وقتی دل تو از کاری چرکین است از آن چشم بپوش

**اذا حد - الرحر کدر به الهمه می اماه**

وقتی مردی سخنی گفت و به اطراف خود نگریست آن سخن در پیش شما امانت است

**اذا حم الرح مال م. عر حله مال است الله لا است و لا سهدك صا مردود  
علك**

وقتی کسی با مالی که حلال نیست بحج رود هنگامی که گوید لبیک خدا یا لبیک، خدا گوید نه لبیک و نه سعدیک این ها به تو باز میگردد

**اذا حسدك ملا سها و اذا طسم ملا كسها و اذا ورم مارحوا**

وقتی دچار حسد شدید تعدی نکنید و وقتی گمان بردید آن را حقیقت میپندارید و وقتی چیزی را وزن میکنید چیزی بر آن بیفزائید

**اذا حکم ماعدلوا و اذا علم ما حسوا مار الله كس. كبر المكسر.**

وقتی حکم می کنید به عدل رفتار کنید و وقتی سخن میگوئید نیک گوئید زیرا خدا نیک است و نیکوکاران را دوست دارد

**اذا قام الله الحمد اصام الله مه كز سی و اذا لم كلف الحمد الله اصامه الله م. كز سی**

وقتی بنده از خدای بترسد خداوند همه چیز را از او بترساند و اگر بنده از خدای بترسد خداوند او را از همه چیز بترساند

**اذا قطر احدكم المراه و هو كصير بالسواك ملنملما انه كصير**

اگر کسی زنی را خواستگاری کرد و موی خود را رنگ میندود باید بدو خبر دهد که موی خود را رنگ می بندد

**اذا كسر العطسه لا بصر الا صاحبا و اذا طعمه مله بصر صر- الغامه**

وقتی گناهی مخفی بماند بجز گنهکار کسی را ضرر نمیرساند و اگر آشکار شود و از آن جلوگیری نکنند برای همه مردم زیان دارد

**اذا ذكر الصيف عر الهوم ذكر برمه و اذا كرم كرمه سمعه كيوسم**

وقتی میهمانی بر کسان در آید روزی خود را همراه می آورد و وقتی برون رود با آمرزش گناهان آنها برون رود



اذا راب م. اصب لا - كصا مارحه العا و الامانه و الصدم و اذا له برجا ملا برحه

وقتی در برادر خود سه صفت دیدی بدو امیدوار باش، حیا و امانت و راستی و اگر این صفات را ندارد از او امیدی نداشته باش

اذا رای احدكم م. بسه او ماله او م. اصبه ما بعبه ملدع له بالركه ما. المص. خم

وقتی یکی از شما از خود یا مال خود یا برادر خود چیز جالب توجهی دید برای وی بدعا برکت خواهد زیرا چشم حق است

اذا راب الناس مد مرخ عودع و كمر اماماسه و كانوا كدا و سب م. امامله مالرم

سب و املك علك لساب و كد ما بفرم و دغ ما بكر و علك خاصه امر بسب و دغ علك

امر العامه

وقتی دیدی که مردم پیمان هایشان سست شده و امانتشان سبکی گرفته و چنین شده اند و انگشتان خود را از هم باز کرد در خانه خود بنشین و زبان خویش را نگهدار و آنچه را میشناسی بگیر و آنچه را نمی شناسی رها کن؛ بکار خویش مشغول باش و از کار مردم کناره گیر

اذا راب الامر لا بسطهمو. بصره فاصروا حی بكو. الله هو الادی بصره

وقتی دیدید نمی توانید چیزی را تغییر دهید صبر کنید تا خدا آن را تغییر دهد

اذا راب احد النوع و البكر مادبوا مسع ما. الكمه كرى عز السبع

وقتی اهل گرسنگی و تفکر را دیدید بآنها نزدیک شوید زیرا حکمت بر زبان آنها جاری می شود

اذا راب احد النلا ماسالوا الله العامه

وقتی اهل بلا را دیدید از خداوند طلب عافیت کنید

اذا راب المكد الم الله نه الفهر و المرص ما. الله برید ا. بصابه

وقتی دیدید خداوند فقر و مرض را بر بنده ای فرود آورد میخواهد او را تصفیه کند

**اذا ربي القصد حرمه انا لاناها مكارا عر راسه كالطله مادا املع رجع الله**

وقتی بنده ای زنا کند ایمان از او بیرون رود و چون سایه ای بر سرش بایستد و هنگامی که از آن دست بردارد باز میگردد

**اذا سبت رجز ما نعلم منك ملا نسه ما نعلم منه مكارا اخر ذلك لك و وباله عليه**

اگر کسی ترا بدان چه از تو می داند دشنام گوید تو بدان چه از او میدانی ویرا دشنام مگوی تا اجر این کار نصیب تو شود و وبال آن بدو باز گردد

**اذا سرت حسرت و سارت سسك فابت موم.**

اگر از کار نیک خود خوشحال و از کار بد خود دلگیر میشوی مؤمن هستی

**اذا سمع كبر رال ع. مكاه مصدموا و اذا سمع رجز رال ع. كلفه ملا بصدموا ماه بصر الی ما**

**خبر عليه**

اگر شنیدید کوهی از جای خود تکان خورده باور کنید و اگر شنیدید کسی از خوی خویش دست بر داشته باور مکنید زیرا عاقبت به فطرت خویش باز میگردد

**اذا سمر المسلم عر احبه سلا حا ملا نرال ملا نكه الله تعالى نلمه حی نسمه عه**

وقتی مسلمانی بروی برادر خود شمشیر کشد فرشتگان او را لعنت کنند تا هنگامی که شمشیر را در غلاف کند

**اذا طلب احدكم م. احبه حاحه ملا نداداه بالمدهه مطع طعره**

اگر کسی از برادر خویش حاجتی میخواهد گفتار خود را با مدح آغاز نکند و پشت او را گران بار نکند

**اذا طهر الرنا و الرنا می مره ممد اخلوا بانسعه عدا- الله**

وقتی زنا کاری و ربا خواری در دهکده ای آشکار شود مردم آن عذاب خدا را بخود خریده اند

**ادا طبر - الفاحسه كاس الرحه و ادا حار الكاه من المطر و ادا عذر باجر الكمه طبر الهدو**

وقتی زنا رواج گیرد زلزله پیدا شود، وقتی حاکمان ستم کنند باران کم شود و وقتی که با ذمیان خیانت شود دشمنان چیره شوند

**ادا علم العالم مله همز کار كالمصنام بصی للناسم و كرم هسه**

دانشمندی که بداند و بکار نبندد مانند چراغ است که مردم را روشن کند و خود را بسوزد

**ادا عمر احدك عملا ملهسه**

هر کس کاری میکند باید آن را خوب انجام دهد

**ادا عملر سهه فاحد - عدا نوبه السر بالسر و الفلاسه بالفلاسه**

وقتی کار بدی از تو سر زد از آن توبه کن برای گناه نهانی توبه نهانی و برای گناه آشکار توبه آشکار

**ادا عملر العطسه می الارصم کار م. سدا مکرصا کم. عا - عا و م. عا - عا مرصعا کار.**

**کم. سدا**

وقتی گناهی در زمین رخ دهد کسی که آن را دیده ولی از آن متنفر است، مانند کسیست که آن را ندیده و کسی که آن را ندیده ولی از آن راضیست مانند کسیست که آن را دیده باشد

**ادا عصر احدك و کار ماها ملهسد و ا. کار ماعدنا ملصطع**

وقتی یکی از شما خشمگین شود اگر ایستاده است بنشیند و اگر نشسته است بخوابد

**ادا عصر ماسکر**

وقتی خشمگین شدی خاموش باش

اذا مال المرء لروحها ما راب من كرا مط مهد حبط عملها

وقتی زنی بشوهر خود گوید از تو خیری ندیدم اعمال نیکش بی اثر می شود

اذا مدر - علی عدو - ما حمر الفهو سكره للهدره علیه

وقتی بر دشمن خود قدرت یافتی بشکرانه قدرت از او در گذر

اذا مدد احدكم من سمر ملهده مهه سده و لو بلی می گلا نه حکرا

وقتی کسی از سفری می آید ارمغانی با خود بیاورد اگر چه سنگی در توبره خود بیندازد

اذا مصر المد می الهمر اسلاه الله تعالی بالمد

وقتی بنده ای در عمل کوتاهی کند خداوند او را بغم مبتلا سازد

اذا کار اسار ساحار ملا بکر سما

وقتی دو تن آهسته سخن می گویند میان آنها داخل مشو

اذا کار عدد ما بصد ملا بطل ما بطفد

اگر چیزی که مایه کفایت باشد در دسترس داری در جستجوی آنچه ترا بطغیان وامیدارد مباش

اذا کاب امر اوک کبارک و اعساوک سمک و امورک سورى سک مطر الارص

کر لکم من بطبا و اذا کاب امر اوک اسرارک و اعساوک کلا کم و امورک الی سا کم

مطر الارص کر لکم من طرعا

وقتی امرای شما نیکان شما باشند و ثروت مندانشما بخشندگان باشند و کارها میان شما بمشورت انجام گیرد پشت زمین از شکم آن برای شما بهتر است و وقتی امرای شما اشرار شما و ثروتمندان شما بخیلان باشند و کارهای شما به دست زنان افتد شکم زمین برای شما بهتر از پشت آنست

**اذا كان يوم الصامه ناضي صا م. عمر عملا لمر الله ملطوب بوانه م. عمله له**

وقتی روز رستاخیز در آید بانگزی بانگ میزند که هر کس کاری برای غیر خدا انجام داده پاداش خود را از آن کس که برای او کار کرده بگیرد

**اذا كان عبد الرحمن امر ابا. مله بعدل سبما جا يوم الصامه و سه سامط**

وقتی مردی دو زن داشته باشد و میان آنها بعدالت رفتار نکند روز رستاخیز یک نیمه او افتاده است

**اذا كانوا لانه ملا ساجي اسار. ذور. النال**

وقتی سه تن باهمند دوتاشان آهسته با هم سخن نگویند

**اذا صم لانه ملا ساجي رحلا. ذور. الاصر حي ملطوا بالناس ما. ذلک کره**

وقتی سه تن باهمید دو تن از شما با هم آهسته سخن نگویند، تا با دیگران مخلوط شوید زیرا این کار ویرا غمگین می کند

**اذا صر - ذور - الهد مله بصر. له م. الهمز ما بصر ما اسلاه الله بالعر. لصر ما عنه**

وقتی گناهان بنده فزونی گیرد و کار نیک آنقدر نداشته باشد که گناهان را جبران کند خداوند او را بغم مبتلا سازد تا گناهانش را جبران کند

**اذا له سبكي فاصع ما سب**

وقتی حیا نداری هر کار می خواهی بکن

**اذا ما - ا لاسار. اسطع عمله الا م. لا - صدمه خاربه او علم سبوع به او ولد صالحه بدمو له**

وقتی انسان بمیرد دنباله کارهای نیک او بریده شود جز سه چیز صدقه جاری و دانشی که کسان از آن بهره ور شوند و فرزند درست کاری که برای او دعا کند

**اذا ما ولد الحمد لله تعالى لهلاكه مبصم ولد عبدی معلول. بعد معلول ما ذا مال عبدی معلول. حمد و اسرج معلول الله اسوا لهدی سا می الهه و سموه سر الحمد**

وقتی فرزند بنده ای بمیرد خداوند بفرشتگان گوید فرزند بنده مرا گرفتید؟ گویند آری گوید بنده من چه گفت؟ گویند ترا سپاس گذاشت و گفت همه ما متعلق به خدا هستیم و بسوی او باز میگردیم خداوند گوید برای بنده من خانه ای در بهشت بسازید و آن را «خانه سپاسگزاری» نام نهید

**اذا ما صاحبك مدعوه لا نفوا مه**

وقتی کسی بمیرد ویرا بگذارید و از او بد نگوئید

**اذا ما الحمد مال الناس ما كلم و مال الهلاكه ما مدم**

وقتی بنده ای بمیرد مردم گویند چه بجا گذاشت و فرشتگان گویند چه همراه آورد؟

**اذا نظر احدك الى م. مصر عليه می الهال و العلم ملطر الى م. هو اسهر مه**

وقتی کسی را که در مال و جمال از شما پیش است مینگرید بکسی که از شما پست تر است نیز نظری بیفکنید

**اذا سمع نامر ماسكر ربك مه سبع مرا- له انظر الى الذي سيم الى ملك ما. العره مه**

وقتی بکاری تصمیم گرفتی هفت بار استخاره کن سپس بنگر دل تو به کدام طرف نگران است زیرا نیکی در آن است

**اذا وجد احدك لاه بصنا می سهه ملدكره له**

اگر کسی نصیحتی برای برادر خود در خاطر می باید باو یاد آوری کند

اذا وسد الامر الى عر احله فاسطر الساعه

وقتی کار را بدست ناهلان سپارند منتظر رستاخیز باش

اذا ومع في الرجز و اس في ملا مصر للرجز ناصرا و للعود راحرا و مع عسع

وقتی در انجمنی که تو هستی در باره مردی بد میگویند آن مرد را یاری کن و آن گروه را از بد گوئی باز دار و از آنجا برخیز

اذكر الله مانه عو. لك عر ما نطلب

خداوند را یاد کن زیرا او در کارها یاور تو است

اذكروا قاسم. موناك و صوا عم. مساويع

نیکی های مردگان خود را یاد کنید و از بدیهایشان چشم بپوشید

اذل الناس م. احار الناس

خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار شمارد

اربع ادا ك. صك ملا عليك ما مات م. الدنيا صدم العذب و حفظ الامانه و حس. الكلم و عهه

مطعم

چهار چیز است که اگر داری بر آنچه نداری غم مخور: راستی گفتار و حفظ امانت و نیکی خلق و عفت در کار خوراک

اربعه مللعا كسر الفهر و الوجود و الهداوه و النار

چهار چیز است که اندک آن بسیار است بینوائی و درد و دشمنی و آتش

اربعه بمفصصه الله تعالى الساعه الكلام و الفهر المعال و السم الرابي و الامام العار

چهار کس را خداوند دشمن دارد، فروشنده قسم خور، فقیر متکبر و پیر زنا کار و پیشوای ستمگر

**اربع حم عن الله تعالیٰ ا. لا یصلیٰ الله و لا یتصم بما یدم. حم و اکر الربا و اکر مال السم  
هر حم و الفام لوالده**

چهار کس را خداوند بی‌هشت درنیارد و از نعیم آن نچشانند، شرابخوار و رباخوار و آن کس که مال یتیم بناحق خورد و آن کس که پدر و مادر از او ناخشنود باشند

**اربع حصال م. السع حموک الم. و مساوه اللب و بعد الامر و حر البعا**

چهار چیز نشان بدبختی است خشکی چشم و سختی دل و آرزوی دراز و حب بقا (بیش از حد لزوم)

**اربع لا یکر سا واحده مسا الا کر. و له همم بالکره العناه و السرهم و سر. العصر و الربا**

چهار چیز است که هر یک از آنها در خانه ای در آید خراب شود و ببرکت آباد نگردد، خیانت و دزدی و شرابخواری و زنا

**اربع م. سفاذه المر ا. یکر. روحه صالحه و اولاده ارارا و کلطاوه صالحه. و ا. یکر. ررمه می بلده**

چهار چیز نشان خوشبختی مرد است، زنش پارسا باشد و فرزندانش نیکوکار باشند، و معاشرانش صالح باشند و روزی خویش را در شهر خود بدست آورد

**اربع م. ک. مه حرمه الله تعالیٰ عن النار و عصمه م. السطار م. ملک یسه حم. برعب و حم. برحب و حم.**

**سعی و حم. یصبر**

چهار چیز است که هر که دارد خدایش بر آتش حرام و از شیطان حراست کند آنکه بهنگام رغبت و هنگام بیم و وقت شهوت و موقع غضب عنان خویش از کف نگذارد





اربع م. اعطيم. مهد اعطى حر الدنيا و الاكره لسا. ذاكر و ملت ساكر و بكر. عر البلا صار و  
روحه لا يمهه كونا مي يهسا و لا ماله

چهار چیز است که هر کس از آن بهره دارد از نیکی دو جهان بهره ور است، زبانی که یاد خدا کند و قلبی که سپاس پروردگار گذارد و تنی که بر بلا صبور باشد و زنی که بناموس و مال وی خیانت نکند

اربی الربا سم الاعراض و اسد السم النکا و الراونه احد السامم.

بدترین رباها ناسزائی است که در باره عرض کسان گویند و سخت ترین ناسزاهای هجو است و کسی که هجا را نقل کند یکی از ناسزا گوینان است

ارحم م. می الارض برحم م. می السما

بآنها که در زمینند رحم کن تا آنکه در آسمان است بر تو رحم کند

ارحموا عربرا ذل و عبا امصر و عالما صاع م. خنال

بر سه کس رحم کنید، عزیزی که خوار شده و ثروتمندی که فقیر گشته و دانشمندی که میان جاهلان گمنام مانده

ارحموا برحموا و اعروا بهر لکم

کسان را رحم کنید تا بشما رحم کنند دیگران را ببخشید تا بخشیده شوید

ارموا السکم ع. المسلم. و اذا ما- احد مسمه ممولوا منه کرا

زبان خود را از بد گوئی مسلمانان باز دارید، اگر کسی مرد در باره او بنیکی سخن گوئید

ارماکم ارماکم ماطعموهم ما ناکلو. و السوهم ما یلبسوا. و ا. حاوا بکب لا یرکوا. ا. بهروه

مسفوا عباد الله و لا یفکروهم

بندگان خود را رعایت کنید هر چه میخورید بآنها بخورانید و هر چه می پوشید بآن ها بپوشانید و اگر گناهی کردند که نمیخواهید ببخشید آنها را بفروشید و عذابشان ندهید

**ارفاوڪه اڪوانڪه ماخسوا النعمه اسفموسومع على ما علمك و اعسومع على ما علمك**

بندگان شما برادران شما هستند با آنها نیکی کنید آنها را در کارهای مشکل خود بکمک گیرید و آنها را در کارهای مشکل کمک کنید

**ارموا و اركموا و ا. برموا اخر الى م. ا. برکموا كرسى نلعونه الرخز ناظر الا رمى الرخز نفوسه او ناخسه مرسه او ملاعبه امرانه ماسم. م. النعم و م. برک الرمى بعد ما علمه بعد كسر الذى علمه**

تیر اندازی کنید و سواری کنید اگر تیراندازی کنید بیشتر دوست دارم که سواری کنید هر چیزی که مرد بدان سر گرم شود بیهوده است جز آنکه مردی با کمان خود تیر اندازد یا اسب خود را تربیت کند یا با زن خود بازی کند همه اینها حق است و هر کس تیراندازی آموزد و آن را ترک کند حق معلم خود را ادا نکرده است

**ارمد مى الدنيا كى الله و ارمدم صما مى اىدى الناس كى الناس**

از دنیا چشم بپوش تا خدا ترا دوست دارد و از آنچه در دست مردم است چشم بپوش تا مردم ترا دوست دارند

**ارمد الناس مى العالم احله و حراهه**

کسان و همسایگان مرد دانشمند از همه مردم نسبت باو بی رغبت ترند

**ارمد الناس م. له سم الهى و الا و برک امصر ربه الدنيا و ارم ما بهى على ما بهى و له بعد عدا م. انامه و عد بهسه مى المولى**

زاهدترین مردم آن کس است که قبر و بلا را فراموش نکند و از بهترین زینت دنیا چشم بپوشد و نعمت باقی را بر نعمت فانی ترجیح دهد و فردا را از عمر خویش حساب نکند و خود را در ردیف مردگان بشمارد

**اسنمام المهروم كرم م. اسدانه**

انجام دادن کار نیک بهتر از آغاز کردن آنست

اسکى م. **الله** اسکى م. ر حلم. م. صالحى عسرت

از خدا مانند دو تن از خویشان صالح خود شرمگین باش

اسکنوا م. **الله** تعالی حم العنا م. **الله** مسه سکة اکلما مة سکة اررامکة

از خداوند چنان که باید آزرده داشته باشید زیرا خداوند اخلاق شما را نیز مانند روزیتان میان شما تقسیم کرده است

اسکنوا م. **الله** حم العنا م. اسکى م. **الله** حم العنا ملکعط الراس و ما و عى و لکعط البطم. و ما حوى و  
لکصر الموم و النلا و م. اراک الاکره برک ربه العنا الکسا مم. ممز ذک مة اسکى م. **الله** حم  
العنا

از خداوند چنان که شایسته است شرم کنید، هر که از خدا چنان که شاید شرم کند سر و اعضای آن را از گناه نگهدارد و شکم متعلقات آن را از ناروا حفظ کند و مرگ و بلا را بخاطر داشته باشد و هر که نعیم آن جهان را خواهد زینت این جهان را ترک کند و هر که چنین کند از خدا چنان که باید شرم کرده است

اسرسدوا الفامر برسدوا و لا یفصوه مسدوا

از خردمند رهبری جوئید تا براه راست برسید و وی را نافرمانی نکنید که پشیمانی برید

اسسد للوم مبر رول الموم

پیش از آنکه مرگ درآید برای آن آماده باش

اسسدوا بالله م. سر خار المهاد م. خار المسامر ادا سا ا. برانز رانز

از شر همسایه مقیم، بخدا پناه برید زیرا همسایه مسافر اگر خواهد از او بر کنار شود، بر کنار شود

**اسمعدوا بالله م. الفهر و الفله و م. ا. نطلموا او نطلموا**

بخدا پناه برید از فقر و عیالمندی و اینکه ظلم کنید یا تحمل ظلم کنید

**اسمعدوا بالله م. سرار السا و کوبوا م. کارحم. می حدر**

از زنان بد بخدا پناه برید و از نیکانشان بهره‌یزید

**اسمعدوا بالله م. الف. ما. الف. حم**

از چشم بد بخدا پناه برید زیرا چشم حق است

**اسمفوا علی امورکم بالصفا. ما. کر دی بعه فسود**

بوسیله پرده پوشی بر انجام کارهای خود یاری جوئید زیرا هر که نعمتی دارد محسود کسانست

**اسمفوا علی السا بالفری ما. احصام. ادا کر- سانا و احسب رسنا اعکنا الکرومه**

از بی لباسی برای نگهداری زنان کمک جوئید زیرا زن وقتی لباس فراوان و زینت کامل دارد مایل به بیرون رفتن است

**اسمفوا ع. الناس و لو سوصم السواد**

از مردم بی نیاز باشید و یک قطعه چوب مسواک هم از آن‌ها نخواهید

**اسمف بسم و ا. اما المصوا.**

نیکی و بدی چیزها را از دل خویش بپرس، دیگران هر چه میخواهند بگویند

**اسمف و لکم. کلک للناس**

استوار باش و رفتار خویش را در باره مردم نیک ساز

## استمعوا و بما ااسمع

استوار باشید و چه نیکست که استوار باشید

استوصوا بالنسا کرا ما المراه کله م. صلح اعوم و ا. اعوم سی می الصلح اعلاه ما. کحسب سعه  
کسره و ا. برکه له بر اعوم ماستوصوا بالنسا کرا

با زنان بنیکی رفتار کنید زیرا زن از دنده کج خلق شده است و در دنده آنچه کجتر است بالاتر است و اگر بخواهید راستش کنید آن را می  
شکنید و اگر رهاش کنید کج میماند پس با زنان بنیکی رفتار کنید

## اسووا و لا کلهوا مکلف ملوک

با یک دیگر برابر شوید و مختلف مشوید تا دلهایتان مختلف نشود

## اسووا سو ملوک و ماسوا برافوا

با یک دیگر برابر شوید تا دلهایتان برابر شود و با یک دیگر آمیزش کنید تا بهم رحم کنید

## اسد الاعمال لانه ذکر الله عز کر حال و ا لانصاف م. سسک و مواساه الامر می المال

استوارترین کارها سه چیز است یاد خداوند در همه حال و رعایت انصاف بر ضرر خویش و تقسیم مال با برادر دینی

## اسرع العر نوانا الر و صله الرحم و اسرع السر عهوه الهی و مطمه الرحم

پاداش نیکوکاری و پیوند خویشاوندان از نیکی های دیگر زودتر میرسد و کیفر ستمکاری و بریدن از خویشاوندان از بدی های دیگر سریعتر  
میرسد

## اسرع الدعاء احاه دعا عاب لهاب

دعائی که غائبی برای غائبی دیگر کند از همه دعاها زودتر مستجاب می شود

## اسم سم ل

با کسان سهل انگاری کن تا با تو سهل انگاری کنند

اسد عصب الله عز م. رعد انه ملك الاملا لا ملك الا الله

خشم خدا بر آنکه گمان می کند ملک ملکان است بسیار سخت است ملکی جز خدا نیست

اسد عصب الله عز الرباه

خشم خدا نسبت بزناکاران بسیار سخت است

اسدی ارهه سفرخی

وقتی کار بنهایت سختی رسید راه چاره پیدا می شود

اسد عصب الله عز امره اذ كل عز موم ولدا لم مسع بطلع عز عورانه و سرکه می اموالهم

زنی که فرزندی «بخطا پدید آورد» و بر خانواده ای در آورد که بناحق محارم آنها را ببیند و در اموالشان شرکت کند خشم خدا نسبت بوی بسیار سخت است

اسد عصب الله عز م. طلع م. لا کد ناصره عز الله

آن کس که بر بینوائی که بجز خدا پناهی ندارد ستم میکند خشم خدا نسبت باو بسیار سخت است

اسع الناس م. علی حواه

شجاعترین مردم آن کس است که بر هوس خویش تسلط یابد

اسد الناس عدانا نوم العمامه امامه خابر

روز رستاخیز عذاب پیشوای ستمگر از همه کس سختتر است

**اسد الناس بلا الایسا له الامیر فالامیر یسر الرجز علی حسب ذنبه فان کان فی ذنبه صلنا اسد بلا و ا.ا.  
کان فی ذنبه ربه اسیر علی قدر ذنبه مما یرم الیلا بالهدی حی یرکبه نسی علی الارصم و ما علیه قطبه**

ابتلای پیغمبران از همه مردم سخت تر است و پس از آن هر که بآنها نزدیکتر باشد، مرد باندازه قوت دین خود بلا می بیند اگر دین او محکم باشد ابتلای او سخت است و اگر دین او سست باشد باندازه دین خود بلا می بیند بلا بر بنده فرو می آید تا همه گناهان او را پاک کند

**اسد الناس عدایا للناس فی الدنیا اسد الناس عدایا عند الله نومه العمامه**

آنکه در دنیا مردم را بیشتر آزار کند در روز رستاخیز پیش خدا از همه مردم عذاب وی سخت تر است

**اسد الناس عدایا نومه العمامه م. بری الناس ا.ا. منه کرا و لا کر منه**

در روز رستاخیز از همه مردم عذاب آن کس سخت تر است که مردم گمان میکنند خیری در او هست ولی خیری در او نیست

**اسد الناس عدایا نومه العمامه عالم له سمعه علمه**

روز رستاخیز عذاب دانشمندی که از دانش خود بهره نمی برد از همه مردم سخت تر است

**اسد الناس حسره نومه العمامه رجز امکنه طلب العلم فی الدنیا مله بطلنه و رجز علم علما مانع نه م.**

**سمعه منه ذوبه**

دو کس روز رستاخیز از همه مردم بیشتر حسرت میخورند یکی مردی که در دنیا برای طلب دانش فرصت داشته ولی به جستجوی آن برنخاسته است یکی دیگر مردی که دانشی بدیگری آموخته و شاگرد وی از آن بهره مند شده ولی او بی بهره مانده است

**اسدکم م. ملک نسه عند العصر و اخلصکم م. عی بعد المهدره**

نیرومندترین شما کسی است که هنگام غضب بر خود تسلط داشته باشد و بردبارترین شما کسی است که پس از قدرت از گناه کسان درگذرد

اسمرف ا لانهار ا ا نامك الناسم و اسمرف ا لاسلا و ا سلع الناسم م. لسانك و سدك

بهترین ایمان آنست که مردم از تو در امان باشند و بهترین اسلام آنست که مردم از دست و زبان تو بسلامت مانند

اسمرف الرمد ا ا سكم. ملك على ما ررم و ا ا اسمرف ما سال م. الله عر و حر القامه می الكم. و الكسا

بهترین زهدها آنست که از آنچه داری خشنود باشی و بهترین چیزی که از خدا توان خواست عافیت دین و دنیاست

اسمرف كلمه بكلمه سا المرف - كلمه لسك الا كرسى ما كلا الله ناظر

بهترین شعری که عرب گفته سخن لبید است که گوید بجز خدا همه چیز باطل است

اسمرفوا كمدوا و بوخروا

مهربان باشید تا شما را ستایش کنند و پاداش یابید

اسمرف الاسمفا م. اجمع علیه مرف الكسا و عدا- الاكره

از همه بدبختان بدبخت تر کسی است که فقر دنیا و عذاب آخرت را با هم دارد

اسمرف الناسم اسمرفم للناسم

از همه مردم سپاسگزارتر آن کس است که بهتر سپاس مردم را می گزارد

اسمرفوا الكام و اعلموه



عقد نکاح را محکم کنید و آن را علنی سازید

اصابکم منه الصرا مصرفه و ارا احواف ما اصاب علیکم منه السرا م. منر السا ادا سور.  
الصر و لصر. ربط السام و عصر السمر. و اصر الفی و صفر الفهر ما لا کد

فتنه سخت را دیدید و صبر کردید و من از فتنه ای سخت تر بر شما بیم دارم که از طرف زنان می آید هنگامی که النگوی طلا بدست و پارچه های فاخر ببر کنند و توانگران را بزحمت اندازند و از فقیر چیزی که بدان دسترس ندارد بخواهند

اصدم الروا بالاسکار

راست ترین خوابها را در سحرگاه توان دید

اصره الاصرم

با احمق آمیزش مکن

اصلم الناس اصلکم للناس

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر است

اصلم من الناس و لو بقی الكد

میان مردم را باصلاح آر اگر چه با دروغ باشد

اصلکوا ذنابکم و اعملوا لاکربکم کاکم هوو. عدا

دنیای خویش را اصلاح کنید و برای آخرت خویش بکوشید چنان که گوئی فردا خواهید مرد،

اصع المهروم الی م. حو اجله و الی عر اجله ما. اصبر اجله اصبر اجله و ا. لع نصر اجله صر  
ابر اجله

با آن کس که سزاوار نیکی است و آن کس که سزاوار آن نیست نیکی کن، اگر نیکی تو باهل آن رسید چه بهتر و گر نه تو خود اهل آن هستی

اصصوا لی سا م. اصبکم اصم. لکم الله اصدموا اذا خدم و اوموا اذا وعدکم و ادوا اذا  
انصم و احفظوا مروحمکم و عصوا ابصارکم و صوا انصکم

شش چیز را از طرف خود برای من تعهد کنید تا من بهشت را برای شماها تعهد کنم وقتی سخنی می گوئید راست گوئید و وقتی وعده مدهید وفا کنید وقتی امانت به شما سپردند رد کنید، خویشان را از آمیزشهای ناپاک حفظ کنید، چشمهای خود را «از نگاههای ناروا» ببندید و دست خویش را «از اعمال ناپسند» نگهدارید

اصصوا لی سر کمال اصم. لکم الله لا تطالموا عند مسمه موارسکم و انصوا الناس م. اصبکم  
و لا کسوا عند مال عدوکم و لا یفلوا عنانکم و امسوا ظالمکم م. مظلومکم

شش صفت را برای من تعهد کنید تا بهشت را برای شما تعهد کنم، هنگام تقسیم ارث بیکدیگر ستم نکنید؛ با مردم به انصاف رفتار کنید و هنگام جنگ با دشمن ترسان مباشید و در غنائم خیانت نکنید و ظالم را از مظلوم دفع کنید

اطلبوا الررم می کما الارص

روزی را در نهانگاههای زمین بجوئید

اطلبوا العلم و لو بالصر. ما. طلب العلم مرصه عر کر مسله ا. الملاکه بصع احبسا لطالب العلم رصا  
ما طلب

دانش را بجوئید اگر چه در چین باشد زیرا طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است و فرشتگان بال خویش را برای طالب علم پهن می کنند زیرا از آنچه وی در طلب آنست خشنود هستند

### اطلبوا العوائم بمره الاعمق فان الامور تجري بالعاقب

حوائج خویش را با عزت نفس بجوئید زیرا کارها جریان مقدر دارد،

### اطلب العاقبه لمرء بر رما می بسد

عاقبت را برای دیگران بخواه تا نصیب تو شود

### اطلبوا العلم من الصد الى اللحد

از گهواره تا گور دانش بجوئید

### اطعموا طعامكم الاءبا و اولوا مفر وكم المومنین.

غذای خود را به پرهیزکاران بخورانید و نیکیهای خود را در باره مؤمنان انجام دهید

### اطلبوا العسر عند الرکبا من امی نفسوا می اصامعه و لا تطلبوه من الفاسه ملوسه

بزرگواری را در پیش رحیمان امت من بجوئید و در پناه آنها زندگی کنید و آن را از سنگ دلان مجوئید

### اطلع می الامور و اعسر بالسور

در قبرها بنگر و از رستاخیز پند آموز

### اطلع می الله مراب اصرا احلنا الفرا و اطلع می النار مراب اصرا احلنا السا

در بهشت نگریستم و دیدم که بیشتر مردم آن فقیرانند و در جهنم نگریستم و دیدم که بیشتر مردم آن زنانند

**اطبر الكسر عمر الرجز سده**

بهترین کسیها آنست که مرد با دست خود کار کند

**اطبر كسر الرجز المسلمه سمه می سبیر الله**

بهترین کسب مرد مسلمان تیری است که در راه خدا میاندازد

**اطبر الطبر المسك**

بهترین بوهای خوش مشک است

**اعبد الله كات براه مار كبر لا براه فانه براك**

خدای را چنان پرستش کن که گوئی او را می بینی اگر تو او را نمی بینی او ترا میبیند

**اعسروا الصاحر بالصاحر**

یار را بیار توان سنجید

**اعمر الناس م. عمر ع. الدنيا و ا كز الناس م. كز بالسلا م**

عاجزترین مردم آن کس است که از کار دنیا عاجز ماند و بخیل ترین مردم آن کس است که در ادای سلام بخل ورزد

**اعدی عدوك بسك الی م. حسك**

خطرناکترین دشمن تو نفس تو است که میان دو پهلوی تو است

**اعدی عدوك روحك الی بصاحك و ما ملكر بسك**

خطرناکترین دشمن تو همسر تو است که با تو همخوابه است و مملوک تو

**اعدل الناس من رضى للناس ما يرضى لنفسه و كره ليع ما كره لنفسه**

عادلتر از همه مردم کسی است که آنچه برای خود پسندد برای مردم نیز پسندد و آنچه بر خود ندارد بر مردم روا ندارد

**اعدلوا من اولادكم بالبر كما كنتم من اولادكم من اللطف**

شما که میخواهید فرزندانتان در نیکی و محبت با شما بعدالت رفتار کنند در کار بخشش با آنها بعدالت رفتار کنید

**اعدر الله الى امرى اكر اخله حى بلع سيم سه**

هر کس را خداوند تا شصت سال زنده نگاهدارد در عذر را به روی او بسته است

**اعروا النساء بلرم النعال**

زنان را بی لباس بگذارید تا در خانه بمانند

**اعر امر الله بهرك الله**

کار خدا را عزیز دار تا خدایت عزیز کند

**اعر الاكسى ع. طرفه المسلم**

مانع از راه مسلمانان دور کن

**اعطى و لا يوكى صوكا على**

بخش و تنگ مگیر که بر تو تنگ گیرند

**اعط السائر و لو خا عى مرسم و اعط الاخر حه من ا. كم عرمه**

به گدا چیزی بده و گر چه بر اسب بنزد تو آمد و مزد اجیر را پیش از آنکه عرقش خشک شود بپرداز

## اعطى حوامع الكلم و اصبر لى الكلام اصبارا

كلمات جامع و پر معنى را بمن بخشیدند و سخن برای من پیچیده و مختصر شد

## اعطى الفاضله احرا اصصا

پرجزترین عبادت ها آنست که نهانتر باشد

## اعطى الناس بما الموم. سم نامر كساه و امر احربه

مؤمن از همه مردم گرفتارتر است زیرا باید بکار دنیا و آخرت هر دو برسد

## اعطى الناس حفا على المراه روحها و اعطى الناس حفا على الرحمه

شوهر از همه کس بیشتر بر زن حق دارد و مادر از همه کس بیشتر بر مرد حق دارد

## اعطى العطاء الناس الكدو-

سر گناهان، زبان دروغپرداز است

## اعطى الطلع ذراع م. الارض سمصه المر م. حم احه لسر حصاه احدا الا طومنا نو م الصامه

بزرگترین ستمها آنست که مردی یکذراع زمین از حق برادر خویش بگیرد، هر ریگی که بدین طریق در تصرف او در آید روز رستاخیز در گردن او طوقی می شود

## اعطى الناس مى الكسا حطرا م. له كمر للكسا عبده حطرا

در دنیا قدر کسی بیشتر است که دنیا در نظرش قدر ندارد

## اعطى الناس مكرام م. بر ك ما لا يسهه

عالیقدر از همه مردم کسیست که در آنچه بدو مربوط نیست مداخله نکند

**اعظم النساء احسن. و خونا و اركصم. معورا**

بهترین زنان آن است که رویش خوبتر و مهرش کمتر است

**اعظم النساء برکه امل. موه**

از همه زنان پربرکت تر آنست که خرجش کمتر باشد

**اعز الناس اسدع مداراه للناس**

عاقلتر از همه مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند

**اعلنا و نوكر**

زانوی شتر را ببند و توکل کن

**اعلم الناس م. جمع علم الناس الى علمه**

دانشمندتر از همه مردم کسی است که دانش دیگران را بدانش خود بیفزاید

**اعلم ان الكلام لو اجمعوا على ان يعطوك سنا و لم يرك الله ان يعطيك له يدروا عليه او بصرموا عنك**

**سنا اراك الله ان بصيت به لم يدروا على ذلك فاذا سئل فاسال الله و اذا اسئله فاسئله بالله**

بدان که اگر جهانیان بخواهند چیزی بتو بدهند و خداوند نخواهد نمیتوانند و اگر جهانیان بخواهند چیزی را که خداوند برای تو خواسته از تو منع کنند نمیتوانند بنا بر این وقتی چیزی میخواهی از خدا بخواه و وقتی کمک می جوئی از خدا بجوی

**اعلم ان ما اصابك لم يك. ليعطاك و ما احطاك لم يك. ليعطيك**

بدان که آنچه بتو رسیده ناچار میرسید و آنچه از تو فوت شده بناچار فوت میشود

**اعلم ان النصر مع الصبر و ان الفرم مع الكر - و ان مع الفسر سرا**

بدان که ظفر قرین صبر است و گشایش قرین رنج و بدنبال سختی سستی ای هست

**اعلم ان العلم مد حری ما هو کام.**

بدان که قلم تقدیر، بر همه شدنیها رفته است

**اعلم انه لم مکم م. احد الا مال واره احد الله م. ماله مالک ما مدم و مال واریک ما اکر-**

بدانید که همه شما مال وارث خویش را از مال خویش بیشتر دوست دارید مال تو آنست که از پیش میفرستی و مال وارث آنست که بجا میگذاری

**اعمار امی ما م. السیر الی السیر.**

عمرهای امت من میان شصت و هفتاد سال است

**اعمر عمر امری بظ. انه لم. هو - انکا و احدر حدر امری کسی ان هو - عدا**

چنان کار کن که گوئی هیچ وقت نخواهی مرد و چنان بیمناک باش که گوئی فردا خواهی مرد

**اعملوا مکر مسر لما کلم له**

کار کنید زیرا هر کسی آنچه را برای آن ساخته شده بدست می آورد

**الاعمال بالنه**

کارها وابسته به نیت است



## اعبوا اولادکم عن الر م. سا استکر م الموم م. ولده

فرزندان خود را در خوب شدن کمک کنید زیرا هر که بخواهد می تواند نافرمانی را از فرزند خود بیرون آورد

اعبط الناس عیدی موم. صعب العاد ذو حظ م. صلاه و کار رر مه صفا م مصر عله حی بلی الله و

احس. عبادہ ربه و کار عامصا می الناس عکله مسه و مز برانه و مله بواکله

خوشبخت ترین مردم در نظر من مؤمنی است که متعلقاتش کم و از نماز بهره ور باشد، روزی او بحد کفاف باشد و با آن بسازد تا بخدای خویش برسد، خدای را به خوبی پرستش کند و در میان مردم گمنام باشد، وقتی مرگش برسد ارشش کم باشد و گریندگانش انگشت شمار باشند

اعم خمساً مین خمس سناک مین حرمت و صکت مین سمک و عباد مین هرک و مراعت مین

سفلک و حبات مین موت

پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار جوانی پیش از پیری صحت پیش از بیماری و ثروت پیش از نیازمندی و فراغت پیش از اشتغال و زندگی پیش از مرگ

## اعبوا الدعاء عند الرمه فابا ركه

بهنگام رقت دعا را غنیمت شمارید که رقت مایه رحمت است

## اعبوا دعوه الموم. المینر

دعای مؤمن مبتلا را غنیمت شمارید

## اعد عالما او مفعلا او مسمعا او لانا و لا نکر. التامسه مینک

دانشمند باش یا دانش آموز یا مستمع یا دوستدار علم و پنجمی مباش که هلاک خواهی شد

**اعدوا می طلب الفلح ما، الفدو برکه و کام**

در طلب علم زود خیز باشید زیرا زود خیزی مایه برکت و کام یابی است

**اعسلوا بانکم و حدوا م. سفورک و اساکوا و برسوا و بظفوا ما، بی اسرانبز له کونوا بعلو.**  
**دلک مریت ساوجم**

لباسهای خود را تمیز کنید و موهای خود را کم کنید، مسواک بزنید و آراسته و پاکیزه باشید زیرا یهودان چنین نکردند و زنانشان زناکار شدند

**اعمر ما، عامیت مقامت بقدر الکبر و اعم الوحه**

گناه کسان را ببخش و اگر مجازات میکنی بقدر گناه مجازات کن و صورت را میازار

**اعمر الناس م. له سبط بقدر الکسا م. حال الی حال**

غافلتر از همه مردم کسی است که از تغییر احوال جهان پند نگیرد

**اعی الناس م. له کص. للکرم اسرا**

بی نیازتر از همه مردم کسی است که در بند آز نباشد

**امسوا السلام سکم کابوا**

سلام را آشکار کنید تا رشنه دوستی شما استوار شود

**امسوا السلام سلموا**

سلام را آشکار سازید تا سلامت مانید

**امسوا السلام و اطعموا الطعام و صلوا الارحام و صلوا بالنذر و الناس ساء بکلووا الله سلام**

سلام را فاش کنید و طعام بخورانید، با خویشاوندان الفت گیرید و هنگام شب که مردم در خوابند نماز بخوانید تا وارد بهشت شوید

### امصر الاصحاب - م. ادا ذکر - اعان و ادا سر ذکر

بهترین دوستان کسی است که وقتی یاد کردی ترا یاری کند و وقتی فراموش کردی ترا بیاد آرد

### امصر الاعمال لانه النواصع عند الدوله و الفو عند الدرره و المطبه بصر الممه

بهترین کارها سه چیز است، تواضع بهنگام دولت و عفو بهنگام قدرت و بخشش بدون منت

### امصر الاعمال ا. بذكر على اصك الموم. سرورا او بصی عنه دسا

بهترین کارها آنست که برادر مؤمن خویش را خوشحال سازی یا قرض او را پردازی

### امصر الاعمال بعد ا لانهار بالله النودك الى الناس

بهترین کارها پس از ایمان به خدا دوستی با مردم است

### امصر الاعمال الكسب م. اللار

بهترین کارها کسب حلال است

### امصر الاعمال المله بالله ا. المله بصفه مبه ملير الممز و كسره و ا. العيز لا بصفه مبه ملير الممز و لا

### كسره

بهترین کارها خدانشناسی است کاری که با دانش قرینست اندک و بسیار آن سودمند است و کاری که با نادانی قرینست نه اندک آن سود میدهد و نه بسیار

### امصر الاعمال العرف م الله و البصم م الله

بهترین کارها دوستی و دشمنی در راه خداست

**امصر ا لانهار ارب نعل ارب الله مكد حسما صبر**

بهترین اقسام ایمان آنست که بدانی هر جا هستی خدا با تست

**امصر ا لانهار ارب ارب لله و نصل لله و نصل لسانك مي ذكر الله و ارب ارب للناس ما ارب لفسك و  
نكره لعل ما نكره لفسك و ارب نعل كرا او نصل**

بهترین اقسام ایمان اینست که برای خدا دوست بداری و برای خدا دشمن بداری و آنچه برای خود میخواهی برای مردم بخواهی و آنچه برای خود نمیخواهی برای دیگران نخواهی و سخن نیک بگویی یا خاموش مانی

**امصر ا لانهار الصبر و السماحه**

بهترین خصال ایمان صبر و گذشت است

**امصر العناد كلمه حم عبد سلطان حار**

بهترین جهاد سخن حقیست که پیش پادشاه ستمکار گویند

**امصر العناد م اصر و له نعل نطله احد**

بهترین اقسام جهاد آنست که کسی روز آغاز کند و در اندیشه ظلم کسی نباشد

**امصر العناد نكرمه العناد**

بهترین کارهای نیک آنست که جلیسان را عزیز داری

**امصر العناد ارب ارب الرجز نسه و نواه**



بهترین جهاد آنست که انسان با نفس و هوس خود پیکار کند

### امصر الدعاء دعا المر لنفسه

بهترین دعاها دعائیست که انسان برای خود میکند

### امصر الدنار دينار بفضله الرجز على عماله

بهترین پولها پولی است که انسان برای نان خوران خود خرج میکند

### امصر الصدقه ما كان عم. طهر عی و الد الفلأ كرم. الد السفر و انكاه. هم. نهور

بهترین صدقه ها اینست که در حال بینبازی صورت گیرد و دست دهنده بهتر از دست گیرنده است

### امصر الصدقه ان يعلم المر المسلم علما له يعلمه احاء المسلم

بهترین صدقه ها آن است که مرد مسلمان دانشی بیاموزد و به برادر مسلمان خود تعلیم دهد

### امصر صدقه اللسان السعاه بعد ما الاسر و كرم. ما الدف و كرم ما المهروم و الاحسان الى اصك

و بدمع عنه الكرعه

بهترین صدقه زبان، شفاعتی است که بوسیله آن اسیر را آزاد سازی و از ریختن خون جلوگیری کنی و نیکی و احسان را به سوی برادر خویش بکشانی و بدی را از او دفع کنی

### امصر الاعمال ان سيع كذا خابها

بهترین کارها آنست که گرسنه را سیر کنی

### امصر الصدقه حط اللسان

بهترین صدقه ها، نگهداری زبانت

### امصر الصدقه صدقه اللسان

بهترین صدقه ها، صدقه زبان است

امصر الصدقه ان بصدوم و اس صكمه سكمه نامر الهی و كسى العفر و لا بصير حى اذا بلهف التلعوم

ملر لفلان كدا و لفلان كدا الا و مد كار لفلان

بهترین صدقه ها آنست که هنگامی که سالم و تنگدستی و امید ثروت و بیم فقر داری صدقه بدهی نه آنکه بگذاری تا وقتی جان بگلو رسید  
گوئی؛ این مال فلانی و این مال فلانی، زیرا آنها متعلق بفلانی شده است

### امصر الصدقه اصلا م دا الس

بهترین اقسام صدقه آنست که میان دو کس را اصلاح دهی

امصر الصدقه الصدقه عر ذى الرحمه الكاسم

بهترین صدقه ها آنست که به خویشاوندی که دشمن توست چیزی بدهی

### امصر الهاده اسطار العرم

بهترین اقسام عبادت انتظار گشایش است

امصر العمر اذومه و ان مر

بهترین کارها آن است که دوامش بیشتر است اگر چه اندک باشد

### امصر العمر الهه الصادمه

بهترین کارها نیت پاک است

**امصر العباده اجرا سرعه الهام م. عند المرصم**

از همه عبادت ها بهتر و پراجتر آن است که زودتر از پیش مریض برخیزی

**امصر الصابر ا. بصر م. مطمک و بقطی م. حرمک و بصمه عم. ظلمک**

بهترین فضایل اینست که با آنکه از تو ببرد پیوند گیری و بکسی که تو را محروم میکند عطا کنی و از آنکه بر تو ستم کند درگذری

**امصر الکسر مع مرور و عمر الرجز سده**

بهترین کسبها معامله ای است که نادرستی در آن نباشد و کاری است که مرد با دست خود انجام دهد

**امصر المومس. اسلاما م. سلم المسلمو. م. لسانه و سده و امصر المومس. امانا احسنه کله**

از همه مؤمنان اسلام آن کس بهتر است که مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند و از همه مؤمنان ایمان آن کس بهتر است که اخلاق وی نیکتر است

**امصر المومس. امانا الکی اذا سر اعطی و اذا له بقط اسمی**

از همه مؤمنان ایمان آن کس بهتر است که وقتی از او چیزی بخواهند بدهد و اگر چیزی باو ندهند راه بی نیازی سپرد

**امصر الناس رجز بقطی سده**

بهترین مردم آنست که همه کوشش خود را بکار میبرد

**اعلم م. ررم لیا**

آنکه خرد دارد رستگار می شود

امصر الناس من بواضع ع. رمعه و رمد ع. عسه و انصف ع. موه و حلق ع. مدره

بهتر از همه مردم کسی است که در حال رفعت فروتنی کند و در عین ثروت زاهد باشد و در عین قوت انصاف دهد و در حال قدرت برد باری کند

امصلك اما ما احسك اكلما

هر کس از شما اخلاقش نیکتر ایمانش بهتر است

امر الناس الطامع

طمعکار از همه مردم فقیرتر است

املم من حدى الى ا لاسلا و كار عسه كما ما و منع به

هر که باسلام راهبر شده و لوازم زندگی بقدر رفع حاجت دارد و بدان قناعت کند رستگار شده است

امر وا الهرا. ما اسلمه عليه ملوكه ما اذا اسلمه مه موموا

قرآن را تا هنگامی که دلهای شما بر آن اتفاق دارد بخوانید و وقتی در باره آن اختلاف پیدا کردید برخیزید

امرا الهرا. ما ساك ما اذا لم سلسه مروه

اگر خواندن قرآن ترا از کار بد منع میکند آن را بخوان ولی اگر ترا از کار بد وانمیدارد به حقیقت قرآن نمیخوانی

امر وا الهرا. و اعملوا به و لا كهوا عه و لا يملوا مه و لا ناكلوا به و لا نسكروا به

قرآن را بخوانید و بدان عمل کنید و از آن دور نشوید و در آن غلو نکنید بوسیله قرآن نان نخورید و به کمک آن فزونی مجوئید

امر وا الهرا. ما. الله تعالى لا بعد. ملما وعى الهرا.



قرآن را بخوانید زیرا خداوند دلی را که قرآن را دریافته معذب نمیکند

**امر - الامر الى الله العتاد می سیر الله و لا تعار به سی**

نزدیکترین کارها بخدا جهاد در راه خداست و چیزی مانند آن نیست

**امیر العزم هم. انا لا نه م. صفر او کسر و ا. کار بصفا بقدا و ارحم الناظر علی م. حا لا نه م.**

**صفر او کسر و ا. کار حسنا مرینا**

سخن حق را از هر که شنیدی به پذیر اگر چه دشمن و بیگانه باشد و ناحق را از هر که شنیدی نپذیر اگر چه دوست و نزدیک باشد

**امریت الساعه و لا برحاک الناس علی الدنا الا حرصا و لا برحاک مسع الا بقدا**

رستاخیز نزدیک شده است و از مردم دنیا دائما بیشتر و دنیا از آن ها دورتر می شود

**امر الناس راحه النکر**

آسایش بخیل از همه کس کمتر است

**امر الناس لده العسود**

لذت حسود از همه کس کمتر است

**امر م. الدم. هم حرا**

قرض کمتر گیر تا آزاد باشی

**امر م. الديو - سم. علیک الموم -**

گناه کمتر کن تا مرگ بر تو آسان شود

**املوا الصدور على الاعسا فانه اخري ان لا يركروا به الله عز و جل**

پیش توانگران کمتر روید زیرا در این صورت نعمتهای خدا را خوار نخواهید شمرد

**املو السی رله فان الله احد سده كلما عز**

از لغزش مرد سخاوتمند بگذرید زیرا هر دم بلغزد خدا دست او را میگیرد

**امموا حدود الله تعالی می الهمد و الهرب و لا تادکم می الله لومه لانه**

مقررات خدا را در باره بیگانه و خویش اجرا کنید و در کار خدا بسخن کسان گوش مدهید

**اکرمی الدم. له فطوا مسطروا و له سر علیعه مسالوا**

بزرگترین افراد امت من آنها هستند که نه چندان توانگرند که خود را گم کنند و نه چندان فقیرند که دست بسؤال گشایند

**اکرم الکبار ا لاسراک بالله و من الهس و عوم الوالدم. و سعاده الرور**

بزرگترین گناهان بزرگ شرک بخدا و قتل نفس و بد رفتاری با پدر و مادر و شهادت دروغ است

**اکرم الکبار سو الظم. بالله**

بدترین گناهان بزرگ بدگمانی بخداست

**اکرم طابا ام. ادم می لسانه**

بیشتر گناهان فرزند آدم از زبان اوست

**اکرم الناس دنیا نوم الهامه اکرمه کلاما میما لا بهسه**

در روز رستاخیز از همه مردم گناه آن کس بیشتر است که بیشتر از همه در چیزهائی که بدو مربوط نیست سخن گوید

## اکبر التام منه اکبره علما

هر که بدانش از دیگران پیش تر است، قیمتش از دیگران بیشتر است

## اکبر ذکر الهو - ما ذکره سلبکها سواه

مرگ را بسیار بخاطر بیاور زیرا یاد مرگ ترا از رنج های دیگر تسلیت می دهد

## اکبروا ذکر الهو - مانه بمعصم الدبو - و برمد می الدسا ما ذکره عده الهی عده و ا

## ذکره عده الهی ارضاکه بمعصم

مرگ را بسیار به یاد آرید زیرا یاد مرگ گناهان را پاک می کند و حرص دنیا را کم می کند، اگر مرگ را بهنگام توانگری به یاد آرید اهمیت آن را کم میکند و اگر بهنگام تنگدستی یاد کنید، شما را از زندگی تان خشنود می سازد

## اکبروا م. ا لاکوا. ما ریکه حی کره سکی ا. بعد عده م. احوانه نو الهمه

دوست بسیار گیرید زیرا خدای شما با حیا و بخشنده است و شرم دارد که روز رستاخیز بنده خود را میان برادرانش عذاب کند

## اکبر م. الدعاء ما الدعاء برد الهصا

بسیار دعا کن که دعا قضا را دفع میکند

## اکبروا م. ذکر حاد و اللدا - مانه لا کو. می کر الا ملله و لا می ملز الا اخرله

مرگ را بسیار بیاد آرید زیرا یاد مرگ بسیار را کم و کم را کافی جلوه می دهد

## اکرموا السعود ما الله بکرمه مع الهوم و بدمع مع الطلم

شاهدان را گرامی شمارید زیرا خدا حقوق کسان را بوسیله آنان احقاق میکند و ستم را بوسیله آنها دفع می نماید

## اكرم الناس اجمع

بزرگوارتر از همه مردم کسی است که پرهیزکارتر است

اكرموا الفلما ماسه و ربه الا نسا مم. اكرمهم الله و رسوله

دانشمندان را گرامی دارید که آنها وارثان پیغمبرانند و هر که آنها را عزیز دارد خدا و پیغمبر را عزیز داشته است

اكرموا اولادكم و احسوا احاسم

فرزندان خود را گرامی شمارید و نیکو تربیتشان کنید

اكرموا النمر ما. الله ابرله مم. بركا السما و اكرحه مم. بركا الارص

نان را گرامی شمارید زیرا خداوند آن را از برکات آسمان فرو فرستاده و از برکات زمین بیرون آورده است

اكلوا مم. الفم ما بطعوا. ما. الله لا مم حی ملوا و ا. احب الفم الی الله تعالی اومه و ا. مر

بقدر توانائی خود عبادت کنید زیرا وقتی شما ملول شدید خدا نیز ملول می شود، در نظر خدا بهترین کارها آنست که بادوامتر است اگر چه اندک باشد

اكرم المومم. انما احسهم كلا و كاركه كاركه لسامه

کامل ترین مؤمنان آن است که خلقش نیک تر است و از همه شما نیک تر کسانی هستند که برای زنان خود نیکترند

الا اكرم ناجر النار ك حطری حواط مسكر جماع موع

می خواهی تو را از اهل جهنم خبر دهم؟ هر کس که خود پسند و خود خواه و متکبر و حریص و بخیل باشد

الا احرك حر ما بكر المر المره الصلاه اذا نظر العا سره و اذا امرها اطاعه و اذا عا  
عنا حطه

میخواهی ترا از بهترین گنجینه مرد خبر دهم؟ زن پارسا که وقتی بدو نگردد مسرور شود و همین که بدو فرمان دهد اطاعت کند و هنگام غیبت امانت او را محفوظ دارد

الا احرك ع. ملوك الله رجز صمف مسصمف ذو طمرم. لا بونه له لو امسه على الله لاره

میخواهی ترا از پادشاهان بهشت خبر دهم؟ مرد ضعیف و ناتوان و ژنده پوش که هیچ کس بدو اعتنا نکند و اگر قسم خورد که چیزی واقع می شود خداوند قسم او را راست کند

الا احرك نامصر م. درجه الصام و الصلوه و الصدمه اصلام ذاب المس. هار مساد ذاب المس.  
حي العاله

میخواهید شما را از چیزی که بهتر از روزه و نماز و صدقه است خبر دهم؟ اصلاح میان کسان، زیرا فساد میان کسان مایه هلاک است

الا احرك هم. حره عليه النار عدا على حر حم. لم. مره سر

میخواهید شما را خبر دهم که فردا آتش بر چه کس حرام است؟ هر کس که ملایم و نرم و زودجوش و آسان گیر باشد

الا احرك ساسك م. احز الله الولود السود الي اذا طلعت ماله حده بدي مي  
كد لا ادوم عمصا حي برصي

می خواهید شما را از زنانی که اهل بهشتند خبر دهم؟ زن وفاداری که فرزند زیاد آورد و زود آشتی کند و همین که بدی کرد گوید این دست من در دست توست چشم بر هم نمی گذارم تا از من راضی شوی

الا احرکم حرکم م. سرکم حرکم م. برخی کره و نوم. سره و سرکم م. لا برخی کره  
و لا نوم. سره

می خواهید شما را از بدان و نیکان تان خبر دهم؟ بهترین شما کسی است که بخیرش امید توان داشت و از شرش امان توان یافت و بدترین شما کسی است که بخیرش امید و از شرش امان نیست

الا احرکم باسر الهاده و احوسا علی البدر الصبر و حسم العلم

میخواهید شما را بعبادتی که از همه عبادتها بر بدن آسانتر است خبر دهم؟ سکوت و نیکخوئی

الا ادلك علی اسدکم املککم عند الفصد

می خواهید شما را بآن کس که از همه زورمندتر است رهبری کنم؟ آنکه هنگام خشم بهتر خود را نگاه می دارد

الا استک سر الناس م. اکر و حده و مع رمده و سامر و حده و صر - عده الا استک سر م.  
حدا م. کسی سره و لا برخی کره الا استک سر م. حددا م. باع اکره حددا عره الا استک سر م.  
حدا م. اکر الحددا بالکم.

میخواهی ترا از کسی که از همه مردم بدتر است خبر دهم؟ ، آن کس که تنها غذا خورد و بکسی چیزی ندهد و تنها سفر کند و بنده خویش را بزند، میخواهی ترا از کسی که بدتر از اوست خبر دهم؟ آنکه از شر او بترسند و بخیرش امید نداشته باشند میخواهی ترا از کسی که بدتر از اوست خبر دهم؟ آنکه آخرت خویش را بدنیای دیگری فروشد میخواهی ترا از کسی که بدتر از اوست خبر دهم؟ آنکه بوسیله دین از دنیا بهره مند شود

الا اعلمک حصلا - نعمت الله تعالی سم. علیک بالعلم ما بالعلم کلیر الموم. و العلم و ربره و الفهر ک ليله  
و الفهر صمه و الرعم ابوه و اللبر. اکوه و الصبر امر خوده

می خواهی صفاتی بتو بیاموزم که خداوند ترا بآنها منتفع سازد؟ دانش آموز که دانش دوست مؤمن است و بردباری پشתיبان او و عقل رهبر و عمل قیّم و مدارا پدر و ملایمت برادر اوست و صبر امیر سپاه وی بشمار میرود

الا اِلَهِ الْعِصَمَ الْبُرُوقِ وَمِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ  
اِحْصَاءِ الْعِصَمَ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ

بدانید که خشم آتشی است که در دل انسان مشتعل می شود؛ مگر نمی بینید که بهنگام خشم چشمهای او سرخ و رگهایش متورم می شود وقتی یکی از شما چنین شد روی زمین روی زمین!

الا اِلَهِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ

بدانید که مردم از آدم پدید آمده اند و آدم از خاک و بزرگوار ترین مردم در نظر خدا پرهیزکار ترین آنهاست

الا اِلَهِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ  
اِحْصَاءِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ

بدانید که مردم بر طبقات مختلف آفریده شده اند بعضی مؤمن متولد می شوند و مؤمن زندگی میکنند و مؤمن می میرند بعضی دیگر کافر متولد می شوند و کافر میمیرند بعضی کافر متولد میشوند و کافر زندگی میکنند ولی مؤمن میمیرند

الا اِلَهِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ  
اِحْصَاءِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ

بدانید که بهترین مردان آنست که دیر بخشم آید و آسان خشنود شود و بدترین مردان آنست که زود بخشم آید و دیر خشنود شود، اگر مردی دیر بخشم آید و دیر خشنود شود یا زود بخشم آید و زود خشنود شود آنهم چیز است

الا اِلَهِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ  
اِحْصَاءِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ الْبُرُوقِ

بدانید که بهترین تاجران کسی است که خوش پرداخت و خوش طلب باشد و بدترین تاجران کسی است که بد پرداخت و بد طلب باشد اگر مردی خوش پرداخت و بد طلب یا بد پرداخت و خوش طلب باشد آنهم چیز است

**الا اِنْ عَمَرَ احْرَ الْعَهْ حَرَّ بَرِيْهِ الْا اِنْ عَمَرَ احْرَ النَّارِ سَعَرَ سَعُوْهِ**

بدانید که کار اهل بهشت مانند آنست که از راه سختی بر تپه مرتفعی بالا روند و کار اهل جهنم مانند آنست که در سراشیب زمین همواری راه سپرند

**الا ر - مَكْرَمٌ لَيْسَهُ وَ حَوْ لَنَا مَعْمٌ الْا ر - مَعْمٌ لَيْسَهُ وَ حَوْ لَنَا مَكْرَمٌ**

چه بسیار کسان که خود را عزیز میکنند و بحقیقت خوار می کنند و چه بسیار کسانی که خود را خوار میکنند و بحقیقت عزیز می کنند

**الا ر - سَعُوْهِ سَاعَهُ اَوْرِيْ حَرًّا طَوِيْلًا**

چه بسا شهوت ساعتی که رنجی طولانی به جای گذارد

**الا ر - مَاتَ لَيْسَ لَهُ مِمَّ الْعَامِ الْا السَّرِ وَ ر - صَامٌ لَيْسَ لَهُ مِمَّ صَامُهُ الْا الْتَوَعُّ وَ الْمَطْمُ**

چه بسیار کسان که هنگام شب برای نماز بر می خیزند و از کار خود جز بیداری ثمری نمی برند و چه بسیار کسانی که روزه می گیرند و از روزه خویش جز گرسنگی و تشنگی سودی نمی برند

**الا وَ اِنْ مِي الْعَسَدِ مَصْفَهُ اِذَا صَلَّيْ صَلَمَ الْعَسَدِ كَلَهُ وَ اِذَا مَسَدَ مَسَدَ الْعَسَدِ كَلَهُ الْا وَ مِي**

**الغلب**

بدانید که در تن قطعه گوشتی است که اگر صالح بود تمام تن بصلاح آید و اگر فاسد بود تمام تن بفساد گراید، بدانید که آن قلب است

**الا بَا ر - نَسَمٌ طَاعِمُهُ نَاعِمُهُ مِي الْا نَسَمٌ طَاعِمُهُ نَاعِمُهُ مِي الْا نَسَمٌ طَاعِمُهُ نَاعِمُهُ مِي الْا نَسَمٌ طَاعِمُهُ نَاعِمُهُ**

**نَاعِمُهُ نَسَمٌ طَاعِمُهُ نَاعِمُهُ**



چه بسیار کسان که در این جهان سیر و خوشند و در روز رستاخیز گرسنه و برهنه اند و چه بسیار کسان که در این جهان گرسنه و برهنه اند و روز رستاخیز سیر و خوشند

**الا لا نعصم. رحلا عامه الناس ا. بقول العم اذا علمه**

کسی که سخن حقی می داند نباید از بیم مردم از گفتن آن خودداری کند

**الا لا كلوا. رحل نامراه الا كار. بالسم السطار.**

بدانید که هیچ مردی با زن نامحرم خلوت نمی کند جز آنکه سومی آنها شیطان است

**السم حصدنا و عم حصدنا**

لباس نو بپوش و نیک نام بزی

**المصوا العار من سرى الكار و الرعم من الطرم**

پیش از خریدن خانه همسایه بجوئید و پیش از سفر رفیق بیابید

**المصوا الررم بالكام**

بوسیله زناشوئی روزی بجوئید

**السم و لو كاهما م. حصد**

انگشتی داشته باش اگر چه از آهن باشد

**الرموا التناك بصكوا و سمسوا**

جهاد کنید تا سالم باشید و بی نیاز شوید

**الله الله مما ملك انهاركم السوا طعورهم و اسمها بطوسه و السوا لع الفور**

در رفتار با بندگان خود خدا را در نظر داشته باشید، تنشان را به پوشانید و شکمشان را سیر کنید و با آنها بملايمت سخن گوئيد

**الله الله منم. لسم له ناصر الا الله**

در باره کسی که جز خدا يآوری ندارد خدا را در نظر داشته باشید

**الله می عور. الحمد ما کار. الحمد می عور. اصبه**

تا هنگامی که شخص بیاری برادر خویش می پردازد خداوند ياور اوست

**الله مع العاصی ما له کر مادا خار کر الله عه و لرمه السطار.**

خداوند يار قاضی است تا موقعی که ستم نکند، وقتی ستم کرد خدا او را رها میکند و شیطان قرین او می شود

**الله احمد اوسع ررمه عر عبد کر سی و انطاع عمری**

خدایا روزی مرا هنگام پیری و واپسین زندگانی بیشتر از مواقع دیگر وسعت ببخش

**الله احملي اصناد حی کالی اراد و اسمدی سواد و لا سبی مصصک و کر لی می**

**مصصک و بارک لی می مدرک حی لا احد بکبر ما اصر. و لا ناصر ما عکله و احمد عانی می سبی**

خدایا مرا چنان از ذات خود ترسان کن که گوئی ترا می بینم و مرا بهره‌یزکاری خود خوشبخت کن و بنافرمانی خود بدبخت مکن قضای خود را برای من انتخاب کن و تقدیر خود را بر من مبارک کن که نخواهم آنچه را مؤخر کرده ای مقدم کنی یا آنچه را مقدم داشته ای مؤخر کنی و ثروت مرا در روجم مستقر کن

**الله احملي سکورا و احملي صورا و احملي می عبی صبرا و می اعبر. الاسم کسرا**

خداوندا مرا شاکر و صابر کن و مرا در چشم خویش خوار و در نظر مردم بزرگوar کن

**اللهم احملي م. الدم. اذا احسوا اسيسروا و اذا اساءوا اسفهروا**

خدایا مرا از جمله کسانی قرار ده که وقتی نیکی کنند خوشحال میشوند و وقتی بد کنند آمرزش می طلبند

**اللهم اعمر لی ذبی و وسع لی می داری و بارک لی می رری**

خدایا گناه مرا ببخش و خانه مرا وسعت بخش و روزی مرا افزون کن

**اللهم احسن. عامسا می الامور کلنا و اخرنا م. حری الدسا و عدا. الاکره**

خدایا در همه کارها عاقبت ما را بخیر کن و ما را از خواری دنیا و عذاب آخرت نگهدار

**اللهم احمطی نا لاسلا م مانما و احمطی نا لاسلا م رامدا و لا سمی لی عدوا  
و لا حاسدا اللهم الی اسالك م. کر کر حراسه سدک و اعوذ بک م. کر کر حراسه سدک**

خدایا مرا هنگام خفتن و ایستادن و نشستن بوسیله اسلام حفظ کن و مرا به سرزنش دشمن و حسود مبتلا مساز، خدایا همه نیکی هائی که گنجینه آن را بدست داری از تو می خواهم و از همه بدیهائی که گنجینه آن را بدست داری بتو پناه می برم

**اللهم احیی مسکنا و بومی مسکنا و احسری می رمره المساکم. و ا. اسی الاسعا م. اجمع علیه مهر  
الدسا و عدا. الاکره**

خدایا مرا در زندگی فقیر دار و فقیر بمیران و در صف فقیران محشور ساز، بدبخت تر از همه بدبختان کسی است که فقر دنیا و عذاب آخرت را با هم داشته باشد

**اللهم اصلم ذاب سا و الف م. ملوسا و احدنا سیر السلا م و کنا م. الطلما. الی النور و حسا الفواحم  
ما طعر منا و ما نظر. اللهم بارک لنا می اسماعنا و انصارنا و ملوسا و ارواحنا و ذربانا و ب علنا اید  
اب النوا. الرحم**

خدایا میان ما را اصلاح ده و دل‌های ما را متفق ساز و ما را بآرامش هدایت کن و از تاریکی‌ها بسوی روشنی رهائی بخش و از زشتی‌های آشکار و نهان دور ساز، خدایا گوشه‌ها و چشمها و دلها و زنها و فرزندان ما را مبارک گردان و توبه ما را بپذیر زیرا تو توبه‌پذیر و مهربانی

**اللهم** اررمی عیب. تطالب. سبنا. الفلک بکروم الدعوی م. حسک من ا. بکوا. الدعوی دما و  
الاصراسم حمرا

خدایا مرا دو چشم اشگبار بخش که دل را از ریزش اشگهائی که از بیم تو میریزد شفا بخشند پیش از آن که اشگها خون و دندان‌ها آتش شود

**اللهم** اصلم لی ذبی الذی هو عصمه امری و اصلم لی ذنای الی معنا معافی و اصلم لی اصری  
الی معنا معافی و احمرا العناء رباذه لی می کز صر و احمرا الموم - راحه لی م. کز سر

خدایا دین مرا که حافظ کار من است و دنیای مرا که زندگی من در آنست و آخرت مرا که باز گشتم بسوی آنست بصلاح آر زندگی را برای من مایه افزایش نیکیها ساز و مرگ را برای من مایه آسایش از بدیها کن

**اللهم** اعی عر عصرام الموم و سکرام الموم -

خدایا مرا بر تحمل سختیها و رنجهای مرگ کمک کن

**اللهم** اعمر لی ذبی و وسع لی می داری و بارک لی می ررمی

خدایا گناه مرا ببخش و خانه ام را وسعت بخش و روزی مرا برکت ده

**اللهم** اعمر لی کطبی و حیر و اسرامی می امری و ما اب اعلم به می **اللهم** اعمر لی کطبی و عمدی  
و حرلی و جدی و کز ذلک عمدی **اللهم** اعمر لی ما مدمم و ما اصرم و ما اسررم و ما اعلم

خدایا از گناه و جهالت و افراط کاری من و آنچه بهتر از من میدانی در گذر خدایا خطا و عمد و شوخی و جدی من همه را ببخش خدایا گناهان سابق و لاحق و نهان و عیان مرا عفو کن

## اللهم اعني بالعلم و ربي بالعلم و اكرمى بالتقوى و حملى بالهامه

خدایا مرا بعلم توانگر ساز و بحلم زینت بخش و بتقوی عزیز کن و بعافیت زیبائی ده

اللهم اسمع لنا م. حسبك ما كور سا و م. معاصك و م. طاعتك ما سلما نه حسك و م. الصبر ما سور.  
علما مصيبا- الدنيا و منها ناسماعا و ابصارنا و مونا ما احسا و اطفله الوار- ما و احر نارنا عر م. طلما  
و ابصرنا عر م. عادانا و لا كهر مصيبا مي دسا و لا كهر الدنيا اكر حصا و لا ملاح علما و لا سلط علما  
م. لا بر حصا

خدایا از ترس خود آنقدر نصیب ما ساز که میان ما و نافرمانی تو حایل شود و از اطاعت خود آنقدر که ما را بیهشت برساند و از یقین آنقدر که مصیبت های جهان را بر ما آسان کند و ما را تا هنگامی که زنده میداری از چشم و گوش و نیروی خود بهره ور ساز و آن را تا آخرین لحظه برای ما محفوظ دار و انتقام ما را از کسانی که بما ستم کرده اند بگیر و ما را بر کسانی که با ما دشمنی میکنند فیروز ساز و مصیبت ما را در دینمان قرار مده و کار دنیا را بزرگترین غم ما و نهایت دشمنان مساز و کسی را که بر ما رحم نمیکند بما مسلط مگردان

اللهم اسر كلهم سعي و اسر نومنا لك ههنا و ههنا ا. احسنا ما حفظنا و ا. امنا ما عمر لنا اللهم ابي  
اسالك الهامه

خدایا تو جان مرا آفریدی و تو آن را میگیری زندگی و مرگ آن متعلق بتو است اگر زنده اش داشتی محفوظش دار و اگر دچار مرگش ساختی بر او ببخش خدایا من از تو عافیت میخواهم

## اللهم اسعني بما علمني و علمي ما سعي و رجلي علما

خدایا مرا بآنچه تعلیم داده ای منتفع کن و آنچه را برای من نافع است بمن بیاموز و دانش مرا فزون کن

## اللهم ابي اسالك السدي و الهی و الهام و الهی

خدایا من از تو هدایت و تقوی و عفت و بی نیازی میخواهم



**اللهم** ای اسالت صکه می ایمان و ایمان می حس. کلم و کاجا سمه ملام

خدایا من از تو صحتی میخوام که قرین ایمان باشد و ایمانی که با نیک خوئی همراه باشد و موفقیتی که رستگاری دنبال آن باشد

**اللهم** ای اسالت م. العز كله ما علم و ما له اعلم و اعوذ بك م. السر كله ما علمه و ما له

اعلم

خدایا من نیکی هائی را که می دانم و نمیدانم از تو میخوام و از بدیهائی که میدانم و نمی دانم بتو پناه میبرم

**اللهم** ای اعوذ بك م. الرصم و العنور و العدا و م. سی الاسماء

خدایا من از برص و دیوانگی و خوره و امراض بد بتو پناه می برم

**اللهم** ای اعوذ بك م. المكر و الكسر و العم و العز و العرف و الفسوه و العقه و العله و الدله و المسكه و اعوذ بك م. الفهر و الكمر و الفسوم و السقام و العمام و السمعه و الربا و اعوذ بك م. الصم و البکم و العنور و العدا و الرصم و سی الاسماء

خدایا من از ناتوانی و تنبلی و ترس و بخل و پیری و سنگدلی و غفلت و تنگدستی و ذلت و مستمندی بتو پناه میبرم و از فقر و کفر و فسق و اختلاف و نفاق و ریا بتو پناه می برم و از کری و گنگی و دیوانگی و خوره و برص و امراض بد بتو پناه میبرم

**اللهم** ای اعوذ بك م. المكر و الكسر و العم و العز و العرف و اعوذ بك م. عدا الفهر و اعوذ بك م. عدا النار و اعوذ بك م. مسه المعنا و المعنا

خدایا از ناتوانی و تنبلی و ترس و بخل و پیری بتو پناه میبرم و از عذاب قبر بتو پناه میبرم و از عذاب جهنم بتو پناه میبرم و از رسوائی در زندگی بتو پناه میبرم

**اللهم** ای اعوذ بك م. الفهر و العله و الدله و اعوذ بك م. ا. اطلع او اطلع

خدایا از فقر و تنگدستی و ذلت بتو پناه میبرم و از ستمکشی و ستمگری بتو پناه می برم

**اللهم اِنى اعوذ بك من الكسر و السر و المانع و المهر و من صه الهل و عدا- الهل و من صه النار و عدا- النار و من سر صه الهى و اعوذ بك من صه الهل**

خدایا از تنبلی و پیری و گناه و قرض و بلیه قبر و عذاب قبر و رسوائی جهنم و بلیه جهنم و عذاب جهنم و بلیه ثروت و بلیه فقر بتو پناه میبرم

**اللهم اِنى اعوذ بك من خار السو مى خار المعامه ما. خار المناكه سكور**

خدایا از همسایه بد در خانه اقامت بتو پناه می برم زیرا همسایه صحرا بزودی تغییر می یابد

**اللهم اِنى اعوذ بك من كل ما كر عناه برئالى و مله برعالى ا. راى حسه كصتا و ا. راى سسه اذاعا**

خداوندا بتو پناه می برم از دوست حیله باز که دیدگانش مرا میبیند و دلش مراقب منست، اگر نیکی به بیند مستور سازد و اگر بدی ببیند مشهور سازد

**اللهم اِنى اعوذ بك من روال همتك و كوال عامتك و مكاه همتك و جمع سكتك**

خدایا از زوال نعمت و تغییر عافیت و غضب ناگهانی و همه چیزهائی که مایه ناخشنودی تو است بتو پناه میبرم

**اللهم اِنى اعوذ بك من علم لا نفع و عمل لا نفع و دعا لا نفع**

خدایا از دانشی که سود ندهد و عملی که مقبول نیفتد و دعائی که شنیده نشود بتو پناه میبرم

**اللهم اِنى اعوذ بك من علم لا نفع و عمل لا نفع و دعا لا نفع و نفع لا نفع اعوذ بك اللهم من سر**

**حولا الاربع**

خدایا از دانشی که سود ندهد و دلی که سوز ندارد و دعائی که شنیده نشود و نفسی که سیری نپذیرد بتو پناه میبرم خدایا از این چهار چیز بتو پناه میبرم

**اللهم ابي اعوذ بك من علمه العدو و سمانه الاعداء**

خدایا از چیرگی قرض و غلبه دشمن و سرزنش مخالفان بتو پناه میبرم

**اللهم ابي اعوذ بك من منه السا و اعوذ بك من عدا- الفر**

خدایا از فتنه زنان بتو پناه میبرم و از عذاب قبر بتو پناه میبرم

**اللهم ابي اعوذ بك من مصرا- الاكلام و الاعمال و الاحوا و الاكوا**

خدایا از اخلاق بد و اعمال بد و هوسهای بد و مرضهای بد بتو پناه می برم

**اللهم ابي اعوذ بك من يوم السو و من ليله السو و من ساعه السو و من صاحب السو و من خار السو من**

**دار المعامه**

خدایا از روز بد و شب بد و ساعت بد و یار بد و همسایه بد در خانه اقامت بتو پناه می برم

**اللهم بارك لامي في صورها**

خدایا سحر خیزی را بر امت من مبارک ساز

**اللهم تعلمك الصبر و قدرتك عز العلم احبى ما علمك الصبر كرا لي و نومي اذا علمك الوفاء كرا**

**لي اللهم و اسالك حسبك في الصبر و السعاده و اسالك كلمه لا تخلصني من الرضا و الفصد و**

**اسالك الفصد من الفقر و الهى**

خدایا تو را به غیب دانسی و قدرتی که بر آفرینش داری سوگند می دهم تا موقعی که زندگی را برای من بهتر میدانسی مرا زنده نگهدار و موقعی که مرگ را برای من بهتر میدانسی مرا بمیران خدایا از تو می خواهم که ترس خود را در آشکار و نهان نصیب من کنی و در حال خشنودی و خشم کلمه اخلاص را بزبان من جاری نمائی و در حال فقر و توانگری میانه روی را شعار من سازی



**اللهم ربنا انما في الدنيا حسبه و في الاخره حسبه و ما عدا- النار**

خدایا پروردگارا، در دنیا و آخرت بما نیکی بخش، و ما را از عذاب جهنم محفوظ دار

**اللهم ردنا و لا تعصنا و اكرمنا و لا تسا و اعطنا و لا ترمنا و ابرنا و لا توتر علسا و ارضنا و ارضم عنا**

خدایا ما را بیفزای و دچار نقص مساز ما را گرامی دار و خوار مکن ما را عطا ده و محروم مساز و ما را برتری ده و کسی را بر ما برتری مده ما را خشنود ساز و از ما خشنود باش

**اللهم عامی می بکلی اللهم عامی می سمی اللهم عامی می بصری اللهم ائی اعوذ بک م. الکرم و**

**الهر اللهم ائی اعوذ بک م. عدا- الهم لا اله الا انت**

خدایا تن مرا سالم دار خدایا گوش مرا سالم دار خدایا چشم مرا سالم دار خدایا از کفر و فقر بتو پناه می برم، خدایا از عذاب قبر بتو پناه میبرم، خدائی جز تو نیست

**اللهم كما حسرت کلي مکس. کلي**

خدایا چنان که صورت مرا نیک کردی سیرتم را نیز نیک کن

**اللهم لا بکلی الی نفسی طرمه عم. و لا سرع می صالم ما اعطسی**

خداوندایک لحظه مرا بخودم وامگذار و چیزهای خوبی که بمن بخشیده ای از من باز مگیر

**اللهم م. ولی م. امر امی سنا مسم علسه ماسعم علیه و م. ولی م. امر امی سنا مرمم سع مرمم نه**

خدایا هر کس عهده دار کار امت من شد و بر آنها سخت گرفت بر او سخت گیر و هر کس عهده دار کار امت من شد و با آنها مدارا کرد با او مدارا کن

**النوا و النوا مالی اکره ا. بری می کسک عطه**

تفریح کنید و بازی کنید زیرا دوست ندارم که در دین شما خشونت‌ی دیده شود

**اما ای الفریف بدمع می البار دمه**

شخص غیب گو در جهنم رانده می شود

**اما ای ربك كذ المدم**

پروردگار تو ستایش را دوست دارد

**اما برصی احداکم. اما اذا کاب خاملا م. روحنا و هو عسا راصم ای. لنا من احر الصابه الفاه می  
سبز الله ماذا وصف له کرم م. لسا خرعه و له بمص م. بکسا مصه الا کار. لنا بکر خرعه و بکر  
مصه حسه ما. اسعرا ليله کار. لنا من احر سبعم. رمه بصفه می سبز الله**

آیا خشنود نیستید که وقتی یکی از شما از شوهر خود آبستن است و شوهرش از او خشنود است ثواب کسی دارد که روز روزه گیرد و شب برای عبادت خدای بپا خیزد و هنگامی که بار گذارد هر جرعه ای که از شیر او درآید و هر دفعه که پستان او مکیده شود برای هر جرعه شیر و هر مکیده شدن پستان ثوابی دارد، و اگر برای مراقبت طفل خود شبی بیدار ماند پاداش او چنانست که هفتاد بنده در راه خدا آزاد کرده باشد

**اما علم ای ا لاسلا و بدم ما کار. مبله و ای العکره بدم ما کار. مبلتا و ای الفم بدم ما کار.**

**مبله**

آیا نمیدانی که اسلام آنچه را پیش از آن بوده محو میکند و هجرت آنچه را پیش از آن رخ داده از میان می برد و حج آنچه را پیش از آن بوده نابود میسازد

اما احز النار الذی۔ مع احلنا فاسع لا یویو۔ معا و لا کوی۔ و لک۔ باسم اصابع النار یصوبه فاماسع امانه  
خی اذا كانوا معما اذ۔ بالساعه می سے صبار صبار صباوا علی اثار العنه له صر نا احز العنه اصصوا علیهم  
صسوی۔ بنا۔ العنه یو۔ می صبر السیر

جهنمیان که در جهنم ماندنی هستند در آن مرگ و زندگی ندارند ولی مردمی که بواسطه گناهان خود جهنمی شده اند در جهنم می میرند  
و همین که ذغال شدند اجازه شفاعت داده می شود و آنها را گروه گروه می آورند و بکنار نهرهای بهشت میاندازند سپس به بهشتیان گویند  
آب بر آنها بریزید و آنها چون دانه ای که در گذرگاه سیل باشد از نو میرویند

اما بعد الا انما الناس ما بنا انا سر یوسک۔ ای نالی رسول رلی ماخبر و انا نارد۔ صکم یعلم۔ اولعما  
کنا۔ الله مه العدی و النور م۔ اسمسک به و احد به کار علی العدی و م۔ اخطاه صر معدوا  
کنا۔ الله تعالی و اسمسکوا به و احز سی اذکرک الله می احز سی اذکرک الله می احز سی

اما بعد ای مردم من بشری هستم که نزدیکست فرستاده خدا پیش من آید و دعوت او را اجابت کنم دو چیز سنگین میان شما میگذارم یکی  
کتاب خداوند که در آن هدایت و نور است و هر کس بدان چنگ زند و آن را بگیرد قرین هدایت است و هر کس آن را رها کند گم راه می شود،  
کتاب خدا را بگیرد و بدان چنگ زنید؛ و خانواده من، در باره خانواده ام خدا را بیاد شما می آورم در باره خانواده ام خدا را بیاد شما می آورم،

اما بعد ما۔ الدنيا حصره خلوه و ای۔ الله مسکلمک معا مناظر کم یعملو۔ ماہوا الدنيا و اہوا  
السا ما۔ اول صبه بی اسرایز کار می السا

اما بعد دنیا سبز و شیرین است و خداوند شما را در آن جای داده و نگران است که چگونه رفتار میکنید، از دنیا بپرهیزید و از زنان نیز بپرهیزید  
زیرا نخستین گمراهی یهودان در خصوص زنان بود

اما بعد مما نال الفامر بسفله مناسا مصول خدا م۔ عملک و خدا احدی الی اعلا بعد می سر اسه  
و امه صطر حر سدی له ام لا

اما بعد چرا کسی که ما کاری بدو میسپاریم، وقتی از مأموریت خود بیاید گوید اینها را برای شما وصول کردم و اینها را بمن هدیه داده اند، چرا در خانه پدر و مادر خود ننشست تا ببیند هدیه ای باو میدهند یا نه؟

**امراه ولوک احد الی الله تعالی م. امراه حسا لا نلک ای مکار بک الامم نو و الصامه**

زنی که فرزند بسیار آرد در پیش خداوند از زن زیبایی که فرزند نمی آرد بهتر است من در روز قیامت بفرزونی شما افتخار می کنم

**امر م. امر م. و صر الامور اوساطعا**

راهی میان افراط و تفریط است و بهترین کارها میانه رویست

**امر النسا الی اناس. و رصاحم. السکو-**

کار زنان به دست پدرهایشانست و رضایت آنها سکوت است

**امر- بالسواک حی کسر ا. بکسر علی**

مرا آنقدر بمسواک زدن فرمان دادند که ترسیدم مسواک زدن بر من واجب شود

**امر- بالسواک حی کسر علی اسالی**

مرا آنقدر بمسواک زدن فرمان دادند که بر دندانهای خود بیمناک

**امط الاکسی ع. طرم المسلم. بکسر حساب**

مانع از راه مسلمانان دور کن تا حسنات تو بسیار شود

**امک امک نه امک نه اناک نه الامر- مالامر-**

مادر خود، مادر خود، مادر خود را رعایت کن، سپس پدر خود را و پس از آن کسانی را که بتو نزدیکترند

املک بکد

دست خویش را نگهدار

املک علیک لسانک

زبان خویش را نگهدار

املا الکر کر م. السکو - و السکو - کر م. املا السر

القای خیر از خاموشی بهتر و خاموشی از القای شر برتر است

امت م. عبت

هر که ترا سرزنش کرد از کینه خویش ایمن ساخت

انا امصم المر -

من از همه مردم عرب فصیح ترم

انا الساحد علی الله ا. لا نصر عامر الا رفعه له لا نصر الا رفعه له لا نصر الا رفعه له لا نصر الا رفعه حی کمر

مصیره الی الله

من از طرف خدا تعهد میکنم که عاقلی نلغزد مگر آنکه خدا او را بلند کند پس از آن نلغزد مگر آنکه او را بلند کند پس از آن نلغزد مگر او را بلند کند پس از آن نلغزد مگر او را بیهشت بکشاند

انا البکر و الهو - المهر و الساعه الموعد

من بیم دهنده ام و مرگ یغماگر است و رستاخیز وعده گاه

ا. احمم ا. ككم الله و رسوله مادوا اذا اسمم و اصدموا اذا حكمم و احسوا حوار م. حاوركم

اگر میخواهید که خدا و پیغمبر شما را دوست بدارند وقتی امانتی به شما سپردند رد کنید و همین که سخن می گوئید راست گوئید و با همسایگان خود به نیکی رفتار کنید

### انظار الهرم بالصبر عبادہ

انتظار گشایش که با صبر قرین باشد عبادت است

انظار الهرم م. الله عبادہ و م. رضى بالفلن م. الررم رضى الله تعالى مه بالفلن م. الفمر

انتظار گشایش از جانب خداوند عبادتست و هر که بروزی اندک راضی باشد خداوند از او بعبادت اندک راضی می شود

امم عر سه م. ركم ما لم بطر مكم سكرنا. سكره العيز و سكره حر الدنيا

تا هنگامی که مستی نادانی و مستی دنیاپرستی از شما پدیدار نشود بخداوند خویش اطمینان دارید

### اب و ما لك لاسك

تو و آنچه داری متعلق بپدرت هستید

ارلوا الاسم صارلعم م. العز و السر

مردم را در مقام خودشان از بدی و نیکی بشناسید

ا. سم اسمك ع. ا لاماره و ما حى اولنا ملامه و ناسا بكامه و نالسا عدا- نو و الصامه

اگر بخواهید شما را از ریاست خبر می دهم که چیست، اولین مرحله آن ملامت است و دومین مرحله آن ندامت و سومین مرحله آن عذاب روز قیامت

ابصر احاد طالما او مظلوما ابرك طالما مار كده عم. طلعه و ابرك مظلوما مابصره

برادر خود را یاری کن چه ستمگر باشد و چه ستم دیده اگر ستمگر است او را از ستم باز دار و اگر ستم دیده است او را یاری کن

ابطر مات لسر كرم. احمر و لا اسود الا ابر. بعصه بعوی

بنگر که تو از سرخ پوست و سیاه پوست بهتر نیستی جز آنکه در پرهیزکاری از او برتر باشی

ابطروا الی م. هو اسهر مكم و لا بطروا الی م. هو مومكم مانه احمر ابر. لا بر كروا بعفه الله عليكم

به آنکه از شما پائین تر است بنگرید و بآن که از شما بالاتر است منگرید زیرا بدین وسیله قدر نعمت خدا را بهتر می دانید

ابطر می ای بصا- بصع ولدك ما ابرم كسام

بنگر فرزند خود را در کجا قرار میدهی که خون تأثیر خود را باقی میگذارد

ابهم عر بسك كما ابهم الله عليك

نعمتی را که خدا بتو داده از آن بهره بگیر

ابھی و لا كصی مكصی الله عليك و لا نوعی صوعی الله عليك

خرج کن و حساب مکن که خدا بر تو حساب کند و بخل مورز که خدا بر تو بخل ورزد

ابر مام الساعه و می ب احكم مسله ما ابر اسطاع ابر. لا بعوم حی بعرسا ملبعرسا

اگر رستاخیز بپاشد و نهالی در دست یکی از شماست اگر میتواند آن را بکارد باید بکارد

ابكوا مالی مكار بكم

زناشوئی کنید که من از فزونی شما تفاخر میکنم

۱. اذ مبر ا. بصر الكبر ك. اخله م. عسه و امله كله ملما اصا- الكبر حمز الله تعالی امله م.  
عسه و اخله كله ملا برال نومز حی مو-

آدم پیش از آنکه مرتکب گناه شود مرگش جلو چشمش و آرزویش پشت سرش بود و همین که مرتکب گناه شد خداوند آرزوی او را جلو چشمش و مرگش را پشت سرش قرار داد بدین جهت پیوسته آرزو میکند تا بمیرد

۱. ا کز النام م. کز بالسلا م و اعز النام م. عر ع. الدعاء

بخیل ترین مردم آن کس است که از سلام دادن بخل ورزد و ناتوان ترین مردم کسی است که از دعا ناتوان باشد

۱. ام. اذ م لعرضم علی ما مع

آدمیزاد بر چیزی که از آن منع شده سخت حریص است

۱. ابر الر ا. بصر الر حز و ک انه بعد ا. بولی الا-

بهترین نیکی آنست که مرد پس از مرگ پدر خویش با دوستان او دوستی کند

۱. اعصم عما الله الی الله الفعرب العربی لک بر را می مال و لا ولد

منفورترین بندگان خدا بنزد وی شخص سرکشی است که در مال و فرزند مصیبت ندیده است

۱. انیس بصع عرسه علی الی لک سمره سراناه ما ذابح منه مرله اعطصه منه لی احدی معول مملی

کذا و مملی کذا معول ما صفر سنا و لی احدی معول ما برکه حی مرمد سه و م. اخله

مکینه منه و معول بعد اس



شیطان تخت خویش را بر آب می گذارد و دسته های خود را به اطراف میفرستد و آنها که گمراهی بزرگتر پدید آرند منزلتشان بدو نزدیک تر است، یکی از آنها بیاید و گوید چنین کردم و چنان کردم ابلیس گوید کاری نکرده ای، یکی از آنها بیاید و گوید وی را رها نکردم تا میان او و کسانش تفرقه انداختم، شیطان او را بخود نزدیک کند و گوید تو خوبی

ا. ایلیم یسیر اسد اصکانه و اموی اصکانه الی م. بصبح المبروم می ماله

شیطان محکمترین و نیرومند ترین یاران خود را برای گمراهی کسی فرستد که با دارائی خود کار نیک انجام میدهد

ا. انوا- الله کب طلال السوم

درهای بهشت زیر سایه شمشیرهاست

ا. احب الناس الی الله تعالی نوم العمامه و اذناهم مه فکلسا امام عادل و انصم الناس الی الله تعالی و انصم مه امام خابر

محبوبترین مردم در نظر خدا روز قیامت و نزدیکتر از همه باو پیشوای دادگستر است و منفور ترین مردم و دورتر از همه باو پیشوای ستمگر است

ا. احب عماد الله الی الله انصمک لهما

محبوبترین بندگان خدا بنزد وی کسی است که با بندگان او مهربانتر باشد

ا. احب عماد الله الی الله م. حب الله المبروم و حب الله معاله

محبوبترین بندگان خدا بنزد وی کسی است که کار نیک را محبوب او ساخته و میل انجام آن را در دلش انداخته است

ا. احکم مرآه اصه فاذا رای به اذی ملیطه عنه

هر یک از شما آئینه برادر خویش است وقتی عیبی بر او دید باید بزداید

ا. اءءءء ءءء ءءءه ءى ءءء. اءه اءءءء. ءوما ءءءه ءء ءءءء. ءءءه ءء ءءءء. ءءءه ءء ءءءء.  
ءء ءءءء الله الله ءءءا و ءوءء ءاءءء ءءءا و ءءءء له اءءء ءءءه و ءءءه و اءءه و ءءى او ءءءءء ءء  
ءءءءه ءه اءءءء

هر يك از شما در شكم مادر خود چهل روز نطفه است پس از آن چهل روز علقه است پس از آن چهل روز مضغه است پس از آن خداوند فرشته اى بسوى او ميفرستد و او را بچهار كلمه مأمور مى سازد و ميگويد عمل و روزى و مرگ او را و اينكه خوشبختست يا بدبخت رقم بزن، پس از آن روح در او دمیده مى شود

ا. اءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء  
ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء  
ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء

كسى از شما كار بهشتيان را انجام ميدهد تا آنجا كه ميآن او و بهشت ذراعى بيش نماند ولى سرنوشت بر او چيره شود و كار جهنميان كند و به جهنم رود و نيز كسى كار جهنميان كند تا آنجا كه ميآن او و جهنم ذراعى بيش نيست ولى سرنوشت بر او چيره شود و كار بهشتيان كند و ببهشت رود

ا. اءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء

مايه افتخار مردم دنيا كه بسوى آن ميروند اين مال است

ا. اءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء

بهترين نيكي ها سيرت نيك است

ا. اءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء ءءءءء

بيش از هر چيز بر امت خود از منافق چرب زبان بيم دارم

ا. اَكُوْمَ مَا اَكَامَ عِزَّ امِي ا لاسر ا **بالله** اما ابي لسر امور **بهدو**. سمسا و لا مبرا و لا وسا و  
لك. اعمالا لسر **الله** و سعوه كسه

بیش از هر چیز بر امت خود از شرک بخدا بیم دارم، من نمیگویم که خورشید و ماه یا بت میپرستند ولی کارهایی برای غیر خدا انجام میدهند و دستخوش شهوت نهانی میشوند

ا. اَكُوْمَ مَا اَكَامَ عِزَّ امِي الاعمه المصلو.

بیش از هر چیز بر امت خود از پیشوایان گمراه کننده بیم دارم

ا. اَكُوْمَ مَا اَكَامَ عِزَّ امِي عمر موم لوط

بیشتر از هر چیز بر امت خود از کردار قوم لوط بیم دارم

ا. اسد الناس بکامه نوم الصامه رخز ناع اکره بکسا عره

پشیمانتر از همه مردم در روز قیامت، مردی است که آخرت خود را بدنیای دیگری فروخته است

ا. اسد الناس عداها نوم الصمه عالم له بعه **الله** بقله

بروز رستاخیز عذاب دانشمندی که خداوند او را از دانشش منتفع نکرده از همه مردم سختتر است

ا. اسد الناس بصدها للناس اصدعه خدا و ا. اسد الناس بکدبا اكدعه خدا

هر که راستگوتر است سخن مردم را زودتر باور میکند و هر که دروغگوتر است بیشتر مردم را دروغگو میشمارد

ا. اسی الاسها م. اجمع علیه مهر الکسا و عدا- الاکره

بدبختترین بدبختان کسی است که فقر دنیا و عذاب آخرت را با هم دارد

ا. اسکر الناس اسکرع للناس

سپاسگزارتر از همه مردم کسی است که سپاس مردم را بیشتر می گذارد

ا. اطیر طعامکم ما مسه النار

بهترین غذاهای شما آنست که بآتش پخته شود

ا. اطیر الکسر کسر البکار الذم. اذا حدیثوا له بکذبوا و اذا ائتموا له کلوبوا و اذا وعدوا له کلفوا و اذا کان علیهم ذم. له بمطلوا و اذا کان له بفسروا و اذا باعوا له بطروا و اذا اسروا له بدموا

بهترین کسب ها کسب تجاری است که بهنگام سخن دروغ نگویند و در امانت خیانت نکنند و بوعده وفا کنند و در پرداخت قرض خود تعلل نکنند و در مطالبه سخت گیری نکنند و بهنگام فروش در ستایش جنس خود مبالغه نکنند و بهنگام خرید از جنس دیگران بد نگویند

ا. اطیر ما اکلکم م. کسکم و ا. اولادکم م. کسکم

بهترین روزی شما آنست که از کسب بدست آرید و فرزند شما جزو کسب شماست

ا. اناسا م. اجر الله بظلموا الی اناس م. اجر النار مفعولوا. له ذکلم النار مو الله ما ذکلمنا الله الا بما نعلمنا مکم مفعولوا انا کما نعلم و لا نعلم

مردمی از بهشتیان بسوی گروهی از جهنمیان نگران شوند و گویند برای چه بجهنم رفتید؟ بخدا ما به کمک چیزهایی که از شما آموختیم بهشت در آمدیم جهنمیان گویند ما میگفتیم ولی عمل نمیکردیم

ا. اعطه الذی - عه الله ا. بلغاه بنا عبد بعد الذی الی سی الله عبا ا. هو - الرجز و علیه ذم. لا بدع له مصا

بعد از گناهان بزرگ که خداوند از آن نهی کرده بزرگتر از همه گناهان آنست که مردی بمیرد و قرضی داشته باشد و محلی برای پرداخت آن نگذارد

ا. اعطه الناس حظا بوم العمامه اكرمه حوصا في الناطر

بروز رستاخیز گناه آن کس از همه مردم بیشتر است که بیشتر از همه گفتگوی بیهوده کرده باشد

ا. اعز الطاعه بوا صله الرحم

ثواب نیکی با خویشاوندان را از همه کارهای نیک زودتر می دهند

ا. امصر عمر الموم. العتاد في سبب الله

بهترین عمل مؤمن، جهاد در راه خداست

ا. امواكم طرم للفرار. مطبوعا بالسواك

دهانهای شما معبر قرآنست آن را با مسواک پاکیزه کنید

ا. امر ساكي الله السا

کمترین ساکنان بهشت زنانند

ا. اكر ا لاله عبد الله ا. بصبع الرحم م. هو -

بزرگترین گناهان در نظر خدا آن است که مردی ناخور خود را سرگردان گذارد

ا. اكر الناس سبعا في الدنيا اطولعه حوصا بوم العمامه

آنکه در دنیا از همه مردم سیرتر است روز رستاخیز بیشتر از همه گرسنه خواهد ماند

ا. اکر احز الله الله

بیشتر بهشتیان ابلهانند

ا. اکر ما بکر الاسم النار الاحومار. الله و الفرم

مردم بیشتر از همه بواسطه دو چیز مجوف بجهنم میروند: دهان و عورت

ا. اکر ما بکر الله الاسم بعوی الله و حس. العلم

مردم بیشتر بواسطه ترس خدا و نیکخلقی بهشت میروند

ا. الاکم بصر لعمه اعطه م. مکور الفاجر

احمق بواسطه حماقت بیشتر از مردم بدکار گناه میکند

ا. الارص لسادی کر نو و سبم. مره نا بی اذ و کلوا ما سم و اسبم مو الله لاکر. لومک و

خلوک

زمین هر روز هفتاد بار بانک میزند، آدمیزادگان هر چه می خواهید و دوست دارید بخورید بخدا که گوشت و پوست شما را خواهم خورد

ا. ا لاسلا و بکا عربا و سموک عربا کما بکا مطوی للربا

اسلام در آغاز غریب بود و باز همچنان که بود غریب خواهد شد خوشا بحال غریبان

ا. ا لاسلا و بطم مسطهوا مانه لا بکر الله الا بطم

اسلام پاکیزه است، شما نیز پاکیزه باشید که هر کس پاکیزه نیست بهشت نمی رود

ا. ا لانهار لنکلم می حوم احدک کما کلم النور. فاسالوا الله تعالی ا. کد ا لانهار می ملوک

ایمان شما چون لباسی که به تن دارید کهنه می شود از خدا بخواهید که ایمان را در دل شما تازه کند

ا. الر و الصله بسطلا. الاعمار و بعمار. الدار و بصر. الاموال و لو كان الهوم معارا

نیکی با کسان و مهربانی با خویشان عمرها را دراز و شهرها را آباد و اموال را زیاد می کند اگر چه انجام دهندگان آن بدکاران باشند

ا. النواصع لا یرد الله الا رعه مواصفوا برفعه الله و ا. الهو لا یرد الله الا عرا ماعفوا  
برفعه الله و ا. الصدقه لا یرد الهال الا بما صدقوا برفعه الله

تواضع مایه رفعت است تواضع کنید تا خدا شما را رفعت دهد عفو مایه عزت است عفو کنید تا خدا شما را عزت بخشد صدقه موجب فزونی مالست صدقه دهید تا خدا مالتان را زیاد کند

ا. اللسد لناکر النساء۔ كما ناکر النار العطر

حسد نیکی ها را میخورد چنان که آتش هیزم را میخورد

ا. اللکمه برفد الشریف سرما

حکمت شرافت شریف را فزون می کند

ا. النبا و ا لانبا. مرنا حمنا مادا سلر احدما بینه الاکر

حیا و ایمان قرین یک دیگرند وقتی یکی را گرفتند دیگری همراه آن می رود

ا. الدبا حلوه حصره و ا. الله مسکلهک منا لسطر کف بمملو.

جهان شیرین و سبز است و خدا شما را در آن جای داده تا ببیند چه می کنید

ا. الرجز اذا رصى حدی الرجز و عمله صو مله

هر که از روش و کار دیگری راضی باشد مثل اوست

۱. الرحز اذا نظر الى امرائه و نظره - الله نظر الله تعالى السما نظر الركه

وقتی مرد بزنی خود نگردد و زنیش بدو نگردد خداوند بدیده رحمت بر آنها می نگرد

۲. الرحز لا يزال في صكه رانه ما يصم لمستسره فاذا عم مستسره سله الله تعالى صكه رانه

مرد تا هنگامی که مشورت کنان خود را رهبری می کند از اصابت رأی بهره ور است و همین که با مشورت کنان خیانت کرد خدا اصابت رأی را از او میگیرد

۳. الرحز لرمح درحه في الله مفعول ابي لي حكا مفعول باستفهام ولدك لـ

مقام یکی را در بهشت بالا برند و گوید این مقام از کجا برای من حاصل شد؟ گویند فرزندان برای تو آمرزش طلبید

۴. الرحز لكرم الررم بالكسب بصبه و لا ترك الهدر الا الدعاء و لا ترك في الفهم الا الر

انسان بسبب گناه از روزی محتوم محروم ماند و تقدیر جز بدعا برنگردد و عمر جز به نیکوکاری دراز نشود

۵. الرحز لطلب الحاجة مروننا الله تعالى عنه لما هو كثر له مسعه الناس ظلما له مفعول م. سبهي

انسان حاجتی میخواهد و خدا برای مصلحتی حاجت او را بر نمی آورد و او بستم مردم را متهم میکند که کی حق مرا برد

۶. الرحز لهمز او المرء بطاعه الله تعالى سب. سه نه كصر بما الموم - مصار. في الوصه صك لهما النار

مرد یا زن شصت سال خدا را عبادت می کنند و هنگام مرگ در وصیت بحق رفتار نمی کنند و جهنم بر آنها واجب می شود

۷. الرحز لهمز عمر الله صما سكو للناس و هو م. احز النار و. الرحز لهمز عمر النار صما سكو للناس و

هو م. احز الله



گاه می شود که انسان در نظر مردم کار بهشتیان می کند اما به حقیقت از جهنمیان است و گاه می شود که انسان در نظر مردم کار جهنمیان می کند و بحقیقت اهل بهشت است

ا. الرحز لعمز الرمز الطوبز بعمز احر الله نه كم له عمله بعمز احر النار و ا. الرحز لعمز الرمز الطوبز بعمز احر النار نه كم عمله بعمز احر الله

گاه می شود که انسان مدتی دراز کار بهشتیان می کند پس از آن کار وی به رفتار جهنمیان خاتمه می یابد و گاه می شود انسان مدتی دراز کار جهنمیان میکند و پس از آن کار وی به رفتار بهشتیان خاتمه می یابد

ا. الرکفه لا سرز علی موم صنع ماطع رحه

مردمی که در میان آنها کسی از خویشاوندان بریده باشد، رحمت خدا بر آنها فرود نمی آید

ا. الررم لبطالب المصد اصرها بطلبه اخله

روزی بیشتر از اجل در جستجوی بنده است

ا. الرناه نابوز بسمر و خوصع نارا

روز قیامت چهره زناکاران از آتش مشتعل است

ا. السفاده كز السفاده طول المصرمی طاعه الله

سعادت کامل آنست که عمر دراز را در عبادت خداوند بپایان برند

ا. السفد لم حب المزم و لم اسلم مصر

خوشبخت آنست که از فتنه ها کناره گیرد و آنکه بزحمتی مبتلا شود و صبر کند

ا. السموات السبع و الارصم السبع و العمار للمم السم الرابی و ا. مروضه الرناه لوكذی احر النار م. رکنما

هفت آسمان و هفت زمین و کوه ها پیر زنا کار را لعنت می کنند و تعفن عورت زناکار جهنمیان را اذیت میکند

ا. السد لا یسور. کلا

آقا بخیل نمیشود

ا. الساعد یری ما لا یری العابد

حاضر چیزها ببند که غایب نه ببند

ا. الساطم. یهدوا برانا الی الاسوام صدکلو. مع اول داکر و کرحو. مع اکر کارمه

شیطانها صبحگاهان با بیرقهای خود بیزارها میروند و با هر که زودتر بیزار رود داخل می شوند و با هر که دیرتر در آید بیرون می آیند

ا. السطار. مع الواحد و هو م. ا لاسم. اهد

شیطان با یکتا است و از دو تن دورتر است

ا. السطار. نالی احدکم معول م. کلم معول الله معول مم. کلم الله ما دا وحد احدکم دلک

ملک امر بالله و رسوله ما دلک بحدی عه

شیطان پیش یکی از شما آید و گوید کی ترا خلق کرد؟ جواب دهد خدا، گوید خدا را کی خلق کرد اگر یکی از شما چنین پنداری بخاطر یافت گوید بخدا و پیغمبر او ایمان دارم و این پندار از خاطر او برود

ا. السطار. کری م. ام. اده کری الد

شیطان مانند خون در تن انسان جاریست

ا. السطار. کب العمره ماناک و العمره و کز بو. دی سعره

شیطان سرخی را دوست دارد از سرخی و هر لباسی که باعث انگشت نمائست بپرهیزید

ا. السطار مال و عربك نار - لا ارمع اعوی عماك ما دام ارواحهم می احسانه مال الر - و عربی  
و خالی لا ارال اعمر لعم ما اسهمروبی

شیطان گفت پروردگارا بعزت تو سوگند که تا وقتی که روح بندگان تو در تنشان است پیوسته آنها را گمراه میکنم، خداوند گفت بعزت و جلالم سوگند که تا وقتی از من بخشش طلبند پیوسته آنها را می بخشم

ا. الصدقه صبح بصم الررم

خواب صبحگاهی مانع قسمتی از روزی می شود

ا. الصبر عند الصدقه الاولی

صبر حقیقی در صدمه نخستین است

ا. الصدقه علی ذی مرانه بصم اخرها مرسم.

صدقه ای که بخویشاوند دهند پاداش مکرر دارد

ا. الصدقه لنطفی عصم الر - و بدمع منه السو

صدقه خشم خداوند را فرو می نشاند و از مرگ بد جلوگیری میکند

ا. الصدقه لنطفی عم. احلنا حر الامور و اما بسطر الموم. نوم العمامه می طر صدقه

صدقه گرمای قبر صدقه دهندگان را تخفیف می دهد و مؤمن روز رستاخیز در سایه صدقه خویش قرار میگیرد

ا. الصبا الرلال الدی لا سب علیه امكاه الفلما الطمع

طمع سنگ لغزانی است که پای دانشمندان بر آن استوار نمیماند

إِذَا الصَّدْمُ سَدَى إِلَى الرَّوِّ وَ إِيَّا الرِّجْلَ لِمَصْدَمٍ حَتَّى يَكْسِرَ عِندَ اللَّهِ صَدْمَهَا  
وَ إِيَّا الصَّدْمَ سَدَى إِلَى الْهَكُورِ وَ إِيَّا الْهَكُورَ سَدَى إِلَى النَّارِ وَ إِيَّا الرِّجْلَ لِمَصْدَمٍ حَتَّى يَكْسِرَ عِندَ اللَّهِ  
صَدْمَهَا

راستی رهنمای نیکیست و نیکی رهنمای بهشت است و مرد راست میگوید تا پیش خدا راستگو بقلم میرود دروغ رهنمای بدیست و بدی رهنمای جهنم است و مرد دروغ میگوید تا پیش خدا دروغگو بقلم میرود

إِذَا الصَّدَقَةُ لَا تَرِدُ الْمَالَ إِلَّا كَرِهًا

صدقه مال را افزون میکند

إِذَا الْعَارُ لِلرِّمِّ الْمَرِّ نَوْمُ الصَّامَةِ حَتَّى يَهْوِيَ بِهَا رِمًّا - لَأَرْسَالِكُمْ إِلَى النَّارِ أَسْرَ عِلْمِهَا أَلْهَى وَ أَنَّهُ لِنَعْلَمَ مَا مَعَنَا  
مِنْ سِدِّهِ الْمَدَا-

در قیامت آن قدر ننگ گریبانگیر انسان می شود که میگوید خدایا اگر مرا بجهنم بفرستی بهتر از این وضع است در صورتی که از سختی عذاب جهنم خبر دارد

إِذَا الْعَمْدُ إِذَا اصْطَبَّ حَطْبَهُ يَكْسِرُ مِ مَلَمَهُ نَكَبَهُ سَوْدًا مَا جُو بَرَعٌ وَ اسْمُهُ وَ نَا - صَعْرَ مَلَمَهُ وَ إِيَّا عَاثَ  
رِدَّ مَسَا حَتَّى يَهْوِيَ عِلْمُ مَلَمَهُ وَ حُو الرِّبَا الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى كَلَّا بَرَّ رَا. عِلْمُ مَلَمَهُ مَا كَانُوا يَكْسِرُونَ.

بنده وقتی گناهی کند نقطه سیاهی در دل او پدید می آید اگر از گناه دل بر کند و بخشش خواست و توبه کرد دلش صاف می شود و اگر گناهی دیگر کرد نقطه سیاه افزون می شود تا دل را فرو گیرد و این «چیرگی گناه» است که خداوند گوید: «نه بلکه گناهشان بر دلهایشان چیره شد»



۱. **الهدد اذا كان همه الاكبره كم الله تعالى عليه صفيه و همه عناه مي عليه ملا بصيمه الا عسا و اذا كان همه الدنيا امسى الله تعالى صفيه و همه معرفه سم. عسه ملا بصي الا مصرا و لا بصيمه الا مصرا**

بنده اگر در آخرت دل بسته باشد خداوند دارائی او را بقدر کفاف کند و ثروتش را در قلبش قرار دهد و پیوسته بی نیاز باشد و اگر بدنیا دل بسته باشد خداوند دارائی او را فراوان کند و فقر را رو برویش قرار دهد و پیوسته فقیر باشد

۲. **الهدد لسيدم بالكسره برنو عبد الله حي بكو. من احد**

بنده یک پاره نان صدقه می دهد و پیش خدا بزرگ می شود تا مثل کوه احد می شود

۳. **الهدد لذكر كس. العلم در حه الصابه العالم**

بنده بوسیله خوش خلقی بمقام روزه دار و نمازگزار میرسد

۴. **الهدد لذكر الكبر صدكر به الله بكو. بصر عسه باسا مارا حي بذكر به الله**

بنده گناهی میکند و بوسیله آن بهشت میرود زیرا گناه پیوسته در خاطر اوست و وی توبه کنان و از گناه گریزان است

۵. **الهدد لكتب عمر سيم. سه**

خود پسندی و غرور عبادت هفتاد ساله را نابود میکند

۶. **الهدد مع وره الانسا ورنوا العلم مم. احده احد كط وامر**

دانشمندان وارث پیغمبرانند و دانش را از آن ها میراث برده اند هر کس دانش فرا گیرد سهم فراوان از میراث پیغمبران گرفته است

۷. **الهدد لذكر الرخ العر و بذكر العمر الهدد**

چشم بد مرد را بقر میرساند و شتر را بدیگ میکشاند

ا. الهادر نصاب له لولا نوم الهامه صغار الا حده عدره ملا. ام. ملا.

روز رستاخیز برای پیمان شکن پرچمی برافرازند و گویند این پیمان شکنی فلان پسر فلان است

ا. العصر م. السطار. و ا. السطار. كلم م. النار و اما نطقا النار بالها ما اذا عصر احدكم ملسو صا

خشم از شیطان است و شیطان از آتش پدید آمده و آتش را بآب خاموش توان کرد وقتی یکی از شما خشمگین شود وضو گیرد

ا. الهبه لی مسمم الهما سفا و نكو العالم منا نعلمه

فتنه بیاید و بندگان را مغلوب کند و دانشمند بکمک دانش خود از آن رهائی یابد

ا. العکم و العکم لسا م. الا سلا م می سی و ا. احس. الاسم اسلا ما احسبه کلها

بدگوئی و بدزبانی از صفات اسلام نیست و از همه مردم اسلام آن کس بهتر است که اخلاقش نیکتر است

ا. الهکد عوره

ران جزو عورت است

ا. الهاصی الهکد لکما به نوم الهامه صلی م. سده النساء ما نصلی ا. لا نکو. مصی م. اسم. می صره

قاضی عادل را روز قیامت بحساب میکشند و از سختی حساب چیزها می بیند که آرزو می کند میان دو کس در باره یک خرما قضاوت نکرده بود

ا. الهلوه - م. اصنهم. م. اصابع الله نعلنا

دلها میان دو انگشت از انگشتان خداست و آن را زیر و رو همی کند

ا. الله الی عر صم. من موما نلانا

خداوند سه بار خواهش مرا در باره بخشش کسی که مؤمنی را کشته رد کرد

ا. **الله احمک التوبه علی ک صاحب بدعه**

وقتی خداوند توبه را بر بدعت گذار ممنوع ساخته است

ا. **الله اذا احرى علی بد رح کر الرجز ملع سکره ملس لله ساکر**

وقتی خداوند خیر کسی را به دست دیگری انجام دهد و او را سپاس نگذارد سپاس خدا را نیز نداشته است

ا. **الله اذا احب انقاد امر سل ک دی لب له**

خداوند وقتی بخواهد کاری را انجام دهد عقل خردمندان را بگیرد

ا. **الله اذا مصی علی عبد مصا له بکر. لهصانه مرد**

وقتی خداوند چیزی بر بنده خویش مقدر سازد تقدیر وی تغییر پذیر نیست

ا. **الله اذا اراد ا. سلک عبدا برع مه العنا مادا برع مه العنا له بلعه الا مصا**

**مهسا برع مه الامانه مادا برع مه الامانه له بلعه الا کانا گونا برع مه الرکفه مادا برع مه الرکفه له**

**بلعه الا رحما ملما برع مه ره ا لاسلا م**

خداوند وقتی بخواهد بنده ای را هلاک سازد حیا را از او بگیرد وقتی حیا از او گرفته شود متنفر و منفور شود و وقتی متنفر و منفور شد امانت از او گرفته شود و همین که امانت از او گرفته شد راه خیانت پیش گیرد و کسان نیز بدو خیانت کنند و وقتی چنین شد رحم از او بر خیزد وقتی رحم از او برخاست مطرود و ملعون شود و طوق اسلام را از گردن او بردارند

ا. **الله اذا اراد هو م کرا اسلا م**

وقتی خداوند برای قومی نیکی خواهد آنها را مبتلا سازد

ا. **الله** اذا اراد امصا امر برع عفور الرخال حي بمصى امره فاذا امصاه رك الله عفو له و وصف  
الكمامه

وقتی خداوند بخواهد کاری را انجام دهد عقل مردان را بگیرد تا کار خود را انجام دهد وقتی که آن را انجام داد عقلشان را باز پس دهد و پشیمانی رخ نماید

ا. **الله** اذا اهدى على عبد نعمه احد ا. برى عنه

وقتی خداوند نعمتی ببندد ای بدهد دوست دارد که آن را بر او آشکار بیند

ا. **الله** اذا عصى على امه لم يزل بها عدا حسف و لا مسم يملئ اسفارها و كسب عنها امطارها و نزل عنها  
اسرارها

وقتی خداوند بر قومی خشمگین شود و آنها را بر زمین فرو نبرد و مسخ نکند، قیمت‌هایشان گران شود و باران بر آنها کم بارد و اشرارشان زمام کارشان را به دست گیرند

ا. **الله** استخلص هذا الدم. ليهسه و لا يصلح لذكركم الا السعا و حسب. العلم الا مرسوا ذكركم سما

خداوند این دین را خاص خود کرده است، با دین شما جز بخشش و خوش خلقی سازگار نیست؛ دین خود را باین دو صفت آرایش دهید

ا. **الله** امرى بمدراه الناس كما امرى تامامه الفرائض

خداوند بمن فرمان داده با مردم بمدارا رفتار کنم، همچنان که مرا بادای واجبات مأمور ساخته است

ا. **الله** اوحى الى ا. بواصهوا حتى لا يفر احد عن احد و لا يهوى احد عن احد

خداوند بمن وحی فرستاده که فروتنی کنید تا کسی بر کسی افتخار نکند و کسی بر کسی تعدی نکند

ا. **الله** كرمه و مصله حمر الروم و الهرم من العرب. و الرضا و حمر العرب. من السك و السقط



خداوند بحکمت و فضل خویش آسایش و شادی را در یقین و رضا قرار داده و غم و اندوه را در تردید و غضب ودیعه نهاده است

ا. **الله** تعالی اذا احب عبدا دعا خیرا فعال الی احب ملانا ما حبه منکبه خیرا له سادی می السما معول ا. **الله** کر ملانا ما حبه منکبه احب السما له بوضع له العول می الارض و اذا انصم عبدا دعا خیرا معول الی انصم ملانا ما منصه منصه خیرا له سادی می احب السما ا. **الله** تعالی انصم ملانا ما منصه منصه له بوضع له انصا می الارض

خداوند وقتی بنده ای را دوست دارد جبرئیل را فرو خواند و گوید من فلانی را دوست دارم او را دوست بدار و جبرئیل او را دوست دارد سپس در آسمان ندا دهد و گوید خداوند فلان را دوست دارد او را دوست دارید و اهل آسمان نیز او را دوست دارند پس از آن در زمین نیز مقبول کسان شود و همین که خدا بنده ای را دشمن داشت جبرئیل را فرو خواند و گوید من فلانی را دشمن دارم او را دشمن بدار و جبرئیل او را دشمن دارد، سپس در میان اهل آسمان بانگ زند که خداوند فلانی را دشمن دارد او را دشمن بدارید و او را دشمن دارند و در زمین نیز میغوض کسان شود

ا. **الله** تعالی اذا احب عبدا حمر رر مه صاما

وقتی خداوند بنده ای را دوست دارد روزی او را بقدر کفایت کند

ا. **الله** تعالی اذا ابرر عاحه م. السما علی احب الارض صرم ع. عمار المساحد

خداوند وقتی مرضی را از آسمان بر مردم فرود آورد آن را از بانیان مساجد بگرداند

ا. **الله** تعالی اذا انصم علی عبدا نهمه کر ا. بری ابر النهمه علیه و بکره الیوسم و الیوسم و انصم السابر

خداوند وقتی نعمتی ببنده ای دهد دوست دارد اثر نعمت بر او دیده شود و تظاهر بتنگدستی را دوست ندارد و گدای پر رو را دشمن دارد و شخص باحیای عقیف

الملکم و کر العی المنعم

را که از محرمات دوری میگیرد دوست دارد

ا. **الله** تعالی اطلع عن احد بكر و مال اعملوا ما سمع الله عه - لكه

خداوند به بدریان نگریست و گفت هر چه میخواهید بکنید که شما را بخشیدم

ا. **الله** تعالی كاور لامي عما حذر به انسا ما له سكله او همز به

خداوند بر امت من چیزهایی را که در دلشان بگذرد اگر بگفتار و کردار منجر نشود بخشیده است

ا. **الله** كاور لی عم. امی الخطا و السار. و ما اسكرحوا علیه

خداوند اشتباه و فراموشی و کارهای اضطراری امت مرا بمن بخشیده است

ا. **الله** تعالی حمز للمفروم و حوا م. كله حيز السع المفروم و حيز السع معاله و وحه طلا - المفروم

السع و سر علیه اعطاء كما سر المس الى الارص العده لبعسا و كى سا احلنا و ا. **الله** تعالی حمز للمفروم

اعدا م. كله بعص السع المفروم و حطر علیه اعطاء كما حطر المس عم. الارص العده لسلكا و

سلك سا احلنا

خداوند کسانی از خلق خود را برای نیکوکاری قرار داده و نیکی را محبوب آن‌ها ساخته و میل انجام آن را در دلشان انداخته و طالبان نیکی را بسویشان روان کرده و انجام نیکی را برای آن‌ها آسان کرده است چنان که باران را آسان بزمین بی آب میرساند تا آن را آباد و مردمش را منتفع سازد و خداوند کسانی از خلق خود را دشمن نیکوکاری قرار داده و نیکی را منفور آنها ساخته و انجام آن را بر آنها ممنوع گردانیده چنان که باران را بر زمین بی آب ممنوع میکند تا آن را خراب و مردمش را هلاک کند

ا. **الله** تعالی حمز ما حرم م. ام. اذ م صلا للسا

خداوند چیزی را که از آدمیزاد بیرون می آید مثال دنیا قرار داده است

۱. **الله تعالی حمیر کب العمار سعی کب السکا بظیف کب النظامه**

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، بخشنده است و بخشش را دوست دارد، پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد

۲. **الله تعالی حواک کب التوگ و کب معالی الاکلام و بکره سمسامنا**

خداوند بخشنده است و بخشش را دوست دارد و اخلاق عالی را دوست دارد و اخلاق پست را دوست ندارد

۳. **الله تعالی حب کلم الکا کلم الدوا صداووا**

خداوند که درد را آفریده درمان را نیز آفریده پس دردهای خویش را درمان کنید

۴. **الله تعالی حرم الهه علی کرا**

خداوند بهشت را بر ریا کار حرام کرده است

۵. **الله تعالی حبی سر کب الهنا و السر مادا اعسر احدکم ملسر**

خداوند باحیا و پرده پوش است و حیا و پرده پوشی را دوست دارد، پس هنگامی که یکی از شما غسل میکند خود را مستور کند

۶. **الله تعالی حبی کره سکی ادا رمع الرحز اله بده ا. برک صرا کاسر.**

خداوند باحیا و بخشنده است وقتی مردی دست های خود را به سوی او بلند کرد شرم دارد که آن را خالی و نومید باز گرداند

۷. **الله تعالی کلم الکلم حبی ادا مرع م. کله مامد الرحمه معال مه معال کدا معام الهاد ک م.**

**اللطفه مال نعم اما برصم. ا. اصل م. وصلت و امطع م. مطعت مالک بر با ر. مال مدک لک**

خداوند خلق را بیافرید همین که از خلقت فراغت یافت خویشاوندی بپا خاست، خدا گفت چیست؟ خویشاوندی گفت از قطع رشته خویش بتو پناه می برم، خداوند گفت خوب آیا راضی نیستی هر که ترا پیوند دهد با او پیوند گیرم و هر که ترا ببرد از او ببرم گفت چرا پروردگارا گفت چنین باشد

۱. **الله** تعالی کلمه رکعه نود کلها ماه رکعه ماسک عکده سفا و سعم. رکعه و ارسز می کله  
کلمه رکعه ملو بقله الکامر بکر الکی **عده الله** م. الکرعه له باسم م. العنه و لو بقله الموم. بالکی  
**عده الله** م. الفکا- له نام. م. البار

خداوند روزی که رحمت را آفرید صد قسمت آفرید نود و نه قسمت را پیش خود نگهداشت و یک قسمت را بهمه مخلوق داد اگر کافر میدانست  
چقدر رحمت پیش خدا است از بهشت مأیوس نمیشد و اگر مؤمن میدانست چقدر عذاب پیش خدا است از جهنم ایمن نبود

۱. **الله** تعالی کلمه الله بصا و احد سی **الی الله الباصم**

خداوند بهشت را سفید آفریده و سفیدی از همه رنگها پیش خدا محبوبتر است

۱. **الله** تعالی کلمه کله می طلحه مالی علسه م. بوره مم. اصانه م. ذلک النور بومد احدی و م.  
اصطاه صر

خداوند مخلوق خود را در تاریکی بیافرید و از نور خود بر آنها انداخت، هر کس در آن روز از آن نور بدو رسید هدایت یافت و هر کس از آن دور  
ماند گمراه گشت

۱. **الله** تعالی رصی لکده الامه السر و کره لنا المسر

خداوند برای این امت آسانی را پسندیده و سختی را نپسندیده است

۱. **الله** تعالی رصم کب الرعم و بقطی علیه ما لا بقطی علی الصم

خداوند ملایمست و ملایمت را دوست دارد و بوسیله آن چیزها میدهد که بوسیله خشونت نمی دهد

۱. **الله** تعالی سائر کز راع عما اسرعاه احفظ ذلک ام صبه حی سال الرجز ع. احد سه

خداوند از هر کس در باره زیر دستش میپرسد که آیا آن را نگهداشته یا ضایع گذاشته است تا آن جا که از مرد در باره اهل خانه اش پرسش میکند

ا. **الله** **نعالی طبر کب الطبر بظف کب النطامه کره کب الکره حوات کب العوات مطهوا امسکه**  
و لا تسعوا بالنعوت

خداوند خوشبو است و بوی خوش را دوست دارد، اکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد بزرگواری است و بزرگواری را دوست دارد بخشنده است و بخشش را دوست دارد پس جلو خانه های خویش را پاکیزه سازید و مانند یهودان مباشید

ا. **الله** **نعالی عمو کب العمو**

خداوند بخشنده است و بخشش را دوست دارد

ا. **الله** **نعالی عبد لسا. کر ما.ر مسلم الله** **عده و لسطر ما عور**

خداوند مراقب زبان هر گوینده ایست بنده باید از خدا بترسد و بنگرد که چه میگوید

ا. **الله** **نعالی عور کب العور**

خداوند غیرتمند است و مرد غیرتمند را دوست دارد

ا. **الله** **نعالی مد حرم عر البار م. مال لا اله الا الله** **سفی بک و حه الله**

خداوند هر کسی را که بگوید لا اله الا الله و از این سخن جز خدا منظوری نداشته باشد بجهنم حرام کرده است

ا. **الله** **نعالی کر النساء و النساء** **نه م. دلک عم. حه کسه ملع هممنا کبنا الله** **نعالی عده حسه**

کامله ما. حه با هممنا کبنا الله **عده عسر حسا. الی سبمناه صف الی اصفا م کبره و ا. حه سسه**

ملء فمعلنا كعبا الله عبده حسه كامله فان معنا فمعلنا كعبا الله سبه واحده و لا نسلک عن الله الا  
حالك

خداوند نیکی ها و بدیها و چیزهائی را که میان آنهاست رقم زد هر کس انجام نیکی را در دل گیرد و انجام ندهد خداوند برای او یک نیکی کامل رقم زند و اگر در دل گیرد و انجام دهد خداوند ده نیکی تا هفتصد برابر و بیشتر رقم زند و اگر بدی ای را در دل گیرد و انجام ندهد خداوند آن را نیکی کامل رقم زند و اگر در دل گیرد و انجام دهد خداوند فقط یک بدی رقم میزند، بنا بر این هر که در پیشگاه خدا هلاک شود سزاوار هلاک است

ا. الله تعالى كبر عنكم السمى ماسموا

خداوند کوشش را بر شما مقرر داشته است پس بکوشید

ا. الله تعالى كبر الفره عن السا و العناد عن الرخال مم. صبر مم. امانا و احسانا كار لنا من اخر

السند

خداوند رنج هووداری را نصیب زنان و جنگ را قسمت مردان قرار داد هر زنی از روی ایمان و در انتظار پاداش خدا بر رنج هو و داری صبر کند ثواب شهید دارد

ا. الله تعالى كبر عن ام. اذ م خطه م. الرنا اذرك ذلك لا قاله مرنا الصبر. الطر و رنا اللسا. المصطم

و الصم صمى و سبى و الهرم بصدم ذلك او بصده

خداوند بر آدمیزاد قسمتی از زنا رقم زده است که ناچار مرتکب آن می شود، زناى چشم نگاه نارواست و زناى زبان سخن بیجاست نفس آرزو میکند و میخواهد و عورت آن را راست یا دروغ میسازد

ا. الله تعالى كبره كبر الكرم

خداوند بزرگووار است و بزرگواری را دوست دارد

۱. **الله** تعالی لا تُب العاصم المعصم و لا الصائم می الاسوام

خداوند مردم بد گو و بد زبان و بانگزان در بازار را دوست ندارد

۲. **الله** تعالی لا تُب الدوام و لا الدواما

خداوند مردانی را که مکرر زن بگیرند و زنانی را که مکرر شوهر کنند دوست ندارد

۳. **الله** تعالی لا یظلم المؤمن. حسه یعطى علیا می الدسا و سا۔ علیا می الاکره و اما الکامر مطعمه کسانه

می الدسا حی اذا امصى الی الاکره له بصر. له حسه یعطى سا کرا

خداوند هیچ یک از کارهای نیک مؤمن را از قلم نمی اندازد و در دنیا و آخرت پاداش آن را می دهد؛ ولی کافر در دنیا بوسیله کارهای نیک خود روزی میخورد و همین که بآخرت رسید کار نیکی ندارد که بوسیله آن پاداش یابد

۴. **الله** تعالی لا یفد۔ م۔ عبادہ الا المارک الممرک الدی بمرک عر **الله** و الی ۱. سور لا اله الا **الله**

خداوند از بندگان خود جز سرکش مغروری را که از اطاعت خدا سرکشی کند و از گفتن لا اله الا **الله** امتناع دارد عذاب نمی کند

۵. **الله** تعالی لا یفر م۔ الممر الا ما کار. له کالصا و اسمی نه و حبه

خداوند از عبادت ها جز آنچه خاص او باشد و بخاطر او انجام گیرد نمیپذیرد

۶. **الله** تعالی لا یفدسم امه لا یطور. الصمص مسه حبه

خداوند ملتی را که حق ضعیفان خود را نمیدهند، تقدیس نمیکند

۷. **الله** تعالی لا یطر الی صورکم و اموالکم و لکم. سطر الی ملوککم و اعمالکم

خداوند بصورت ها و اموال شما نمینگرد، بلکه بدلها و اعمال شما مینگرد



ا. **الله** تعالی لا ساء و لا یسعی له ا. ساء کفصم الفسط و برمهه برمع اله عمر اللز میر عمر السار و عمر السار  
میر عمر اللز حکانه النور لو کسه لآخرم سبکا - و حنه ما استی اله بصره م. کله

خداوند نمیخواهد و خواب بر او روا نیست قسمت کسان را پائین می آورد و بالا میبرد عمل شب را پیش از عمل روز و عمل روز را پیش از عمل شب بسوی او بالا می برند، پرده او نور است و اگر پرده بردارد جلوه روی او همه مخلوقاتی را که چشم بر او می‌گشایند خواهدسخت

ا. **الله** تعالی لا یسک سر عمده مه معال ذره م. کر

خداوند وقتی پرده بنده ای را که یک ذره نیکی در او باشد نمیدرد

ا. **الله** تعالی لما کلم الکسا اعرض عنا ملع نظر النعا م. حواسنا علیه

خداوند وقتی دنیا را آفرید روی از آن بگردانید و چنان در نظر خدا ناچیز بود که بر آن ننگریست

ا. **الله** تعالی لما کلم العلم کبر سده علی سسه ا. رکفی نعلی عصبی

خداوند وقتی خلق را بیافرید بر خویش مقرر داشت که رحمت من بر خشم من غلبه خواهد یافت

ا. **الله** تعالی لم کلم کلما حو انصم اله م. الکسا و ما نظر النعا مده کلما نحصا لنا

خداوند مخلوقی که در نظر او مبعوضتر از دنیا باشد نیافریده و از بس آن را دشمن دارد از هنگام آفرینش بر آن ننگریسته است

ا. **الله** تعالی لم یسعی ممسا و لا ممسا و لکم. یسعی معلما مسرا

خداوند مرا اشکال گیر و اشکال تراش نفرستاده بلکه آموزگار و آسانگیر فرستاده است

ا. **الله** تعالی لوبد ا لاسلا م بر حال ما مع م. امله

خداوند اسلام را بمردانی که مسلمان نیستند یاری میکند



ا. **الله** تعالیٰ لعنی عبدہ الموم. م. الدسا و جو کبہ کما کمو. مرصکم الطفاء و السرا۔ کامو. علہ

خداوند چون بنده مؤمن خود را دوست دارد او را از دنیا پرهیز میدهد چنان که شما مریض خود را از بیم مرض از خوردن و نوشیدن پرهیز میدهید

ا. **الله** تعالیٰ لدمع بالمسلم الصائم. ع. مانہ امر سر م. خراہہ البلا

خداوند بخاطر مسلمان پارسا بلا را از صد خانه همسایه او دفع میکند

ا. **الله** تعالیٰ لکم م. الساء لسر له صوہ

خداوند جوانی را که جوانی نمیکند بدیده تحسین مینگرد

ا. **الله** تعالیٰ لسع الفد بالکب بکبہ

گاه باشد، خداوند بنده را به گناهی که میکند منتفع می سازد

ا. **الله** تعالیٰ فمس. ما حسوا

خداوند نیکوکار است شما نیز نکوئی کنید

ا. **الله** تعالیٰ مع العاصی ما له کم عمدا

خداوند تا هنگامی که قاضی از روی عمد ستم نکند یار اوست

ا. **الله** تعالیٰ مع الکام. حی بصی کبہ ما له بک. کبہ صما بکره **الله**

خداوند یار قرض دار است تا قرض خود را بپردازد بشرط آنکه قرض وی بر خلاف رضای خداوند نباشد

ا. **الله** تعالیٰ وضع. امی الخطا و السبا. و ما اسکر حوا علہ

خداوند خطا و فراموشی و اضطرار را بر امت من بخشیده است

ا. **الله** **عالی** **وکر بالرحمہ ملکا یقول ای ر - نطفه ای ر - علقه ای ر - مصغه مادا اراد الله** ا. **بصی کلها مال ای ر - سی او سمع ذکر او ای ما الررم ما الاخر صکر کدک می نظر. امه**

خداوند بشکم مادر فرشته ای گماشته است که میگوید خدایا اکنون نطفه است، خدایا اکنون علقه است، خدایا اکنون مضغه است، وقتی خداوند خواست خلقت او را کامل کند گوید خدایا بدبخت یا خوشبخت؟ نر یا ماده؟ روزی و عمر او چیست؟ و بهمین طریق در شکم مادر او رقم میزند

ا. **الله** **عالی** **بماهی نالسا - العابد الملائکه یقول انظروا الی عبدی بر ک سعونه م. اخر**

خدا بجوان عابد بر فرشتگان مباحثات میکند و میگوید بنده مرا بنگرید که بخاطر من از تمایلات خود چشم پوشیده است

ا. **الله** **عالی** **بمضم الطلام**

خداوند طلاق را دشمن دارد

ا. **الله** **عالی** **بمضم المی الطلوم و السم العول و الفار المکنار**

خداوند ثروتمند ستمگر و پیر نادان و فقیر متکبر را دشمن دارد

ا. **الله** **عالی** **بمضم الممسم می و حوه اکوانه**

خداوند کسی را که در مقابل برادران خود عبوس باشد دشمن دارد

ا. **الله** **عالی** **بمضم الوسم و السم**

خداوند کثافت و ژولیدگی را دشمن دارد

ا. **الله** **عالی** **بمضم البکر می خانه السکی عبد موه**

خداوند کسی را که در زندگی بخیل باشد و هنگام مرگ بخشنده شود دشمن دارد

ا. **الله** تعالی **بمفصم الموم. الکی لا ریر له**

خداوند مؤمنی را که عقل ندارد دشمن دارد

ا. **الله** تعالی **بمفصم العاصم المفصم**

خداوند شخص بد گو و بد زبان را دشمن دارد

ا. **الله** تعالی **بمفصم ام. السیم. می اجله ام. عسر. می مسه و منظره**

خداوند پیر هفتاد ساله را که نیت و رفتار وی چون جوانان بیست ساله باشد دشمن دارد

ا. **الله** تعالی **کب ادا عمر احدک عملا ا. سهه**

خداوند دوست دارد که وقتی یکی از شما کاری میکند آن را کامل کند

ا. **الله** تعالی **کب الرعم می الامر کله**

خداوند ملایمت را در همه چیز دوست دارد

ا. **الله** تعالی **کب السیر الطلم**

خداوند شخص آسانگیر آزاده را دوست دارد

ا. **الله** تعالی **کب الساء الناس**

خداوند جوان توبه کار را دوست دارد

ا. **الله** تعالی **کب المفصم الموم. المکرم**

خداوند بنده مؤمن پیشه ور را دوست دارد

ا. **الله** تعالی **كِبْرُ الْمَدَامَةِ عَزَّ** لَا كَا الْمَدَامَةِ مَدَامُوا

خداوند ادامه دوستی دیرینه را دوست دارد، بنا بر این دوستی دیرینه را ادامه دهید

ا. **الله** تعالی **كِبْرُ مِمَّ عَمَّا هُ الصُّور**

خداوند از بندگان خود شخص غیور را دوست دارد

ا. **الله** تعالی **كِبْرُ عَمِّهِ الْمَوْمِ. الْهَرِ الْمَمْعَمِ انا الصار**

خداوند بنده مؤمن فقیر عیالمند را دوست دارد

ا. **الله** تعالی **كِبْرُ اِبْنِ مَدَلُوا س. اَوْلَادِكُمْ حَيِّ مِي الْهَرِ**

خداوند دوست دارد که میان فرزندان خود حتی در بوسیدن آنها بعدالت رفتار کنید

ا. **الله** تعالی **بِرَبِّهِ مِي عَمْرُ الرَّحْمَةِ وَوَالِدِهِ**

خداوند بوسیله نیکی با پدر و مادر عمر انسان را فزون میکند

ا. **الله** تعالی **كِبْرُ اعَانَهُ التَّعَارِ**

خداوند یاری کردن کسانی را که کمک می جویند دوست دارد

ا. **الله** تعالی **كِبْرُ الْمَدَامَةِ الْمِي الْمِي الْمِي**

خداوند بنده پرهیزکار ثروتمند مهربان را دوست دارد

ا. **الله** تعالی **بِكِبْرِ الْمَدَامَةِ الْوَاحِدِ لَا يَكُنْ الْعَمَّةُ صَائِحَةٌ كَسْبٌ مِي صَائِحَةُ الْعَمْرِ وَ الرَّامِي نَه وَ مَسْبَلَهُ**

خداوند بوسیله یک تیر سه نفر را ببهشت میبرد: آنکه تیر را میسازد و از ساختن آن منظور نیک دارد و آنکه تیر را می اندازد و آنکه تیر را به تیر انداز دهد

ا. **الله** تعالی **بکلی المومر**. **مصنع علیه کفه و سره م**. **الناس و هرره بکوبه معول انهرم ذر ککا**  
**انهرم ذر ککا معول هه ای ر** - **خی ادا هرره بکوبه و رای می هسه انه مد تلک مال عالی مد**  
**سربا علیک می الدسا و انا اعمرنا لک النوم هه هطی کنا** - **حسانه بصبه و اما الکامر و الهامم معول**  
**الاستاد حولا الدم**. **کدوا عر ربه الا لهه الله** عر **الطالم**.

خداوند مؤمن را پیش آرد و او را از مردم مستور و محفوظ دارد و بگناهان خود معترف کند و گوید آیا فلان گناه را میشناسی؟ آیا فلان گناه را می شناسی؟ و او جواب میدهد بله خدایا تا وقتی که او را بگناهانش معترف ساخت و در خاطرش گذشت که از کثرت گناهان هلاک شده است خدا گوید من گناهان تو را در دنیا مستور داشتم و امروز بر تو میبخشم سپس نامه کارهای نیک او را بدست راستش دهد ولی در باره کافر و منافق آشکارا گوید: «اینها کسانی هستند که بر خدای خود دروغ بستند لعنت خداوند بر گروه ستمکاران»

ا. **الله** تعالی **بکسر لقمه التمر و مصبه البمر و مله هه سفع المسکم**. **لانه الله صاحب الامر نه و**  
**الروحه المصلحه و العادم الذی ساول المسکم**.

خداوند بوسیله یک لقمه نان و یک مشمت خرما و امثال آن که فقیر را سودمند افتد سه تن را ببهشت میبرد صاحب خانه که بدادن آن فرمان دهد و زنی که آن را آماده کند و خادمی که آن را بفقیر دهد

ا. **الله** تعالی **سال الممد ع**. **مصر علمه کما ساله ع**. **مصر ماله**

خداوند از بنده میپرسد که فزونی دانش خود را کجا صرف کرده همچنان که از فزونی مال می پرسد

ا. **الله** تعالی **بغای الامس**. **نوم الهامه مالا بغای العلما**

خداوند روز رستاخیز بر بیسوادان چیزهایی را می بخشد که بر دانشمندان نمیخشد

۱. **الله تعالیٰ بعد- يوم الصامه الدم. بعدون. الناس می الدسا**

خداوند روز رستاخیز کسانی را که در دنیا مردم را عذاب کرده اند عذاب میکند

۲. **الله تعالیٰ یار و ابر الموم. یار و عمره الله ابر نالی الموم. ما حرم الله علیه**

خداوند غیرت میبرد و مؤمن غیرت میبرد غیرت خدا اینست که مؤمن مرتکب کاری شود که خدا حرام کرده است

۳. **الله تعالیٰ یسر الصدقه و ناصحا یمنه مرسا لاصدک كما بری احدک معره حی ابر اللغه**

**بصر من احد**

خداوند صدقه را میپذیرد و آن را بدست راست خود میگیرد و برای شما بزرگ میکند همچنان که کره اسب خود را بزرگ میکنید تا آنجا که یک لقمه باندازه کوه احد شود

۴. **الله تعالیٰ یسر توبه الموم ما لم یفرع**

خداوند تا دم واپسین توبه بنده را را میپذیرد

۵. **الله تعالیٰ یقول انا نال السربکم. ما لم کم. احدما صاحبه مادا کانه کرح م. سبما**

خداوند گوید تا هنگامی که یکی از دو شریک با دیگری خیانت نکند من سومی آنها هستم و همین که خیانت بمیان آمد من از میان آنها میروم

۶. **الله تعالیٰ یقول انا مع عدی ما ذکر لی و کرح لی سبما**

خداوند گوید تا هنگامی که بنده ام مرا یاد میکند و لبهایش بنام من میچنبد با او هستم

۷. **الله تعالیٰ یقول انا کر مسم لم. اسرک لی م. اسرک لی سبما ما. عمله ملله**

خداوند گوید من عمل کسی را که برای من شریک قرار می دهد خوب تقسیم میکنم هر که چیزی را با من شریک کند عمل

و كسره لسريكه الدي اسرك لي انا عه عي

او از كم و زياد متعلق بشريكست و من از آن بي نيازم

ا. **الله** تعالى يقول انا عبد ظم. عدي لي ا. كرا مكرا و ا. سرا مسرا

خداوند گوید من ناظر گمان بنده خویشم اگر گمان خوب بمن برد خوبی بیند و اگر گمان بد برد بدی بیند

ا. **الله** تعالى يقول ا. الصوم لي و انا اخري به ا. للصائم مرحب. اذا امطر مرم و اذا لمي الله تعالى مكراه

مرم

خداوند گوید روزه برای من است و من پاداش آن را میدهم روزه دارد و خوشحالی دارد، وقتی افطار کند خوشحال می شود و همین که خدا را دیدار کند و او را پاداش دهد باز خوشحال می شود

ا. **الله** يقول لا حول. احد النار عدانا لو ا. لك ما مي الارصم م. سي كبر عدي به مال نعم معد

سالك ما هو احو. م. حكا و اس مي صلح ادم ا. لا سر ك لي سنا ماسر الا السر ك

خداوند بآن که از همه اهل جهنم عذابش آسان تر است گوید اگر همه دنیا مال تو بود میدادی که از عذاب رها شوی؟ گوید بله خدا گوید هنگامی که در پشت آدم بودی از تو چیزی خواستم که از این آسان تر بود از تو خواستم کسی را با من شریک نسازی و دریغ کردی

ا. **الله** تعالى يقول يا ام. ادم سرع لهما دلي املا صدر ك عي و اسد معد و الا نعم ملا - صدك

سفلا و له اسد معد ك

خداوند گوید آدمیزاد وقت خود را صرف عبادت من کن تا سینه ترا از بی نیازی پر کنم و فقر را از تو دور سازم و اگر چنین نکنی ترا سخت بد دنیا مشغول سازم و فقر را از تو دور نکنم

اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ وَ اللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ  
 العالم. مال اما علم اِنَّ عِدِّي مَلَا نَا مَرَضَ مَلِكٌ مَعَهُ اَمَّا عَلِمْتُ اِنَّكَ لَوِ اَعَدَدْتَ لَوْحَدِي عِدَّةً نَا اِنَّ  
 اِنَّكَ اَسْطَفَمْتُ مَلِكٌ نَطْمِي مَالًا نَا ر- وَ كَفِ اَطْعَمْتُ وَ اِنَّ ر- العالم. مال اما علم انه اسطعمت  
 عِدِّي مَلَا. مَلِكٌ نَطْمِي اَمَّا عَلِمْتُ اِنَّكَ لَوِ اَطْعَمْتَهُ لَوْحَدًا- ذَلِكُ عِدِّي نَا اِنَّ اِنَّكَ اَسْطَفَمْتُ مَلِكٌ نَطْمِي  
 مَالًا نَا ر- كَفِ اَسْمَعُ وَ اِنَّ ر- العالم. مال اسسمعت عِدِّي مَلَا. مَلِكٌ نَطْمِي اَمَّا اِنَّكَ لَوِ سَمِعْتَهُ  
 لَوْحَدًا- ذَلِكُ عِدِّي

خداوند روز رستاخیز گوید آدمیزاد! بیمار شدم مرا عیادت نکردی، گوید خدایا چگونه ترا که پروردگار جهانیانی عیادت کنم گوید مگر نمی دانی  
 که فلان بنده من بیمار بود و او را عیادت نکردی مگر نمی دانی که اگر او را عیادت میکردی مرا پیش او می یافتی؟ آدمیزاد! من از تو غذا  
 خواستم بمن غذا ندادی! گوید پروردگارا چگونه ترا که پروردگار جهانیانی غذا بدهم؟ گوید مگر نمی دانی که فلان بنده من از تو غذا خواست  
 و باو غذا ندادی! مگر نمی دانی که اگر او را غذا می دادی اکنون پاداش آن را پیش من مییافتی آدمیزاد از تو آب خواستم بمن آب ندادی!  
 گوید چگونه ترا که پروردگار جهانیانی آب بدهم؟ گوید فلان بنده من از تو آب خواست باو آب ندادی اگر باو آب داده بودی اکنون پاداش آن را  
 پیش من می یافتی

اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ وَ اللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ  
 اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ وَ اللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

خداوند کمک را بقدر احتیاج نازل میسازد و صبر را باندازه بلا می دهد

اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ وَ اللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ  
 اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ وَ اللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

خداوند نهی کرده که بیدران خود قسم بخورید

اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ وَ اللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ  
 اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۗ وَ اللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ

عالم-



خداوند شما را در باره مادرانتان سه بار سفارش میکند خداوند شما را در باره پدرانتان دو بار سفارش میکند خداوند شما را در باره نزدیکان بترتیب سفارش می کند

ا. **الله** تعالی بوصفك بالنساء كراما فانك امناك و ساك و كالك

خداوند شما را در باره زنان به نیکی سفارش میکند، زیرا زنها مادران و دختران و خاله های شما هستند

ا. **الله** حمير كبر اعمال

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد

ا. **الله** كلم يوم كلم السموات و الارض مانه ركه كز ركه ظمام ما س. السما و الارض مكرم منا  
می الارض ركه منا نطق الوالد علی ولدنا و الوحس و الطر نفضنا علی نهمس و احس سما و سمس. مادا  
كا. يوم الفاهه اكملنا سده الركه

خداوند روزی که آسمانها و زمین را آفرید صد رحمت بیافرید که هر یک از آنها میان زمین و آسمان را پر میکند و یکی را در زمین قرار داد که بوسیله آن مادر بفرزند مهربانست و وحش و طیر بیکدیگر مأنوسند و نود و نه رحمت را نگه داشته و همین که روز قیامت شود این یک رحمت را نیز بر آن بیفزاید

ا. **الله** عر و حر احد الكدر می الصلار و انهمم الصدوم می الفساد

خداوند دروغ مصلحت آمیز را دوست دارد و از راست فساد انگیز بیزار است

ا. **الله** عبد لسا. كز مانر مسلم **الله** عبد و لسطر ما سور

خداوند ناظر زبان هر گوینده ایست بنده باید از خدا بترسد و ببیند چه میگوید

ا. **الله** لا بواحد المرامم الصادم می مراخه

خداوند شوخی را که در شوخی خود راستگو باشد مؤاخذه نمیکند

ا. **الله لا یرحم م. عبادہ الا الرحما**

خداوند فقط بینندگان رحیم خود رحم میکند

ا. **الله لا یسر عمر عبد حی برصی موله**

خداوند عمل بنده را نمیپذیرد مگر آنکه از گفتار وی خشنود باشد

ا. **الله له بصع دا الا وصع له سعا**

خدا دردی پدید نیاورده جز آنکه علاجی برای آن قرار داده است

ا. **الله له سرر دا الا ارر له سعا الا العرم**

خداوند دردی پدید نیاورده جز آنکه علاجی برای آن قرار داده بجز پیری

ا. **الله له سرر دا الا ارر له دوا علمه م. علمه و حمله م. حمله الا السام و حو المو-**

خداوند دردی پدید نیاورده جز اینکه دوائی برای آن فرستاده هر که آن را بداند بداند و هر که نداند نداند بجز مرگ

ا. **الله لدر بالصدقه سبعم. منه م. السو**

خداوند بوسیله صدقه هفتاد قسم مرگ بد را دفع میکند

ا. **الله لرصی ع. الهد ا. ناکر الاکله منکمه علیا او سر- السره منکمه علیا**

خداوند از بنده خشنود می شود باینکه غذا بخورد و خدا را سپاس گزارد، یا آب بیاشامد و خدا را سپاس گزارد

ا. **الله لوید صا الدم. بالرحز العاخر**

خداوند این دین را بمرد بدکار یاری میکند

ا. **الله يسر عبده المؤمن.** بالسهة حتى يصر عنه كل ذنب

خداوند بنده مؤمن خود را بمرض مبتلا می کند تا همه گناهان او بریزد

ا. **الله يهضم السائر الملحم**

خداوند گدای سمج را دشمن دارد

ا. **الله يهضم السم الرابي و الصبي الطلوه و الفهر المعيار**

خداوند پیر زناکار و ثروتمند ستمکار و فقیر متکبر را دشمن دارد

ا. **الله يهضم كل عالم بالذبا حاجر بالاكبره**

خداوند هر کس را که بکار دنیا دانا و در کار آخرت نادان است دشمن دارد

ا. **الله كذب اذا اهدى على عبده ا. برى ابر يهضمه عليه و يهضم النوسم و النماوسم**

خدا دوست دارد که وقتی به کسی نعمت داد اثر نعمتش بر او آشکار دیده شود و از فقر و اظهار فقر بیزار است

ا. **الله كذب الابرار الاكصا الانسا**

خدا نیکوکاران گمنام پرهیز کار را دوست دارد

ا. **الله كذب البصر البامد البامد عبد في السعوا- و الكامر عبد برول السعنا- كذب السماحه و لو على**

بهره و كذب السعاه و لو على من حبه

خداوند چشمی را که بهنگام شهوت باریک بین و پیش بین و بهنگام شبهه دقیق است دوست دارد و بخشش را اگر چه یک خرما باشد و شجاعت را اگر چه بکشتن ماری باشد دوست دارد

ا. **الله كُر الساء الكى نى سناه مى طاعه الله**

خداوند جوانی را که عمر خود را در عبادت خدا بسر میبرد دوست دارد

ا. **الله كُر الملعب. مى الدعاء**

خداوند کسانی را که در کار دعا اصرار میورزند دوست دارد

ا. **الله كُر ا. نولى رخصه كما كُر ا. نرد مفصه**

خداوند دوست دارد کارهایی را که روا داشته انجام دهند چنان که دوست دارد از نافرمانی او چشم پپوشند

ا. **الله كُر كز حرم.**

خداوند دل غمگین را دوست دارد

ا. **الله كُر معالى الامور و اسرامنا و نكره سمامنا**

خداوند چیزهای بلند و شریف را دوست دارد و از چیزهای پست بیزار است

ا. **الله كى العلو - المبه سور الكمه كما كى الارص نوانر السما**

خداوند دل‌های مرده را بنور حکمت حیات میبخشد چنان که زمین را بیاران آسمان زنده می سازد

ا. **الله بسكى م. المند ا. برمع الله بكنه مرد نما كاسم.**

خداوند از بنده شرم دارد که دستهای خود را بسوی او بلند کند و آن را نومید باز گرداند

ا. **الله يعطى الدنيا على من يعطى الاخرة و الى ا. يعطى الاخرة على من يعطى الدنيا**

خداوند دنیا را بنیت آخرت می دهد ولی آخرت را به نیت دنیا نمی دهد

ا. **الله يبار للمسلم على المسلم مسلم**

خداوند برای مسلمانان غیرت میبرد، آن ها نیز باید غیرت ببرند

ا. **الله يسمع عن من و مال**

خداوند شما را از گفتگوهای بیهوده نهی کرده است

ا. **الذي ياكل او يشرى من اثم الفسقة و الذم اما كخر من يظنه بار خصم**

کسی که در ظرف نقره و طلا میخورد و می آشامد آتش جهنم را در شکم خود فرو میبرد

ا. **الذي كبر النور - كذا لا يطر الله يوم القيمة**

کسی که از روی تکبر جامه خود را میکشد خدا روز رستاخیز بدو نمینگرد

ا. **الها طعور لا يسه سي**

آب پاکست و چیزی آن را نجس نمیکند

ا. **الها لا يسه سي الا ما على عن ركه و طعمه و لونه**

آب را چیزی نجس نمیکند جز آنچه بو و مزه و رنگ آن را تغییر دهد

ا. **الموم. لدر ك. التلم در حه العالم الصائم**

مؤمن بوسیله خوش خلقی به مقام نماز شب گزار و روزه دار میرسد

ا. الموم. م. عباد الله لا كلف عز م. بضم و لا ناله صم. كز و لا يصع ما اسودع و لا كسد و لا نظم. و لا نلم. و بصرم بالعم و ا. لم سجد عليه و لا سائر بالالف. في الصلوه منكسما الى الركاه مسرعا في الرلارا ومورا في الركا سكورا مانا بالدي له لا يدعي ما لم له و لا نعله السم. م. مفروم برده كالم الناس في نعله و ساطم الناس في نعه و ا. طلع و نفي عليه صر حتى يكو. الركم. هو الذي سصر له

بنده مؤمن بر دشمنان ستم نمی کند و برای رعایت دوستان مرتکب گناه نمیشود امانت را تلف نمی کند حسود و بدگو و لعنتگر نیست حق را میگوید اگر چه از او شهادت نخواهند لقبهای بی جا به کار نمیبرد در نماز خاشع است و در کار زکاه سریع است در مصیبت موقر و بهنگام نعمت شاکر است بدان چه دارد قانع است و آنچه ندارد نمی جوی بخل او را از کار نیک باز نمی دارد با مردم آمیزش میکند تا چیز یاد گیرد و با آن ها گفتگو میکند تا چیز بفهمد اگر ستمی دید و بر او تجاوزی شد صبر میکند تا خداوند ستم را از او دفع کند

ا. الموم. بوخر می نعه کلنا الا سا حمله في الرأ. او السا

مؤمن از مخارج خود ثواب میبرد جز آنچه بخاک سپارد یا ساختمان کند

ا. الموم. بصی سبطاه كما بصی احدك بصره في السر

مؤمن شیطان خود را لاغر می کند چنان که یکی از شما اشتر خود را در سفر لاغر میکند

ا. الموم. كاحد سسه و لساه

مؤمن با شمشیر و زبان خود جهاد میکند

ا. المكاس. في الله في طر المرسم

آن ها که در راه خدا دوستی میکنند در سایه عرش جای دارند

۱. **المَرُّ كَرٌّ نَاصِبٌ وَ اِمْ. عَمَهُ**

انسان با برادر و عموزاده خود بسیار می شود

۲. **المَرَّاهُ يَمُرُّ مِى صُورِهِ سِنًا. وَ يَكْرُ مِى صُورِهِ سِنًا. مَاذَا رَأَى أَحَدُكُمْ أَمْرًا مَعَكِبَهُ مَلَأَ أَحْلَهُ مَا. ذَلِكَ بَرَكٌ مَا مِى نَفْسِهِ**

زن بصورت شیطان می آید و بصورت شیطان می رود وقتی یکی از شما زنی دید که ویرا بشگفت آورد پیش همسر خود رود زیرا بدین وسیله آنچه در دل دارد از میان می رود

۳. **المَرَّاهُ يَكْتُمُ لِكَيْتَا وَ مَالُهَا وَ خَمَالُهَا مَعْلُوكٌ يَكْتُمُ. بَرَكٌ يَكْتُمُ**

زن برای دین و مال و جمالش گیرند زن دین دار بگوئید

۴. **المَرُّ س. نَوْمٌ. نَوْمٌ مَدَّ مَصِي أَعْصَى مَهْ عَمَلُهُ مَكْمٌ عَلَيْهِ وَ نَوْمٌ مَدَّ نَفْسِي مَلَا يَكْرِي لَهْلَهُ لَا بَصِيرَ إِلَيْهِ**

انسان میان دو روز است روزی که گذشته و اعمالش بحساب آمده و مختوم گشته و روزی که باقی مانده ولی چه می داند شاید بآن روز نرسد

۵. **المَرَّاهُ كَلْفٌ م. صَلَحٌ لَمْ. نَسَمُهُ لَمْ عَمِ طَرَفُهُ مَا. اسْمُهُ نَسَا اسْمُهُ نَسَا وَ نَسَا عَوْمٌ وَ اِ. كَدْحِي نَسَمًا كَسْرًا وَ كَسْرًا طَلَامًا**

زن از دنده ای خلق شده که به هیچ وجه راستی پذیر نیست اگر با کجی او بسازی ساخته ای و اگر خواهی براستیش باز آری او را میشکنی و شکستنش طلاق دادن است

۶. **المَرَّاهُ كَلْفٌ م. صَلَحٌ وَ اِكْ اِ. بَرَكٌ اِمَامَةٌ الصَّلَاحُ يَكْسُرُهَا مَدَارًا نَسَمًا**

زن از دنده ای خلق شده اگر بخواهی دنده را راست کنی آن را میشکنی پس با او مدارا کن که با او زندگی کنی

ا. المسلم اذا عاد اصاب المسلم له برآ می گزیده الهه حی برجع

مسلمان وقتی بیعت برادر مسلمان خود می‌رود تا هنگامی که که باز گردد در بهشت قدم می‌زند

ا. المصیر للمرع با- الملك و انه م. بدم مرع الباء بوسك ا. بعم له

نمازگزار در خداوند را می‌کوبد و هر که پیوسته دری را بکوبد عاقبت بروی او باز می‌شود

ا. المظلوم م. مع المملوك بوم السامه

ستم دیدگان در روز رستاخیز رستگارانند

ا. المسظم عبد الله بوم السامه على ماسر م. نور ع. بوم الرکم. و کلنا بده بوم. الدم بملو. می

حکم و احلسه و ما ولوا

دادگران روز رستاخیز در پیشگاه خدا بر منبرهای نورند که طرف راست وی جای دارند و هر دو دست خدا راست است دادگران کسانی هستند که در حکم خود و در باره کسان و زیر دستان خود بداد رفتار میکند

ا. الملائکه لیسع احکما لطالب العلم رضا ما بطلب

فرشتگان بالهای خود را برای طالب علم پهن میکنند زیرا از آنچه می‌جوید رضایت دارند

ا. المبر اذا دم. سمع کعم بقاله اذا ولوا عنه مصرم.

وقتی مرده را بخاک سپارند، صدای کفش کسان را که از قبر وی باز می‌گردند خواهد شنید

ا. المبر بمر م. کمله و م. بفسله و م. بکله می مره

مرده کسی را که بلندش کند و کسی را که غسلش دهد و کسی را که در قبرش نهد می‌شناسد



ا. الاسم اذا راوا الطالب مله باكدوا عر بده اوسك ا. نهمع الله نهما - مه  
وقتی مردم ستمگر را دیدند و او را از ستم باز نداشتند بیم آن می رود که خدا همه را بعذاب خود مبتلا کند

ا. الاسم لا برهوا. سنا الا وصفه الله تعالى

مردم چیزی را برتری ندهند جز آنکه خدا آن را تنزل دهد

ا. الاسم له نطوا سنا كرا م. كلم حس.

بمردم چیزی بهتر از اخلاق نیک نداده اند

ا. الود نور - و الفداوه نور -

دوستی موروثی است و دشمنی موروثی است

ا. الولد معله كسه فعله كره

فرزند موجب بخل و ترس و نادانی و غم است

ا. اناسا م. امی سمعوا. می الكم. و نرو. الراه. و هولوا. نالی الامرا منص م. كساحه و نمرلعه بكسا

و لا كوا. لك كما لا كسى م. الهاد الا السوك لا كسى م. مرعه الا كطانا

کسانی از امت من در کار دین دانش جویند و قرآن خوانند و گویند پیش امیران رویم و از مقامشان بهره گیریم و دین خود را از آن ها برکنار نگه داریم ولی چنین چیزی نمی شود همان طور که از درخت قتاد جز خار نمی توان چید از نزدیکی امیران نیز جز گناه بهره نمیتوان برد

ا. اجر الله لسرا و. اجر الهرم می الله كما برا و. الكواكبر می السما

اهل بهشت صاحبان غرفه های بالا را چنان می بینند که شما ستارگان آسمان را میبینید

ا. اِحز الممروم می الدسا عم احز الممروم می الاکره و ا. اِحز الممکر می الدسا عم احز الممکر  
می الاکره و ا. اول احز الله ذکولا عم احز الممروم

نیکوکاران این جهان نیکوکاران آن جهانند و بدکاران این جهان بدکاران آن جهانند و نیکوکاران پیش از همه مردم بهشت درمی آیند

ا. احز السبع می الدسا عم احز النوع عدا می الاکره

سیران این جهان گرسنگان آن جهانند

ا. اوسم عری ا لاسلا م ا. کب می الله و بعصم می الله

محکمترین دستاویزهای اسلام این است که کسیرا برای خدا دوست داری و کسیرا برای خدا دشمن داری

ا. اول ما کاری نه المومر. بعد مونه ا. بعمر لعصم م. سع خاربه

نخستین پاداشی که پس از مرگ بمؤمن می دهند اینست که همه کسانی که دنبال جنازه او رفته اند آمرزیده شوند

ا. م. بکی الساعه کداس. ما حدر و عم

پیش از رستاخیز دروغگویان پدیدار میشوند از آن ها حذر کنید

ا. حس. العلم لکب العطبه کما بکب السم السم العلب

خوش اخلاقی گناه را محو میکند چنان که آفتاب یخ را آب می کند

ا. حس. الطر. بالله م. حس. عماده الله

گمان خوب بخدا داشتن از خوب عبادت کردن اوست

ا. حس. المکد م. ا لامار

رعایت پیمان از لوازم ایمان است

ا. **حفا علی الله** ا. لا یرفع سوا م. امر الدنيا الا وصفه

بر خدا لازم است که چیزی از دنیا را بالا نبرد جز اینکه آن را تنزل دهد

ا. **حفا علی المومنین** ا. سوجع یفصمه لیفصم كما ناله العسد الراس

مؤمنان باید از رنج یک دیگر متألم شوند چنان که تن از رنج سر متأثر می شود

ا. **کار عباد الله المومنین المطمئنین**

بهترین بندگان خدا آن ها هستند که بوعده وفا کنند و بوی خوش بکار برند

ا. **ربك كرم المکام**

خدای تو ستایش را دوست دارد

ا. **ربی امری ا. بکوی بطنی ذکر و بطری عرا**

پروردگارم بمن فرمان داده که سخنم ذکر باشد و نظرم مایه عبرت

ا. **روم القدس بعد می روعی ا. نسا ل. هو - حی سکر احلتا و نسوع ررمنا فانوا الله و احملاوا**

**می الطل و لا کمل. احدک اسبطا الررم ا. بطنه یفصمه الله ما. الله تعالی لا سال ما عده الا بطاعه**

روح القدس این پندار را در خاطر من انداخت که هیچ کس نمیبرد جز آنکه روزش بپایان برسد و روزی خود را تمام کند پس از خدا بترسید و در طلب معتدل باشید و اگر روزی یکی از شما دیر رسید آن را بوسیله معصیت خدا نجوید زیرا آنچه پیش خداست جز بوسیله اطاعت او بدست نمی آید

ا. **سر النام مرله عند الله نو الفعه م. کام النام م. سره**

بدتر از همه مردم پیش خدا روز قیامت کسی است که مردم از شر او بترسند

ا. سر الناصب يوم القيمة عند الله م. مره الناصب ايها مكسه

بدتر از همه مردم پیش خدا روز قیامت کسی است که مردم از بیم بد زبانش از او حذر کنند

ا. صاحب الكرم. له سلطان. على صاحبه حتى يهصبه

طلبکار بر قرض دار تسلط دارد تا هنگامی که قرض خود را بپردازد

ا. صاحب المكرم في النار

راهدار در جهنم است

ا. صدقه السر بطي عصب الر. و ا. صله الرحمه في الفهم و ا. صايح المفروم هي مصارع السو

صدقه نهان خشم خدا را فرو مینشانند و نیکی با خویشاوندان عمر را افزون میکند و کارهای نیک از مرگهای بد جلوگیری میکند

ا. عدا- عده الامه حمز في دناجا

عذاب این امت را در دنیا قرار داده اند

ا. علما لا يسمع منه لكر لا يسمع منه

دانشی که از آن سود نبرند مثل گنجی است که از آن خرج نکنند

ا. علا اسفاركم و رخصنا عند الله

گرانی و ارزانی قیمت‌های شما بدست خداست

ا. في السد مصفه اذا صلح صلح السد كله و اذا سد سد السد كله الا و هي العلب

در تن پاره گوشتی است که وقتی بصلاح گراید تمام تن بصلاح آید و وقتی فاسد شود همه تن فاسد شود و آن قلبست

ا. می الهه سا بهال له سر الاسعا

در بهشت خانه ای هست که آن را خانه سخاوتمندان نامند

ا. می الهه دارا بهال لنا دار الهرم لا بککنا الا م. مرم سامی المومس.

در بهشت خانه ای هست که آن را خانه خوشحالی نامند و جز کسانی که یتیمان مؤمنان را خوشحال کرده باشند، وارد آن نمیشوند

ا. می الهه درجه لا سالنا الا اصکا- السموم

در بهشت درجه ای هست که جز غم دیدگان بدان نمیرسند

ا. می الهه لسوما ما منا سرا و لا یبع الا الصور م. الرخال و السا مادا اسی الرخر صوره ذکر منا

در بهشت بازاری هست که در آن جا چیزی برای خرید و فروش نیست جز تصویر مردان و زنان و وقتی کسی تصویری را پسندد مانند آن می شود

ا. می الهه ماه درجه لو ا. العالم. اجمعوا می احکام. لو سمع

در بهشت صد درجه هست که اگر جهانیان در یکی از آن ها مجتمع شوند در آن جای گیرند

ا. می الهه ما لا عم. را- و لا ادر. سمم و لا کطر عر ملب احد

در بهشت چیزها هست که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه در خاطر کسی گذشته است

ا. می الهه سها

حجامت مایه شفاست

ا. می المال حفا سوی الرکاه

در مال بجز زکاه حقی هست

ا. می المعاربصم لمذوخه ع. الـ

سخنان گوشه دار وسیله رهائی از دروغ است

ا. ملب ام. اذ م مبر المصور بعلی می الود سبع مرا-

دل آدمیزاد چون گنجشک است و هر روز هفت بار دگرگون می شود

ا. ملبر المبر مع الملم کسر و کسر المبر مع المبر ملبر

کار اندک که با بصیرت و دانش انجام گیرد بسیار است و کار بسیار که با نادانی صورت پذیرد اندکست

ا. کدا عر لم کدا- عر احد مبر. کدا- عر مبردا ملسو مبرده م. البار

دروغ بستن بر من مثل دروغ بستن بر دیگری نیست هر که بعمد بر من دروغ بندد در آتش جای گیرد

اب ا. بر د اولاد د اعسا کر م. ا. بر کعبه عاله

اگر پس از تو اطفال بی نیاز باشند بهتر است که محتاج باشند

اب لا بعب سبنا انما الله الا اعطاک الله کرا مه

اگر از ترس خدا از چیزی درگذری خداوند بهتر از آن را بتو خواهد داد

ابک ل. سموا النام ناموالک و لک. سمومع ناکلا مک

مال شما بهمه مردم نمی رسد پس با اخلاق خود همه را خرسند کنید

ا. لیلوہ نانا عرصہ ما م. مصراعہ ما م. المسمم و الممر - لا تعلم حی نطلع السم م. ممرسا

توبہ دری دارد کہ پهنای آن مانند وسعت مشرق و مغرب است و تا خورشید از مغرب طلوع نکند بسته نمیشود

ا. نعم نانا لا بکله الا م. سی عطه بمفصه الله

جهنم دروازه ای دارد کہ فقط کسانی کہ خشم خود را بگناه خدا فرو نشانده باشند از آن داخل میشوند

ا. لکوا - الکا - حما کرد السلام

جواب نامه مانند جواب سلام لازم است

ا. للروم م. المراه لسمه ما حی لسی

شوهر در پیش زن مقامی دارد کہ هیچ چیز ندارد

ا. للسطار مصالی و مکوفا و ا. م. مصالیه و مکوفا البطر سمع الله تعالی و الهکر سمعا الله و الکر علی

عنا الله و انا ع العوی می عر دا - الله

شیطان دامها و تله ها دارد و از جمله دامها و تله های وی اینست کہ از نعمتهای خدا مغرور شوند و به بخششهای او تفاخر کنند و با بندگان خدا تکبر کنند و خود در کار وی پیر و هوس شوند

ا. للسطار له نام. ا. م. و للملک له ماما له السطار ماباد بالسر و بکدر بالعم و اما له الملک

ماباد بالعر و بصدکم بالعم م. و حد ذلك ملعم انه م. الله تعالی ملعمد الله و م. و حد الاکری

ملعمود بالله م. السطار.

شیطان بآدمیزاد نزدیکی ای دارد و خداوند نزدیکی ای، نزدیکی شیطان وعده به بدی و تکذیب حق است و نزدیکی خداوند وعده بنیکی و تصدیق حق است هر که چنین حالی در خود یافت بداند که از جانب خداوند است و او را سپاس گزارد و هر که حال دیگر را در خود یافت از شیطان بخدا پناه ببرد

ا. لصاحب النعم معالا

آنکه حق دارد گفتاری مؤثر دارد

ا. للطاعم الساكر م. الآخر ميز ما للصائم الصابر

پاداش آنکه غذا میخورد و شکر میگذارد مانند روزه دار صبور است

ا. لكر امه سه و ا. سه امی المال

هر امتی را بلیه ای هست و بلیه امت من مال است

ا. لكر دم. حلفا و ا. كلم جدا الدم. العا

هر دینی خوی خاص دارد و خوی دین ما حیاست

ا. لكر ساع عابه و عابه ام. اذ م الموم - معلقه بذكر الله مانه يستلکم و برعیکم می الاکره

هر رهسپاری مقصدی دارد و مقصد آدمیزاد مرگ است از یاد خدا غافل مشوید که یاد خدا کارها را آسان و شما را بآن جهان راغب می کند

ا. لكر سكره نمره و نمره الفلب الولد

هر درختی میوه ای دارد و میوه دل فرزند است

ا. لكر سی دعامه و دعامه جدا الدم. الله و لهفه واحد اسد عر السطار م. الف عابد

هر چیزی اساسی دارد و اساس این دین دانش است و یک دانشمند برای شیطان از هزار عابد بدتر است



ا. لکزی سی معدنا و معدن الهوی ملو - الفارص.

هر چیزی معدنی دارد و معدن پرهیزکاری دل عارفانست

ا. لکزی سی حصه و ما بلع عبد حصه ا لانما حی نعلم ا ما اصانه له نکر. لکظه و ما اصطاء له نکر.  
لنصبه

هر چیزی حقیقتی دارد و بنده بحقیقت ایمان نمیرسد مگر اینکه بداند که هر چه باو رسیده ممکن نبود نرسد و هر چه بدو نرسیده ممکن نبود برسد

ا. لله تعالی امواتا لنصبه بالنعم لمنافع الموات و نرحا صعب ما نکلوا ماذا مفعولا برعنا صعب مفعولا الی  
عرصه

خداوند را گروههاست که نعمتهای خویش خاص ایشان کند تا بندگان را منتفع کنند و مادام که دهش کنند نعمت را بنزد ایشان نگهدارد و چون امساک کنند از آنها بگیرد و ب دیگران دهد

ا. لله تعالی عماذا اصصعب نواتم الناس نرع الناس السع می خوانصعب اولک الامور م. عدا - الله

خداوند را بندگانست که خاص حوائج مردمان کرده است و کسان در حوائج خویش بایشان پناه برند آنها از عذاب خدا ایمنند

ا. لله عماذا صصعب نواتم الناس ا. لله عماذا نرع م. الناس بالنوسع

خداوند بندگانست که آن ها را برای رفع حاجات مردم خلق کرده است خداوند بندگانست که مردم را بفراسنت شناسند

ا. لله عبد اموات نهما نرحا عبد ما خاموا می خوانصعب الناس ما له نملوا ماذا ملوا نملنا الله الی عرصه

خداوند پیش بعضی مردم نعمت هائی دارد که تا وقتی از انجام حوائج مردم باز نمیمانند نعمت خود را پیش آنها نگاه میدارد و همین که از این کار باز ماندند نعمت را به اشخاص دیگر منتقل میکند

ا. لله ملائكة في الارض ينظرون اليك في كل حين. انظر الى الله و السر

خداوند در زمین فرشتگانی دارد که بزبان آدمی‌زادگان سخن می‌گویند و از بد و نیک کسان خبر دهند

ا. لله ملائكة عند كل صلاة يا ايها المؤمنون اقموا الصلوات على ما وصيكم الله بالصلاة

خداوند فرشته ای دارد که هنگام نماز بانگ میزند آدمی‌زاده گان برخیزید و آتشهایی را که بر خویشتان افروخته اید بنماز خاموش کنید

ا. ما مكر في الرحم سكر

آنچه در شکم مادر مقدر شده شدنی است

ا. من الذي يهمل النساء له يهمل النساء كمن رحل كابل عليه ذرع صفة مد صفة له عمر حسه  
ما يكر حله له عمر احري ما يكر الاكبري حي كرم الى الارض

آن کس که کارهای بد میکند سپس کارهای نیک میکند مانند مردیست که زره تنگ بتن دارد و نفس او را تنگ میکند، کار نیکی میکند و حلقه ای از آن گشوده می‌شود سپس کار نیک دیگری می‌کند و حلقه دیگری گشوده می‌شود تا بزمین می‌افتد

ا. من الذي يهود في عطسه كمن الكبر اكر حي اذا سيع ما له عاد في مسه له اكله

آنکه بخشش خود را پس میگیرد مانند سگ است که بخورد و وقتی سیر شد قی کند و آنگاه به قی کرده خود باز گردد و آن را بخورد

ا. كرم العلال كمن العرام

آنکه حلال را حرام میکند مانند کسی است که حرام را حلال می‌کند

ا. مطعم ام. اذ مد صر - ملا للسا و ا. مرخه و ملعه فانظر الى ما بصير

غذای آدمیزاد را نمونه دنیا قرار داده اند هر قدر آن را ادویه و نمک بزند بنگر آخر چه می شود

ا. ماماہ اللہ اللہ می الدیا ا. بسر علہ سناہ

بخشش خداوند نسبت ببنده در این جهان اینست که گناهان او را مستور دارد

ا. مفر العلم کفر العلم ا. لا سبطع ا. مفر کله حی مفر کله

آنکه میخواهد سیرت را تغیر دهد مانند کسی است که میخواهد صورت را تغیر دهد اگر توانستی صورت را تغیر دهی سیرت را نیز تغیر توانی داد

ا. ما بلکم الموم. م. عملہ و حسناہ بعد موبہ علما سرہ و ولدا صالحا برکہ و مصعبا وربہ او مسکدا  
ساہ او سا لام. السیر ساہ او سرا احرہ او صدقہ احرصا م. مالہ می صکبہ و خانہ بلکہہ م. بعد موبہ

از جمله اعمال و نیکیهای مؤمن که بعد از مرگ بدو میرسد دانشی است که منتشر کرده باشد و فرزند پارسائیسست که بجا گذاشته باشد و قرآنی است که به ارث گذاشته باشد یا مسجدی که بنا کرده باشد یا خانه ای که برای کاروانیان بپا کرده باشد یا نهری که بکمک او جریان یافته باشد یا مالی که در دوران صحت و حیات از مال خویش جدا کرده باشد همه اینها پس از مرگ بدو میرسد

ا. م. احبکم الی احسکم اکلما

هر کس از شما خوش خلق تر است پیش من محبوبتر است

ا. م. اسراط الساعہ ا. برمع الفلہ و بطر العز و نسو الرنا و سر- العمر و کدر الرخال و سبی الساہ  
حی کور. لکسر. امراه مہ واحد

از علائم رستاخیز آنست که دانش از میان بر خیزد و جهالت آشکار شود و زنا رواج گیرد و شراب نوشند، مردان بروند و زنان بمانند تا حدی که پنجاه زن یکسر پرست داشته باشند

ا. م. اعطہ العطانا م. اصطع مال امری مسلم مفر خم و ا. م. العسا- عاڈہ المرصم

از گناهان بزرگ اینست که مال دیگری را بدون حق تصرف کنند و عیادت مریض از کارهای نیک است

ا. م. **اكرم المومنین امانا احسنه كلها و الطمعه باجله**

از همه مؤمنان ایمان آن کس کاملتر است که اخلاقش نیکتر است و با کسان خود بهتر رفتار میکند

ا. م. **ما من امان الا لله ا. سسی می کر حدسه**

نشانه کمال ایمان مرد اینست که در همه سخن خود استثنائی بیاورد

ا. م. **سفاذه المر ا. بطول عمره و برمه الله ا لانه**

از لوازم سعادت مرد اینست که زندگانی او دراز شود و خداوند توبه را نصیب وی کند

ا. م. **سر الناس مرله عند الله بوم الفنامه عبدك ادعك اكره بدسا عره**

بدترین مردم در نظر خدا روز رستاخیز بنده ایست که آخرت خود را برای دنیای دیگری از دست داده باشد

ا. م. **النار لسكرا و ا. م. السمير لعكما و ا. م. الفول عبا و ا. م. طلب العلم حلا**

بعضی بیانها سحر است و بعضی شعرها حکمت است و بعضی سخن ها الکنی است و بعضی دانشجوئی ها جهالت است

ا. م. **الدنوا لا بصرها الصلاة و لا الصيام و لا العمه و لا الفمره بصرها العموم می طلب**

**المهسه**

بعضی گناهان هست که نماز و روزه و حج و عمره آن را محو نمی کند فقط گرفتاری در طلب معاش آن را نابود میکند

ا. م. **السرما ا. باکر کر ما اسس**

یکی از اقسام اسراف اینست که هر چه میخواهی بخوری

ا. م. السه ا. حرمه الرحم مع صبه الى نا- الدار

خوبست که مرد با مهمان خود تا در خانه برود

ا. م. الاسم ناسا معانم للكر معانم للسر و ا. م. الاسم ناسا معانم للسر معانم للكر مطولي لم. حمد الله

معانم الكر على بده و ويز لم. حمد الله معانم السر على بده

بعضی مردم کلید خیرند و قفل شر و بعض دیگر کلید شرند و قفل خیر خوشا بحال آن کسی که خداوند کلید خیر را در دست او قرار داده و بدا بحال آن کس که خدا کلید شر را بدست او سپرده است

ا. م. العسر. ا. لا برصي احدا سخط الله و لا حمد احدا على ما له

بوك الله ما الررم لا كره حرص حرصه كراهه كاره

از لوازم ایمان اینست که برای خشنودی کسان خدا را خشمگین نسازی و بر نعمتی که خدا داده کسیرا سپاس نگذاری و برای آنچه خدا نداده کسی را مذمت نکنی که روزی به آن حریصان فزونی نگیرد و به تنفر کسان نقصان نپذیرد

ا. من الفلما في الارصم كمن النكوف في السما سدي سا في طلما- الر و الكر ما اذا ابطمس النكوف

اوست ا. بصر النكاه

دانشمندان در زمین مانند ستارگان آسمانند که در ظلمات خشگی و دریا بکمک آن راه جویند و همین که ستارگان نهان شدند ممکن است ره یافتگان نیز گمراه شوند

ا. م. حم الولد على والده ا. بقله الكناه و ا. كس. اسمه و ا. بروحه اذا بلع

از جمله حقوق فرزند بر پدر آنست که او را نوشتن آموزد و نام او را خوب انتخاب کند و هنگام بلوغ به او زن بدهد

ا. م. عماك الله م. لو اسمع على الله لانه

بعضی بندگان خدا هستند که اگر قسم خورند که خدا چنین میکند چنان خواهد کرد

ا. م. **لَعْنَةُ اللَّهِ** الْعَالِي **عَلَيْهِ** الْعَصَمِ

هر که از خدا چیزی نخواهد خدا بر او خشمگین می شود

ا. م. **مَعَاذِ الْعَوِيِّ** الْعَلِي **مَا مَدَّ** الْعِلْمَ **عَلَيْهِ** مَا لَعْنَةُ **وَالْعَصَمِ** **مِمَّا مَدَّ** الْعِلْمَ **مَلَهُ** الرَّبَّادَةُ **مَهُ** **وَأَمَّا** **بِرَحْمَةِ** الرَّحْمِ **مِي** **عَلَيْهِ** **مَا لَعْنَةُ** **مَلَهُ** **الْإِسْعَافِ** **بِمَا مَدَّ** **عَلَيْهِ**

از جمله منابع پرهیزکاری این است که ندانسته ها را بیاموزی و بدانسته ها ضمیمه کنی، اگر افزایش دانش کم شود مایه نقصان آن می شود و کسی که از دانسته های خود کمتر سود برد، در آموختن ندانسته ها سستی میکند

ا. م. **مَوْحِيَا** **الْمُهْرَةِ** **إِدْكَالِ** **السَّرُورِ** **عَلَى** **أَكْبَرِ** **الْمَوْمِ**

از جمله لوازم آمرزش اینست که برادر مؤمن خود را خرسند سازی

ا. م. **مَوْحِيَا** **الْمُهْرَةِ** **بِكُلِّ** **السَّلَامِ** **وَحَسْبِ** **الْكَلَامِ**

از جمله لوازم آمرزش ادای سلام و نیکی کلام است

ا. م. **بِمِ** **الْمَرَاهِ** **بِسِرِّ** **حَطِينَا** **وَبِسِرِّ** **صَدَامِنَا**

نشان میمنت زن اینست که خواستگاریش آسان و مهرش سبک باشد

ا. **بَارِكْ** **عَلَيْهِ** **خِرْمِ** **مِ** **سَمِعِ** **خِرْمِ** **مِ** **بَارِكْ** **عَلَيْهِ** **وَلَوْ** **لَا** **إِنَّمَا** **أَطْعَمْتَهُ** **بِأَلْمَا** **مَرْسِ** **مَا** **أَسْعَمْتَهُ** **بِنَا** **وَأِنَّمَا** **لِنَدْعُوا** **اللَّهِ** **إِنَّمَا** **لِنَصَدِّقَا** **مِنَا**

این آتش شما یکجزء از هفتاد جزء از آتش جهنم است و اگر دو بار آتش خاموش نشده بود از آن بهره مند نتوانستید شد آتش دنیا از خدا می خواهد که او را بجهنم باز نگرداند

اِنْ حٰدَاكَ الدّٰبِۢمۡ ۛ۞ مِّنۡۢ مَّوَعِدٍ مِّنۡهُ يَۤرْمَعُ ۚ وَ لَا يُلْقِیۡكَ اِلٰی سَعۡتِ عِبَادِہِ ۙ اِنَّہٗ لَیۡسَ لَہٗ اَرۡصَافٌ ۙ وَ لَا طَعۡرَ اَیۡہِیۡ

این دین محکم است بملایمت در آن پیش برو و عبادت خدا را منفور خود مکن زیرا رهرو عجول نه راهی سپرده و نه مرکوب خود را حفظ کرده است

اِنْ حٰدَاكَ الدَّارُ وَ الدَّرَجۡمُ اٰتٰکَآۙ مِمَّا مَلَکٰکَۙ

این دینار و درهم پیشینیان شما را هلاک کرد و شما را نیز هلاک خواهد کرد

اِنْ حٰدَاكَ اَلۡاٰكِلٰتُ مِمَّۙ اِنَّہٗ لَیۡسَ لَہٗ اَرۡصَافٌ ۙ وَ لَا طَعۡرَ اَیۡہِیۡ ۙ اِنَّہٗ لَیۡسَ لَہٗ اَرۡصَافٌ ۙ وَ لَا طَعۡرَ اَیۡہِیۡ

این اخلاق از خداوند است و خدا برای هر که نیکی خواهد خلقی نکو بدو دهد و برای هر که بدی خواهد خلق بدی بدو دهد

اِنْ حٰدَاكَ اَلۡاٰكِلٰتُ مِمَّۙ اِنَّہٗ لَیۡسَ لَہٗ اَرۡصَافٌ ۙ وَ لَا طَعۡرَ اَیۡہِیۡ ۙ اِنَّہٗ لَیۡسَ لَہٗ اَرۡصَافٌ ۙ وَ لَا طَعۡرَ اَیۡہِیۡ

دلها مانند آهن زنگ میزند گفتند صیقل آن چیست؟ گفت یاد مرگ و خواندن قرآن

اِنْ حٰدَاكَ اَلۡاٰكِلٰتُ مِمَّۙ اِنَّہٗ لَیۡسَ لَہٗ اَرۡصَافٌ ۙ وَ لَا طَعۡرَ اَیۡہِیۡ ۙ اِنَّہٗ لَیۡسَ لَہٗ اَرۡصَافٌ ۙ وَ لَا طَعۡرَ اَیۡہِیۡ

دلها مانند ظرف است و بهتر از همه دلیست که ظرفیت آن بیشتر است

اِنَّمَا اَلۡاٰمِرُ رَکۡعَہٗ مِمَّۙ اِنَّہٗ لَیۡسَ لَہٗ اَرۡصَافٌ ۙ وَ لَا طَعۡرَ اَیۡہِیۡ ۙ اِنَّہٗ لَیۡسَ لَہٗ اَرۡصَافٌ ۙ وَ لَا طَعۡرَ اَیۡہِیۡ

امید رحمت خدا برای امت من است اگر امید نبود مادری فرزند خود را شیر نمی داد و کسی درختی نمیکاشت

اِنَّمَا اَلۡاَعۡمَالُ نٰلِسَآءٍ ۙ وَ اَلۡاَعۡمَالُ

ارزش اعمال به نیت و سرانجام آنست

ایما العلم حسب او بدم

نتیجه قسم شکستن است یا ندامت

ایما العلم بالعلم و ایما العلم بالکلمه و م. بکر التمر بقطه و م. بعم السر بومه

علم از تعلم و حلم از تظاهر به حلم حاصل می شود هر که جویای خیر باشد همانش دهند و هر که از شر بگریزد از آن بر کنار ماند

ایما انا سر ادا امریکه سی م. دسکه مکدوا نه و ادا امریکه سی م. رالی ماها انا سر

من انسانی مانند شما هستم وقتی شما را بچیزی در کار دین دستور دادم بدان رفتار کنید و وقتی از پیش خود شما را بچیزی فرمان دادم من انسان هستم

ایما انا سر مملک و ا. الطم. کطی و بصیر و لکم. ما ملر لکم مال الله مل. اکد. علی الله

من انسانی مثل شما هستم و گمان بخطا یا صواب میرود ولی هر چه را بگویم خدا گفته است بر خدا دروغ نمی بندم

ایما انا سر و انکم کصموا. الی ملر بصلکم ا. بکوا. الت. کینه م. بضم مامصی له علی کو ما اسمع

م. مصلر له هم مسلر ماها حی مطفه م. النار ملاکدا او سرکا

من انسانی هستم و شما دعاوی خود را پیش من می آورید شاید بعضی از شما دلایل خود را بهتر از دیگری بیان کند و من مطابق مسموعات خود بنفع او قضاوت کنم هر کس بموجب قضاوت من حق مسلمانی را تصرف کند پاره ای از آتش را به دست خود آورده است خواهد نگهدارد و خواهد رها کند

ایما اعلی الدم. م. مملک اسم کاوا ادا سرم مسم السریف برکوه و ادا سرم مسم الصمیم

اماموا علیه الهد

هلاک پیشینیان شما از آنجا بود که دزد معتبر را رها میکردند و دزد ضعیف را مجازات میدادند



**اما بعد لامع مكارم الاكلام**

من مبعوث شدم تا فضائل اخلاق را بكمال رسانم

**اما هي م. الدنيا بلا و منه**

از دنيا جز بلا و فتنه باقى نمانده است

**اما سها الهى السوال**

علاج نادانى سؤال است

**اما منر اللى منر رسه باللاه بعلف مى اصبر سكره بعلنا الرىم طعرا انظر.**

دل مانند رشته ايست در بيابانى بدرختى آويخته كه باد پيوسته آن را زير و رو ميكند

**اما بعد التام عن سابع**

مردم مطابق پندارهاى خود محشور ميشوند

**اما تكالم المكالم. ناماه الله تعالى ملا كز لاحد بها. اى سعى على صاحبه ما كام**

جليسان نگهدار امانت يك ديگرند و روا نيست يكي از آنها راز رفيق خود را آشكار سازد

**اما بذكر الله م. برخوما و اما كس النار م. كامعا و اما برحم الله م. برحم**

كسى ببهشت ميرود كه اميد آن دارد و كسى از جهنم دور مى ماند كه از آن پيمانك باشد، خداوند فقط بكسى رحم ميكند كه رحم كند

**اما بذكر الله م. بالهمز و لا ح. لم. لا عمر له**

همه خوبىها را بعقل مى توان دريافت و هر كه عقل ندارد دين ندارد

ایها برحق **الله** م. عبادہ الرکما

خداوند بیندگان رحیم خود رحم میکند

ایها سلط **الله** عز ام. اذ م. کاهه ام. اذ م و لو ا. ام. اذ م له کم عز **الله** له سلط **الله** علیه احدا و  
ایها و کز ام. اذ م لهم. رجا ام. اذ م و لو ا. ام. اذ م له نرم الا **الله** له بکله **الله** الی عره

خداوند کسی را که آدمیزاد از او می ترسد بر وی مسلط می کند اگر جز خدا از کسی نمی ترسید خدا کسی را بر او مسلط نمیکرد آدمیزاد  
بکسی که بدو امیدوار است واگذار می شود و اگر جز خدا بکسی امید نداشت خدا او را بدیگری وانمیگذاشت

ایها بکمی احدکم ما کار می الدنا من راد الراکر

برای شما در دنیا چیزی که به اندازه توشه مسافری باشد کافی است

انه نرم المر المر لاجر المر لاجر المر

فضیلت اهل فضیلت را صاحب فضیلت می شناسد

ای احرمة علیکم هم الصمصم. السم و المره

شما را از حق دو ضعیف بسختی بر حذر میکنم: یتیم و زن

ای احام عز امی بعدی اعماله رله عالم و حکم خابر و حوی صیما

من پس از خودم بر اتم از سه چیز بیم دارم لغزش دانا و فرمانروائی ستمگر و پیروی هوس

ای صما له نوم الی کاحکم

من در چیزهائی که بمن وحی نرسیده مانند یکی از شما هستم

ای لا احام علیکم مما لا تعلموا و لکم انظروا کیف تعملوا مما تعلموا.

من از آنچه نمیدانید نگرانی ندارم ولی باید دید آنچه را می دانید چگونه بکار می بندید

ای لایعصم المراه کرمه م. سنا کر دلتا سکو روحنا

من زنی را که از خانه خود دامن کشان برای شکایت از شوهرش بیرون شود دشمن دارم

ای له اوامر ای اهد عن ملو - الناسم و لا اسم بطوسه

من مأمور نیستم بر دلهای مردم راه یابم یا باطن آنها را بشکافم

اساد ع. لا - کصال السد و العرصم و الکر

از سه خصلت دور باش حسد و حرص و تکبر

اساکه ع. الرور

از شرک و دروغ بپرهیزید

اساکه ع. ملز ما اسکر کسره

هر چه زیادش مست میکند از کمش نیز اجتناب کنید

احسبوا الهو ع. عرا - ذوی الهوا -

برای گناهان جوانمردان عذرتراشی کنید

احز العور و اعواسه می البار

ستمگران و یارانشان در جهنمند

احور الربا كالدی سكم امه و اى اربى الربا اسطاله المر مى عرصم اصه

آسانترین رباها چنانست که کسی با مادر خود زنا کند و بدترین رباها آنست که مرد در باره عرض برادر دینی خود زبان درازی کند

احور اجر النار عدانا نوم الهامه رحر بوضع مى اخصم مدمه خمرنا. بهر مسما ذمعه

روز رستاخیز از مردم جهنم آنکه عذابش از همه آسانتر است مردی است که دو قطعه آتش بکف پایش نهند که از حرارت آن مغز سرش بجوش می آید

اوسر حوامع الكلم

سخنان مختصر و جامع را بمن دادند

اوسم سلامه انلس السا

محکمترین سلاح شیطان زنانند

اوصت اى بسكى م. الله كما بسكى م. الرحر الصالم م. مومك

بتو سفارش میکنم از خدا چنان شرم کن که از مردی پارسا از کسان خود شرم میکنی

اوصت بسوى الله تعالى مى سر امرك و علاسه و اذا اساء ما حسب. و لا سال. احدا سنا و لا نصصم

امانه و لا نصصم م. اس.

بتو سفارش میکنم که در نهان و عیان پرهیزکار باشی وقتی بدی کردی نیکی کن و از کسی چیزی نخواه، امانت مگیر و میان دو کس قضاوت مکن

اوصك بالعار

شما را در باره همسایه سفارش می کنم

### اولی النام بالمعو امد رجع عر المعونه

هر که را قدرت مجازات بیشتر است عفو از او پسندیده تر است

### اولی النام بالسمه م. حالم اجر السمه

هر که با متهمان آمیزش کند بیشتر از همه مردم سزاوار تهمت است

### اول الماده الصم

نخستین مرحله عبادت خاموشی است

### اول ما بعدو. م. دسک الامانه و اجر ما بعدو. الصلوه

نخستین چیزی که از دین خود از دست می‌دهید امانت است و آخرین چیزی که از دست می‌دهد نماز است

### اول ما عالی عه رلی بعد عماده الاوبار سر - النصر و ملا خاه الرخال

پس از بت پرستی نخستین چیزی که خدایم مرا از آن نهی کرد شراب خواری و بدگوئی مردان بیکدیگر است

### اول ما کاسه به الصلوه

نخستین چیزی که بحساب آن میرسند نماز است

### اول ما برمع م. حده الامه العا و الامانه

نخستین چیزی که از میان این امت بر می‌خیزد حیا و امانت است

### اول ما بعضی م. النام نو ف الصامه می الدما

نخستین بار روز رستاخیز میان مردم در باره خونها دادرسی میکنند

اول ما بورا می المراه العلم العسر.

نخستین چیزی که در ترازو گذاشته می شود خلق نیک است

اول ما بوضع می مرارا الهمد لله عر امله

نخستین چیزی که در ترازوی بنده میگذارند خرجی است که برای کسان خود کرده است

اول ما بصدی الی الله العمد و الحمد لله

نخستین کسانی که بیهشت دعوت می شوند ستایشگرانند که خدا را ستایش میکنند

اناکم و السوف و طول الامر ماہ کار سبما لئلا الامم

از اهمال و طول امل بپرهیزید که موجب هلاکت اقوام است

اناکم و النعمم می الدم ما الله بعالی مد حمله سلا مکدوا مه ما بطهوا ما الله کب ما دام ما

عمر سالم و ا کار سرا

از کنجکاوای در کار دین به پرهیزید زیرا خداوند دین را آسان قرار داده است بر این از مسائل دین آنچه را طاقت دارید فرا گیرید زیرا خداوند کار نیک بادوام را دوست دارد اگر چه اندک باشد

اناکم و العسد ما العسد ناکر العسا کما ناکر النار العطر

از حسد بپرهیزید زیرا حسد کارهای نیک را می خورد چنان که آتش هیزم را می خورد

اناکم و العمره مانا احد الربه الی السطار

از سرخی بپرهیزید زیرا سرخی از همه زینتها بنزد شیطان محبوبتر است

**اناکه و النمر ما، کطسنا نرع العطانا کما، سکرنا نرع السكر**

از شراب بپرهیزید که از گناه آن گناهان میزاید چنان که از درخت آن درختان میروید

**اناکه و الکر، مانه مع بالکر و مدله بالکر**

از قرض بپرهیزید که غم شب و ذلت روز است

**اناکه و الرنا ما، مه اربع کصال بصر الساع، الوحه و نطع الررم و سکت الرکم، و الکلوک می**

**البار**

از زنا بپرهیزید که در آن چهار خصلت است رونق از چهره ببرد و روزی را ببرد و خدا را خشمگین کند و مایه عذاب جاودان شود

**اناکه و السم ما، ما تلک م، کار ملکک بالسم امرع بالکر مکلوا و امرع بالطنمه مظموا و امرع**

**بالکور مکروا**

از حرص بپرهیزید که پیشینیان شما در نتیجه حرص هلاک شدند، حرص آنها را ببخل وادار کرد و بخیل شدند ببردن از خویشاوندان وادار کرد و از خویشاوندان ببردند بیدکاری وادارشان کرد و بدکار شدند

**اناکه و الطمع مانه مو النمر الناصر**

از طمع بپرهیزید که فقر آماده است

**اناکه و الفسه الصمه العاله م، النام**

از سخن چینی مردم پرهیز کنید

**اناکه و القلو می الکر، ما ما تلک م، کار ملکک بالقلو می الکر.**

از افراط در کار دین بهره‌یزید که پیشینیان شما از افراط در کار دین هلاک شدند

**اناکه و الفیه ما، الفیه اسد م، الریا، الرجز مد برلی و سو - سو - الله علیه و ا، صاحب الفیه لا  
نهر له حی نهر له صاحبه**

از غیبت بهره‌یزید که غیبت از زنا سختتر است کسی که زنا میکند و توبه میکند خدا توبه او را میپذیرد ولی آنکه غیبت می کند گناهش  
آمزیده نمی شود تا آنکه غیبت او را کرده است از گناهش بگذرد

**اناکه و الکر ما، انلم حمله الکر علی، لا سعد لادم و اناکه و العرص ما، ادم حمله العرص  
علی، ناکر م، السکره و اناکه و النسد ما، اسی ادم من احدما صاحبه حسدا م، اصلا کر  
حطبه**

از تکبر پرهیز کنید که شیطان بواسطه تکبر از سجده آدم دریغ کرد و از حرص بگریزد که آدم بواسطه حرص از میوه درخت بخورد و از حسد  
دور مانید که هابیل بواسطه حسد قابیل را کشت بنا بر این تکبر و حرص و حسد سر چشمه همه گناهان است

**اناکه و الکر ما، الکر - کاس لا ما،**

از دروغ بهره‌یزید که دروغ با ایمان سازگار نیست

**اناکه و الکر ما، الکر - لا نصلم لا نالمد و لا نالمر و لا نهد الرجز صسه لا بی له و ا،  
الکر - سدی الی الکور و ا، الکور سدی الی الار و ا، الکردم سدی الی الر و ا، الکر سدی الی  
الع**

از دروغ بهره‌یزید زیرا دروغ نه جدی و نه شوخی روا نیست، انسان نباید بطفل خود وعده دهد و وفا نکند، دروغ کسان را ببدکاری می کشاند  
و بدکاری آنها را بجهنم می رساند، و راستی کسان را به نیکو کاری میکشاند و نیکوکاری آنها را بیهشت میرساند

**اناکه و الکرد ما، الکرد**



از مدح کردن بپرهیزید که مانند سر بریدن است

**اناکم و العوی ما العوی همی و بصم**

از هوس بپرهیزید که هوس انسان را کور و کر می کند

**اناکم و حصرا الدم. مز و ما حصرا الدم. مال المراه العسا می مسر سو**

از سبزه مزبله بپرهیزید گفتند سبزه مزبله چیست؟ گفت زن زیبا در خانواده بد

**اناکم و دعوه المظلوم و ا. کار. م. کامر ماه لسا حکا- م. ک. و. الله عر و حر**

از نفرین مظلوم بپرهیزید اگر چه کافر باشد زیرا میان آن و خدا حجابی نیست

**اناکم و عاده السامه لا کلو رخ نامراه لسا لسا حر م الا حر سا**

از گفتگو با زنان بپرهیزید که هر وقت مردی با زنی خلوت کند، قصد او میکند

**اناکم و عهرا- الدبو- ماها مز عهرا- الدبو- کمر موم برلوا نظر. واد مکا دا نهود و خا**

**دا نهود حی کلوا ما اصعوا نه حر م و ا. عهرا- الدبو- می بوکد سا صاحبنا سلک**

از گناهان کوچک بپرهیزید، مثال گناهان کوچک مانند گروهی است که در دره فرود آیند یکی چوبی آرد و دیگری چوبی آرد و آنقدر هیزم بیاورند که با مجموع آن نان خود را بپزند، گناهان حقیر نیز وقتی از مرتکب آن باز خواست کنند مایه هلاک او می شود

**اناکم و السوف نامک مات لومک و لسا ما بعد ما. ک عد لک مکر. می الهد کما**

**کسر می النوم و ا. لک بکر. عد لک لک سد م عر ما مرطی می النوم**

از اهمال بپرهیز که تو برای امروز زنده نه برای فردا اگر فردائی بود فردا نیز مثل امروز باش و اگر فردائی نبود از اهمال و سستی امروز پشیمان نخواهی بود

## ا ن ا د و السؤال ماه دار حاضر و مهر سعه

از سؤال و تقاضا بپرهیز که سؤال ذلت نقد است و فقریست که در رسیدن آن شتاب می کنی

## ا ن ا د و اللعاه ما اولنا حیر و احرا ما دامه

از لجاجت بپرهیز که آغازش جهالت است و انجامش ندامت

## ا ن ا د و حصلس الصکر و الکسر ما ا صکر - له نصر علی هم و ا کسل له نوک حما

از دو صفت بپرهیز: ملالت و تنبلی که اگر ملول باشی حق را تحمل نکنی و اگر تنبل باشی از ادای حق باز مانی

## ا ن ا د و کر امر مصدر مه

از هر کاری که عذر آن باید خواست بپرهیز

## ا ن ا د و ما سو الادر

از هر چه بگوش بد آید بپرهیز

## ا ن ا د و مر م السو ما نه صرف

از یار بد بپرهیز که ترا بدو شناسند

## ا ن ا د و همرا - الکو - ما لنا م . الله طالما

از گناهان کوچک بپرهیز که خدا از آن باز خواست میکند

## ا ن ا د و مصاحبه الکدا - ماه کرا - هر - الک الهمد و سمد الک العرب

از مصاحبت دروغگو بپرهیز که دروغگو چون سراب است دور را نزدیک می نماید و نزدیک را دور

اَنَا وَ مَصَادِقَهُ الْاَكْثَرُ مَا هُيَ اِنْ سَمِعْتُمْ مَصْرُودًا

از مصاحبت احمق بگریز که می خواهد بتو نفع رساند ضرر می رساند

اِنَّا اَلَمْه اِي لَا اَكَامَ عَلَيْكُمْ مِمَّا لَا تَعْلَمُونَ و لَكُمْ اِنظُرُوا كَيْفَ تَعْمَلُونَ مِمَّا تَعْلَمُونَ

ای امت من از آنچه نمی دانید بر شما بیم ندارم ولی بنگرید آنچه را می دانید چگونه عمل می کنید

اِي دَا اَدْوِي مِ الْبُكَرِ

هیچ دردی بدتر از بخل نیست

اِنَّمَا اَمْرَاهُ اَدْكَلُ عِزِّي مَوْءِ مِ لَسْمِ مَعْنَعِ مَلِيْسَةٍ مِ اَللّٰهِ مِي سِي و لَمْ يَدْكَلْنَا اَللّٰهُ حَسْبَهُ و اِنَّمَا رَحْزُ حَكْدِ  
وَلَدِهِ و حُو سَطْرُ اَللّٰهِ اَحْبَبُ اَللّٰهُ مَهْ و مَصْنَعُهُ عِزِّي رَوْسَمِ الْاَوَّلِيْمِ و الْاَكْرَمِ نَوْءِ الْعَمَامَةِ

هر زنی فرزندی را بناحق به کسانی ملحق کند خدا از او بیزار باشد و او را بهشت نبرد و هر مردیکه فرزند خود را که بدو نگران است انکار کند خدا از او دور شود و روز رستاخیز وی را میان اولین و آخرین رسوا کند

اِنَّمَا اَمْرَاهُ اَسْمَطْرُ - نَهْ كَرْحَبُ مَعْرُ - عِزِّي مَوْءِ لَيْكِدُوا رَحْمَتَا مَعِي رَائِهْ و كَرْعِي رَائِهْ

هر زنی عطر بزند و بیرون رود و بر گروهی بگذرد که بوی او را دریابند زنا کار است و هر دیده زنا کار است

اِنَّمَا اَمْرَاهُ كَرْحَبُ مِ سِنَا نَهْرِ اَدِي رَوْحِنَا كَابِ مِي سَعَطِ اَللّٰهِ تَعَالَى حَبِي رَحْعِ اِلَى سِنَا اَوْ نَرَصِي عِنَا

روحنا

هر زنی که بدون اجازه شوهر از خانه خود بیرون رود مورد خشم خداست تا بخانه بر گردد یا شوهرش از او راضی شود

اِنَّمَا اَمْرَاهُ سَالِبُ رَوْحِنَا الطَّلَامِ مِ عَرِّ مَا نَامِ مَعْرَاهُ عَلَيْنَا رَائِهْ اَللّٰهُ

هر زنی که بدون جهت از شوهر خود طلاق خواهد بوی بهشت بر او حرام است

**ایما امرأه ماتت و زوجها عیسا راضی ذکر الله**

هر زنی که بمیرد و شوهرش از او خشنود باشد بهشت می‌رود

**ایما امرأه برعت بایسا می عرسنا کرم الله عر و حر عیسا سره**

هر زنی که لباس خود را جز در خانه خود بیرون آورد خدا پرده خویش را از او بر گیرد

**ایما امرأه و صفت بایسا می عرسنا سر ما سنا و س. الله عر و حر**

هر زنی که لباس خود را جز در خانه شوهر بیرون آورد پرده ای را که میان او و خدا است پاره کرده است

**ایما امر ولی م. امر المسلمین سنا له کطعم ما کوط سسه له برمه رانکه الله**

هر کس چیزی از کار مسلمانان را بدست گیرد و در کار آنها مانند کار خود دلسوزی نکند بوی بهشت بدو نخواهد رسید

**ایما داع دعا الی صلا له مانع ما. علیه من اورار م. انسه و لا یفصم م. اورار حه سنا و ایما داع دعا**

**الی حدی مانع ما. له من اخور م. انسه و لا یفصم م. اخور حه سنا**

هر که کسان را بسوی گمراهی بخواند و او را پیروی کنند نظیر گناهان پیروان خود را بدوش می برد بدون آنکه از گناهان آنها چیزی کم شود و هر که کسان را به سوی هدایت خواند و او را پیروی کنند نظیر ثواب پیروانش نصیب او می شود بدون اینکه از ثواب آنها چیزی کم شود

**ایما راع عم رعیه صو می البار**

هر که با زیر دستان خود بنیرنگ رفتار کند اهل جهنم است

**ایما راع له بر حه رعیه حرم الله علیه الله**

هر کس به زیر دستان خود رحم نکند خداوند بهشت را بر او حرام کند

**اینها رخصت است و در آن روز هیچ کس را از او برتر است با خدا و پیغمبر و گروه مسلمانان تقرب کرده است.**

هر کس مردی را بر ده تن ریاست دهد و بداند که میان آنها کسی هست که از او برتر است با خدا و پیغمبر و گروه مسلمانان تقرب کرده است

**اینها رخصت است و در آن روز هیچ کس را از او برتر است با خدا و پیغمبر و گروه مسلمانان تقرب کرده است.**

هر کس قرضی بگیرد و در خاطر داشته باشد که آن را نپردازد مانند دزدان محشور شود

**اینها رخصت است و در آن روز هیچ کس را از او برتر است با خدا و پیغمبر و گروه مسلمانان تقرب کرده است.**

هر کس زنی گیرد و در خاطر داشته باشد که مهر او را نپردازد هنگام مرگ چون زناکاران بمیرد و هر کس چیزی از مردی بخرد و در خاطر داشته باشد که قیمت آن را نپردازد هنگام مرگ چون خائن بمیرد و خائن در آتش است

**اینها رخصت است و در آن روز هیچ کس را از او برتر است با خدا و پیغمبر و گروه مسلمانان تقرب کرده است.**

هر کس بقدر یک وجب زمین را بناحق تصرف کند روز رستاخیز خدا وادارش میکند که آن را تا عمق زمین هفتم بکند و طوق گردن کند تا رسیدگی میان مردم پایان رسد

**اینها رخصت است و در آن روز هیچ کس را از او برتر است با خدا و پیغمبر و گروه مسلمانان تقرب کرده است.**

هر کس شفاعت او مانع از اجرای حدی شود در معرض خشم خداست تا از کار خود دست دارد

انما سا - بروم - می حکانه سه عمر سبطانه نا وبله عصم می دینه

هر جوانی در آغاز جوانی زن بگیرد شیطان وی بانگ برآرد وای بر او دین خود را از دستبرد من محفوظ داشت

انما مسلم سجد له ارفه کر اذکله الله تعالی انکه

هر مسلمانی که چهار تن بنیکی او شهادت دهند خدا او را بهشت می برد

انما مسلم کسا مسلما نونا علی عری کساه الله تعالی م. کصر انکه و انما مسلم اطعم مسلما علی خوع

اطعمه الله تعالی نوم الصامه م. بار انکه و انما مسلم سی مسلما علی طما سناه الله نوم الصامه م. الرحم

المکوم

هر مسلمانی که مسلمان برهنه را بپوشاند خداوند از پارچه های سبز بهشت بدو بپوشاند و هر مسلمانی که مسلمان گرسنه را سیر کند خداوند روز رستاخیز از میوه های بهشت بدو بپوشاند و هر مسلمانی که مسلمان تشنه ای را سیراب کند خداوند روز قیامت از شربت سر بمهر به او بنوشاند

انما ناسی سا می طلب العلم و الصاده حی نصر اعطاء الله نوم الصامه نوا - اس. و سیم. صدعا

هر طفلی که در طلب علم و عبادت بزرگ شود خداوند ثواب هفتاد و دو صدیق به او عطا کند

انما راع اسرعی رعه مله کطنا بالامانه و الصیحه صامر عنه رکفه الله تعالی الی وسفر کر سی

هر کس سرپرستی گروهی را بعهده گیرد و در کار آنها به امانت و دلسوزی رفتار نکند رحمت خدا که شامل همه چیز است باو نمیرسد

انما وال ولی سنا م. امر امی مله بصم لعه و کسد لعه کصیحه و حده لسه کبه الله تعالی علی

و حته نوم الصامه می البار

هر زمامداری چیزی از کار امت مرا بدست گیرد و در کار آنها مثل کارهای خصوصی خود دلسوزی و کوشش نکند روز رستاخیز خداوند او را وارونه در آتش اندازد

**اما وال ولی ملا و رمع رمع الله تعالی نه نو و الصامه**

هر کس بزمامداری برسد و با مردم بملایمت و مدارا رفتار کند خداوند روز قیامت با او مدارا کند

**اما وال ولی م. امر امی هدی امه عز الصراط و سر- الملاکه صعبه مار. کار عادلا گاه الله  
فعله و ا. کار خابرا اعصم به الصراط اعصاه بران م. معاصله حی نکر. م. عصوم. م. اعصاه مسره  
ماه عام نه سكرم به الصراط**

**م. هدی الساعه م. قطع اللز**

پیش از رستاخیز فتنه ها پدید آید چون قطعات شب تاریک

**النادی بالسلا و نری م. الکر**

آنکه سلام آغاز می کند از تکبر بر کنار است

**الیکر م. ذکر- عده ملع نصر عز**

بخیل آنست که مرا پیش او یاد کنند و بر من صلوات نفرستند

**الکا سو و سو الملکه لو و**

بدزبانی مایه شئامت است و بد سیرتی سرچشمه لثامت

**الر حس. العلم و ا لاله ما حاد می الصدر و کرحد ا. نطلع علیه الناسم**

نیکی خلق نیک است و گناه آنست که بر دل ننشیند و دوست نداری که مردم از آن مطلع شوند

**الر لا یسر و الدبر لا بسی و الدار لا یسور - اعمر ما سب مکما یسبکما**

نیکی کهنگی نگیرد و بدی فراموشی نپذیرد و خدای عادل نمیرد هر چه میخواهی بکن که هر چه کنی سزایت دهند

**الر ما اطعم الله الفلأ و اطعم الله الفلأ و ا لاله ما حاد می الفلأ و برکت می الفلأ و ا**  
**اماد الفلأ**

نیکی آنست که دل بدان آرام گیرد و روح از آن اطمینان یابد و بدی آنست که بر دل ننشیند و دوست نداری مردم از آن خبر دار شوند دیگران هر چه می خواهند بگویند

**البرکة می اکارنا معر له برحمة صفرنا و کر کسرا علس منا**

برکت در بزرگان ماست و هر کس بر کوچک ما رحم نکند و بزرگ ما را محترم نشمارد از ما نیست

**البرکة می نواصی الفلأ**

برکت در پیشانی اسپانست

**البرکة مع اکارکة**

برکت با بزرگان شماست

**الطاهه بسی الفلأ**

پر خوری دل را سخت میکند

**الطاهه الالی سکم - الفلأ - هر سه**



زنانی که بی حضور شاهد شوهر میکنند زنا کارند

**البکا م. الرکمه و الصرام م. السطار.**

گریه از رحمت است و فریاد از شیطانست

**البا موكر بالهول ما مال عبد لسی لا و الله لا امله ابدا الا برک السطار. کر عمر و ولع بدک  
مه حی بومه**

بلا بسخن وابسته است وقتی بنده ای گوید بخدا هرگز این کار را نمی کنم شیطان همه کارها را بگذارد و سخت دلبستگی کند تا او را بگناه وادارد

**البا موكر بالمطم ملو ا. ر خلا عمر ر خلا بر صاع کله لرصما**

بلا بسخن وابسته است اگر کسی دیگری را بشیر خوردن از سگی سرزنش کند از او شیر خواهد خورد

**البلاد بلاد الله و الهیات عنای الله مکیما اصبر کرا مامه**

زمین زمین خداست و بندگان بندگان خدایند، هر جا نیکی بتو رسید اقامت گیر

**السر الکی بهرا مه الهرا. سرا ی لا حر السما کما سرا ی الکوف لا حر الارصم**

خانه ای که در آن قرآن خوانده می شود در نظر اهل آسمان چنان مینماید که ستارگان در نظر اهل زمین

**ناکر النار م. اذ م الا ابر السکوت حرم الله عمر و حر عر النار ا. ناکر ابر السکوت**

آتش جهنم آدمیزاد را می خورد جز جای سجده را زیرا خداوند جای سجده را بر آتش حرام کرده است

بسمت می وحه احد لك صدقه و امر ك بالمفروم و سب ع. المکر صدقه و ارساد ك  
الرحم می ارضم الصلار لك صدقه و اماطت الكر و السود و المظم ع. الطرم لك صدقه

لبخند تو بر روی برادرت صدقه است امر بمعروف و نهی از منکر کردنت صدقه است و رهنمائی کسی که راه را گم کرده صدقه است و دور کردن سنگ و خار و استخوان از راه صدقه است

سور. ما لا سكون. و كمفور. ما لا ناكلو. و ناملو. ما لا ندركو.

خانه ها میسازید که در آن سکونت نمیگیرید و چیزها فراهم میکنید که نمی خورید و آرزوها دارید که بدان نمی رسید

كافوا ع. ذب السكى ما. الله احد سده كلما عر

گناه سخاوتمند را ندیده بگیرید که هر دم بلغزد خدایش دست بگیرد

كافوا ع. عهوه ذوى المروه ما له نك. خدا م. حدود الله

از عقوبت کردن جوانمردان درگذرید مگر آنکه حد بر آنها لازم شده باشد

كافروا ع. ذب السكى و رله الفاله و سطوه السلطان. الفادر ما. الله تعالى احد سده كلما عر عار

مصم

از گناه سخاوتمند و لغزش دانا و سطوت پادشاه درگذرید که هر یک از آنها را پای بلغزد خدایشان دست بگیرد

كافروا لذوى المروه ع. عراسه مو الذى نسي سده ا. احد سده لسمو و ا. سده لى سده الله

از لغزش جوانمردان بگذرید زیرا بخدائی که جان من بدست اوست جوانمرد می لغزد و دست او در دست خداست

ك الموم. كسدا صما نطم صمعا عر ما لا نطم

مؤمن چنانست که در کار خیر هر چه تواند کوشد و هر چه را نتواند بآرزو خواهد

**كُدُوْا مِمَّنْ سَرَّ النَّاسَ دَاوِلُوْهُمُ. الَّذِيْ يَالِيْ حَوْلَا بُوْحَهٗ وَ حَوْلَا بُوْحَهٗ**

بدترین مردم شخص دوروست که با گروهی رؤئی و با گروهی دیگر روی دیگر دارد

**كُرُوْا الصَّدْمَ وَ اِیْ رَاۤیْمَ اِیْ مَهِّ الْعَلَكَهٗ اِیْ مَهِّ الْكَلَاهِ وَ اِیْ رَاۤیْمَ اِیْ مَهِّ الْكَلَاهِ اِیْ مَهِّ الْعَلَكَهٗ**

راستی کنید اگر چه پندارید مایه هلاک است که راستی مایه نجات است و از دروغ بپرهیزید اگر چه پندارید مایه نجات است که دروغ مایه هلاک است

**كُهَّ الْمُوْمِیْنَ. الْمُوْمِیْنَ**

مرگ ارمغان مؤمن است

**كُهَّ الْمُوْمِیْنَ. مِی الدِّیْنَ الْعَرِّی**

ارمغان مؤمن در این جهان فقر است

**كُفُّوْا مِمَّنْ اَلْاَرْضَیْمَ مَانَا اَمَكَّ وَ اِهْ لَمَّ مِمَّنْ اَحَدٌ عَامَرٌ عَلِنَا كُرَا اَوْ سَرَا اَلَا وَ حِیْ كُرَّهٖ نَهْ**

حرمت زمین را بدارید که بمنزله مادر شماست و هر که روی زمین کار بد یا خوبی کند، از آن خبر میدهد

**كُلُّوْا مَانَهٗ نَطَامَهٗ وَ النَّطَامَهٗ یَدْعُوْا اِلَیْ اَلَاۤیْمَاۤیْ وَ اَلَاۤیْمَاۤیْ مَعِ صَاخِمَهٗ مِی الْعَمَّهٗ**

دندانها را تمیز کنید زیرا مایه نظافت است و نظافت باعث ایمان است و ایمان با صاحب خود در بهشت است

**كُرُوْا لِنَطْفِكُمْ مَانِكُمْوَا اَلَاۤیْمَاۤیْ وَ اِنِكُمْوَا اَلْعَمَّهٗ**

برای نطفه های خود محل مناسب انتخاب کنید و از اشخاص همشأن خود زن بگیرید و بآن‌ها زن بدهید

**كُروا لطفكم ما، السا بلد، اسماه اكواس، و اكواس.**

برای نطفه های خود جای مناسب انتخاب کنید زیرا زنان نظیر برادران و خواهران خود فرزند می آورند

**كُروا لطفكم و احسوا حدا السواك ماه لو، مسوه**

برای نطفه های خود جای مناسب انتخاب کنید و از سیاهان بپرهیزید که سیاهی رنگ زشتی است

**بداكوا السموم و الموم بالصدا- بسم الله تعالی صرکم و سصرکم علی عدوکم**

از رنج و غمها بوسیله صدقه جلوگیری کنید تا خدا رنجتان را بر طرف کند و شما را بر دشمنان فیروزی دهد

**بداووا بالبا، البه مالی ارحوا، ان كمر الله منا سفا مانا باكر م. كر السر**

با شیر گاو مداوا کنید زیرا من امیدوارم که خدا در آن شفا قرار داده باشد زیرا از همه درختان میچرد

**بداووا عماك الله ما، الله تعالی له بصع دا الا وضع له دوا عر دا واحد الترم**

بندگان خدا امراض خود را مداوا کنید زیرا خدا مرضی پدید نیاورده جز آنکه دوائی برای آن قرار داده مگر یک درد که پیری است

**بداووا ما، الدی ابر الدا ابر الدوا**

مداوا کنید زیرا آنکه درد را فرستاد دوا را نیز فرستاد

**بدر، ما هول الاسد می رسره هول الله لا سلطی علی احد م. احد المهروم**

می دانید شیر در غرش خود چه می گوید؟ گوید خدایا مرا بر هیچ کس از نیکوکاران مسلط مکن

برى المومنين. مى براكمه و بواذبه و يعطيه كمن السد اذا اسكى عصوا بكاعى له سائر حسده  
بالسر و العى

مؤمنان در مهربانى و دوستى يك ديگر چون اعضاى يك پيگرند كه وقتى عضوى ببرد آيد اعضاى ديگر آرام نگرند

برك الدنيا امر م. الصبر و اسد م. خطه السوف مى سبر الله عر و حر

گذشتن از دنيا از صبر تلختر و از شكستن شمشيرها در راه خدا سخت تر است

برك الوصه عار مى الدنيا و نار و سار مى الاكره

وصيت نكردن مايه ننگ اين جهان و آتش آن جهانست

برك مكم سس. لم. بصلوا بعدما كان الله و سى و لم. سمر ما حى بركا على التوصم

دو چيز در ميان شما گذاشتم كه با وجود آنها گمراه نخواهيد شد، كتاب خدا و روش من و از هم جدا نميشوند تا بر سر حوض بمن برسند

بروحوا السا ماسم. باسم. بالمال

زن بگيريد كه زنان توانگرى مى آورند

بروحوا الولود الولود مالى مكار بكم الايسا

زن مهربان و بچه آور بگيريد زيرا من بكثرت شما بر ساير پيغمبران افتخار مى كنم

بروحوا مالى مكار بكم الامم و لا يكونوا كرماسه البصارى

زن بگيريد كه من بكثرت شما بر ملل ديگر افتخار مى كنم و مانند مسيحيان راه رهبانيت پيش مگيريد

بروحوا و لا يظفوا ما. الله لا كبر الدوام. و لا الدواما

زن بگیری و طلاق مدهید زیرا خداوند مردانی را که مکرر زن گیرند و زنانی را که مکرر شوهر کنند دوست ندارد

**رُوحُوا وَ لَا تَطْلَعُوا مَا بِالطَّلَامِ سِرٌّ مِنْهُ الْمَرْسَمُ**

زن بگیری و طلاق مدهید زیرا عرش از وقوع طلاق می لرزد

**سَامَطُوا الصَّمَامِ**

کینه ها را دور بیندازید

**سَكُرُوا مَا فِي السُّكُورِ بَرَكَةٌ**

سحر خیز باشید زیرا سحر خیزی مایه برکت است

**بَصَامُوا بِدَعْرِ الْمَرْءِ عَمَلٌ طَلُوبٌ**

با یک دیگر دست بدهید تا کینه از دل‌های شما برود

**بَصَدَمُوا مَا بِالصَّدَمَةِ مَكَاكِمٌ مِنَ النَّارِ**

صدقه بدهید زیرا صدقه مایه آزادی شما از آتش جهنم است

**بَصَدَمُوا مَسَالِي عِلْمِكُمْ رَمَاهُ يَمْسِي الرَّحْلُ بِصَدَمِهِ مَعُولٌ الْوَدَى نَابَهُ نَبَا لَوْ حَسِبْنَا نَالَا مَسْمُومًا لَهَلْبَسْنَا مَا مَا**

**الْأَلَى مَا حَاحَهُ لِي مَسَا مَا كُدُّ مِمَّنْ يَهْلَسْنَا**

صدقه بدهید زیرا زمانی بیاید که انسان برای صدقه دادن برود و آنکه صدقه را برای او برده اند گوید اگر دیروز آورده بودی قبول می کردم اما امروز بدان حاجت ندارم و کسی را نیابد که صدقه او را قبول کند

**بَصَدَمُوا وَ لَوْ بَعْرَهُ مَا نَبَا سَدُّ مِمَّنْ الْعَاجِ وَ نَطْفَى الْعَطِشَةَ كَمَا نَطْفَى أَلْمَا النَّارِ**

صدقه بدهید و گر چه یک خرما باشد زیرا رنج گرسنه ای را تخفیف میدهد و گناه را خاموش میکند چنان که آب آتش را خاموش میکند

**فاموا الصدوق مما سكم مما نلهمی م. حد مهد و حر**

در میان خودتان از گناهانی که موجب مجازات است درگذرید زیرا وقتی گناهی به اطلاع من رسید مجازات آن واجب است

**فاموا سبط الصفا م. سكم**

همدیگر را ببخشید تا کینه هایتان از میان برخیزد

**نصرم الاعمال علی الله تعالی نوم ا لاسم. و النعمس منعمر الله الا ما كان م. مساحس. او ماطع رحه**

روز دوشنبه و پنجشنبه اعمال را بر خداوند عرضه می دارند و خداوند گناه کسان را میبخشد مگر گناه ستیزه جویان و کسی که از خویشاوندان بریده باشد

**نصرم الاعمال نوم ا لاسم. و النعمس علی الله و نصرم علی الانسا و علی الانا و الامنا - نوم النعمه منمروا.  
كسائمه و برکات و خوصمه باصا و اسراما مامو الله و لا نوکوا موناکم**

روز دوشنبه و پنجشنبه اعمال را بر خداوند عرضه میدارند و روز جمعه از نظر پدران و مادران می گذرانند و از کارهای نیک خوشحال میشوند و چهره هایشان سفید و روشن می شود پس از خدا بپرهیزید و مردگان خود را اذیت نکنید

**نصرم الی الله می الرکا نصرم می السکه**

در موقع آسایش خدا را بشناس تا در موقع سختی ترا بشناسد

**نصوا و لو نكم م. حسم ما. برک الفسا معرمه**

شام بخورید اگر چه مشتی خرما پست باشد زیرا شام نخوردن مایه ضعف و پیری است

**نلموا الفلم و نلموا للفلم السکبه و الومار و نواصموا لم. نلموا م.**

دانش بیاموزید و با دانش وقار و آرامش آموزید و نسبت بآموزگار خویش فروتن باشید

**تعلموا ما سمعنا، فاعلموا ما عملنا، فاعلموا ما تعلموا.**

هر چه خواهید بیاموزید زیرا خداوند شما را از علم منتفع نکند مگر آنکه هر چه را میدانید بکار بندید

**هوذا الله م. بلا - موامر خار سو ا. رای کرا کمه و ا. رای سرا اذاعه و روحه سو ا. ککل  
علنا لستک و ا. عب عبا کاک و اماه سو ا. احسد له بهز و ا. اساه له بهز**

از سه چیز بخدا پناه ببرید که کمر شکن است: همسایه بد که اگر خیری ببیند مستور دارد و اگر بدی ببیند منتشر سازد و همسر بدی که اگر پیش وی باشی بد زبانی کند و اگر پیش وی نباشی بتو خیانت کند و پیشوای بدی که اگر نیکی کنی نپذیرد و اگر بدی کنی نبخشد

**هوذا الله م. حد الیلا و درک الساه و سو الهصا و سماه الاعداه**

از بلا و بدبختی و قضای بد و سرزنش دشمنان بخدا پناه ببرید

**بسم ابوا- السما می کز نوام اسم. و خمس صفر می ذک الوام لکر عبد لا سرک بالله سما الا  
م. سه و م. اکبه سکنا**

هر روز دوشنبه و پنجشنبه درهای آسمان گشوده می شود و در آن روز گناهان هر کس را که برای خدا شریک قائل نباشد ببخشند مگر آن کس که با برادر خود دشمنی داشته باشد

**بسم ابوا- السما بصف اللز صادی صاد م. ذاع مسکاه له م. سابر صمطی م. م. مکرو-  
صفر م. عبه ملا بقی مسلم کدعو کدعوه الا اسکاه الله تعالی له الا رابه بقی بفرحنا او عسار**

نیم شب درهای آسمان را بگشایند و یکی ندا کند آیا کسی هست دعا کند تا مستجاب شود، آیا کسی هست که چیزی بخواهد تا باو داده شود، آیا غمزده ای هست که غمش تخفیف یابد در این هنگام هر مسلمانی چیزی بخواهد خداوند خواهش او را می پذیرد مگر زن زناکاری که با ناموس خود کسب کند یا عشقاری که مال مردم بستم میگیرد



سَمِ ابوابَ السَّما و سَكَاتِ الدَّعَا مِ ارْبَعِه مَواظِر. عِندَ البَعا الصَّعُوفِ مِ سَبِّحِ اللهُ و عِندَ بَرُوقِ  
الْمَربِ و عِندَ اِمَامِه الصَّلَاةِ و عِندَ رُوبِه الكَمِبه

چهار موقع درهای آسمان را بگشایند و دعاها را مستجاب کنند هنگام تلاقی صف مبارزان در راه خدا و هنگام نزول باران و هنگام نماز و هنگام دیدار کعبه

سَمِعُوا مِ. صَمُوعِ الدَّعَا مِ اسْطِطْمِ مَاهِ مِ. كَاتِبِ الدَّعَا اَكْرَمِ هَمِه اَمْسِ اللهُ صَمِبه و حَمْرِ مَعْرِه مِ.  
عَسِه و مِ. كَاتِبِ الاَكْرَمِ اَكْرَمِ هَمِه جَمْعِ اللهُ عَالِي اَمْرِه و حَمْرِ عِنَاهِ مِ مَلِبه

هر چند توانید از غم دنیا فارغ مانید زیرا هر که غم جهان بیشتر خورد خداوند مالش را فراوان کند و فقر او را روبرویش نهد و هر که غم آخرت بیشتر خورد خداوند کارش را بنظام آرد و بی نیازی او را در دلش قرار دهد

سَمِعُوا مِ اِلَّا اللهُ و لا سَمِعُوا مِ اللهُ

در نعمتهای خدا بیندیشید اما در باره ذات خدا میندیشید

سَمِعُوا مِ العِلْمِ و لا سَمِعُوا مِ العَالِمِ مَانِكُمْ لا سَمِعُوا مِ مَدْرِه

در باره خلق بیندیشید و در باره خالق میندیشید که بکنه ذات او نتوانید رسید

سَمِعُوا مِ حِلْمِ اللهُ و لا سَمِعُوا مِ اللهُ مَسْلُوكُوا

در باره خلق تفکر کنید و در باره خدا تفکر مکنید که هلاک خواهید شد

سَمِعُوا مِ كُرْسِيِّ و لا سَمِعُوا مِ دَا- اللهُ

در همه چیز بیندیشید ولی در ذات خدا میندیشید

فعلوا لی سر امیر لکم بالله ادا حد احدکم ملا کف و ادا وعد ملا کلف و ادا اسم.  
ملا کف. عصوا ابصارکم و کفوا ابصارکم و احفظوا مروءتکم

شش چیز را برای من تعهد کنید تا بهشت را برای شما تعهد کنم، وقتی که یکی از شما سخن گوید دروغ نگوید و هنگامی که وعده دهد تخلف نکند و وقتی امانت به او سپارند خیانت نکند، دیده خود را ببندید و دست خود را نگه دارید و عورت خود را محفوظ دارید

هربوا الی الله بمصم امر المفاسی و الفوج بوخوه مکسره و الممسوا رصا الله سکطع و هربوا الی الله  
بالباعد مسع

بوسیله دشمنی گناهکاران به خدا نزدیک شوید و با آنها با چهره های عبوس دیدار کنید و خشنودی خدا را در ناخشنودی آنها بجوئید و بوسیله دوری از آنها بخدا تقرب جوئید

ماه الر ار بعر می السر عمر الفلاسه

کمال نیکی آنست که در نهان همان کنی که آشکارا میکنی

مسکوا بالارص ما بنا بکم بره

زمین را مسح کنید که نسبت به شما نیکست

ماصکوا می الفلف و لا بکم بمصکم بمصا ما الر العناه می الفلف اسد م. العناه می الهال

در کار دانش یار هم دیگر باشید و دانش خود را از یک دیگر پوشیده مدارید که خیانت در علم بدتر از خیانت در مالست

ماککوا بکروا مالی انا می بکم الامم بوم الفنامه

ازدواج کنید تا عده شما بسیار شود زیرا من در روز رستاخیز بفزونی شما بر امتهای دیگر افتخار می کنم

۱۱۸۰ تمام عینای و لا ینام قلبی

چشمان من بخواب می‌رود ولی دلم بخواب نمی‌رود

سرحوا من البول ما عامه عدا العر منه

از بول بیرهیزید زیرا بیشتر عذاب قبر از آن است

سطهوا ما اسطعمه ما. الله تعالی بی الا سلامه و ل. بکر الله الا کر بطف

هر چه می‌توانید پاکیزه باشید زیرا خداوند اسلام را بر پاکیزگی نهاده و جز مردم پاکیزه کسی بهشت نمی‌رود

بکم المراه لاریع لمالنا و لعسنا و لعمالنا و لدسا ما طهر بکا. الدم. برسد بکا

زن را برای چهار چیز گیرند، مال و شرف و جمال و دین و تو زن دین دار بجوی

بواضع للمكسر. الی و ا. کار. عدا حسنا و اصف هم. اسا الی و ا. کار. حرا مرسا

هر که با تو نیکی کند با وی متواضع باش و گر چه برده حبشی است و هر که با تو بدی کند از او انتقام بگیر و گر چه آزاد قرشی است

بواصفوا لهم. تعلموا. منه و بواصفوا لهم. تعلمونه و لا بكونوا حسانه العلمنا

با استاد و با شاگرد خود تواضع کنید و دانشمندان سرکش مباشید

بواصفوا و خالسوا المساکم. بكونوا من. کرا الله و کرحوا من. الکر

فروتنی کنید و با فقیران بنشینید تا در پیش خدا بزرگ باشید و از تکبر برکنار مانید

ببوا الی الله تعالی مالی انو. الیه کر نو. ماه مره

از خدا بخشش بخواهید زیرا من هر روز صد بار از او بخشش می‌خواهم

ببوا الی ربکم من. من ا. بكونوا و باخروا بالاعمال الراکه من ا. بسفلوا

پیش از آنکه مرگ فرا رسد توبه کنید و پیش از آنکه گرفتار شوید کارهای نیک انجام دهید

**سَادُوا لِحَاوَا مَا فِي الصَّدَقَةِ بِصَفِّ الْعَمَلِ وَ بَدْرِ نَهْوَانِ الصَّدْرِ**

هدیه به یک دیگر بدهید تا رشته محبتتان استوار شود زیرا هدیه محبت را بیافزاید و کینه و کدورت را از میان ببرد

**سَادُوا بِرِجَالِكُمْ حَمًا وَ حَاوُوا بِنُورِنَا اسَابِكُمْ فَا وَ اَمَلُوا الصِّرَافَ عِرَافَهُ**

هدیه به یکدیگر بدهید تا محبتتان افزون شود و مهاجرت کنید تا برای فرزندان خود بافتخار بجا آرث نهید و از لغزش بزرگان درگذرید

**سَادُوا فِي الصَّدَقَةِ بَدْرًا وَ حَرِّ الصَّدْرِ وَ لَا تُهْرَبِ خَارَهُ لِنَارِهَا وَ لَوْ سَمَّ مَرَسَمِ سَاهِ**

هدیه به یکدیگر بدهید زیرا هدیه دلگیری را از میان میبرد و هدیه را اگر چه یک قطعه پارچه بز باشد حقیر نشمارید

**سَادُوا مَا فِي الصَّدَقَةِ بِدَرِّ السَّكِينَةِ وَ لَوْ دَعَسَ إِلَى صِرَاعِ لَاحِصٍ وَ لَوْ أَحَدَى إِلَى صِرَاعِ لَهْلَبِ**

هدیه بیکدیگر بدهید که هدیه دلگیری را از میان میبرد اگر مرا به کت گوسفندی دعوت کنند میروم و اگر کت گوسفندی بمن هدیه دهند می پذیرم

**سَادُوا مَا فِي الصَّدَقَةِ بِصَفِّ الْعَمَلِ وَ بَدْرِ نَهْوَانِ الصَّدْرِ**

هدیه بیکدیگر بدهید زیرا هدیه محبت را افزون میکند و دل گیری ها را از میان میبرد

**الْبَابُ مِمَّنْ الصَّدَقَةُ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ وَ إِذَا أَحَدٌ عَمَدًا لَهُ بَصْرَهُ ذَنْبٌ**

کسی که از گناه توبه کند چنانست که گناه نکرده باشد و وقتی خدا بنده ای را دوست داشت گناه او را زیان نمیرساند

**الْبَابُ مِمَّنْ الصَّدَقَةُ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ وَ الْمَسْفَعُ مِمَّنْ الصَّدَقَةُ وَ حُوْ مَعَهُ عَلَيْهِ كَالْمَسْفَعِ بَرَهُ وَ مِمَّنْ أَحَدَى**

**مُسْلِمًا كَانَ عَلَيْهِ مِمَّنْ الصَّدَقَةُ مِمَّنْ صَابَ الْبُكَرِ**

کسی که از گناه توبه کند چنانست که گناه نکرده باشد و کسی که از گناه آمرزش طلبد و باز مرتکب آن شود چنانست که پروردگار خویش را مسخره کند و هر که مسلمانی را آزار رساند گناهِش باندازه نخلستانهاست

### الناحر الامم. الصدوم المسلم مع السدا نوم العمامه

تاجر درستکار راست گوی مسلمان روز رستاخیز با شهیدان است

### الناحر الصدوم الامم. مع السس. و الصدس. و السدا

تاجر راستگوی درستکار با پیمبران و صدیقان و شهیدانست

### الناحر الصدوم لا لكر م. ابوا- الله

برای تاجر راستگوی بر درهای بهشت حجابی نیست

### الناحر العما. كروم و الناخر العسور مرروم

تاجر کم دل حرمان برد و تاجر پر دل روزی خورد

### الناحر سطر الررم و الممكر سطر الله

تاجر در انتظار روزیست و محتکر در انتظار لعنت

### الباي م. الله و المعله م. السطار.

تأنی از یزدان است و شتاب از شیطان

### الكد- سعه الله سكر و برکه كمر و م. لا سكر العلى لا سكر الكسر و م. لا سكر الناسم

لا سكر الله و العمامه كمر و الهرمه عدا-

گفتگو از نعمتهای خداوند شکر است و ترک آن کفر است و هر که نعمت کم سپاس نگذارد، سپاس نعمت بسیار را نخواهد گذاشت و هر که مردم را سپاس ندارد سپاس خدا را نخواهد داشت اجتماع مایه نیکی است و تفرقه موجب رنج و عذاب است

**الکسر بصف المس و النود بصف الفهر و العه بصف العرف و مله الفال احد السارم.**

تدبیر یک نیمه معیشت است و مردم داری یک نیمه عقل است و غم یک نیمه پیری است و کمی عیال یک نیمه توانگری است

**الکذلک لکم امر - الی المر م. العفر بالناطر**

کسی که در مقابل حق خوار شود عزیزتر از آنست که بیاطل عزت جوید

**السویف سفار السطار. بعه می علو - المومس.**

اهمال شعار شیطانست که آن را در دل مؤمنان افکند

**المر بالمر و العیظه بالعیظه و السمر بالسمر و الملم باللم ملا همز کما سد مم. راد و اسراد مهد**

**اری الا ما اصله الواه**

خرما در مقابل خرما، گندم در مقابل گندم و جو در مقابل جو، نمک در مقابل نمک، جنس در مقابل جنس و مشمت در مقابل مشمت به دهید و بگیری هر کس بیشتر بدهد یا بگیرد ربا خوار است مگر آنکه در جنس مختلف باشد

**النواصع لا یرد المذ الا رعه صواصفوا یرمکم الله و الفه لا یرد المذ الا عرا ماعوا یرکم**

**الله و الصدقه لا یرد المال الا کره صصدموا یرکم الله**

تواضع مایه رفعت است تواضع کنید تا خدا شما را رفعت بخشد، بخشش مایه عزت است بخشش کنید تا خدا شما را عزیز سازد صدقه موجب فزونی مال است صدقه بدهید تا خدا شما را رحمت آرد

**النوده می کر سی کر الا می عمر الا کره**

تأنی در همه چیز نیک است جز در کار آخرت

التوبه و الامصاص و السم السم. حر م. اربه و عسر م. حر م. التوبه

تانی و صرفه جوئی و نیکنامی یک جزء از بیست و چهار جزء پیغمبری است

التوبه الصوم الصدق علی الصدق. حر م. عسر م. مسهم الله تعالی تع لا یفوت الله ابدا

توبه کامل پشیمانی از گناهست که وقتی گناه از تو سر زد از خدا آمرزش طلبی و دیگر هرگز مرتکب آن نشوی

التوبه م. الصدق. لا یفوت الله

توبه گناه این است که دیگر مرتکب آن نشوی

لا - اخلص علس. لا کفر الله تعالی م. له سع می ا لاسلا م کم. لا سع له و اسع ا لاسلا م لانه الصلاه

و الصوم و الرکاه و لا سولی الله عدا می الدنا صولنه عره نوم الصامه و لا کرب رخز موما الا حمله الله

مفع و الرابه لو حلف علینا رخو - ا. لا انه لا سیر الله عدا می الدنا الا سره نوم الصامه

سه چیز است که من در باره آن قسم می خورم، خداوند کسی را که در اسلام سهمی دارد مانند کسی که سهمی ندارد قرار نمی دهد، سهمهای اسلام سه تاست، نماز و روزه و زکاه وقتی خدا با بنده ای دوستی کرد روز قیامت او را به دیگری وانمی گذارد و هر که گروهی را دوست دارد خدا ویرا با آنها محشور کند و چهارمین اگر در باره آن سوگند خورم امیدوارم گناه نباشد وقتی خدا کار بنده ای را در دنیا مستور داشت در روز رستا خیز نیز مستور خواهد داشت

لا - اعلم اسم. حم ما عا امر ع. مطلقه الا راده الله تعالی سا عرا و ما صم رخز علی نسه نا - مساله نسفی

سا کره الا راده الله تعالی سا صرا و ما صم رخز علی نسه نا - صدمه نسفی سا وحه الله تعالی الا راده الله

کره

سه چیز است که می دانم حقست هر که ستمی را که بر او رفته ببخشاید خدایش عزت دهد و هر که از زیاده طلبی در سؤال بر خویش بگشاید خدا فقر او را فزون کند و هر که برضای خدا صدقه دهد خدا مالش را زیاد کند

لا - ائسمه علیکم ما نحصم مال مط م. صدقه مصلحوموا و لا عما رجز ع. مطلقه طلعتا الا راحه الله تعالی  
بنا عرا ماعوا بر ذکم الله عرا و لا عزم رجز عر نسه نا - مساله سال الناسم الا عزم الله علیه نا - مهر

سه چیز است که در باره آن قسم میخورم هیچ وقت مال از صدقه کاهش نگیرد پس صدقه بدهید و هیچ کس ستمی را که بر او رفته است نبخشید مگر آنکه خداوند عزت او را بیافزاید پس ببخشید تا خداوند عزت شما را بیفزاید و هیچ کس در سؤال را بر خود نگشاید و تن بسؤال ندهد مگر آنکه خداوند در فقر را بر او بگشاید

لا - ائسمه علیکم ما نحصم مال عد م. صدقه و لا طلع عد مطلقه صر علنا الا راحه الله عر و جز عرا و  
لا عزم عد نا - مساله الا عزم الله علیه نا - مهر و احدکم حصا ما حفظوه انما الحصا لاربه مهر عد  
ررمه الله مالا و علما صو بی مه ربه و نصر مه ركه و بعلد لله مه حصا نامصر المصار  
و عد ررمه الله علما و لم بررمه مالا صو صادق السه بعلو لو ا. لی مالا لعملم بمر ملا. صو سه ماحرهما  
سوا و عد ررمه الله مالا و لم بررمه علما كبط می ماله مهر علم لا بی مه ربه و لا نصر مه ركه و لا بعلد  
لله مه حصا ناصب المصار و عد لم بررمه الله مالا و لا علما صو بعلو لو ا. لی مالا لعملم مه بمر  
ملا. صو سه موررهما سوا

سه چیز است که من در باره آن سوگند می خورم مال کسی از صدقه دادن کاهش نپذیرد و کسی که ستمی بیند و بر آن صبر کند خدا عزت او را بیافزاید و هر کس دست بسؤال گشاید خداوند در فقر را بر او باز کند و سخنی با شما می گویم که آن را بخاطر بسپارید، مردم دنیا چهار گونه اند یکی خدا مال و دانش باو داده در مالداري جانب خدا را رعایت کند و خویشاوندان را دست گیرد و داند که خدا را در مال او حقی هست و او مقامی بر جسته دارد یکی دیگر خداوند باو دانش داده و مال نداده نیتی صادق دارد گوید اگر مال داشتم مانند فلانی رفتار میکردم او پیرو نیت خویش است و پاداش آنها برابر است دیگری خداوند باو مال داده و دانش نداده در مال خود بدون دانش تصرف کند، جانب خدا را رعایت نکند و خویشاوندان را دست نگیرد و در مال خویش حقی برای خدا قائل نیست وی مقامی پست دارد و یکی دیگر خدا نه مال باو داده و نه دانش گوید اگر مالی داشتم مانند فلانی رفتار میکردم او پیرو نیت خویش است و گناهشان مساوی است



لأنه إذا راسم. فقد ذلك فهو الساعه كرام- الفامر و عماره الكرام- و ا. بكون المهروم مكررا  
و المکر مهورما و ا. بمرسم الرخز بالامانه بمرسم البصر بالسکره

سه چیز است که وقتی رخ داد متعاقب آن رستاخیز بپا می شود آن که آباد را ویران و ویران را آباد کنند و نیک بد و بدی نیک شود و شخص با امانت بازی کند چنان که شتر با درخت بازی می کند

لأنه حم على الله تعالى عوسع المحامد می سسر الله و المكاب الذي بربدا الاذا و الناصم الذي  
ربد العمام

سه کسند که یاری آنها بر خدا لازم است آن که در راه خدا جهاد کند و بنده ای که برای آزادی خود قرارداد بسته و میخواهد قیمت آن را بپردازد و کسی که بمنظور عفت زن میگیرد

لأنه می طر المرسم يوم الصامه يوم لا طر الا طله و اصل الرحمه بربد الله می ررعه و بعد می اخله و  
امراه ما- روحنا و بربد علينا اساما صفارا و مالب لا ابروم على اسامی حی موبوا او بفسع الله و عبد  
صع طعاما ماصاف صعه و احسم. بفسع مدعا عليه السم و المسكم. ماطمصع لوجه الله عر و حر

سه کس روز رستاخیز هنگامی که سایه ای جز سایه عرش نیست در سایه آن جای دارند، کسی که با خویشان نیکی کند خداوند روزی او را زیاد و عمرش را دراز کند و زنی که شوهرش بمیرد و اطفال صغیری باقی گذارد و وی گوید من با وجود یتیمان خود شوهر نمیکنم تا بمیرند یا خداوند آنها را بی نیاز کند و کسی که غذائی فراهم آورد و بمهمان خود بخوراند و پذیرائی او را کامل کند سپس یتیم و فقیر را بر آن دعوت کند و آنها را برای رضای خدا غذا دهد

لأنه مد حرم الله عليه الله مدم. النصر و الفام و الكون- الذي هر می اخله العس

سه کسند که خداوند بهشت را بر آنها حرام کرده است شرابخوار و آنکه پدر و مادر از او ناراضی باشند و دیوث که بی ناموسی را در خانواده خود ندیده گیرد

بَلَاةٌ لَا تَأْتِي بِصَلَاةٍ إِذْ أَسِعَ الْمَسْكُوعُ حَتَّى يَرْجِعَ وَ أَمْرَاهُ نَابِتٌ وَ رُوحَاتُ عَلِيَّ سَاكِطٌ وَ أَمَامُ مَوْءٌ وَ عَمَلُهُ  
لَا كَارِحُونَ.

سه کسند که نمازشان از گوشه‌هایشان بالاتر نمی‌رود بنده فراری تا باز گردد و زنی که شب بخوابد و شوهرش بر او خشمگین باشد و پیشوای قومی که آن قوم از او متنفر باشند

بَلَاةٌ لَا تَأْتِي بِعَمَلٍ إِعْرَاضِ الْمَكَاحِرِ بِالْمَسْمُوعِ وَ أَلَامَةُ الْغَابِرِ وَ الْمَسْدُوعِ

سه کسند که آبرویشان محترم نیست آنکه بفسق تجاهر کند و پیشوای ستمگر و بدعت گذار

بَلَاةٌ لَا تَأْتِي بِسِرِّ عَيْتٍ رَحِزِ مَارِمِ الْعَمَاعَةِ وَ عَصِيٍّ أَمَامَهُ وَ مَائِ عَاصِيٍّ وَ أَمَهُ أَوْ عَمَلٍ أَسْمٍ مِمَّنْ سَكَّاهُ مَعَاةً وَ  
أَمْرَاهُ عَائِلَةٌ عَسَاةٌ رُوحَاتُهَا وَ مَدَاكِنُهَا مَوْبُوهٌ الْكَلْبَاةُ مَرْحَبَةٌ مَعْدَةٌ مَلَاةٌ سَالَةٌ عَيْتٍ

سه کسند که از آنها سخن مگوی مردی که از جماعت دوری گرفته و پیشوای خود را نافرمانی کرده و بر نافرمانی در گذشته باشد، و کنیز یا بنده ای که از آقای خود گریخته و در حال گریز مرده باشد و زنی که شوهرش از او دور باشد و مخارج او را بپردازد و او در غیبت شوهرش آرایش کند، از آنها سخن مگوی

بَلَاةٌ لَا تَأْتِي بِرَبِّكَ عَرٌّ وَ حَزْرٌ بَرٌّ سَاكِرًا وَ رَحِزٌ بَرٌّ عَلَى طَرَفِ السَّبْرِ وَ رَحِزٌ أَرَسٌ كَانَتْ لَهُ حَمَلٌ بَدْعُو  
اللَّهُ أَرْكَسًا

سه کسند که خدا دعایشان را نمی‌پذیرد: مردی که در خانه ویران جای گیرد و مردی که کنار راه اقامت گزیند و مردیکه حیوان خود را رها کند و سپس دعا کند که خدا آن را نگهدارد

بَلَاةٌ لَا تَأْتِي بِكُلِّ مَوْتٍ الْبَارِ الْمَنَارِ وَ عَامٍ وَالِدَةٍ وَ مَدْمٍ الْعَمْرِ

سه کسند که میان آنها و جهنم حجابی نیست، منت گذار و عاق پدر و مادر و شرابخوار

بَلَاةٌ لَا تَأْتِي بِكُلِّ مَوْتٍ الْعَمَةِ إِذَا كَانَتْ مَوْتٌ أَلَسَاةٌ وَ أَلَسَاةٌ مَوْتٌ أَلَسَاةٌ وَ مَدْمٍ الْعَمْرِ

سه کسند که هرگز داخل بهشت نمی شوند دیوث و زنان مرد نما و شرابخوار

لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلْبَسُوا رِحْلَةَ الْإِبْرَاهِيمِ

سه کسند که داخل بهشت نمی شوند عاق پدر و مادر و دیوث و زنان مرد نما

لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلْبَسُوا رِحْلَةَ الْإِبْرَاهِيمِ

سه کسند که داخل بهشت نشوند شرابخوار و آنکه از خویشان ببرد و آنکه جادو را تصدیق کند

لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلْبَسُوا رِحْلَةَ الْإِبْرَاهِيمِ

سه کسند که خدا دعایشان را رد نمیکند آنکه فراوان یاد خدا کند و ستمدیده و پیشوای دادگر

لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلْبَسُوا رِحْلَةَ الْإِبْرَاهِيمِ

سه کسند که بوی بهشت بدانها نمیرسد مردی که خود را بکسی جز پدرش نسبت دهد و مردی که بر من دروغ بندد و کسی که بر خلاف آنچه دیده است سخن گوید

لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلْبَسُوا رِحْلَةَ الْإِبْرَاهِيمِ

سه کسند که هر که تحقیرشان کند منافق است آن که مویش در اسلام سپید شده باشد و دانشمند و پیشوای دادگستر

لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلْبَسُوا رِحْلَةَ الْإِبْرَاهِيمِ

لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلْبَسُوا رِحْلَةَ الْإِبْرَاهِيمِ

سه کسند که دعایشان پذیرفته نمیشود و کار نیکشان را باآسمان نمیرسد بنده گریزان تا پیش صاحب خود باز گردد و زنی که شوهر از او ناراضی باشد تا وی را خشنود کند و مست تا هنگامی که بهوش آید

لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلْبَسُوا رِحْلَةَ الْإِبْرَاهِيمِ

سه کسند که روز رستاخیز خداوند از آنها عوضی نمیپذیرد عاق و منت گذار و کسی که تقدیر را تکذیب کند

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ  
وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

سه کسند که روز قیامت خداوند بآن ها سخن نگوید و بآنها ننگرد مردی که به دروغ قسم خورد که جنس خود را بیشتر از قیمت واقعی خریده است و مردیکه قسم بدروغ خورد تا مال مسلمانی را تصرف کند و مردیکه آب زیادی خود را از کسان دریغ کند خداوند گوید اکنون کرم خود را از تو دریغ کنم چنان که تو نیز ما زاد چیزی را که دست تو در تهیه آن دخالت نداشت دریغ کردی

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

سه کسند که خداوند روز رستاخیز با آنها سخن نمی گوید و عذابی دردناک دارند پیر زنا کار و پادشاه دروغ گو و فقیر متکبر

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

سه کس از سه کس انتقام نگیرند آزاد از بنده و دانا از نادان و توانا از ناتوان

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

مرحوم

سه کسند که روز رستاخیز خدا بسوی آنها نمینگرد پیر زنا کار و مردی که قسم را سرمایه خود قرار داده در حق و باطل قسم میخورد و فقیر متکبر و مغرور

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

سه کسند که خدا روز رستاخیز بسوی آنها نمینگرد عاق والدین و زنی که مرد نما باشد و دیوث

بَلَا نَه لَا نَظَرَ **اللَّهِ** السَّعَى نَوْمَ الْعَمَامَةِ وَ لَا تَرْكَبَهُ وَ لَعْنَةُ عَدَاءِ الْمَاسِمَةِ رَأَى وَ عَابَرِ مَسَكِرٍ وَ رَحَلَ حَمْرٍ  
**اللَّهِ** نَصَاعَتِهِ لَا تَسْرِي إِلَّا نَصْفَهُ وَ لَا تَسْعُ إِلَّا نَصْفَهُ

سه کسند که در روز رستاخیز خدا بسوی آنها نمینگرد و پاکشان نمیکند و عذابی دردناک دارند پیر زنا کار و فقیر متکبر و مردی که خدا را سرمایه خود کرده چیزی نخرد مگر با قسم و چیزی نفروشد مگر با قسم

بَلَا نَه لَا تَسْعُ مَعَهُ عَمْرُ الْمَرْكُ **بِاللَّهِ** وَ عَفْوَمُ الْوَالِدِمْ وَ الْفَرَارِمْ. الرَّحْمِ

سه گناهست که با وجود آن هیچ کار نیکی سودمند نیست شریک قرار دادن برای خدا و ناخشنودی پدر و مادر و فرار از جنگ

بَلَا نَه مِنْ السَّفَادَةِ وَ بَلَا نَه مِنْ السَّفَا مَعَهُ السَّفَادَةُ الْمَرَاهُ الصَّلَاةُ بِرَأَا مَعَهُمْ وَ نَهْرٌ عِنَّا صَامِتَا عَزْ نَهْسَا وَ  
مَالِكٌ وَ الْكَاثَةُ نَكْوٍ وَ طَبَهُ مَلِكُهُ نَاصِكَاتٌ وَ الْكَارِكُوٍ وَ اسْفَه كُورُهُ لَمَرَامِهِمْ وَ مِنْ السَّفَا الْمَرَاهُ  
بِرَأَا مَسْوَدٌ وَ كَمْرٌ لَسَانَا عَلِيٌّ وَ إِزْ عَمْرٌ عِنَّا لَم نَامِتَا عَزْ نَهْسَا وَ مَالِكٌ وَ الْكَاثَةُ نَكْوٍ مَطْوَمَا مَارٍ  
صَرِيحًا مَهْمٌ وَ إِزْ تَرْكَبْنَا لَم نَلِكُهُ نَاصِكَاتٌ وَ الْكَارِكُوٍ صَهْفُهُ مَلِكُهُ الْمَرَامِهِمْ

سه چیز است مایه خوشبختی است و سه چیز مایه بدبختی است آنچه مایه خوشبختی است زن پارسائیست که دیدارش ترا مسرور سازد و از او غایب شوی و ویرا بر عفت خویش و مال خود امین دانی و مرکب راهوار که ترا بمقصد رساند و خانه ای که وسیع باشد و جای فراوان داشته باشد، و سه چیز که مایه بدبختی است زنی است که دیدارش ترا دلگیر سازد و با تو زبان درازی کند و اگر از او غایب شوی ویرا بر عفت خویش و مال خود امین ندانی و مرکب کند رفتار که اگر او را بزنی ترا برنج اندر آرد و اگر بحال خود گذاری ترا بمقصد نرساند و خانه کوچک که جای کم داشته باشد

بَلَا نَه مِنْ مَالِهِمْ ذَكَرَ الْعَمَهُ مِنْ رَضَى **بِاللَّهِ** رَأَى وَ نَا لَاسْلَامَ ذَا وَ مَعَهُمْ رَسُولًا وَ الرَّانَةَ لَنَا مِنْ الْهَضِرِ كَمَا  
مِنْ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِمْ وَ حَى الْعَمَاتِ حَى سَمَرِ **اللَّهِ** عَزَّ وَ جَلَّ

سه چیز است که هر که بگوید داخل بهشت می شود هر که خدا را پروردگار و اسلام را دین و محمد را پیغمبر خود داند و چهارمی فضیلتی بزرگ مانند زمین و آسمان دارد و آن جهاد در راه خداوند است

لَا تَهْمُكَ مِنْكَ سَكْرَةُ الْإِيمَانِ رَحِمَ لَا كَلِمَ مِنْ اللَّهِ لَوْ مَهْ لَانَهُ وَ لَا تَرَابِي سِي مِنْ عَمَلِهِ وَ إِذَا عَرَضَ عَلَيْهِ  
أَمْرًا أَحَدُهُمَا لِلدُّنْيَا وَ الْآخِرِ لَأَكْرَهُهُ لِأَكْرَهُهُ أَمْرَ الْآخِرِ عَنِ الدُّنْيَا

سه چیز است که در هر که باشد ایمان او کامل است مردی که در کار خدا از ملامت گران بیم ندارد و در کار خویش ریا نمیکنند و اگر دو کار  
پیش آید که یکی مربوط بدنیا و دیگری مربوط به آخرت است کار آخرت را بر دنیا ترجیح دهد

لَا تَهْمُكَ مِنْكَ مَكَارِمُ الْأَكْلَامِ عِنْدَ اللَّهِ إِنْ نَهَوْا عَمَلَهُ طَلَمَكَ وَ نَهَى مِنْ حَرَمَكَ وَ نَصَرَ مِنْ مَطَمَكَ

سه چیز است که در پیش خدا از فضائل اخلاق است، آنکه از ستم گر درگذری و کسی را که تو را محروم کرده است عطا دهی و با آنکه از  
تو بریده است پیوند گیری

لَا تَهْمُكَ مِنْكَ مَوَاطِنُ لَا تَرُكْ مَعَا ذَعْوَةَ عَبْدِ رَحِمَ نَكْوِي مِنْ تَرَبِّهِ حَسْبُ لَا تَرَاهُ أَحَدًا إِلَّا اللَّهُ مَعْوَمٌ مَصْنَعٌ وَ رَحِمَ  
نَكْوِي مِنْ مَعْرِئِهِ مَعْرِئُهُ أَصْحَابُهُ مَسِيءٌ وَ رَحِمَ نَعْوَمٌ مِنْ أَعْرَابِ النَّبِيِّ

سه مورد است که دعای کسی در آن رد نمیشود یکی آن که مردی در بیابانی باشد که جز خدا کسی او را نمی بیند و برخیزد و نماز گزارد  
دیگر آنکه مردی با گروهی در جنگ باشد و یاران وی بگریزند و او استوار ماند و سوم آن که مرد در آخر شب برای عبادت برخیزد

لَا تَهْمُكَ مِنْكَ نَهْرُ كَأَنَّ لَأَحَدَهُمْ عَسْرَةَ دِينَارٍ مَصْدَمٌ مَعَا بَدِينَارٍ وَ كَأَنَّ لَأَكْرَهُ عَسْرَ أَوْامٍ مَصْدَمٌ مَعَا نَوْمِهِ  
وَ إِذَا كَانَتْ لَهُ مَاهَةٌ مَصْدَمٌ مَعَا نَهْرٍ أَوْامٍ مَعَهَا فِي الْآخِرِ سَوَاءٌ كَرِهُتُمْ نَهْرًا مَالَهُ

سه نفر بودند یکی ده دینار داشت و یک دینار صدقه داد و دیگری ده اوقیه طلا داشت و یک اوقیه صدقه داده و سومی صد اوقیه طلا داشت  
و ده اوقیه صدقه داد همه در ثواب برابرند زیرا هر کدام ده یک مال خود را صدقه داده اند

لَا تَهْمُكَ مِنْكَ حَسَابُ اللَّهِ نَوْمُ الْعَامَةِ رَحِمَ لَمْ يَمْسُ مِنْهُ إِسْمٌ مَعَهَا مَطٌ وَ رَحِمَ لَمْ يَكُنْ يَمْسُهُ تَرَابًا مَطٌ وَ رَحِمَ لَمْ يَكُنْ يَكُنْ  
كَسْبُهُ تَرَابًا مَطٌ

سه کسند که روز قیامت هم صحبت خدایند کسی که میان دو تن سخن چینی نکند و کسی که هیچ وقت بفکر زنا نیفتاده باشد و کسی که کسب خود را برپا نیامیخته باشد

بَلَاةٌ يَكْتُمُونَ فِي طَرَفِ الْمَرْسَمِ اَمْسِرْ و النَّاسِ فِي الْعَسَا - رَحْزْ لَهْ نَاكِدَهْ فِي اَللهِ لَوْمَهْ لَانَهْ و رَحْزْ لَهْ مَهْدَهْ  
صَدَهْ اِلَى مَا لَا كُرْ لَهْ و رَحْزْ لَهْ سَطْرْ اِلَى مَا حَرَمَ اَللهِ عَلَيْهِ

سه کسند که در سایه عرش آسوده گفتگو میکنند و مردم گرفتار حسابند آنکه در راه خدا از ملامتگران باک ندارد و آنکه دستهای خود را بآنچه بر او حلال نیست دراز نکند و کسی که بآنچه خدا بر او حرام کرده ننگرد

بَلَاةٌ كَيْسَعِ اَللهِ عَر و حَزْ رَحْزْ مَاهْ مَرْ اَللَّزْ سَلُوا كَا - اَللهِ و رَحْزْ بَصْدَمْ صَدَهْ نَمِصَهْ كَيْسَا مَرْ سَمَالَهْ  
و رَحْزْ كَا فِي سَرَبَهْ مَاسِرْمَ اَصْعَاكَهْ مَاسَمِيزِ الْمَدُو

سه کسند که خدا آنها را دوست میدارد کسی که شب برخیزد و کتاب خدا را بخواند و کسی که با دست راست خود صدقه دهد و آن را از دست چپ خود مخفی دارد و کسی که با گروهی بجنگ رود و یارانش بگریزند و او بسوی دشمن رود

بَلَاةٌ كَيْسَعِ اَللهِ و بَلَاةٌ نَمِصَعِ اَللهِ مَامَا الْكَمْ كَيْسَعِ اَللهِ مَرْحَزْ اِلَى مَوْمَا مَسَالَعِ نَاللهِ و لَهْ سَالَعِ لَهْرَانَهْ سَهْ و  
سَمِعِ مَمِصَوَهْ مَكَلَمْ رَحْزْ نَاعْمَانَعِ مَاعْطَاهْ سَرَا لَا نَعْلَهْ نَمِطْبَهْ اَلَا اَللهِ و اَلدِّيْ اَعْطَاهْ و مَوْمَ سَارُوا لِنَمِصَعِ حَيِّ اِذَا  
كَارِ الْبَوْمِ اِحْرَ السَّعِ مَاهَا نَعْدَلْ نَهْ مَوْصَفَوْا رَوْسَعِ مَعَامْ اِحْدَعِ بَصْرِ و سَلُوا اِنَا - اَللهِ و رَحْزْ كَا فِي  
سَرَبَهْ مَلَى الْمَدُو مَعْرَمُوا مَامِيزِ بَصْدَرَهْ حَيِّ نَمِيزْ اَوْ نَمِيزْ لَهْ و اَللَّاهِ الْكَمْ نَمِصَعِ اَللهِ السَّمِ الرَّايِ و  
الْمَعْرِ الْمَكَالِ و اَلْمَيِ الطَّلُو

سه کسند که خدا آنها را دوست دارد و سه کسند که خدا آنها را دشمن دارد، آنها که خدایشان دوست دارد یکی آن کس که مردی پیش گروهی آید و بنام خدا از آنها چیزی خواهد نه بنام خویشاوندی که میان آنهاست و چیز باو ندهند و او از آنها کناره گیرد و محرمانه باو چیزی دهد که جز او و خدا از آن خبردار نشود دیگر کسی که با قومی شبانه راه سپارد و وقتی خواب از همه چیز برای آنها دلچسب تر باشد سرهای خود را بزمین گذارند وی بر خیزد و نماز گزارد و قرآن بخواند، سوم مردی که با گروهی بجنگ رود و با دشمن روبرو شوند یارانش

بگریزند و او سینه در مقابل دشمن سپر کند تا کشته شود یا فیروز گردد و سه کس که خدایشان دشمن دارد پیر زنا کار است و فقیر متکبر و ثروتمند ستمگر

**لَا تَهْ كُنْهَ اللهُ وَ لَا تَهْ سَوْعَةُ اللهُ الرَّحْزُ بِلَهَى الْهَدُو مِ مَه وَ نَصْبُ لَهْ كُرَهْ حَى بَهْرُ اَوْ بَهْمُ لَصَكَاةِ وَ الْهَوُ سَامِرُو. مَطْوَلُ سِرَاخِ حَى كُنُو اِ. مَسُو الْاَرَضِ مَسْرَلُو. مَسْكُرُ اَحْدَمِ مَصْبُرُ حَى نَوْمَطِمْ لِرَحْلِمْ وَ الرَّحْزُ بَكُو. لَهْ الْكَارُ بُو كُتَهْ خَارَهْ مَصْبُرُ عُرُ اِذَاهْ حَى بَهْرَمُ سَمَا مَوْ - اَوْ طَهْمُ. وَ الْكَمُ. سَوْعَةُ اللهُ الْبَاخِرُ الْكَلَامُ وَ الْهَمْرُ الْمَكْبَالُ وَ الْبَعْرُ الْمَا.**

سه کسند که خدا دوستشان دارد، و سه کسند که خدا دشمنشان دارد، یکی مردی که هم راه گروهی با دشمن روبرو شود و سینه مقابل آنها سپر کند تا کشته شود یا یاران خود را فیروز سازد دیگر آنکه با گروهی سفر کند و پیاده راه سپرند تا خوابشان گیرد و فرود آیند و او از یاران خود کناره گیرد و نماز خواند تا هنگام رحیل آنها را بیدار کند سوم مردی که همسایه اش او را آزار میکند و آزار وی را تحمل کند تا مرگ یا سفر میانشان جدائی اندازد و آنها که خداوند دشمنشان دارد، تاجر قسمخوار و فقیر متکبر و بخیل منتگذار است

**لَا تَهْ بَدْعُو. اللهُ عُرُ وَ حَزْ مَلَا بَسْكَا - لَهْ رَحْزُ كَا بَ كُنْهْ اَمْرَاهُ سَبْهَ الْكَلْمِ مَلْهُ بَطْلَمَا وَ رَحْزُ كَا. لَهْ عُرُ رَحْزُ مَالِ مَلْهُ بَسْكَدْ عَلْهْ وَ رَحْزُ اِلَى سَمْعَا مَالَهْ وَ مَدْ مَالِ اللهُ بَعَالَى وَ لَا بُو بُوَا السَّمْعَا اَمْوَالِكُمْ**

سه کسند که دعا کنند و دعایشان اجابت نشود کسی که زن بد اخلاق دارد و او را طلا ندهد و کسی که مالی پیش کسی دارد و شاهد بر آن نگیرد و کسی که مال خود را به سفیهی سپارد در صورتی که خداوند گفته است اموال خود را بدست سفیهان مسپارید

**لَا - حَدَمُ. حَدُ وَ حَرَلَمُ. حَدُ الْبَكَاةِ وَ الطَّلَامُ وَ الرَّحْمَهْ**

سه چیز است که جدی آن جدیست و شوخی آن نیز جدی است، نکاح و طلاق و رجوع

**لَا - حَمُّ عُرُ اللهُ اِ. لَا بَرَكُ لَهْ كَعُوهُ الصَّامِعُ حَى بَطْرُ وَ الْمَطْلُوْمُ حَى سَمْبُرُ وَ الْمَسَامِرُ حَى بَرَجُ**

سه کسند که بر خدا لازمست دعایشان را رد نکند روزه دار تا افطار کند و ستمدیده تا ستم از او دفع شود و مسافر تا بوطن خود باز گردد



لا - حم عز كل مسلم المسز يوم الجمعة و السواك و الطيب

سه چیز است که بر هر مسلمانی لازمست غسل جمعه و مسواک زدن و استعمال بوی خوش

لا - كصال م. سفاذه المر المسلم في الدنيا النار الصائم و المسك. الواسع و المرکز العسی

سه چیز در این جهان مایه سعادت مرد مسلمانست، همسایه خوب و خانه وسیع و مرکب خوش رفتار

لا - كلال م. لم يك. منه واحده مس. كار الكبر كرا منه و رع كعنه ع. غارم الله عز و حل او

حلم بر ك به خير حاجز او حس. كلم نفس به می التاسم

سه صفت است که هر که یکی از آنها در او نیست سگ بر او شرف دارد، تقوائی که وی را از محرمات خدا مانع شود، یا علمی که بوسیله آن جهالت جاهلی را دفع نماید یا اخلاق نیکی که به وسیله آن با مردم زندگی کند

لا - دعوا - مسكنا - لا س - مس. دعوه المطلوب و دعوه المسامر و دعوه الوالد عز ولده

سه دعا بدون شک مستجاب می شود، دعای ستمدیده و مسافر و نفرین پدر در حق فرزند

لا - مس. الركه البيع الى اخر و المعارضه و اكلاط الر بالسفر لليس لا لبيع

سه چیز مایه برکت است فروش نسیه و قرض بیکدیگر دادن و آمیختن گندم بجو برای مصرف نه برای فروش

لا - لا يوكر و حم. الصلاه اذا اس و العاره اذا حصر - و الاله اذا وحد - كوا

سه چیز را نباید تأخیر انداخت نماز همین که وقت آن رسید و بر داشتن جنازه وقتی آماده شد و شوهر دادن بیوه وقتی همشانی یافت

لا - لا رما - لامی سو الطر. و المسك و الطبره فاذا طس ملا كهم و اذا حسد - ماسمهر الله و اذا

نطر - مامص

سه چیز همراه امت من است بدگمانی و حسد و تفؤل وقتی گمان بد بردی گمان خود را محقق بدان و وقتی احساس حسد کردی از خدا آمرزش بخواه و وقتی تفؤل زدی بدان ترتیب اثر مده و براهی که در پیش داری برو

### لا - لا تُور اللہ منہ. الطلام و النکاح و الصم

سه چیز است که شوخی در آن روا نیست طلاق و نکاح و آزاد کردن بنده

لا - لم یأخذ الناس منه رخصه بر الوالدین. مسلما کار او کامرا و الوما بالمد لمسلم او کامر و الامانه الی مسلم کار او کامر

سه چیز است که هیچ کس بترک آن مجاز نیست، نیکی با پدر و مادر مسلمان باشند یا کافر وفای بعهده برای مسلمان یا کافر و رد امانت مسلمان یا کافر

لا - مفعلا - بالمرسم الرحمع رسول اللہ الی تک ملا امطع و الامانه رسول اللہ الی تک ملا اصار و النعمه رسول اللہ الی تک ملا اصم

سه چیز بعرض آویخته است، خویشاوندی گوید «خدایا من بتو وابسته ام مرا نبرند» و امانت گوید: خدایا من بتو وابسته ام در من خیانت نکنند» و نعمت گوید: «خدایا من بتو وابسته ام مرا کفران نکنند»

### لا - م. ابوا - الر سکا النعم و طس الکلا و الصبر علی الادی

سه چیز از لوازم نیکوکاریست جانبازی و نیکی گفتار و صبر بر آزار

لا - م. اکلام ا لاهار. م. ادا عصبر له بکله عصمه می باطل و م. ادا رصی له کرخه رصاه م. هم و م. ادا مکر له سفاط ما لم له

سه چیز از لوازم ایمان است آنکه وقتی خشمگین شد خشمش وی را بکار ناحق و اندارد و آنکه وقتی راضی شد رضایش او را از حق دور نسازد و آنکه وقتی قدرت داشت بدان چه حق ندارد دست نبرد

لا - م. ا لامها. ا لامها م. ا لامار و بكر السلام للعالم و ا لانصاف م. س

سه چیز از لوازم ایمان است، بخشش بهنگام تنگدستی و سلام به دانشمند و رعایت انصاف بر ضرر خویش

لا - م. اوسم. هه اوبى مز ما اوبى ال داوك الهك مى الهصر و الرضا و الهصد مى الهفر و الهى  
و كسه الله تعالى مى السر و الملاسه

سه چیز است که هر که داشته باشد همان دارد که خانواده داود داشتند، عدالت هنگام خشم و رضا و اعتدال در فقر و توانگری و ترس از خدا در آشکار و نهان

لا - مكنيا - بكم لساب و سكى على كطسك و سهد س

سه چیز مایه نجات است زبان خود را نگهداری بر گناه خویش گریه کنی و در خانه خویش مقام گیری

لا - م. حهام ا لامها. ا لامها م. ا لامار و انصاف الاسم م. س و بكر الهله للصفه

سه چیز از حقایق ایمانست بخشش با تنگدستی و رعایت انصاف در باره مردم بر ضرر خویش و بذل علم برای دانش آموز

لا - م. هه الله و احسانا كار. هه على الله تعالى ا. ههه و ا. بارك له م. سى مى مكاد  
رميه هه الله و احسانا كار. هه على الله تعالى ا. ههه و ا. بارك له و م. بروم هه الله و احسانا كار. هه  
على الله ا. ههه و ا. بارك له و م. احنا ارضا منه هه الله و احسانا كار. هه على الله تعالى ا. ههه و ا. بارك له

سه کار است که هر کس باعتماد خدا و بانتظار ثواب کند بر خدا لازمست که وی را یاری کند و او را برکت دهد هر کس در آزاد ساختن خود باعتماد خدا و بامید ثواب بکوشد بر خدا لازم است که وی را یاری کند و او را برکت دهد و هر که باعتماد خدا و بامید ثواب ازدواج کند بر خدا لازم است که وی را یاری کند و او را برکت دهد و هر که اعتماد بخدا و بامید ثواب زمین بایری را آباد کند بر خدا لازم است که ویرا یاری کند و او را برکت دهد

لا - م. معلق. مهد احره م. عهد لوا می عر هم او عم والده او می مع طالع لسیره

سه کار است که هر کس بکند خطا کار است هر کس پرچمی جز در راه حق برافرازد، یا با پدر و مادر بدی کند، یا با ستمگری راه سپرد تا او را یاری کند

لا - م. م. مه اواه الله می صبه و سر علیه رصمه و ادکله حبه م. ادا اعطی

سه چیز است که در هر که باشد خداوند او را در پناه خود جای دهد و رحمت خویش را بر او بگستراند و داخل بهشت کند آنکه وقتی عطا بیند شکر گزارد و وقتی قدرت دارد عفو کند و وقتی بخشم آید سستی پیشه نماید

لا - م. م. مه اسکم حصالا لامار الکی ادا رصی له بکله رصاه می ناظر و ادا عصر له  
کره العصر م. العم و ادا مدر له سفاط ما لم له

سه چیز است که در هر که باشد صفات ایمان در او کامل است آنکه وقتی خشنود شد بیاطل نگراید و وقتی خشمگین شد از حق تجاوز نکند و وقتی قدرت یافت بمال کسان دست نبرد

لا - م. م. مه اسوحد النوا - و اسکم ا لامار کلم نفس به می النام و ورع کره ع. عاره الله  
بعالی و حله برده ع. حیر الناجر

سه چیز است که در هر که باشد سزاوار ثوابست و ایمانش کاملست اخلاقی که بوسیله آن با مردم زندگی کند و تقوایی که وی را از محرمات خدا دور سازد و حلمی که او را از جهالت با جاهل بر کنار دارد

لا - م. م. مه اطله الله کبر طر عرسه نوم لا طر الا طله الوصو عر المکاره و الهی الی المساحد  
می الطله و اطعام النایع

سه چیز است که در هر که باشد خداوند وی را روزی که سایه ای جزسایه خدا نیست در سایه عرش جای دهد، وضو گرفتن با زحمت و راه مسجد سپردن در تاریکی و سیر کردن گرسنه

لا - م. ك. مه خاسه الله تعالى حسانا سرا و اذكله الهه برحمه هطى م. حرمك و بهو عم. طلمك  
و نصر م. مطمك

سه چیز است که در هر که باشد خدا حساب را بر او آسان گیرد و ویرا باقتضای رحمت خود بیهشت در آورد، عطا بآن کس که ترا محروم کرده است و عفو آن کس که بر تو ستم روا داشته است و پیوند با آن کس که از تو بریده است

لا - م. ك. مه ما. الله تعالى بهر له ما سوي ذلك م. ما - لا سر ك بالله سسا و له بكر. ساحرا  
سمع السكره و له كعد على احه

سه چیز است که در هر که باشد خداوند همه گناهان او را می بخشد هر که بمیرد و شریکی برای خدا قرار ندهد و جادوگر نباشد و جادوگران را پیروی نکند و نسبت به برادر خویش کینه نوزد

لا - م. ك. مه معو م. الانكال الرضا بالهصا و الصر ع. فارم الله و الهصر مي دا - الله عر و حر  
سه چیز است که در هر که باشد از نیکانست، رضا بقضا و صرف نظر از محرمات خدا و خشمگین شدن در راه خدا

لا - م. ك. مه معو مامم و ا. صام و صر و حم و اعمر و مال الى مسلم م. ادا حد - حد -  
و ادا وعد احلف و ادا اسم. كار

سه چیز است که در هر که هست منافقست اگر چه روزه دارد و نماز گزارد و حج و عمره کند و گوید من مسلمانم، آنکه وقتی سخن گوید دروغ گوید و وقتی وعده کند تخلف ورزد و وقتی امانت گیرد خیانت کند

لا - م. ك. مه مي راحه على صاحبنا الهى و المكر و الكبر

سه چیز است که در هر که باشد بصاحب خود باز میگردد ستم و مکر و پیمان شکنی

لا - م. م. ك. مه سر الله تعالى عليه صبه و اذكله حسه رحم بالصيف و سهفه عز الوالد. و ا لاحسا.  
الى المملوك

سه چیز است که در هر که باشد خداوند وی را پناه دهد و بیهشت برد، مدارا با ناتوان و مهربانی با پدر و مادر و نیکی با زیر دست

لا - م. م. ك. مه وحد خلاوه ا لانها. ا. بكون. الله و رسوله احب الله ما سواهما و ا. ك. الم. لا كنه  
الا لله و ا. بكرة. ا. يهود في الصر بعد اذ اسده. الله مه كما بكرة. ا. نلى في النار

سه چیز است که در هر که هست شیرینی ایمان را چشیده است آنکه خدا و پیغمبرش را از همه دوستتر دارد دیگر آنکه کسی را برای خدا دوست دارد سوم آنکه پس از آنکه خدا او را از کفر نجات داد از باز گشت بدان بیزار است چنان که افتادن در آتش را دوست ندارد

لا - م. م. ك. مه ومي سم سهه م. اذى الر كاه و مري الصيف و اعطى في الناسه

سه چیز است که در هر که هست از بخل بر کنار است آنکه زکات میدهد و مهمان میبرد و در سختی بخشش میکند

لا - م. م. ك. صور الر اكما الصدقه و كصار. المصبه و كصار. السكوى هول الله اذا اسلس عصى  
مصر و له سكى الى عواده اذله لهما كرا م. لعمه و كما كرا م. كمه ما. ابراهه ابراهه و لا كس له  
و ا. بومسه مالي ركمى

سه چیز از گنجینه های نیکی است مخفی ساختن صدقه و پنهان داشتن مصیبت و مستور ساختن شکایت، خداوند گوید: وقتی بنده خود را مبتلا ساختم و صبر کرد و با عیادت کنندگان خود از من شکایت نکرد گوشتی بهتر از گوشت او و خونی بهتر از خون وی بدو میدهم اگر او را شفا دادم همه گناهانش محو شده است و اگر جانش را گرفتم او را مشمول رحمت خود کرده ام

لا - م. م. ك. صور الر كصار. الاوحاع و النلوى و المصباه و م. ب. له بصير

سه چیز از گنجینه های نیکی است نهان داشتن دردها و گرفتاری ها و مصیبتها هر که مصیبت خود را آشکار سازد بر آن صبر نتواند کرد

لا - لم يك. سه له بم عمله ورع كحره عم. معاصي الله و كلم بكارى به الناس و حلم ترك به خير

العمال

سه چیز است که در هر که نیست کارش سرانجام نگیرد تقوائی که ویرا از گناه باز دارد و اخلاقی که با مردم مدارا کند و حلمی که با آن سبکی سبکسران دفع کند

لا - م. مكارم الاكلام فى الدنيا و الاكراه اى فهو عم. ظلمت و بصرا م. مطم و كلم عم. خير

علت

سه چیز در جهان از فضائل اخلاقت از ستمگر درگذری، و با کسی که از تو بریده پیوند گیری و با کسی که با تو سبکسری میکند بحلم رفتار کنی

لا - م. هم الدنيا و اى ك. لا هم لنا مركز و طى و المراه الصالحه و المبرر الواسع

سه چیز از نعیم دنیاست اگر چه دنیا نعیمی نیست مرکب راهوار و زن پارسا و خانه وسیع

لا - ملكا - و لا - ملكا - مالم ملكا - سم مطاع و حوى صبع و اعما - المر بعسه و التلب المكنع -

كسه الله فى السر و الملاسه و المصد فى الهما و العهر و المذل فى المصبر و الرضا

سه چیز هلاک کننده است و سه چیز نجات دهنده است، سه چیز هلاک کننده بخلی است که مطیع آن شوند و هوسى است که از آن پیروی کنند و اعجاب مرد نسبت به خویشتن و سه چیز نجات دهنده ترس از خداست در آشکار و نهان و اعتدال در فقر و توانگری و عدالت در حال خشم و خشنودی

لا - كلم البصر البطر الى العصره و الى الهما العارى و الى الوجه العسر.

سه چیز چشم را قوت میدهد، دیدن سبزه و آب جاری و روی خوب

لا - بصر م. المبرر عاب الدنيا و الاكراه المصبر على الملا و الرضا بالصفا و الدعاء فى الرضا

سه چیز است که بنده بوسیله آن خواستنیهای دنیا و آخرت را بدست می آورد، صبر بر بلا و رضا بقضا و دعا در حال فراخدستی

**لا - بصبر. لك ود اصب سلم عليه اذا لهسه و توسع له في الملحم و بدعوه ناخر اسمائه الله**

سه چیز محبت دوست را خالص میکند سلامش کنی وقتی او را دیدی در مجلس جای او را باز کنی و او را بهترین نامهایش بخوانی

**هائه انهم كلمه الله يوم الهامه السارو. و مع الكناو. و العالو. و مع المسكرو. و الدم. كسرو. انهم لا كواصب في صدورهم فاذا لهمو لهمو له و الدم. اذا دعوا الى الله و رسوله كانوا بطا و اذا دعوا الى السطار كانوا سراعا و الدم. لا سرم له طمع م. الدنيا الا استكلوه باهائهم و ا. له ب. له ذلك هم و المساو. بالصبه و المرمو. م. الاخيه و الناعو. الرا الدحصه اولك بدرهم الركم. عر و حر**

هشت کسند که روز رستاخیز از همه خلق خدا منفورترند، دروغ گویان و متکبران و آنها که دشمنی برادران خود را در دل دارند ولی وقتی آنها را ببینند گشاده روئی کنند و آنها که وقتی بسوی خدا و پیغمبر دعوت شوند کند باشند و همین که بسوی شیطان دعوت شوند تند باشند و آنها که وقتی بچیزی از مطامع دنیا رغبت کردند آن را بقسم جلب کنند اگر چه بدان حق نداشته باشند و سخن چینان و آنها که میان دوستان جدائی اندازند و کسانی که بر بیگناهان از پا افتاده ستم کنند آنها را خداوند کثیف می‌شمارند

**هم. العمر حرام و مصر البهی حرام و هم. الكلب حرام و الكونه حرام و ا. اناك صاحب الكلب  
يلبص همه ماملا بده برانا و العمر و المسر حرام و ك مسر حرام**

قیمت شراب حرام است و مهر زنا کار حرام است و قیمت سگ حرام است و شطرنج حرام است اگر صاحب سگ پیش تو آمد و قیمت آن را خواست دستهای او را پر از خاک کن، شراب و قمار حرام است و هر مست کننده ای حرام است

**البلد و البلد كسر ا. بدر ورسك اعسا حر م. ا. بدرهم عاله سكهمو. الناسم و ا. ل. نعم  
بعه بسفی سا وحه الله الا اخر. سا حی ما لهم في امرات**



ضمن وصیت فقط ثلث مال خود را بدیگران ده و ثلث بسیار است تو اگر وارثان خود را بی نیاز واگذاری بهتر از آنست که فقیر و محتاج مردم باشند، تو هیچ خرجی در راه خدا نمیکنی مگر آنکه در مقابل آن پاداش مییابی حتی غذائی که بزَن خود میخورانی

**السَّامِعُ بِسَمْعِهِ مَوْلَانَا وَ الْبَصِيرُ بِبَصَرِهِ ابْنَانَا وَ الْكَلْبُ بِكَلْبِهِ صَاحِبَانَا**

زَن به اظهار نظر در کار خویش بر ولی خود مقدم است و دوشیزه نیز پدرش باید در باره کارش از او اجازه بگیرد و اجازه او سکوت است

**حَارُّ الدَّارِ اَحْمَرُ وَ بَدَارُ الدَّارِ**

همسایه خانه در خرید خانه همسایه مقدم است

**حَالِمٌ الْاَبْرَارِ مَاتَ اِذَا مَلَئَ صِرًا كَمَدُوْدٌ وَ اِنْ اَصْطَابَ لَمْ يَسْمُوْدٌ**

با نیکان مجالست کن که اگر خوبی کردی ترا ستایش کنند و اگر خطا کردی با تو بسختی رفتار نکنند

**حَالِسُوا الْكِرَامَ وَ سَالُوا الْعُلَمَاءَ وَ كَالَطُورِ الْعُكَمَا**

با بزرگان مجالست کنید و از دانشمندان بپرسید و با حکیمان آمیزش کنید

**حَامِدُوا الْمَرْكُومَ بِاَمْوَالِكُمْ وَ اَسْكُمُ وَ السَّكْمَ**

با اموال و جانها و مالهای خود با مشرکان جهاد کنید

**حَامِدُوا اَمْوَالَكُمْ بِمَلِكِكُمْ اَسْكُمُ**

با هوسهای خود مبارزه کنید تا بر نفس خود تسلط یابید

**حَبْلُ الْعُلُوِّ - عِزٌّ حَبٌّ مِ. اِحْسَانُ الْعُلَا وَ نَهْضٌ مِ. اَسَا الْعُلَا**

دلها باقتضای فطرت آن کس را که با آنها نیکی کند دوست دارند و آن کس را که با آنها بدی کند دشمن دارند

**حَدُوا اِيْمَانِكُمْ اَكْرُوا م. مَوْلَا اِلَهَ اِلَّا اِلله**

ایمان خود را تازه کند، لا إله إلا الله بسیار گوئید

**حمر الله الرکفه مانه حر مامست عده سسه و سهم. حر و ابرل می الارصم حر واحدا ممر. دلک العر  
سراخه العلم حی برمع الفرم خامرعا ع. ولدحا کسعا. بصدیه**

خدا رحم را صد قسمت کرده و نود و نه قسمت را پیش خود نگه داشته و یک قسمت را بزمین فرستاده و بواسطه همین یک قسمت مردم بر یک دیگر رحم میکنند تا آنجا که اسب سم خود را بلند میکند مبادا بفرزندان خود آسیب برساند

**حمر الله عدا- عده الامه می دساها**

خداوند عذاب این امت را در دنیا نهاده است

**حمر الکوب- کلنا می سر و حمر مصاحنا می سر- العمر**

همه گناهان را در خانه ای نهاده و کلید آن را در شرابخواری قرار داده اند

**حمر العلم بالسعی و السمک**

بدبخت و نیکبخت بقلم رفته است

**حمر العلم بما امر لام**

سرنوشت تو بقلم رفته است

**حلسا الله عدا اجر الورع و الرمد می الدسا**

فردا همنشینان خدا صاحبان ورع و زهد در این جهانند

## جمال المر مصاحه لساه

جمال مرد به فصاحت اوست

خدا اللہ اے کماخو الی ما می اسی الناس مصموا

کمال بلیه اینست که به آنچه دیگران دارند محتاج شوید و از شما دریغ کنند

خدا اللہ مله الصبر

نهایت بلا قلت صبر است

خدا اللہ صبره الصبر مع مله الی

نهایت بلا عیالمندی و تنگدستی است

الغار احم سهفه خاره سطر سا و اے کار عابا اذا کار طرفهما واحدا

همسایه در معامله سهم همسایه مقدم است اگر راه آنها یکی است باید منتظر او بماند اگر چه غایب باشد

الغار من الكار و الرعم من الطرم و الراك من الرخز

همسایه را پیش از خانه و رفیق را پیش از راه و توشه را پیش از سفر باید جست

العالم الی سوما کالمکد می سیر الله و المکسر می سوما کالمکد می کا- الله

آنکه بازار ما چیزی وارد می کند مانند آن کس است که در راه خدا جهاد میکند و آنکه در بازار ما احتکار میکند مانند کسی است که در کتاب خدا کافر بشمار رفته است

العالم مرروم و المکسر ملهوا

واردکننده روزی میخورد و محتکر لعنت میبرد

**العاجز بطلع م. كاطه و همدى عز م. حو كونه و سطاول عز م. حو مومه و سكله همر همر**

نادان با معاشران ستم کند و بر زیر دستان تعدی کند و بیزرگان تکبر فروشد و بدون تمیز سخن گوید

**العدال في الفراء كمر**

مجادله در باره قرآن کفر است

**العا كز العا و الكمر م. سمع منادى الله تعالى نادى بالصلاه و يدعوه الى الفلام ملا كديه**

نشان خشونت و کفر نفاق آنست که کسی منادی خدا را بشنود که بنماز ندا میدهد و ویرا برستگاری میخواند و دعوت او را اجابت نکند

**العلوس مع الفراء م. النواضع**

همنشینی با فقیران از لوازم تواضع است

**الجماعه ركعه و الهرمه عدا-**

جماعت مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است

**الجمال صوا- الفول بالعم و الكمال حس. الجمال بالصدوم**

جمال درستی گفتار مطابق حق است و کمال نیکی رفتار مطابق راستی است

**الجمال في الرجز النساء**

جمال مرد، در زبان اوست

**العه امر- الى احدكم م. سراد بعله و النار من ذلك**

بهشت بشما از بند کفشتان نزدیکتر است و جهنم نیز چنین است

العنه باوجا لسه م. مصه و لسه م. دعب و ملاطبا المسك الاكمر و خصباوجا اللولو و البامو - و برسبا  
الرعرعرا. م. بککلبا سمع لا بناسم و کلد لا نمو - لا بمر سابع و لا بهی سابع

ساختمان بهشت خشتی از نقره و خشتی از طلاست و گل آن مشک اذفر است و سنگریزه آن لؤلؤ و یاقوت است و خاک آن زعفران است و هر که وارد آن شود پیوسته متنعم است و از بدبختی برکنار، جاودان زنده است و نمیرد، لباسشان کهنه نمی شود و جوانیشان پایان نپذیرد

العنه کب امکام الامتاء

بهشت زیر قدم مادران است

العنه کب طلال السوم

بهشت زیر سایه شمشیرهاست

العنه حرام عر کر ماخس ار بککلبا

دخول بهشت بر مردم بدزبان حرام است

العنه دار الاسعنا

بهشت خانه سخاوت مندان است

العنه لکر ناب و الرکمه لکر و امم

بهشت متعلق بتوبه کاران است و رحمت متعلق بوقفگذاران است

العنه ماهه درخه ما م. کر درخس. کما م. السما و الارص

بهشت صد درجه است و فاصله هر دو درجه مانند زمین و آسمان است

**العنه مانه درجه ما س. كز در حيم. مسره خمسمانه عام**

بهشت صد درجه است و فاصله هر دو درجه پانصد سال راه است

**العنه مانه درجه و لو ا. العالم. احمفوا می احكام. وسمنه**

بهشت صد درجه است و اگر جهانیان در یکی از آنها مجتمع شوند جایشان می شود

**الع. لا كبر احكام می سه عيم م. العير**

جن کسی را که اسبی اصیل در خانه خود دارد مخبط نمیکند

**العنا اربع الامر بالمعروف و النبی ع. المنکر و الصدق می مواظب. الصبر و سار. العاسم**

جهاد چهار قسم است: امر بمعروف و نهی از منکر و راستی در موقع صبر و تنفر از فاسق

**العرا. نلانه مكار له حم واحد و هو اذی العرا. حها و خار له حها. و خار له نلانه حموم ماما الادی له حم واحد مكار مسر ك لا رجع له له حم العوار و اما الادی له حها. مكار مسله له حم ا لاسلا م و حم العوار و اما الادی له نلانه حموم مكار مسله ك و رجع له حم ا لاسلا م و حم العوار و حم الرجع**

همسایگان سه قسمند همسایه ای که یک حق دارند و او از همه همسایگان کم حق تر است و همسایه ای که دو حق دارد و همسایه ای که سه حق دارد همسایه ای که یک حق دارد همسایه مشرک است که خویشاوندی ندارد او فقط حق همسایگی دارد همسایه ای که دو حق دارد همسایه مسلمانی است که حق اسلام و حق همسایگی دارد و همسایه ای که سه حق دارد همسایه مسلمان خویشاوند است که حق اسلام و حق همسایگی و حق خویشاوندی دارد

**خاملا - والدا - مرصفا - رحما - ناولادح. لو لا ما ناس. الی ارواحم. كز مصلناس. العنه**

زنان بار دار فرزند دار و شیرده که با فرزندان خود مهربانند اگر رفتاری که با شوهران خود میکنند نبود نمازگزارانشان به بهشت میرفتند

**حب الیاء . الناصب همی و ناصب**

انتظار ستایش از مردم چشم را کور و گوش را کر میکند

**حب الیاء راس کر حطبه**

دوست داشتن دنیا سر همه گناهان است

**حب الیاء . ذیباک الیاء و الطیر و حمل مره عسی می الصلاه**

من از دنیای شما دو چیز را دوست دارم زن و بوی خوش و روشنی چشم من در نماز است

**حبو الله الی عبادہ کعبه الله**

خدا را در پیش بندگانش محبوب سازید تا خداوند شما را دوست دارد

**حب الی المکلو . امی می الوصو و الطعام**

چه نیکند از امت من آنها که در وضو و غذا مسواک میکنند

**حب الی الی همی و ناصب**

محبتی که نسبت بچیزی داری کور و کرت میکند

**حب علی الله . لا یسکب دعوه مطلوبه و لا حد منه من مظلمه**

بر خدا لازم است که ستم زده ای را که او نیز بدیگری چنان ستمی کرده است نپذیرد

**حب الیاء بالیسوا . و حب الیاء بالیکاره**

جهنم را بخواستنی‌ها پوشانیده‌اند و بهشت را بمکروهات مستور داشته‌اند

**حکوا بسفوا و سامروا بصکوا**

بحج روید تا بی‌نیاز شوید و سفر کنید تا سالم مانید

**حد العوار ارفهوا دارا**

حد همسایگی چهل خانه است

**حد الساحر صربه بالسف**

سزای ساحر یک ضربه شمشیر است

**حذی حربا مال رسول الله تعالی لا اله الا الله حصی ممم. حکله امم. م. عدالی**

جبرئیل با من سخن گفت و گفت: خدا گوید لا اله الا الله قلعه من است و هر که وارد آن شود از عذاب من در امان است

**حذوا الناس بما هموموا ابرکوا. ابرکوا الله و رسوله**

با مردم از آنچه توانند دانست سخن گوئید آیا میخواهید خدا و پیغمبر را تکذیب کنند

**حد همم می الارصم کر لای الارصم م. ابر مطروا ارفهوا صماحا**

حدی که در زمین اجرا شود برای زمینیان بهتر از آنست که چهل روز باران بیبارد

**حرم ليله می سبب الله عر و حر امصرا م. الف ليله ناه لیلنا و نصاب سارحا**

یک شب نگهبانی در راه خدا از هزار شب که نماز خوانند و روز آن را روزه دارند بهتر است

**حرم الله الله عر کر محم بکی لا سالی ما مال و لا ما مزله**



خداوند بهشت را بر مردم بد زبان که هر چه بگویند و شنوند اهمیت نمیدهند حرام کرده است

### حرم الله العمر و كل مسكر حرام

خداوند شراب را حرام کرده و هر چه مستی آرد حرام است

### حرم النكاره في العمر

تجارت شراب حرام است

### حرمه النار على النار كرمه ذمه

حرمت همسایه بر همسایه چون حرمت خون او است

حرم النار على عم. بكر م. كسه الله و حرم النار على عم. سحر م. سب الله و حرم النار على عم.

عصر م. غار م. الله او عم. مصر م. سب الله

جهنم بر دیده ای که از بیم خدا گریسته و دیده ای که در راه خدا بیدار مانده و دیده ای که از محرمات خدا بسته شده یا در راه خدا بیرون آمده حرام است

### حرمه مال المسلم كرمه ذمه

حرمت مال مسلمان مانند حرمت خون اوست

حرمه سا المكاحد م. على العاعد م. كرمه امنايه و ما م. رخ م. العاعد م. كلف رخلا م. المكاحد م.

م. اجله مكنوه مبع الا ومف له نو م. الصامه مبع له مد كاك م. اجله مكد م. حسابه ما سب مكد م. عمله ما سا مفا طكم

حرمت زن کسانی که بجهاد رفته اند بر آنها که بازمانده اند مانند حرمت مادرانشان است و هر کس از بازماندگان که سرپرستی خانواده یکی از مجاهدان را بعهده گیرد و نسبت بآنها تجاوز کند روز قیامت او را بیای دارند و بمجاهد گویند وی بخانواده تو تجاوز و خیانت کرد، از کارهای نیک وی هر چه میخواهی بر گیر و وی از اعمال او هر چه خواهد برگیرد، چه فکر میکنید؟

### حرم علی النار کرم. لم. سحر مرید م. الاسم

هر که نرم و ملایم و آسانگیر و نزدیک بمردم باشد بر آتش حرام است

### حرم علی عس. ا. سالما النار عم. بصر م. کسه الله و عم. ناس کرم الاسلام و احله م. الصبر

دو چشم بر آتش حرام است چشمی که از ترس خدا گریسته و چشمی که بیدار مانده و مسلمانان را در مقابل کافران نگهبانی کرده است

### حرم اناس العرب و الصبر علی ذکور امی و اخذ لانس

پوشیدن ابریشم و طلا بر مردان امت من حرام و بر زنانشان حلال است

### حسد امری م. النکر ا. بقول احد حی کله و لا ادع منه سنا

در بخل مرد همین قدر بس که گوید همه حق خود را میگیرم و چیزی از آن را وانمیگذارم

### حسد م. العز ا. بطنر ما علم

در نادانی تو همین قدر بس که هر چه دانی آشکار کنی

### حسد م. الكد ا. کد بکر ما سمع

در دروغگوئی تو همین قدر بس که هر چه شنیده ای نقل کنی

### حسی رخای م. کالی و حسی ذبی م. ذسای

امید خدایم مرا بس و بیم از دنیایم مرا کافی است

حس. السر بحدب بالسكمه

گشاده روئی کینه را ببرد

حس. الخوار بضم الدار و بسی می الاعمار

خوش همسایگی مایه آبادی شهرها و درازی عمرهاست

حس. العلم كلم الله الاعظم

نیکخوئی خلق بزرگ خداوند است

حس. العلم رماه م. ركه الله می ايف صاحبه و الرماه سد الملك و الملك كره الى العر و العر كره

الى الله و سو العلم رماه م. عدا الله می ايفصاحبه و الرماه سد السطار و السطار كره الى السو و السو كره الى النار

نیکخوئی زمام رحمت خداست که در بینی صاحب آنست و زمام بدست فرشته است و فرشته او را بسوی نیکی میکشاند و نیکی او را بسوی بهشت میراند و بدخوئی زمام عذاب خداست که در بینی صاحب آنست و زمام بدست شیطان است و شیطان او را بسوی بدی میکشاند و بدی او را بسوی جهنم میراند

حس. العلم بضم الدم.

نیک خوئی یک نیمه دین است

حس. العلم بضم الموده

نیکخوئی دوستی را استوار می کند

حس. العلم بحدب العطانا كما بحدب السم السم العلد

نیکخوئی گناهان را محو می کند چنان که خورشید یخ را آب میکند

### حسب السوال بصف الملم

نیک پرسیدن یک نیمه دانستن است

### حسب السفر مال و حسب الوجه مال و حسب اللسان مال و المال مال

نیکی موی داراییست و نیکی روی داراییست و نیکی زبان دارایی است و دارایی هم داراییست

### حسب الظم م. حسب الهاده

خوش گمانی از نیکی عبادت است

### حسب الملكة نما و سو العلم سوف و الر رباذه می الفهر و الصدقه بمع منه السو

نیک خوئی رشد است و بدخوئی شئامت است و نیکی افزایش عمر است و صدقه از مرگ بد جلوگیری میکند

### حسب الملكة نم. و سو العلم سوف

نیکخوئی برکت است و بدخوئی شئامت

### حسب الملكة نم. و سو العلم سوف و طاعه المراه بدامه و الصدقه بمع الهضا السو

نیک خوئی رشد است و بد خوئی شئامت است و نیکی افزایش عمر است و صدقه از مرگ جلوگیری میکند

### حسوا لباسكم و اصلحوا رخالكم حی بكونوا كلكم سامه می الناس

لباس خود را نیک کنید و لوازم خود را باصلاح آرید چنان که در میان کسان مانند خالی نمودار باشید

### حصوا اموالكم بالركاه و داووا مرصاكم بالصدقه و اعدوا للابلا الدعاء

اموال خود را بوسیله زکات محفوظ دارید و مریضان خود را با صدقه علاج کنید و برای جلوگیری از بلا بدعا متوسل شوید

**حفظ الملا و الصبر كالمس می الكرم و حفظ الرجز بعد ما بكر كالصا - عر الها**

محفوظات طفل نارس مانند نقشی است که بر سنگ رقم زنند و محفوظات مرد بزرگ مانند نوشته بر آب است

**حصر الكنه بالمكراه و حصر النار بالسعوا -**

بهشت با ناملایمات قرین است و جهنم با خواستنی ها همراه است

**حجم النار ا. مرصم عدیه و ا. ما - سمنه و ا. اسمرصک امرصه و ا. اصانه کبر صانه و ا. اصانه مصبه**

**عربه و لا برمع سا - موم صانه مسد - علیه الرمه**

حق همسایه آنست که اگر مریض شد عیادتش کنی و اگر مرد همراه جنازه اش بروی و اگر از تو قرض خواست بدهی و اگر حادثه خوشی بر او رخ داد بدو تهنیت گوئی و اگر مصیبتی رخ داد تعزیتش گوئی و بنای خود را از بنای او فراتر نبری و جریان باد را بر او نبندی

**حجم الروم - عر الروحه ا. لا بصوم - نوما واحدا الا ناكه الا العربيه ما. مفلد امه و لع سمر صعا و ا.**

**لا بقطی م. سه سنا الا ناكه ما. مفلد كا. له الاخر و كا. علنا الورر و ا. لا كرم م. سه الا ناكه ما.**

**مفلد لهما الله و ملاكه المصد حی سو - او تراجع و ا. كا. طالما**

حق شوهر بر زن آنست که بدون اجازه او جز روزه واجب نگیرد و اگر گرفت گناهکار است نپذیرند و بدون اجازه او چیزی از مال او بکسان ندهد اگر داد ثوابش از شوهر و گناه از زن است و از خانه او بی اجازه اش بیرون نرود و اگر رفت خداوند و فرشتگان غضب او را لعنت کنند تا توبه کند یا باز گردد اگر چه شوهرش ستمگر باشد

**حجم الروم - عر المره ا. لا بكر مراسمه و ا. بر سمنه و ا. بطبع امره و ا. لا كرم الا ناكه و ا. لا بكر**

**اله م. بكره**

حق شوهر بر زن آنست که از بستر وی دوری نگیرد، و قسم او را انجام دهد و فرمانش را اطاعت کند و بی اجازه او بیرون نرود و کسی را که دوست ندارد بخانه او نیاورد

**حکم المراه علی الروم** .**ار** بظمعا اذا طعمه و بکسونا اذا اکسی و لا بصره الوحه و لا یسم و لا  
بعر الا می الس

حق زن بر شوهر آنست که وقتی غذا خورد باو بخوراند و وقتی لباس پوشید باو بیوشاند و بصورت او نزند و باو بد نگوید و جز در خانه از او دوری نگیرد

**حکم المسلم علی المسلم** سر اذا لسه مسلم علیه و اذا دعا ما حبه و اذا اسسبک ما یصم له و اذا  
عظم محمد الله مسمه و اذا مرص مفعه و اذا ما ما یسه

حق مسلمان بر مسلمان شش چیز است وقتی او را دیدی بر او سلام کن و وقتی ترا دعوت کرد بپذیر و وقتی با تو مشورت کرد رأی خود را با او بگو و همین که عطسه زد عافیت باد بگو و همین که مریض شد او را عیادت کن و همین که مرد همراه جنازه اش برو

**حکم الولد علی الوالد** .**ار** کسب اسمه و کسب موصفه و کسب اذنه

حق پسر بر پدر آنست که نام او را نیک و جای او را نیک و ادب او را نیک کند

**حکم الولد علی الوالد** .**ار** یعلمه الکتابه و السباحه و الرمانه و .**ار** لا یررعه الا طیما و .**ار** یروحه اذا بلع

حق پسر بر پدر آنست که نوشتن و شنا کردن و تیر انداختن باو بیاموزد و جز غذای خوب بدو نخوراند و همین که بالغ شد باو زن بدهد

**حکم الولد علی والده** .**ار** کسب اسمه و یروحه اذا ادرك و یعلمه الکتابه

حق پسر بر پدر آنست که نام او را نیک کند و همین که ببلوغ رسید زنش دهد و خط نوشتن بدو بیاموزد

**حکم علی الله عو** .**ار** بکم العفاف عما حرم الله

هر که زن گیرد باین منظور که از محرمات بر کنار ماند بر خدا لازم است که او را یاری کند

**حَمَّ كَسْرًا لَكَوَهُ عَلَى صَمْرَعَةٍ كَعَمَّ الْوَالِدَ عَنِ وَلَدِهِ**

حق برادر بزرگ بر برادرهای کوچک مانند حق پدر بر فرزند است

**حَمَّ لِلَّهِ عَلَى كَسْرٍ مَسْلُومًا. يُنْفَسِرُ مِثْلَ كَسْرٍ سَبَفَهُ أَمَّا بِنَوْمَا يُنْفَسِرُ مِنْهُ رَأْسُهُ وَخَسَدُهُ**

حق خدا بر هر مسلمانی این است که هر هفت روز یک بار غسل کند و سر و تن خود را بشوید

**حَمَمٌ بِالْمِرِّ إِذَا بَكَوْا. لَهُ قَالِمٌ كَلُّوْا مِنْهَا وَبَدَّ كَسْرٌ دَبُوهُ مَسْفَعَرٌ اللَّهُ مِنْهَا**

چه خوب است که مرد گاهی خلوت کند و گناهان خود را بیاد آرد و از خدا آمرزش خواهد

**خَلْوَةٌ الدِّبَا مَرَّةً الْأَكْرَهَ وَ مَرَّةً الدِّبَا خَلْوَةٌ الْأَكْرَهَ**

شیرینی دنیا تلخی آخرت و تلخی دنیا شیرینی آخرت است

**خَوْسَرٌ رَحْزٌ هَمٌّ. كَأَنَّ مِلْكَهُ مَلِكٌ بُوْحِدٌ لَهُ مِمَّا الْعَرَسِيُّ إِلَّا أَنَّهُ كَأَنَّ رَحْلًا مَوْسِرًا وَ كَأَنَّ كَالِطَ النَّاسِمِ**

**وَ كَأَنَّ نَامِرًا عَلَمَانَهُ إِذَا بَعَاوَرُوا عَمَّ. الْمَفْسَرُ مَعَالٌ اللَّهُ عَمَّ وَ حَزَّ لَمَلَاكِهِ كَمَّ. أَحْمَمٌ بَدَلٌ مِنْهُ كَأَوْرًا عَنْهُ**

یکی از پیشینیان را به حساب کشیدند و کار نیکی نداشت جز آنکه مرد توانگری بود و با مردم داد و ستد داشت و بگرامان خود میگفت از مطالبه واماندگان درگذرید خداوند بفرشتگان گفت ما بگذشت از او سزاوارتریم، از او درگذرید

**الْعَمُّ الْمَرُورُ لِمَنْ لَهُ حَرًّا إِلَّا الْعَمُّ**

حج مقبول سزائی جز بهشت ندارد

**الْعَمُّ حَتَاةٌ كَسْرٌ صَمْفٌ وَ حَتَاةٌ الْمَرَاهُ حَسَمٌ. الْبَسْمُ**

حج جهاد ضعیفان است و جهاد زن، شوهرداری خوب است

**الكرامه صلاه السر و الاما مساه السر**

زن آزاد مایه اصلاح خانه است و زن بنده موجب فساد خانه است

**الكرامه م. و الفلاح م. مدع ما برکت الی مالا برکت**

حرام روشن است و حلال روشن است چیزهای شبیه ناک را بگذار و چیزهای بی شبیه را برگیر

**الکر - کدعه**

جنگ یعنی خدعه

**الحرصم الذي يظلم المكسبه م. عر خلعا**

حرص آنست که سود به نامشروع جوید

**الحرص سو الظم.**

دور اندیشی بد گمان بودن است

**الفسد المال**

برتری را بمال دانند

**الفسد ناکر النساء - كما ناکر النار العطره و الصدقه بطي العطسه كما بطي الها النار**

حسد کارهای نیک را میخورد چنان که آتش هیزم را میخورد و صدقه گناه را نابود میکند چنان که آب آتش را خاموش میکند

**الفسد يفسد الامار كما يفسد الصبر المسر**



حسد ایمان را فاسد میکند چنان که صبر تلخ غسل را فاسد میکند

**الکمه صاله المومر. ناکدا هم. سمعنا و لا نالی می ای وعا کرح**

حکمت گمشده مؤمن است از هر که بشنود فرا گیرد و اهمیت ندهد که از کجا آمده است

**الکلاز م. و الکرام م. و سعا امور مسعنا- لا نعلما کسر م. الناس م. ای السعنا- معد اسیرا لفرصه  
و ذبه و م. ومع می السعنا- ومع می الکرام کراعی برعی حول النمی بوسک ا. بواقعه الا و ا. لکر ملک  
حمی الا و ا. کمی الله تعالی می ارضه فارمه الا و ا. می النسد مصفه اذا صلک صلم النسد کله و  
اذا مسد- مسد النسد کله الا و می الفلر**

حلال روشن است و حرام روشن است و میان آنها چیزهای شبیه ناک هست که بسیاری از مردم آن را ندانند، هر که از چیزهای شبیه ناک دوری گیرد دین و آبروی خود را از ارتکاب محرمات بر کنار داشته و هر که در چیزهای شبیه ناک افتد در حرام افتد مانند چوپانی که اطراف قرق گوسفند چراند بیم می‌رود که در قرق افتد بدانید که هر پادشاهی قرقی دارد و قرق خداوند در زمین محرمات اوست بدانید که در تن پاره گوشتی است که اگر بصلاح آمد همه تن بصلاح آید و اگر بفساد آمد همه تن به فساد آید بدانید که او همین قلب است

**الکلاز ما اجر الله می کناه و الکرام ما حرم الله می کناه و ما سکر عنه معو ما عی عنه**

حلال آنست که خداوند در قرآن حلال کرده باشد و حرام آنست که خداوند در قرآن حرام کرده باشد و هر چه را مسکوت گذاشته مورد گذشت است

**الکلف حیر او بدم**

سرانجام قسم یا شکستن است یا پشیمانی

**الکلف مصفه للسلمه معمه للکره**

قسم در معامله جنس را تمام و برکت را نابود میکند

**العلم سد في الدنيا و سد في الآخرة**

بردبار در دنیا و آخرت بزرگوار است

**الحمد لله رب العالمين**

سپاس بر نعمت مایه امنیت از زوال آنست

**العمره م. ربه السطار**

سرخی آرایش شیطان است

**العی كبر العطا كما كبر السكره و رما**

تب گناهان را میریزد چنان که درخت برگهای خود را میریزد

**العی خط كرم موم. م. النار و کمی لله بكر عطا سه**

تب قسمت مؤمن از آتش جهنم است و تب یک شب گناهان یک سال را محو میکند

**العی رابك الموم و سكر. الله في الارض**

تب پیشاهنگ مرگ و زندان خداوند در روی زمین است

**العی كبر كله**

حیا سراسر نیکی است

**العی ربه و الی كرم و كبر المرکز الصبر و اسطار المره م. الله عر و حر عماحه**

حیا مایه زینت و تقوی مایه بزرگی است و بهترین وسیله وصول بمقصود صبر است و انتظار گشایش از طرف خداوند عبادت است

**العنا سمعه م. ا لانهار.**

حیا شعبه ای از ایمان است

**العنا لانالی الا نحر**

از حیا جز نیکی نمی آید

**العنا م. ا لانهار. و ا لانهار. می العنه و العنا م. العنا و العنا می النار**

حیا از لوازم ایمان است و ایمان در بهشت است و بد زبانی از خشونت است و خشونت در جهنم است

**العنا هو الدین كله**

حیا تمام دین است

**العنا و ا لانهار. مر با حمها مادا رمع احدهما رمع الاخر**

حیا و ایمان قرین یک دیگرند اگر یکی از میان برخاست دیگری هم برود

**العنا و ا لانهار. معروفان. می مر. واحد مادا سلب احدهما سمه الاخر**

حیا و ایمان قرین یک دیگرند اگر یکی رفت دیگری نیز همراه آن میرود

**العنا و ا لانهار. معروفان. لا يعرفان. الا حمها**

حیا و ایمان قرین یک دیگرند و جز با هم از کسی دور نشوند

**العنا و الفی سمها. م. ا لانهار. و العنا و النار. سمها. م. النعام**

حیا و کمزبانی دو شعبه ایمان است و خشونت و زبان آوری از لوازم نفاق است

کا۔ عید و کسر له کمر الله تعالی می مله رکهه لاسر

بنده ای که خداوند رحم نسبت بکسان را در دل او قرار نداده زیانکار است

خدمت روحت صدقه

خدمتی که بزن خود میکنی صدقه است

کالطوا الاسم باکلا صدق و کالقومه می اعماله

با مردان در اخلاقشان مخالط باشید و در اعمالشان مخالف

کد الامر بالکسر ما. راس می عامه کرا مامص و ا. کسر عا مامص

کار را بتدبیر بنگر اگر در سر انجام آن خیری هست قدم بگذار و اگر از عاقبت آن بیم داری دست نگهدار

کدوا علی اعدی سبائکم

از تجاوز سفیهان خود جلوگیری کنید

کدوا م. الهمز ما نطعمو. ما. الله لا نمر حی ملوا

عمل بقدر طاقت کنید زیرا ملالت شما مایه ملالت خدا می شود

کرم رجز م. کار مملکم می حله له کمال معنا مامر الله الارض ما کدبه معو نکلمر معنا الی نوم

السامه

مردی از پیشینان حله ای پوشید و مکبرانه بیرون آمد خداوند بزمین فرمان داد تا او را گرفت و تا روز قیامت در آن دست و پا میزند

كرم نى م. الانبا بالناس بسسهور. الله تعالى فاذا حو سمله رافهه بعصم مواصتا الى السما فعال ارحموا  
هد استكبر لك م. اخر حده النمله

پيغمبری با مردم برای دعای باران بیرون آمد مورچه ای را دید که دست خود را بطرف آسمان بلند کرده است گفت باز گردید که خدا بخاطر  
این مورچه دعای شما را پذیرفت

حسه الله راس كر حكه و الورع سد الفم

ترس خدا سر همه حکمتهاست و ورع پیشوای اعمال است

حصم الا م. عرف الناس و عام صنع م. له بصره

هر که کسان را شناخت قرین بلا شد و هر که نشناختشان در میانشان آسوده زیست

حصلنا لا كنهنا. می مو. الكز و سو العلم

دو صفت است که در مؤمن جمع نشود بخل و بدخوئی

حصلنا لا كنهنا. می مناصم حس. سم و لا مه می الكم.

دو خصلت است که در منافق جمع نشود نیکنامی و دانائی در امور دین

حصلنا. لم موصنا م. الر سی ا لاها. بالله و البع لهما الله

دو خصلت است که نیکتر از آن نیست ایمان بخدا و سودمندی برای بندگان خدا

حصلنا. م. كانا مه كنه الله ساكرا صابرا و م. له كونا مه له كنه الله لا ساكرا و لا

صابرا م. نظر می كنه الى م. حو موهه فاصدى نه و نظر می كناه الى م. حو كونه كمد الله عز ما مصله

نه عليه صبه الله ساكرا صابرا و م. نظر مي كنه الي م. جو كونه و نظر مي كناه الي م. جو مومه ماسم  
عز ما ماه مه له صبه الله ساكرا و لا صابرا

دو خصلت است که در هر که باشد خدا او را صبور و شکرگزار رقم زند و هر که از آن بی بهره باشد ویرا نه صابر رقم زند نه شکرگزار هر که در کار دین بکسی که فراتر از اوست بنگرد و او را پیروی کند و در کار دنیا بآن که فروتر از اوست بنگرد و خدا را بر آنچه بیشتر دارد شکر کند، خدا او را صابر و شاکر رقم زند و هر که در کار دین به آنکه فروتر از اوست بنگرد و در کار دنیا بآن که فراتر از اوست بنگرد و بر آنچه کمتر دارد تأسف خورد خدا او را نه صابر رقم زند نه شکرگزار

كنا. كسر م. الناس معما معوي. الصعه و الفراع

دو صفت است که بیشتر مردم بدان دلباخته اند صحت و فراغت

كلمه صكه سسب. لم. يصلوا بعدما كات. الله و سبي و لم. بعرفا حي بركا عز الوصم

دو چیز میان شما واگذاشتم که بعد از آن گمراه نخواهید شد قرآن و روش من و این دو از هم جدا نشوند تا بر سر حوض بمن برسند

كلمه الله العلم مكسب احوالهم و اعمالهم و اررامهم

خداوند خلق را بیافرید و زندگی و اعمال و ارزششان را رقم زد

كلمه الله عز و جز العن. لانه اصنام صفا حنا. و عمار. و كسام الارصم و صفا كالريم مي العوا  
و صفا عليه العسا. و العفا. و كلمه الله ا لاسم لانه اصنام صفا كالنعام و صفا احسادهم احساد  
بي اذم و ارواحهم ارواح الساطم. و صفا مي طر الله نوم لا طر الا طله

خداوند جن را سه قسم آفریده یک قسم مارها و عقربها و حشراتند و قسم دیگر مانند باد در هوا روانند و قسم دیگر حساب و عقاب دارند و آدمیان را سه قسم آفریده یک قسم مانند چهارپایانند و قسم دیگر تنهایشان مانند تن آدمیان و جانهایشان مانند جانهای شیاطین است و قسم دیگر روزی که سایه ای جز سایه خدا نیست در سایه او هستند

كلم الله مانه ركه موصع ركه واحده س. كله سراكمو. سا و كما عبده مانه الا واحده

خداوند صد جزء رحمت آفرید و یکی را میان خلق نهاد که بوسیله آن بر یک دیگر رحم کنند و نود و نه جزء آن را پیش خود نگهداشت

كلم الله كى ام. ركرنا مى نظر. امه مومنا و كلم مرعو. مى نظر. امه كامرا

خداوند یحیی پسر زکریا را در شکم مادر مؤمن خلق کرد و فرعون را در شکم مادر کافر آفرید

كلم الله و كلمه. سمصمنا الله ماما اللدا. كسما الله مالمسا و السماحه و اما اللدا. سمصمنا الله

مسو العلم و العز و اذا اراد الله بعد كرا اسمعله عز مصا حوامه الاسم

دو صفت را خدا دوست دارد، و دو صفت را دشمن دارد، دو صفتی که خدا دوست دارد بخشش است و گذشت و دو صفتی که خدا دشمن دارد بدخوئی و بخلست و همین که خدا برای بنده ای نیکی خواهد وی را برای رفع حوائج مردم بکار میبرد

كللوا س. اصانكم لا كرا الله سنا بالنار

هنگام وضو میان انگشتان خود فاصله دهید تا خدا بوسیله آتش میان آنها را فاصله ندهد

كللوا لكانه و مصوا اطعاركم ما. السطار. كرى ما س. اللعه و الطمر

ریشهای خود را شانه کنید و ناخنهای خود را کوتاه سازید زیرا شیطان میان گوشت و ناخن روانست

حسب ما نصم موم المهد الا سلط عليه عدوهم و ما حكموا نصر ما امر الله الا ما سمع الفهر و

لا طهر. سمع الفاحسه الا ما سمع الموم. و لا طعموا المكنا الا صفوا النبا. و اكدوا بالنسب. و لا صفوا

الركاه الا حسب عصب الفطر

پنج چیز از لوازم پنج چیز ست کسانی که پیمان شکنند دشمنشان بر آنها مسلط شود و کسانی که بر خلاف آنچه خدا گفته قضاوت کنند فقر میان آنها رواج یابد و کسانی که بی عفتی میان آنها رواج یابد مرگ ناگهانی میان آنها شایع شود و کسانی که کم فروشی پیشه کنند بقحط دچار شوند و کسانی که زکاه ندهند به خشکسالی مبتلا گردند

**خمس م. مصائب الدنيا مو - العيب و ذبا - المال و سمانه الاعدا و برک - العلم و امراه سو**

پنج چیز از مصائب دنیاست مرگ دوست و تلف شدن مال و سرزنش دشمنان و ترک دانش و زن بد

**خمس كصال بطر. الصانه و بعض. الوصو الكد - و الفسه و النصفه و النظر سعوه و النصر. الكاده**

پنج کار است که روزه را باطل میکند و وضو را میشکند، دروغ و غیبت و سخن چینی و نظر شهوت و قسم دروغ

**خمس دعوا - سكا - لم. دعوه المظلوم حى سصر و دعوه القام حى بصر و دعوه الفارى حى سحر و دعوه المریض حى برا و دعوه الامر لکبه بطر الفس و اسرع بده الدعوا - احاه دعوه الامر لکبه بطر الفس**

پنج دعاست که مستجاب می شود دعای مظلوم تا یاری شود و دعای زائر کعبه تا باز گرددو دعای کسی که بجهاد می رود تا باقامتگاه خود برسد و دعای مریض تا شفا یابد، و دعای برادری که در غیبت برادر خود برای او کند و این دعا از همه دعاها زودتر مستجاب می شود

**خمس لم لم. كاره السرک الله و من الفس بصر خم و سع الموم. و الفرار م. الرحف و بصر. صابره سبطع بنا مالا بصر خم**

پنج گناهست که محوشدنی نیست، شریک قرار دادن برای خدا و کشتن کسان بناحق و بهتان زدن بمؤمن و فرار از جنگ و قسم ناحق که بوسیله آن مال کسان را ببرند

**خمس م. ا لانهار م. لم بصر. منه سی مس. ملا انهار له السلم لامر الله و الرضا بصر الله و الفوبصر الى الله و الوکر عن الله و الصبر عند الصدمه الاولى**



نچ چیز از لوازم ایمانست و هر که یکی از آنها در او نباشد ایمان ندارد تسلیم بفرمان خدا و رضا بقضای خدا و تفویض کارها بخدا و توکل بخدا و صبر هنگام صدمه نخستین

### حَمَمٌ مِمَّنْ أَمْسَكَ الْمَسْكَانَ وَالْمَسْكِينَةَ وَالْمَسْكِينَةَ وَالْمَسْكِينَةَ

پنج چیز از سنت پیغمبرانست حیا و حلم و حجامت و مسواک و عطر زدن

### حَمَمٌ مِمَّنْ أَمْسَكَ الْمَسْكَانَ وَالْمَسْكِينَةَ وَالْمَسْكِينَةَ وَالْمَسْكِينَةَ

و رَحْمَةً مِمَّنْ أَمْسَكَ الْمَسْكَانَ وَالْمَسْكِينَةَ وَالْمَسْكِينَةَ وَالْمَسْكِينَةَ

پنج چیز کمر شکن است، بد رفتاری با پدر و مادر و زنی که شوهرش بدو اطمینان دارد ولی بدو خیانت کند و پیشوائی که مردم او را اطاعت کنند ولی او خدا را اطاعت نکند و مردی که وعده دهد و تخلف کند و بد گوئی شخص در باره نسب مردم

### حَمَمٌ مِمَّنْ أَمْسَكَ الْمَسْكَانَ وَالْمَسْكِينَةَ وَالْمَسْكِينَةَ وَالْمَسْكِينَةَ

پنج چیز است که خدا مرتکب آن را زود کیفر میدهد ستم و خیانت و بد رفتاری با پدر و مادر و بریدن از خویشاوندان و حق شناسی

### حَمَمٌ مِمَّنْ أَمْسَكَ الْمَسْكَانَ وَالْمَسْكِينَةَ وَالْمَسْكِينَةَ وَالْمَسْكِينَةَ

بِمَصْرُوعِهِ وَبِمَصْرُوعِهِ وَبِمَصْرُوعِهِ وَبِمَصْرُوعِهِ

بهترین پیشوایان شما کسانی هستند که آنها را دوست دارید و شما را دوست دارند شما آنها را دعا کنید و آنها نیز شما را دعا کنند و بدترین پیشوایان شما کسانی هستند که آنها را دشمن دارید و شما را دشمن دارند و آنها را نفرین کنید و شما را نفرین کنند

### حَمَمٌ مِمَّنْ أَمْسَكَ الْمَسْكَانَ وَالْمَسْكِينَةَ وَالْمَسْكِينَةَ وَالْمَسْكِينَةَ

بهترین مؤمنان کسی است که قانعست و بدترین آنها کسی است که طمعکار است

### حَمَمٌ مِمَّنْ أَمْسَكَ الْمَسْكَانَ وَالْمَسْكِينَةَ وَالْمَسْكِينَةَ وَالْمَسْكِينَةَ

بهترین امت من تندخویانند که وقتی بخشم آیند زود آرام شوند

**كار امی علماء و كار علماء علماء**

بهترین امت من دانشمندانند و بهترین دانشمندان امت من بردبارانند

**كار امی علماء و كار علماء ركافوا الا و ا. الله تعالى لفر للعالم ارفع. دنیا میر ا. بفر للعالم  
دنيا واحدا الا و ا. العالم الرحم لى يوم العاصه و ا. نوره مد اصا مسمى مه ما م. المسمم و الممر-  
كما بصى الكواكب الدرى**

بهترین امت من دانشمندانند و بهترین دانشمندان امت من رحیمانند بدانید که خدا پیش از آنکه یک گناه نادان را ببخشد چهل گناه دانشمند را می بخشد و بدانید که دانشمند رحیم روز رستاخیز می آید و در نور خود که فاصله میان مشرق و مغرب را چون ستاره های درخشان روشن کرده راه رود

**كار امی م. دعا الى الله تعالى و حب عاده اله**

بهترین امت من کسی است که مردم را بسوی خدا بخواند و بندگان خدا را دوستدار او سازد

**كاركم احسكم اكلاما لكم. بالهوى و بولوهو.**

بهترین شما کسانی هستند که اخلاقشان بهتر است و با مردم سازگارند و کسان را با یک دیگر سازگاری دهند

**كاركم احسكم مصا لكم.**

بهترین شما کسانی هستند که قرض خود را بهتر ادا کنند

**كاركم اطولكم اعمارا و احسكم اكلاما**

بهترین شما کسانی هستند که عمرشان درازتر و اخلاقشان نیکتر است

## حَارِكْ اطولك اعمارا و احسك اعمالا

بهترین شما کسانی هستند که عمرهایشان درازتر و اعمالشان بهتر است

## حَارِكْ حَارِكْ لسانك

بهترین شما کسانی هستند که برای زنان خود بهتر باشند

## حَارِكْ حَارِكْ لاجله

بهترین شما کسی است که برای کسان خود بهتر است

## حَارِكْ م. ذكرك بالله رويه و راذ مي علمك مطهه و رعك مي الاكره عمله

بهترین شما آن کس است که دیدار او خدا را بیدار شما آورد و سخنانش دانش شما را بیفزاید و رفتارش شما را بآخرت راغب سازد

## حار الاصحا- صاحب ادا ذكرك- الله اعلمك و ادا بسر ذكرك

بهترین یاران کسی است که وقتی خدا را یاد کردی ترا کمک کند وقتی یاد خدا را فراموشی کردی او را بیدار تو آورد

## حار الاصحا- عند الله حرمه لصاحبه و حار العرا. عند الله حرمه لغاره

بهترین رفیقان پیش خدا کسیست که برای رفیق خود بهتر باشد و بهترین همسایگان کسی است که برای همسایه خود بهتر باشد

## حار الامور اوسطها

بهترین کارها آنست که به اعتدال نزدیکتر است

## حار الدنيا و الاكره مع الفلح و سر الدنيا و الاكره مع العسر

نیکی دنیا و آخرت با دانش هم راهست و بدی دنیا و آخرت با نادانی قرین است

## كِر الدكر الهى و كِر الررم ما بى

بهترین ذکرها آنست که مخفی باشد و بهترین روزها آنست که کافی باشد

## كِر الررم ما كار بوما بوم كاما

بهترین روزی آنست که روز به روز بحد کفایت برسد

## كِر الرهما اربهه و كِر الطلایع اربهمانه و كِر النوسم اربهه الام

بهترین دوستان چهار تن و بهترین پیش قراولان چهار صد و بهترین سپاهیان چهار هزار است

## كِر الراد الهوى و كِر ما الهى مى الفل الفل

بهترین توشه های سفر حیات تقوی است و بهترین صفات قلب ایمان است

## كِر السعاده ما سعده بنا صادعنا مبر ارب سالنا

بهترین شهادت ها شهادتی است که پیش از آنکه بپرسند ادا شود

## كِر السعوك م. ادى سعاده مبر ارب سالنا

بهترین شاهدان کسی است که پیش از آنکه بپرسند شهادت دهد

## كِر الصداهم اسره

بهترین مهرها آنست که سبکتر باشد

## كِر الصدقه ما اسره عى و الد الفلنا كِر م. الد السهرى و ادا م. بفر

بهترین صدقه ها آنست که چیزی پس از آن بجای ماند، و دست دهنده بهتر از دست گیرنده است و صدقه را از نانخوران خود آغاز کن

### كِر الصدقه ما كار ع. طر عى

بهترین صدقه آنست که با فراخ دستی انجام دهند

### كِر الماده اصمنا

بهترین عبادت ها آنست که پنهان تر است

### كِر الفمرا ا. بامر م الدنيا و لسانك رطه م. ذكر الله

بهترین کارها آنست که هنگام مفارقت از جهان زیانت به نام خدا گویا باشد

### كِر الفمرا ما بع و كِر العدى ما ابع

بهترین اعمال آنست که سودمند باشد و بهترین هدایتها آنست که پیروی کنند

### كِر الكسر كسر يد الفامر اذا بصم

بهترین کسبها کسبی است که کارگر با دست کند اگر با دقت انجام گیرد

### كِر المعالم اوسمنا

بهترین مجالس آنست که وسیع تر باشد

### كِر المسلم م. سلم المسلمو م. بده و لسانه

بهترین مسلمانان کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در امان باشند

### كِر الاسم احسنه كلها

بهترین مردم کسانی هستند که اخلاقشان نیک تر باشد

**كسر الناس امر وجه و اقصه مي كـم. الله و اعانه لله و امرجه بالمهروم و اعانه عم. المكر و اوصلعه للرحم**

بهترین مردم کسانی هستند که قرآن بهتر خوانند و در کار دین داناتر باشند و از خدا بیشتر ترسند و به نیکی بیشتر امر کنند و از بدی بیشتر جلوگیری کنند و با خویشاوندان بیشتر نزدیک شوند

**كسر الناس اقصه للناس**

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر باشد

**كسر الناس موم. مصر يعطى حصه**

بهترین مردم مؤمن فقیری است که بقدر توانائی خود انفاق کند

**كسر الناس م. اسع به الناس**

بهترین مردم کسی است که مردم از او منتفع شوند

**كسر الناس م. طال عمره و حس. عمله و سر الناس م. طال عمره و سا عمله**

بهترین مردم کسی است که عمرش دراز و رفتارش نیک باشد و بدترین مردم کسی است که عمرش دراز و رفتارش بد باشد

**كسر النسا الی سره اذا نظر و بطفه اذا امر و لا كالهه می بسسا و لا مالها بها بكره**

بهترین زنان آنست که وقتی مرد بدو نگرد مسرور شود و وقتی بدو فرمان دهد اطاعت کند و با تن و مال خود بر خلاف رضای شوهر کاری نکند

**كسر النسا الولود الودود**

بهترین زنان زن مهربانی است که فرزند بسیار آورد

## كر السام. سر ك ادا ابصر. و بطمك ادا امر. و كط عسك مي بسعا و مالك

بهترین زنان آنست که وقتی بدو نگری ترا مسرور کند و وقتی فرمان دهی اطاعت کند و تن خویش و مال تو را در غیابت محفوظ دارد

## كر النكام اسره

بهترین ازدواجها آنست که آسان تر انجام گیرد

## كر ابوا. الر الصدقه

بهترین راه های نیکی صدقه دادن است

## كر اكواك م. احدی الك عیوك

بهترین برادران شما آنست که عیوبتان را بشما آشکارا بگوید

## كر سر می المسلم. سر مه سم كسر. الله و سر سر می المسلم. سر مه سم سا الله انا و كامر السم

## می الله كدا

بهترین خانه های مسلمانان خانه ایست که در آن یتیمی باشد و باو نیکی کنند و بدترین خانه های مسلمانان خانه ایست که در آن یتیمی باشد و با او بدی کنند من کسی که کفالت یتیم را بعهده بگیرد در بهشت مانند دو انگشت همراهیم

## كر سوک سر مه سم مكرم

بهترین خانه های شما خانه ایست که در آن یتیمی محترم باشد

## كر كسك الورع

بهترین صفات دین شما پرهیزکاری است

## كِر ذِكْكَ اسْرَه

بهترین کارهای دین شما آنست که آسانتر است

## كِر سَبَابْكَ مِمَّ سَبَهَ بِالْكَوَلِ وَ سِرْ كَوَلْكَ مِمَّ سَبَهَ سَبَابْكَ

بهترین جوانان شما آنست که رفتار پیران پیش گیرد و بدترین پیران شما آنست که روش جوانان داشته باشد

## كِر صَعُوفِ الرِّجَالِ اَوْلَا وَ سِرْحَا اَكْرَحَا وَ سِرْ صَعُوفِ النِّسَاءِ اَوْلَا وَ كِرْحَا اَكْرَحَا

بهترین صف های مردان صف اول است و بدترینش صف آخر است و بدترین صف های زنان صف اولست و بهترینش صف آخر است

## كِر طِبْرِ الرِّجَالِ مَا طَبَّرَ رُكَّهَ وَ كِرِ طِبْرِ النِّسَاءِ مَا طَبَّرَ لُؤْهَ وَ كِرِ رُكَّهَ

بهترین عطر مردان آنست که بویش عیان و رنگش نهان باشد و بهترین عطر زنان آنست که رنگش عیان و بویش نهان باشد

## كِرْكُكَ اِرْبَدَّكَ مِی الدِّسَا وَ اِرْعَبْكَ مِی الْاَكْرَه

بهترین شما کسی است که دنیا بی رغبتتر و بآخرت راغب تر است

## كِرْكُكَ اِسْلَامًا اِحْسَابُكَ اِحْلَامًا اِذَا مَعُوا

از میان شما اسلام آن کس بهتر است که اخلاقش نیک تر است اگر در کار دین دانا باشند

## كِرْكُكَ الْمَدَامِعِ عَمَّ عَسْرَهَ مَا لَمْ يَلْم

بهترین شما کسی است که از طایفه خود دفاع میکند بشرط آنکه در این راه مرتکب گناه نشود

## كِرْكُكَ كِرْكُكَ لَاحِلَهَ وَ اِنَا كِرْكُكَ لَاحِلَهَ مَا اَكْرَمَ النِّسَاءِ اَلَا كِرْمَهَ وَ لَا اِحْسَابُ اِلَّا لِم



بهترین شما کسی است که برای کسان خود بهتر است، من از همه شما برای کسان خود بهترم، بزرگ مردان زنان را گرامی شمارند و فرومایگان زنان را خوار دارند

### حرفه حرفه لسا

بهترین شما کسانی هستند که برای زنان بهترند

### حرفه حرفه لسانه و لسانه

بهترین شما کسی است که برای زنان و دختران خود بهتر باشد

### حرفه م. اعانه الله علی همه مملکتا

بهترین شما کسی است که خداوند کمکش کرده و بر خویشتن تسلط یافته است

### حرفه م. بعله المرار و علمه

بهترین شما کسی است که قرآن را را تعلیم گیرد و تعلیم دهد

### حرفه م. له سره لسانه و لا کسانه لاکره و له بکم. کلا علی الناس

بهترین شما کسی است که آخرت خود را برای دنیا از دست ندهد و دنیای خود را برای آخرت از دست نگذارد و سربار مردم نباشد

### حرفه م. برخی کره و نوم. سره و سرکه م. لا برخی کره و لا نوم. سره

بهترین شما کسی است که بخیرش امید توان داشت و از شرش امان توان یافت و بدترین شما کسی است که بخیرش امید و از شرش امان نیست

### حرفه نوم. الساخه و حرفه لعلو المراره المهرار

بهترین سرگرمی مؤمن شناسست و بهترین سرگرمی زن دستگاه نخ ریسی است

**كِر ما اعطى الناس كرم حس.**

بهترین چیزی که به مردم داده اند خوی نیکست

**كِر ما اعطى الرخ الموم. كرم حس. و سر ما اعطى الرخ مله سو می صوره حسه**

بهترین چیزی که به مردم داده اند خوی نیک است و بدترین چیزی که به مردم داده اند سیرت بد است در صورت نیک

**كِر ما الهی می الهی الهی.**

بهترین صفتی که در قلب نهاده اند ایمان است

**كِر ما كرم ا لاسار. هده بلا - ولد سالم بدعو له و صدقه كرمی سلمه اخرجا و علم سبع نه م.**

**هده**

بهترین چیزی که انسان پس از خود وامی گذارد سه چیز است فرزند پارسا که برای او دعا کند و صدقه جاری که پاداش آن بدو رسد و دانشی که پس از وی از آن بهره مند شوند

**كِر مساحد النساء مهر سوس.**

بهترین مسجد زنان کنج خانه آنها است

**كِر سا امی اصیكم. و حیا و املی. معرا**

بهترین زنان امت من کسانی هستند که رویشان نکوتر و مهرشان کمتر است

**كِر ساسك المصه العلمه عصفه می مر حیا علمه علی روحا**

بهترین زنان شما زن عقیف راغب است که در ناموس خود عفت و به شوهر خود رغبت داشته باشد

كِر سَاكِمَ الْوَلُوْدِ الْوَلُوْدِ الْمَوَاسِمِ الْمَوَاسِمِ اِذَا اَمِنَ. اللهُ وَ سِر سَاكِمَ الْمَرْحَا- الْمَكِيَلَا- وَ حَم.  
الْمَاغَا- لَا يَكْر الْعِيه مَسِر. الْا مِر الْفِرَا- الْاَعَصِمِ

بهترین زنان شما زن بچه آور مهربان است که شریک و مطیع شوهر باشد اگر از خدا بترسند و بدترین زنان شما آرایش کنان و متکبرانند و آنان منافقانند و از آنها جز باندازه کلاغی که خط سفید بگردن دارد بهشت نمیروند

كِر حَم. اسِر حَم. صَا مَا

بهترین زنان آنست که مهرش آسانتر باشد

كِر- سِر. السَّاعِه وَ سِر. اِر. يَكْر سَطِر اَمِي الْعِيه فَكِر- السَّاعِه لَا سَا اَعِد وَ اَكِي ا بَرُو سَا لِلْمَوَمِسِر.  
الْمَعِر. لَا وَ لَكِي لِلْمَكَمِسِر. الْمَلُوَسِر. الْعَطَاسِر.

مرا مخیر ساختند که شفاعت کنم یا یک نیمه امتم بهشت در آیند و من شفاعت را اختیار کردم زیرا دامنه آن وسیعتر و کفایت آن بیشتر است، تصور می کنید شفاعت برای مؤمنان پرهیزکار است؟ نه بلکه برای گنهکاران آلوده خطا کار است

كِر سَلِيْمَا. سِر. الْمَالِ وَ الْمَلِكِ وَ الْمَلِكِ فَكَا سِر الْمَلِكِ فَا عَطِي الْمَلِكِ وَ الْمَالِ لَا كَسَا رِه الْمَلِكِ

سلیمان پیغمبر را میان ملک و دانش مخیر کردند دانش را بر گزید ملک را نیز بدو دادند برای آنکه دانش را برگزیده بود

الْعِر الصَّالِمِ لِي بِه الرِّحَا الصَّالِمِ وَ الْعِر السُّو لِي بِه الرِّحَا السُّو

خبر خوب را مرد خوب آرد و خبر بد را مرد بد

الْعِر مِ سُو فِ وَ الرَّحْمِ مِم.

خشونت شئامت است و مدارا میمنت

الْعَطِ الْعَمِسِر. بَرِيكِ الْعَمِ وَ صَا

خط نیکو وضوح حق را افزون میکند

**العلم العسر. بصب العطانا كما بصب الها العلبد و العلم السو بصب الفمز كما بصب العز الفسر**

خوی نیک گناهان را محو میکند چنان که آب یخ را ذوب میکند و خوی بد اعمال را فاسد میکند چنان که سرکه غسل را تباه میکند

**العلم كله عيال الله ما حبه الى الله انهمه لهاله**

مردم همه عیال خدایند و محبوب ترین کسان پیش خدا کسی است که برای عیال وی سودمندتر باشد

**العمر ام العمان م. سرنا له بصر صلا به اربهم. بوما ما. ما- و حی می بطنه ما- منه خاجله**

شراب مادر ناپاکیهاست، هر که بنوشد چهل روز نمازش پذیرفته نشود و اگر بمیرد و شراب در شکم او باشد چنانست که در دوران جاهلیت مرده باشد

**العمر ام الفواحم و اکر الکمار م. سرنا ومع عز امه و کاله و عمه**

شراب مادر بدیهاست و از همه گناهان بزرگ بزرگتر است هر که آن را بنوشد باک ندارد که با مادر و خاله و عمه خود زنا کند

**العمر جماع الانا**

شراب مجموعه گناهان است

**العنه لمر الفهر**

خیانت مایه فقر است

**العمر کسر و م. بصر به ملبر**

خوبی بسیار است و کسی که بدان عمل کند اندک

## الکر مع اکارکم

خوبی همراه بزرگان شماست

الکر معفوک سواصی الکر الی نوم الهمامه و المصعم علی الکر کالناسط که بالهمه لا یصصا

نیکی تا قیامت به پیشانی اسبان بسته است خرج اسب چون نفقه ضروریست و نباید از آن امساک کنند

الکر معفوک سواصیا الکر الی نوم الهمامه الاخر و المصعم

نیکی یعنی پاداش و غنیمت تا قیامت به پیشانی اسبان بسته است

الکر معفوک سواصیا الکر و الکر الی نوم الهمامه و اخلنا معانور علینا و المصعم علینا کناسط بده می صدقه

نیکی و کامروائی تا قیامت به پیشانی اسبان بسته است و اسب داران بوسیله آن معونت بینند و کسی که برای اسب خرج کند چنانست که صدقه داده باشد

الکر معفوک می سواصیا الکر الی نوم الهمامه و اخلنا معانور علینا عامسکوا سواصیا و ادعوا لنا بالکره و

معدوفا و لا یعدوفا الاونار

نیکی تا روز قیامت به پیشانی اسبان بسته است و اسب داران بوسیله آن کمک بینند به پیشانی اسب دست بکشید و برای آن برکت بخواهید چیز بدان بیاویزید ولی زه کمان بیاویزید

داووا مرصاکم بالصدقه فانما بدمع عکم الامراض و الاعراض

بیماران خود را بوسیله صدقه علاج کنید زیرا صدقه امراض و اعراض را از شما دفع میکند

ذ- الصد دا الامم مبلکم التسد و البصا حی العاله حاله الدم. لا حاله السمر و الادی سم محمد  
 سده لا بکلوا لکنه حی نوموا و لا نوموا حی کانا املا اسمکم سی اذا معلوموه کاسم امسوا السلام  
 سک

مرض امتهای قبل در شما نفوذ کرده است حسد و دشمنی که سترنده است اما نه سترنده موی بلکه سترنده دین است بخدائی که جان  
 محمد بکف اوست بیهشت نمی روید تا مؤمن شوید و مؤمن نشوید تا یک دیگر را دوست دارید آیا میخواهید شما را بچیزی خبر دهم که اگر  
 انجام دهید، یک دیگر را دوست دارید، به همدیگر سلام کنید

ذکلب العنه فاذا اکر اهلنا الله

بیهشت در آدم و بیشتر اهل آن ابلهان بودند

ذکلب العنه مراب علی ناسا الصدقه بفسره و الفرص بفسره عسر معلی نا حرب کف صار- الصدقه  
 بفسره و الفرص بفسره عسر مال لار الصدقه بفع می بد الهی و الفسر و الفرص لا بفع الا می بد م. کنام  
 اله

بیهشت در آدم و بر در آن نوشته دیدم، صدقه را ده برابر پاداش است و قرض را هیجده برابر پاداش، گفتم ای جبرئیل چگونه صدقه را ده  
 برابر و قرض را هیجده برابر پاداش دهند، گفت برای آنکه صدقه بدست بی نیاز و نیازمند افتد و قرض جز بدست محتاجان نیفتد

ذکلب العنه مراب می عارصی العنه مکونا بلا نه اسطر بالدم السطر الاول لا اله الا الله محمد رسول  
 الله و السطر البالی ما مدما و حدنا و ما اکلنا رگنا و ما کلما کسربا و السطر البالی امه مدینه و ر-  
 عهور

بیهشت در آدم و دیدم که در دو نمای آن سه سطر بطلا نوشته بود سطر اول چنین بود: «خدائی جز خدای یگانه نیست و محمد پیغمبر  
 خداست» و سطر دوم چنین بود: «آنچه را از پیش فرستادیم یافتیم و آنچه را مصرف کردیم از آن سود بردیم و آنچه را عقب گذاشتیم از  
 دست دادیم» سطر سوم چنین بود: «امتی گناهکار است و پروردگاری بخشنده»

**دَعَا امْرَأَةَ الْبَارِئِ فِي حَرِّهِ رِبَطًا مَلِكًا يَطْمَعُهَا وَ لَمْ يَدْعُهَا بِأَكْرَمٍ مِنْ كَسَابِ الْأَرْضِ حَتَّى مَاتَ**

زنی بجهنم رفت برای آنکه گریه ای را بسته بود و چیزی بدو نخورانید و نگذاشت از چیزهای زمین بخورد تا بمرد

**دَرَجَةُ الرَّحْمَةِ بِعَمِّ مِي صَكَّةَ كَرْمٍ مِنْ عَمِّ رَمِيهِ عِنْدَ مَوْبِهِ**

درهمی که انسان در حال صحت در راه خدا خرج کند بهتر از بنده ای است که هنگام مرگ آزاد کند

**دَرَجَةُ رَبِّهَا بِأَكْلِهِ الرَّحْمَةَ وَ حَوْضِهَا أَسَدٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَهِّهِ وَ بِلَا سَهِّهِ رَمِيهِ**

یک درهم ربا که انسان دانسته گیرد در نظر خدا بدتر از سی و شش زناست

**دَعَا الْأَمْرَ لَأَكْبَهُ بَطْرِ الْمَرْءِ لَا يَرُدُّ**

دعائی که برادر پشت سر برادر خود کند ردشدنی نیست

**دَعَا الْمَكْسِبِ إِلَهَ لِلْمَكْسِبِ لَا يَرُدُّ**

دعائی که نکوئی دیده برای نکوکار کند ردشدنی نیست

**دَعَا الْمَرْءُ الْمُسْلِمَ مَسْكًا لَأَكْبَهُ بَطْرِ الْمَرْءِ عِنْدَ رَأْسِهِ مَلِكٌ مُوَكَّلٌ بِهِ كَلِمًا دَعَا لَأَكْبَهُ كُنْ مَالٌ**

**الْمَلِكُ أَمْوَالٌ وَ لِكُمْ مِمَّنْ دَلَّ**

دعای مرد مسلمان که پشت سر برادر خود کند پذیرفته شود بر سر او فرشته ای موکل است و هر دم برای برادر خود دعائی کند گوید پذیرفته باد و برای تو نیز نظیر آن باشد

**دَعَا الْوَالِدَ لَوْلَدِهِ كَدَعَا الْوَالِدِ لِأَمَتِهِ**

دعائی که پدر برای فرزند کند مانند دعائیست که پیغمبر برای امت میکند

## دعای مز و مال و کسره السوال و اصاعه المال

از قیل و قال و کثرت سؤال و تلف کردن مال در گذر

## دعای ما برکت الی ما لا برکت ما. الصدم سبی

از آنچه شبهه ناک است بگذر و آنچه را شبهه ناک نیست بر گیر که راستی مایه نجات است

## دعای ما برکت الی ما لا برکت ما. ل. کد مهد سی برکته لله

از آنچه شبهه ناک است در گذر و آنچه را شبهه ناک نیست برگیر زیرا فقدان چیزی را که برای خدا رها کرده ای احساس نخواهی کرد

## دعای ما برکت الی ما لا برکت مم. رعی حول النبی بوسک. ا. سع مه

از آنچه شبهه ناک است در گذر و آنچه را شبهه ناک نیست بر گیر زیرا هر که در اطراف قرق گوسفند چراند ممکن است در آن افتد

## دعوا النساء الفامر و بروحوا السودا الولود مالی اکار بکم الهمه نوم السمه

زیبای عقیم را بگذارید و با سیاه بچه آور ازدواج کنید که من روز رستاخیز بغزونی شما بر امت های دیگر تفاخر میکنم

## دعوا الدنيا لا حلتا م. احد م. الدنيا موم ما بکسه احد حبه و حو لا سمر

دنیا را باهل آن واگذارید، هر که از دنیا بیش از حاجت خود فرا گیرد، هلاک خویش را گرفته و نمیداند

## دعوا الناس بررم الله بھصم بھصم

بگذارید خداوند بعضی مردم را بوسیله بعضی دیگر روزی دهد

## دعوا الناس بصر بھصم م. بھصم ما. اسبصم احدک احاه بلسبصه

بگذارید مردم از یک دیگر فائده برند و وقتی یکی از شما از برادر خویش مشورت خواست رأی خوت را باو بگوید



دَعْوَةُ الْمَطْلُوبِ مُسْتَكْبَهُ وَ إِنْ كَانَ مَا خَرَا مَعْكُورَهُ عَلَى نَفْسِهِ

دعای ستمدیده پذیرفته است اگر چه بد کار باشد بد کاری او مربوط بخودش است

دَعْوَانِ لَسْمِ سَعْمَا وَ سَمِ اللَّهِ حَتَّى دَعْوَةُ الْمَطْلُوبِ وَ دَعْوَةُ الْمَرْءِ لِأَخِيهِ بَطْرِ الْمَرْءِ

دو دعاست که میان آن و خدا پرده ای نیست، دعای ستمدیده و دعائی که مرد پشت سر برادر خود کند

دَعْوَةُ مِي السَّرِّ بِكُلِّ سَمِيمٍ دَعْوَةُ مِي الْمَلَأَنَةِ

یک دعای نهانی مساوی هفتاد دعای آشکار است

دَلِيلُ الْعَمْرِ كَعَاغَلِهِ

رهبر نیکی چون نکوکار است

دُورُوا مَعَ كَمَا اللَّهُ حَسْبَا دَارِ

پیوسته پیرو کتاب خدا باشید

دَسَارُ الْعَمَلِ مِي سَمِيرِ اللَّهِ وَ دَسَارُ الْعَمَلِ مِي رَمِيهِ وَ دَسَارُ بَصَدْمِهِ نَهْ عَلَى مَسْكَمٍ وَ دَسَارُ الْعَمَلِ عَلَى أَحْلِكِ

اعطمتما اخرا الذي اعطيه على احلك

دیناری در راه خدا خرج کرده ای و دیناری برای آزاد کردن بنده ای داده ای و دیناری بینوائی صدقه کرده ای و دیناری خرج کسان خود کرده ای، بهتر از همه دیناریست که خرج کسان خود کرده ای

دَمِ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَ هَمِ لَا عَمْرَ لَهُ لَا دَمِ لَهُ

دین مرد عقل اوست و هر که عقل ندارد دین ندارد

**الدار حرم موم. ذکر علی حرمک مامله**

خانه حرم است و هر که بی اجازه به حرم تو در آمد او را بکش

**الداعی و الموم. می الاخر سربکار. و الفاری و المسمع می الاخر سربکار. و الفالغ و المصلغ می الاخر سربکار.**

آنکه دعا میکند و آنکه آمین گوید در پاداش شریکند و قاری و مستمع در پاداش شریکند و دانشمندی و دانش آموز در پاداش شریکند

**الدال علی العر کفعله و الله کبر اعانه اللعار.**

رهبر نیکی چون نکوکار است و خداوند فریادرسی بیچارگان را دوست دارد

**الدعا س. الاذان. و ا لاقامه لا ترد**

دعائی که میان اذان و اقامه کنند رد نمیشود

**الدعا حدم. احنا الله کبرک الفضا بعد ا. س. م**

دعا سپاهی از سپاهیان مجهز خداست و قضای محتوم را دفع می کند

**الدعا سلام الموم.**

دعا سلاح مؤمن است

**الدعا معاصم الركعه و الوصو معاصم الصلاه و الصلاه معاصم العنه**

دعا کلید رحمت و وضو کلید نماز است و نماز کلید بهشت

**الدعا هو المعاده**

دعا عبادت است

## الدعا برد بالا

دعا دافع بلاست

الدعا برد الهضا و ابر البر برد می الررم و ابر الهضد لكره الررم بالدس بصبه

دعا دفع قضا کند و نیکی روزی را بیفزاید و بنده بوسیله گناهی که مرتکب شود از روزی خود محروم ماند

الدعا سبعها بر و مها لم سرر معلقم عما الله بالدعا

دعا در باره آنچه فرود آمده و آنچه نیامده مفید است بندگان خدا از دعا غافل مشوید

الداسر و الدراحم كوامم الله می ارضه م. حا كانه مولاة مصبر خاحه

دینارها و درهمها مهرهای خدا در روی زمین است و هر که مهر آقای خود را بیاورد حاجتش بر آورده شود

الدسا خلوه كصره ممر. اددا لله نورك له مسا و ر- منكوص مما اسعبر نسه لس له نوم الفنامه

الا البار

دنیا شیرین و دوست داشتنی است هر که از آن مطابق حق بهره گیرد بر او مبارکباد و بسا کسان که در خواهشهای خود فرو روند و روز قیامت نصیبی جز آتش ندارند

الدسا حرام عن احد الاكره و الاكره حرام عن احد الدسا و الاكره حرام عن احد الله

دنیا بر اهل آخرت حرام است و آخرت بر اهل دنیا حرام است و دنیا و آخرت بر اهل خدا حرام است

الدنيا كصره خلوه م. اكسر معا مالا م. حله و ابعه مي چه اناه الله عليه و اورده حبه و م. اكسر  
معا مالا م. عر حله و ابعه مي عر چه اجله الله دار العوا.

دنیا شیرین و دوست داشتنی است هر که در دنیا مالی از حلال بدست آورد و به حق خرج کند، خدایش پاداش دهد و بیهشت در آورد هر که مالی از غیر حلال به دست آورد و بناحق خرج کند خدا او را بجهنم در آورد

الدنيا دار م. لا دار له و مال م. لا مال له و لنا جمع م. لا عر له

دنیا خانه کسی است که خانه ندارد و مال کسی است که مال ندارد و کسی برای دنیا مال فراهم میکند که عقل ندارد

الدنيا ذور مما كار لك اناك عر صعب و ما كار معا عليك لم بدمه بعوت

دنیا متغیر است منفعتی که نصیب تو است اگر ضعیف هم باشی بتو میرسد و ضرری را که نصیب توست دفع آن بقوت نتوانی کرد

الدنيا سبه انا م. انا الاكره

عمر دنیا مساوی هفت روز از روزهای آخرتست

الدنيا سكر الموم. و حبه الكامر

دنیا زندان مؤمن است و بهشت کافر

الدنيا ماع و كرم ماعنا المراه الصائمه

دنیا متاعی است و بهترین متاع آن زن پارساست

الدنيا ملعونه ملعون ما صا الا امرا بالمعروف او سا ع. مكر او ذكر الله

دنیا ملعون است و هر چه در آنست ملعون است جز امر بمعروف و نهی از منکر یا ذکر خدا

**الدنيا ملعونه ملعون ما صلا الا ذكر الله و ما والا و عالما او معلما**

دنیا ملعون است و هر چه در آنست ملعون است مگر ذکر خدا و متعلقات آن و دانشمند یا دانش آموز

**الدنيا ملعونه ملعون ما صلا الا ما صلا الله عر و حر**

دنیا ملعون است و هر چه در آنست ملعون است مگر آنچه برای خداوند باشد

**الدنيا ملعونه ملعون ما صلا الا ما اسمى به وحه الله عر و حر**

دنیا ملعون است و هر چه در آنست ملعونست مگر چیزی که رضای خدا بدان جویند

**الدوا من الدر و مد سبع نادى الله تعالى**

دوا از وسائل تقدیر است و به فرمان خدا فایده میدهد

**الدواوم. لا به مدبوا. لا بهر الله مه سبا و دبوا. لا بهو الله نه سبا و دبوا. لا سر الله مه سبا**

**ماما دبوا. الدى لا بهر الله مه سبا ما لاسرا بالله و اما دبوا. الدى لا بهو الله مه سبا مطلق**

**المد بهه صبا سه و م. ره م. صوم نوم برکه او صلاه برکما ما. الله بهر دلک ا. سا و نکاور و**

**اما دبوا. الدى لا سر الله مه سبا مطلق الهاد سبع الهصاصم لا قاله**

برای اعمال بندگان سه دفتر هست دفتری که خدا چیزی از آن را نمی آموزد و دفتری که خدا بدان اهمیت نمیدهد و دفتری که خدا از هیچ چیز آن نمیگذرد دفتری که خدا چیزی از آن را نمی آموزد، شرک بخداست و دفتری که خدا بدان اهمیت نمیدهد ستمی است که بنده میان خود و خدا بخوبیستن کرده است مانند روزه ای که خورده یا نمازی که ترک کرده است و خداوند اگر بخواهد آن را ببخشد و از آن درگذرد، دفتری که خداوند از هیچ چیز آن نمیگذرد ستمهایی که بندگان بیکدیگر کرده اند و ناچار باید تلافی شود

**الدم. النصحه**

کمال دین خیر خواهی است

الدم. دسار. مم. ما. و جو سوی مصاه مانا وله و م. ما. و لا سوی مصاه مكاك الدي بوحده  
م. حساه لم بومك دسار و لا درعم

دو جور قرض هست هر که بمیرد و در دل دارد که قرض خود را بپردازد من ولی او هستم و هر که بمیرد و در دل دارد قرض خود را ندهد، در مقابل آن از اعمال نیک وی بردارند زیرا در آن روز دینار و درهمی نیست

الدم. راه الله می الارص ماذا اراد ا. بکل عبدا وصفا می عبه

قرض پرچم خدا در روی زمین است و هر که را خواهد ذلیل کند آن را بگردنش می گذارد

الدم. سر. الدم.

قرض مایه خواری دین است

الدم. مع بالبر و مدله بالعار

قرض غم شب و ذلت روز است

الدم. بعمم م. الدم. و التمس

قرض دین و بزرگی را بکاهد

ذاکر الله می العالم. بمرله الصابر می العارم.

آنکه در میان غافلان یاد خدا کند چنانست که در میان فراریان جنگ ثبات ورزد

**ذاکر الله** می‌تواند. **میرا الذی یغایر ع. العارم.** و **ذاکر الله** می‌تواند. **کالمصنعم** می‌تواند. **المطلوع** و **ذاکر الله** می‌تواند. **کمز السکره العصره** می‌تواند. **وسط السکر الذی مد کا. م. الصرید** و **ذاکر الله** می‌تواند. **بهره الله** معصمه. **الله** و **ذاکر الله** می‌تواند. **بهره الله** له **بهد کر مصمم** و **اعنه**

آنکه در میان غافلان یاد خدا کند چون آن کس است که از فراریان جنگ دفاع کند و آنکه در میان غافلان یاد خدا کند چون چراغ در خانه تاریک است و آنکه در میان غافلان یاد خدا کند چون درخت سبز است در میان درختانی که از سرما بر گریزان کرده و آنکه در میان غافلان یاد خدا کند جایگاهش را در بهشت باو بنمایاند و آنکه در میان غافلان یاد خدا کند بشماره هر زباندار و گنگ او را بیامرزد

### **ذیوا ع. اعراضکم ناموالکم**

با اموالتان از آبرویتان دفاع کنید

### **ذیم الرخا ا. برکه می و حنه**

سر بریدن مرد آنست که در حضورش تمجید وی کنی

### **ذروا النساء الفهم و علیکم بالسودا الولود**

زن خوبروی نازا را واگذارید و سیاهی که فرزند بسیار آرد برگزینید

### **ذروه ساء ا لاسلا و العناد می سیر الله لا ناله الا امصلعم**

اوج مسلمانی جهاد در راه خدا است که جز مسلمانان برجسته بدان نرسند

### **ذکر الله سها الهلو-**

یاد کردن خدا شفای دلهاست

## الذکر حر م. الصدقه

یاد کردن خدا از صدقه دادن بهتر است

## ذی القابل ذی واحد و ذی العاقل ذیما

گناه دانا یک گناه است و گناه نادان دو گناه

## الذی سوف علی عر ماعله ای عره اسیر نه و ای اعانه اله و ای رصی نه سارکه

گناه برای غیر گنهکار نیز شوم است که اگر او را عیب کند بدان مبتلا شود و اگر غیبت او کند گنهکار شود و اگر بدان رضا دهد شریک وی باشد

## ذی لا بهر و ذی لا سرک و ذی بهر ماما الذی لا بهر مالمسک بالله و اما الذی بهر مکر

## المکر سه و م. الله عر و حر و اما الذی لا سرک مطلق المهاد بمصعبه مصفا

گناهی هست که بخشیدنی نیست و گناهی هست که از آن چشم نپوشند و گناهی هست که بخشیده تواند شد آنچه بخشیدنی نیست شرک بخدا است و آنچه بخشیده تواند شد گناه بنده میان خود و خدای عز و جل است اما آنچه از آن چشم نپوشند ستم کردن بنده گان به یک دیگر است

## ذی بهر و ذی لا بهر و ذی کاری نه ماما الذی لا بهر مالمسک بالله و اما الذی

## الذی بهر مملک سک و م. ربک و اما الذی کاری نه مطلق احاد

گناهی هست که بخشیده تواند شد و گناهی هست که بخشیدنی نیست و گناهی هست که سزای آن دهند اما گناهی که بخشیدنی نیست شرک بخداست اما گناهی که بخشیده تواند شد عملی است که میان خود و خدا کرده ای اما گناهی که سزای آن دهند ستمی است که برادر خویش کنی

## ذو الدرهم. اسد حسانا م. ذی الدرهم و ذو الدارم. اسد حسانا م. ذی الدار



آنکه دو درهم دارد حساب وی از صاحب یکدرهم سختتر است و آنکه دو دینار دارد حساب وی از صاحب یک دینار سختتر است

**دو الوحسب. می الدسا نالی نوم العمامه و له و حبا. م. نار**

هر که در دنیا دورو باشد روز قیامت بیاید و دو رو از آتش داشته باشد

**دو الوحسب. لا بکول. و حبا**

دو رو آبرومند نخواهد بود

**دوسب النبوه فلا نبوه بعدی الا المسرا۔ الروبا الصالحه تراحا الرجز او نری له**

پیمبری بیایان رسید و پس از من پیمبری نیست مگر مزده رسانها و آن خوابهای نیکوست که مرد بیند یا برای او بینند

**راس الحکمه عامه الله**

اساس حکمت ترس خداست

**راس الحکمه مفرمه الله**

اساس حکمت خداشناسی است

**راس الکدم. الورع**

اساس دین پرهیزکاری است

**راس الکدم. البصیحه لله و لدسه و لرسوله و لکتابه و لانعمه المسلم. و للمسلم. عامه**

اساس دین خیر خواهی برای خدا و دین خدا و پیغمبر خدا و کتاب خدا و پیشوایان مسلمانان و همه مسلمانانست

**راس الفکر المکاراه و اجر المبروم می الدسا اجر المبروم می الاکره**

اساس عقل مداراست و نیکوکاران دنیا نیکوکاران آخرتند

راس المهر بعد ا لانهار بالله الودك الى الناس و اصطناع المهرود الى كبر و ماخر

اساس عقل پس از ایمان بخدا دوستی با مردم و نیکوکاری با نیک و بد است

راس المهر بعد ا لانهار بالله الودك الى الناس و ما سمنی رخر عم. مسوره و ا. احد المهرود می الدسا  
مع احد المهرود می الاصره و ا. احد المکر می الدساع احد المکر می الاصره

اساس عقل پس از ایمان بخدا دوستی با مردم است هیچ کس از مشورت بی نیاز نیست: نیکوکاران این جهان نیکوکاران آن جهانند و بدکاران این جهان بدکاران آن جهانند

راس المهر بعد ا لانهار بالله العنا و حس. العلم

اساس عقل پس از ایمان بخدا حیا و نیکخوئی است

رای عسی م. مرفه رخلا سرم معال له ا سرم مال كلا و الدی لا اله الا هو و مال عسی امس بالله  
و كبر عسی

عیسی بن مریم مردی را دید که دزدی میکند، بدو گفت آیا تو دزدی کرده ای؟ گفت بخدائی که جز او خدائی نیست نه، عیسی گفت من بخدا ایمان دارم و چشم من خطا کرده است

رونا الموم. حر م. ارفهم. حر م. الموه و می عمر رخر طار ما له كد سا مادا كد سا سعط و لا  
كد سا الا لسا او حسا

رؤیای مؤمن یکجز از چهل جزء پیغمبری است رؤیا تا موقعی که از آن سخن نگویند به پای مرغی بسته است و وقتی از آن سخن گویند خواهد افتاد، بنا بر این خواب خود را جز بمرد خردمند یا دوست صمیمی مگوی

روبا الموم. حر م. سه و اربم. حر م. الموه

رؤیای مؤمن یک جزء از چهل و شش جزء پیغمبری است

روبا الموم. کلا م کله به المهد ره می المام

رؤیای مؤمن سخنی است که خداوند در خواب با بنده خود گوید

ر- اسمع امر ذی طهرم. سمو عنه اعن. الاسم لو اسمع علی الله لآره

چه بسا ژولیده گرد آلود که دو لباس کهنه دارد و چشم مردم از او بیزار است اگر از جانب خدا تعهدی کند خداوند انجام دهد

ر- حامر مه عر مه و م. له سهفه علمه صره حمله امرا الهرا. ما سا م. له سهقه ملسه مهروه

بسا کسان که حامل دانشند اما دانا نیستند هر که علمش سودش ندهد جهلش زیانش رساند قرآن تا موقعی خوان که ترا از بدی جلوگیری کند و اگر جلوگیری نکند قرآن نمی خوانی

ر- صامه لسم له م. صامه الا النوع و ر- صامه لسم له م. صامه الا السر

بسا روزه دار که از روزه خود جز گرسنگی ثمری نبرد و بسا نماز شب گزار که از نماز خود جز بیداری سودی نگیرد

ر- طاعه ساکر اعطه احرا م. صامه صابر

بسا کسان که غذا خورند و شکر کنند و پاداششان از روزه دار صابر بیشتر باشد

ر- عامد حامر و ر- عالم ماحر ماحدروا الممال م. المماک و المکار م. المما

بسا عابد نادان و بسا دانشمند بد کار که هست از جاهلان عابد و بدکاران علما حذر کنید

ر- مامه خطه م. صامه السر و ر- صامه خطه م. صامه النوع و المطم

بسا نماز شب گزار که نصیبش از نماز فقط بیداری است و بسا روزه دار که سودش از روزه فقط گرسنگی و تشنگی است

### رحما امی اوساطعا

رحیمان امت من متوسطانند

### رحم الله المکلم. م. امی می الوصو و الطعام

خداوند از امت من آنها را که هنگام وضو و غذا مسواک می کنند رحمت کند

### رحم الله امرأ اصلم. م. لسانه

خدا رحمت کند کسی را که زبان خود را اصلاح کند

### رحم الله امرأ اکسر طمبا و اعم مصدا و مدد مصلا لئوم مهره و خاحه

خدا رحمت کند کسی را که کسب حلال کند و باعتدال خرج کند و ما زاد آن را برای روز تنگ دستی و حاجت از پیش فرستد

### رحم الله امرأ امس العصر. م. موله و اعم العصر. م. ماله

خدا رحمت کند کسی را که ما زاد گفتار خود را نگهدارد و ما زاد مال خود را خرج کند

### رحم الله امرأ سمع ما حدسا موعاه له بلعه. م. حو اوعی منه

خدا رحمت کند کسی را که سخنی از ما بشنود و حفظ کند و بکسی که بهتر از او حفظ تواند کرد برساند

### رحم الله عمدا سمکا ادا باع سمکا ادا اسری سمکا ادا مصی سمکا ادا امصی

خدا رحمت کند کسی را که هنگام فروش سهل انگار باشد و هنگام خرید سهل انگار باشد و هنگام پرداخت سهل انگار باشد و هنگام طلب سهل انگار باشد

**رحم الله عبدًا مال كرا مهم او سكر عم سو مسلم**

خدا رحمت کند بنده ای را که سخن نیک گوید و غنیمت برد یا از بد گوئی سکوت کند و سالم ماند

**رحم الله عبدًا كان لاصه عنده مظلمه في عرصم او مال مكاه ماسكله ميز ا. بوكد و لسم نه كسار  
و لا درحم ما. كان له حساب احد م. حسابه و ا. له بكر. له حساب كفلوا عنه م. سنابه**

خدا رحمت کند بنده ای را که به آبرو یا مال برادر خود تجاوزی کرده باشد و از وی حلال بود طلبد پیش از آنکه از او بازخواست کنند و دینار و درهمی نباشد اگر کارهای نیکی داشته باشد از آن به گیرند و اگر نداشته باشد از گناهان ستم دیده بر گناهان او بیفزایند

**رحم الله عبا بكر م. كسه الله و رحم الله عبا ستر م. سيز الله**

خدا رحمت کند دیده ای را که از ترس خدا بگرید و رحمت کند دیده ای را که در راه خدا بیدار ماند

**رحم الله م. حفظ لسانه و عرف رماه و اسعاصم طريعه**

خدا رحمت کند آن کس را که زبان خود را حفظ کند و روزگار خود را بشناسد و روش او راست باشد

**رحم الله والدا اعاء. ولده علم بره**

خدا رحمت کند پدری را که فرزند خود را کمک کند تا با پدر نیکی تواند کرد

**رد جواب الصاء هم كرك السلام**

جواب نامه نیز مانند جواب سلام لازمست

**ردوا السلام و عصوا البصر و احسوا الكلام**

سلام را جواب بدهید و از محارم چشم بپوشید و سخن نیک گوئید

رذوا المكط و العناط م. عز عبطا او صاطا كلم نوم الصامه ا. كي نه و لس كا

باقی مانده نخ و پارچه را پس بدهید، هر که در پارچه و نخ خیانت کند روز قیامت بدو گویند نظیر آن را بیاورد و او نتواند آورد

رضا الر- می رضا الوالد و سخط الر- می سخط الوالد

خشنودی خدا در خشنودی پدر است و آزردهی خدا در آزردهی پدر است

رضا الر- می رضا الوالد م. و سخطه می سخطهما

خشنودی خدا در خشنودی پدر و مادر است و دلگیری وی در دل گیری آنها است

رعع اعه نه رعع اعه نه رعع اعه م. اذرد اوبه عبده الكر احدما او كلما نه له بذكر الله

خاک بر سرش، خاک بر سرش خاک بر سرش که پدر و مادرش یکی یا هر دو پیش او به پیری رسند و او بهشتی نشود

رمع الفلق ع. نلا نه ع. المکون المفلو- عر عله حی بر و ع. الناب حی سسبط و ع. الصبی حی کلم

قلم از سه کس برداشته اند مجنونی که اختیار عقل خود را ندارد تا شفا یابد و خفته تا بیدار شود و طفل تا بالغ شود

رمع ع. امی العطا و السار و ما اسکرخوا علیه

خطا و فراموشی و اضطرار را بر امت من نمی گیرند

رکما. سواك امصر م. سیم. رکعه نهر سواك و دعوه می السر امصر م. سیم. دعوه می

الفلاسه و صدمه می السر امصر م. سیم. صدمه می الفلاسه

دو رکعت نماز با مسواک بهتر از هفتاد رکعت بدون مسواک است و یک دعای نهان بهتر از هفتاد دعای آشکار است و یک صدقه نهان بهتر از هفتاد صدقه آشکار است

**رکعت م. الماحز کر م. اسپ. و ساس. رکعت م. المر-**

دو رکعت نماز کسی که زن دارد بهتر از هشتاد و دو رکعت نماز عزب است

**رکعت م. المروم امصر م. سیم. رکعت م. الاعر-**

دو رکعت نماز شخص زن دار بهتر از هفتاد رکعت نماز عزبست

**رکعت م. رجز ورع امصر م. الف رکعت م. کلط**

دو رکعت نماز شخص پرهیزکار بهتر از هزار رکعت لاابالی است

**رکعت م. عالم امصر م. سیم. رکعت م. عر عالم**

دو رکعت نماز دانشمند بهتر از هفتاد رکعت غیر دانشمند است

**رکعت م. عالم بالله کر م. الف رکعت م. مکاحز بالله**

دو رکعت نماز کسی که متوجه خدا باشد بهتر از هزار رکعت کسی است که از خدا غافل باشد

**رما بی اسماعیل ما. اناکه کار. راما**

فرزندان اسماعیل تیراندازی کنید که پدرتان تیرانداز بود

**رحا. العیز طلیم**

شرط بندی روی اسب مباح است

**روامه العفه واحد علی کر کبله**

آمدن بنماز جمعه بر هر بالغی واجب است

روحوا الفلوق ساعة ساعة

دلها را ساعت بساعت استراحت دهید

ربما الله يوحدكم. مسره خمسه عامه و لا كذا م. طلع الدنيا بقر الاكره

بوی بهشت را از پانصد سال راه توان یافت ولی هر که دنیا را به عمل آخرت جوید از آن بی نصیب ماند

الراحمون. برحمهم الرکم. بارک و تعالی ارحموا م. فی الارض برحمکم م. فی السما

خداوند رحیمان را رحم میکند با آنها که در زمین اند رحم کنید تا آن که در آسمانست به شما رحم کند

الراسی و المرسی فی النار

رشوه دهنده و گیرنده در آتشند

الروبا بلاه مسری م. الله و حدیث النفس و کوف م. السطار. مادا رای احدکم روبا بکبه ملهصنا

ا. سا و ا. رای سنا بصره ملا بصره عر احد و لعه بصیر

رؤیا سه قسمت، مزده خدا و حدیث نفس است و تهدید شیطان وقتی یکی از شما خواب خوبی دید اگر خواهد برای کسان نقل کند و اگر خواب بدی دید برای هیچ کس نقل نکند، برخیزد و نماز گزارد

الروبا بلاه منا ساویر م. السطار. لکر. ا. ا. و منا ما بعه به الرجز می بطنه صراه می صامه و منا حر

م. سه و ارحم. حر م. النبوه

رؤیا سه قسم است: یک قسم تهدید شیطانست که خواهد بوسیله آن آدمیزاد را غمگین کند و قسم دیگر آرزوهاست که شخص در بیداری کند و بخواب ببیند و قسم دیگر یکجزء از چهل و شش جزء پیغمبری است

الربا بلاه و سنفور. نانا اسرحا من ا. بکم الرجز امه و ا. اربی الربا عرصم الرجز المسلم



ربا هفتاد و سه قسم است و آسانتر از همه چنانست که کسی با مادر خود زنا کند و بدتر از همه رباها تجاوز بآبروی مسلمان است

### الربا و اكر ماكر عاميه بصر الي مر

ربا اگر چه بسیار باشد سرانجام آن به کمی است

الرحال اربه سى و كره و كبر و لمه مالى الدي ناك و هطى و الكره الدي لا ناك و  
هطى و الكبر الدي ناك و لا هطى و اللهم الدي لا ناك و لا هطى

مردان چهار قسمند بخشنده و جوانمرد و بخیل و فرومایه، بخشنده آنست که بخورد و بخوراند جوان مرد آنست که نخورد و بخوراند، بخیل آنست که بخورد و نخوراند و فرومایه آنست که نه بخورد و نه بخوراند

### الرحم الصالم نالى نالكر الصالم و الرحم السو نالى نالكر السو

مرد خوب خبر خوب آرد و مرد بد خبر بد می آرد

### الرحم على ذم. كلله ملطر احدكم م. كمال

مرد بر دین یار خویشتن است بنگرید باکی دوستی میکنید

### الرحم فى طر صدقه حى هصى م. الناسم

مرد در سایه صدقه خود بیاساید تا میان مردم قضاوت کنند

### الركمه عند الله مانه حر مسم م. الكلام حر و اكر سما و سقم. الى نوم الصامه

رحمت خدا صد جزء است یک جزء را در میان خلق تقسیم کرده و نود و نه را برای روز رستاخیز نگهداشته است

### الرحم سكه م. الرکم. مم. وصلنا وصله الله و م. مطما مطمه الله

خویشاوندی رشته ای از طرف خداوند است هر که آن را پیوند دهد خدا او را پیوند دهد و هر که آن را ببرد خدا او را ببرد

**الرَّحْمَةُ مَعْلَمَةٌ بِالْمَرْسَمِ نَهْوًا م. وَصَلَى وَصَلَهُ اللَّهُ وَ م. مَطْمِئِنٌ مَطْمِئِنٌ اللَّهُ**

خویشاوندی بعرش آویخته است و گوید هر که مرا پیوند دهد خدا او را پیوند دهد و هر که مرا ببرد خدا او را ببرد

**الرَّوْمُ اسْمٌ طَلَبًا لِلْمَعْدِ م. اَحَلَّهُ**

روزی بیشتر از مرگ در جستجوی بنده است

**الرَّوْمُ إِلَى سَبْعَةِ مَهٍ سَكَا اسْرَعُ م. السَّعْرَةُ إِلَى سَمَاءِ الْمَرْوِ**

روزی بخانه ای که بخشش در آن هست از کارد بکوهان و شتر نزدیکتر است

**الرَّضَاعُ نَهْرٌ الطَّبَاعِ**

رضاع طبایع را تغییر می دهد

**الرَّعْدُ مَلِكٌ م. مَلَائِكَةُ اللَّهِ مَوْكِرٌ بِالسَّكَا - مَعَهُ كَارِمٌ م. نَارٌ سَوْمٌ نَارُ السَّكَا - حَسْبُ سَا اللَّهُ**

رعد فرشته ای از فرشتگان خداست که موکل ابرهاست و تازیانه هائی از آتش همراه دارد که ابرها را هر جا خدا خواهد میراند

**الرَّعْمَةُ مِ الدَّيَا بَصْرُ الْعَمِّ وَ الْعَرِّ. وَ الْبَطَانَةُ نَهْيُ الْفَلْبِ**

علاقه بدنیا غم و اندوه را زیاد می کند و شکم پرستی دل را سخت میکند

**الرَّعْمُ نَهْرٌ الرَّيَّادَةِ وَ الرَّوْكَةِ وَ م. كَرْمٌ الرَّعْمُ كَرْمٌ الْعَرِّ**

مدارا قرین فزونی و برکت است و هر که از مدارا بی بهره باشد از خوبی بی بهره است

**الرَّعْمُ رَأْسُ الْعَصَمَةِ**

مدارا اساس حکمت است

الرهم نم. و الحرم سوم و اذا اراد الله ناجر س كرا اذكر علسه نا- الرهم ما. الرهم له بكم. می  
سی الا راه و ا. الحرم له بكم. می سی الا ساه

ملايتم مایه میمنت است و خشونت مایه شئامت و همین که خداوند برای اهل خانه ای نیکی خواهد آنها را با ملايتم قرین کند زیرا ملايتم در هر چه باشد آن را زینت دهد و خشونت در هر چه باشد آن را خوار کند

الرمی كرا ما لئوله نه

تیر اندازی بهترین تفریحهای شماسست

رار رخ اكا له می مره فارصد الله له ملكا علی مدرحه معال ام. برید مال اكا لی می صد الهربه  
معال حر له علی م. همه برسا مال لا الا ای احمه می الله مال مالی رسول الله الی الله احمه کما  
احمه

مردی بدیدن برادر دینی خود بدهکده ای رفت، خداوند ملکی در گذرگاه او گماشت و بدو گفت کجا میروی جواب داد: برادری در این دهکده دارم گفت آیا نعمتی بنزد تو دارد که میخواهی آن را افزون کنی جواب داد نه، او را برای خدا دوست دارم، گفت من فرستاده خدا هستم همان طور که او را دوست داری خدا ترا دوست دارد

رر الفمور بكم بنا الاكره و اعسر المولی ما. معالنه حسد كاو موعظه نلسه و صد علی العنابر لهم دلک  
لحرک ما. الحرم. می طر الله نوم الفنامه بمرصم لكر حر

بزیارت قبرها برو تا آخرت را بیاد آری و مردگان را غسل بده زیرا زیر و رو کردن جسد بیحرکت موعظه ای کامل است بر مردگان نمازگزار شاید بدین وسیله غمگین شوی زیرا شخص غمگین روز رستاخیز در سایه خدا در معرض همه نیکیهاست

رر عما برکد حما

بزیارت کسان کمتر رو تا محبوب تر باشی

**رله العالم مصرو - سا الطیر و رله الحاجر کسما العیز**

لغزش دانشمند بزودی مشهور شود و لغزش نادان را جهل مستور دارد

**رنا المسیر البطر**

زنای چشمان نگاه نارواست

**رنا السار الکلام**

زنای زبان سخن بیجاست

**روحوا الاکما و روحوا الاکما و اصاروا لطفکم**

باشخاص همشأن زن بدهید و از اشخاص همشأن زن بگیرند و محل نطفه های خود را بدقت انتخاب کنید

**روحوا الله العوی و عمر دیک و سر لک العر حسما کس**

خداوند پرهیزکاری را توشه راه تو سازد و گناهت را ببخشد و هر جا هستی خوبی را برای تو آسان کند

**روحوا الامور ما سا بکرمه الاکره**

بزیارت قبرها روید که آخرت را بیاد شما می آورد

**الرائی کفله حاره لا بظر الله اله نوم الصامه و لا بکره و بعول له اذکر النار مع الکاکلم.**

آنکه با زن همسایه خود زنا کند روز قیامت خدا به او ننگرد و او را پاک نکند و بدو گوید با جهنمیان بجهنم برو

الرباه الى مسه كمله الفراء اسرع مسه الى عده الاونا. صدنا سا منر عده الاونا. معال لعه  
لسم م. بعله كم. لا بعله

مأمورین عذاب فاسقان قرآن خوان را زودتر از بت پرستان به جهنم در آرند آنها گویند آیا ما را پیش از بت پرستان میبیرید بدانها جواب دهند آنکه  
داند مانند آنکه نداند نیست

### الركاه صطره ا لاسلام

زکات پل اسلام است

### الربا نور - الفهر

زنا مایه فقر است

الرحاهه می الدنيا لسر بعره الفلال و لا اصاعه المال و لكر. الرحاهه می الدنيا ا. لا بكو. ما می  
بكت اوهم صك ما می بده الله و ا. بكو. می نوا. المصيه اذا اب اصبر سا ارعد صك ما لو  
اسا اسر لک

از جهان گذشتگی این نیست که حلال را بر خود حرام کنی یا مال خود تلف نمائی از جهان گذشتگی اینست که بدان چه در کف تو است  
بیشتر از آنچه در دست خداست اعتماد نداشته باشی و هنگامی که مصیبتی بتو رخ داد بپاداش آن بیشتر از رخ ندادن مصیبت علاقمند  
باشی

الرحمد می الدنيا برهم الفلر و البكر. و الرعهه صنا بكر العه و العر. و البطاهه نسی الفلر

گذشتن از جهان تن و جان را آسایش دهد و دلبستگی بجهان غم و اندوه را افزون کند و شکم پرستی دل را سخت کند

الرحمد می الدنيا برهم الفلر و البكر. و الرعهه صنا نهر الفلر و البكر.

گذشتن از جهان تن و جان را بیاساید و علاقه بجهان تن و جان را خسته کند گفتار محمد از گفتار آسمانی فروتر و از گفتار انسانی فراتر است

سألت الله ان يحسب حسابي الى لئلا يصيبني عذاب الهمم ما وحى الله عز وجل الى نبي محمد بن ابي طالب  
ما كان معه ربه سريرا عك لئلا يصيبني عذاب

از خدا خواستم که حساب امت مرا بمن واگذارد تا پیش امتهای دیگر رسوا نشود، پس خدای عز و جل بمن وحی کرد ای محمد نه، بلکه من حسابشان را میرسم و اگر گناهی از آنها سر زده از تو پوشیده می دارم که پیش تو نیز رسوا نشود

سئل جبريل عن نبي ربه قال ان سي و سه سمع حكايا من نور لو رايت ادباها لاحرم

از جبریل پرسیدم آیا پروردگارت را می بینی؟ گفت میان من و او هفتاد پرده از نور است که اگر نزدیکترین پرده را بنگرم خواهم سوخت

سألك نامور النام و اكلامه الرخ بكون سريع الفصير سريع الهى ملا له و لا علمه كما ما و  
الرخ بكون بعد الفصير سريع الهى مصاد له و لا علمه و الرخ بصي الدي له و بصي الدي  
علمه مصاد لا له و لا علمه و الرخ بصي الدي له و بمطر النام الدي علمه مصاد علمه و لا له

در باره کارهای مردم و اخلاقشان با شما سخن خواهم گفت مردی که زود خشم گیرد و زود آرام شود نه بد است نه خوب سر بسر و مردی که دیر خشمگین شود و زود آرام گیرد خویست نه بد و مردی که حق خود طلب کند و دین خود بپردازد نه بد است نه خوب و مردی که حق خود طلب کند و پرداخت حقی را که مردم به عهده او دارند عقب اندازد بد است نه خوب

سامروا مع ذوى الكود و ذوى المسره

با مردم خوش اقبال مرفه سفر کنید

ساعا- الاذى فى الدنيا بكم ساعا- الاذى فى الاخرة

ساعتهای آزار این دنیا ساعت های آزار آخرت را نابود میکند

ساعا - الامراض بحسب ساعا - العظاما

ساعت های مرض ساعت های گناه را نابود می کند

ساعا. نعم صمعا ابوا - السما و فلما برد علی ذاع دعوه حضور الصلاة و الصف می سیر الله

دو وقت است که درهای آسمان در اثنای آن گشوده می شود و کمتر ممکنست دعای دعاکننده ای رد شود: هنگام نماز و صف آرائی در راه خدا

سا - المولی کالمسرف علی التلکة

بد گوی مردگان چون آن کس است که در معرض هلاک است

سارعوا می طلب العلم فانکسر م. صادق کر م. الدنيا و ما علینا م. ذکر و مصبه

بطلب علم بشتابید که از راست گوئی حدیث گفتن از دنیا و همه طلاها و نقره آن بهتر است

ساعه م. عالم مصی علی مراسمه سطر می علمه کر م. عبادة الفانک سهن. اما

یک ساعت وقت دانشوری که بر بستر خویش تکیه زده در علم خویش می نگرد از هفتاد سال عبادت عابد نیکوتر است

سامروا بصکوا و بصموا

سفر کنید تا تندرست شوید و غنیمت یابید

سامروا بصکوا و بررموا

سفر کنید تا تندرست شوید و روزی یابید

سامی الهوم اکر جم سرنا

سقاییت گر قوم پس از همه نوشد

ساووا م. اولادکم می الهطه ملو کس مهصلا احدا لهصلر السا

در کار بخشش میان فرزندان خویش مساوات را رعایت کنید من اگر کسی را برتری دادمی زنان را برتری دادمی

سبا- المسلم مسوم و ماله کفر و حرمة ماله کرمه ذمه

بدگوئی مسلمان گناه است و جنگ او کفر است و حرمت مال وی چون حرمت خون اوست

سبع کبری للهید احریم. و جو می مره همد مونه م. علم علما او احری سرا او حمر سرا او عرسم کلا او

بی مسکدا او ور- مصعها او برک و لدا سسهر له همد مونه

هفت چیز است که پاداش آن برای بنده در قبر او و پس از مرگش دوام دارد کسی که علمی تعلیم دهد، یا نهری بچریان آورد یا چاهی حفر کند یا نخلی بکارد یا مسجدی بسازد یا مصحفی به ارث گذارد یا فرزندی به جا نهد که پس از مرگش برای او آمرزش خواهد

سینه بطلع الله کبر طر عرسه نوم لا طر الا طله رخز ملنه معلم بالمساحد و رخز ذعنه امراه خا-

مصبر معال ای اصاف الله و رحلا. گانا می الله و رخز عصم عسه ع. گارم الله و ع. خرسر می سسیر الله و

ع. بکر م. کسه الله

هفت کسند که خدا در روزی که سایه ای جز سایه او نیست به سایه عرش خود میبردشان مردی که دل او بمسجدها علاقه دارد و مردی که زن صاحب مقامی از او کام خواهد و گوید از خدا بیم دارم و مردانی که در راه خدا دوستی کنند و مردی که از محارم خدا چشم باز دارد و چشمی که در راه خدا نگرهبانی کند و چشمی که از ترس خدا بگرید

سینه بطلع الله می طله نوم لا طر الا طله امام عادل و سا- سا می عباده الله و رخز ملنه معلم بالمسکد

اذا کرمه مه حی هود اله و رحلا. گانا می الله ماخمفا عر ذلک و امرما علنه و رخز ذکر الله کالبا



معاصد عناه و رجز ذعنه امراه ذاه - مصبر و جمال فعال الی اکام الله ر - العالم. و رجز بصدم بصدمه  
ماکفاما حی لا یعلم سماه ما یعلم بینه

هفت کسند که خداوند در روزی که سایه ای جز سایه او نیست بسایه خویششان میبرد پیشوای عدالتگر و جوانی که در کار عبادت بزرگ شود و مردی که وقتی از مسجد برون شود دلش بدان پیوسته تا بدان جا باز گردد و مردانی که در راه خدا دوستی کنند و بر آن فراهم آیند و بر آن جدا شوند و مردی که بخلوت خدا را یاد کند و چشمانش اشگریز شود و مردی که زنی صاحب مقام و جمال از او کام خواهد و گوید من از خدا پروردگار جهانیان بیم دارم و مردی که صدقه ای دهد و آن را نهان دارد که دست چپش نداند دست راستش چه انفاق میکند

سیم درجه ماه الف درجه رجز له درهما. احد احدما بصدم نه و رجز له مال کسر ماکد  
م. عرصه ماه الف بصدم بنا

یکدرهم از صد هزار درهم پیشی گیرد مردی که دو درهم دارد یکی را بر گیرد و صدقه دهد و مردی که مال فراوان دارد و از آن میان صد هزار بر گیرد و صدقه کند

سکوا. من. بصدم الرجز منا موما و نسی کامرا الا م. احناه الله بالفلم

فتنه ها خواهد بود که در اثنای آن مرد بصبح مؤمن باشد و بشب کافر شود مگر آنکه خدایش به علم زنده دارد

سر کصال م. الفرج حیات اعدا الله بالسف و الصوف می نوم الصیف و حس. الصر عبد المصینه  
و برک المراه و ا لانعام می النعا و المکانه می الله

شش صفت نیکست پیکار با دشمنان خدا بوسیله شمشیر و روزه در روز تابستان و نیکصبری به هنگام مصیبت و ترک مجادله و انفاق در نهان و دوستی در راه خدا

سه اسما کبط الاعمال ا لاسفام بصو - العلم و مسوه الفلم و حر الکسا و مله النعا و طول الامر و طالع  
لا سعی

شش چیز است که اعمال خوب را نابود میکند، اشتغال به عیب خلاق، سنگدلی و دنیاپرستی و بی شرمی و درازی آرزو و ستم گری که بس نکند

سَكُوْا عَلَيْكُمْ اَمَةٌ مَّلَكُوْا اِرْرَامَكُمْ كُدُوْبَكُمْ مَكْدُوْبَكُمْ و مَمَلُوْا مَسَسُوْا اَلْمَمْرَ لَا بِرِصُوْا  
مَكَّمْ حَيُّ كَسُوْا مَسَكَمَّ و بَصَدَمُوْا كَدَمَ مَاعَطُوْبَهُ اَلْمَمَّ مَا رِصُوْا نَهْ مَاذَا كَاوْرُوْا مَمَّ مَرَّ عَرَّ دَلِكْ  
صَو سَعِدْ

پیشوایانی بر شما منصوب خواهند شد که روزیهای شما بخورند و با شما سخن کنند و دروغ گویند و عمل کنند و بد کنند از شما راضی نشوند تا کار زشتشان را نیکو شمارید و دروغشان را راست بحساب آرید، اگر بحق رضا دادند مطابق آن با ایشان رفتار کنید و اگر از حق تجاوز کردند هر که در این راه کشته شود شهید است

سَكَاةَ نَالِهِ اِنْ سَكَدَ صَهْ

سبک عقلی مرد آنست که مهمان خویش را بخدمت گیرد

سَكُوْا و مَارُوْا

بصلاح آئید و تقرب جوئید

سَلُوْا اَللَّهَ مِمَّ مَصْلَهُ مَا اِنَّ اَللَّهَ لَبُ اِنْ سَاَلَ و اَمَصِرَ اَلْمَاذَةَ اَسْطَارَ اَلْهَرَمِ

خدا را از فضل او طلب کنید که خدا دوست دارد که از او بخواهند بهترین عبادتها انتظار گشایش است

سَلُوْا اَللَّهَ كَرَّ سَيِّ حَيِّ السَّعِّ مَا اِنَّ اَللَّهَ اِنْ لَمْ يَسْرَهُ لَمْ يَسْرَ

همه چیز حتی بند صندل را از خدا بخواهید که اگر خدا آن را میسور نکند میسر نخواهد شد

سَلُوْا اَللَّهَ اَلْفَهْوُ و اَلْفَاغَةُ مَا اِحْدَا لَمْ يَهْطُ يَهْدُ اَلْفَهْرُ كَرَّا مِمَّ اَلْفَاغَةُ

از خدا بخشش و عافیت طلب کنید که پس از ایمان، هیچ کس را چیزی بهتر از عافیت نداده اند

**سلوا الله علما نامها و نهودوا بالله م. علم لا سبع**

از خدا عملی سودمند بخواهید و از علمی که سود ندهد بخدا پناه برید

**سلوا اجر السرم ع. الله ما. ك. عده علم ما كموه ماسع لا كدبو.**

شریفان را از علم بپرسید اگر علمی نزد ایشان بود بنویسید که آنها دروغ نمی گویند

**سز رب القامه و الهاماه می الدنيا و الاكره ماذا اعطى القامه می الدنيا و اعطسا می الاكره مهد  
املع**

از پروردگار خویش عافیت و معاف بودن دنیا و آخرت بخواه که اگر ترا در دنیا عافیت دهند و در آخرت نیز دهند رستگار شده ای

**سلامه الرخ م. الفسه ا. بلر م سه**

مرد که در خانه خویش بماند از فتنه سالم ماند

**سو العلم سوم و سرار كم اسوكم كاه**

بدخوئی شوم است و بدترین شما بدخوترین شماست

**سو العلم سوم و طاعه السا كاهه و حس. الملك ما**

بدخوئی شوم است و اطاعت زنان پشیمانی است و نیک سیرتی مایه رشد

**سو العلم بسد الممر كما بسد العز المسر**

بدخوئی عمل را بفساد آرد چنان که سرکه غسل را فاسد کند

سو الهكلسه سم و حكم و سو كلم

بد صحبتی بخل است و ناسزا گوئی و بد خوئی

سودا ولود كرم. حسا لا بلد و ابی مكار بك الامم

زن سیاه که فرزند بسیار آرد بهتر از زن خوبروئی است که فرزند نیارد که من بغزونی شما بر امتهای دیگر تفاخر میکنم

سالی عن النام رما. كرمه الرجز س. الفکر و الفکور مم. ادرك ذلك الرما. ملكر الفکر عن الفکور

روزگاری بمردم رخ نماید که مرد میان بیعرضگی و نادرستی مخیر شود هر که در آن روزگار باشد باید بیعرضگی را بر نادرستی ترجیح دهد

سد الهوم كادمع و سامع اكرم سرايا

آقای کسان خدمتگزارشان است و سقایتگر کسان پس از همه نوشد

سسك صا الكرم. بر حال لم لع عبد الله كلام سكو. می اكر الرما. كسف و كدم و مسم

اذا طعم الفمارف و الفسا. و اسكلب العمر

این دین بمردانی که پیش خدا بهره ای ندارند نیرو خواهد گرفت در آخر زمان خسف و قذف و مسخی خواهد بود، هنگامی که که رامشگران و آرایشگران پدید شوند و شراب حلال بشمار آید

سالی عن امی رما. بكر منه الفعرا و نر الفعا و نحصم الفلم و بكر العرمه لع نالی م. بعد ذلك

رما. نرا الفعرا. ر حال م. امی لا كاور برامع لع نالی م. بعد ذلك رما. كادر المسرك بالله الموم. می منر

ما نورا

بر امت من زمانی بیاید که فقیران فراوان شوند و فقیهان کم شوند و علم بر گرفته شود و آشوب فزونی گیرد آنگاه از پس آن زمانی بیاید که مردانی از امت من قرآن خوانند که از گلویشان بالاتر نرود آنگاه از پس آن زمانی بیاید که مشرک بخدا با مؤمن مجادله کند و سخنانی نظیر او گوید

**السام و المصمد بکلام الله بصر حسا و الطالم لفسه کاسر حسا بسرا له بکسر الله**

پیشرو و میانه رو بی حساب بهشت روند و ستمگر خویش را محاسبه ای سبک کنند آنگاه به بهشت رود

**الساعی علی الارمله و المسکرم کالمعاند می سیر الله او الفاهم اللز الصائم العار**

آنکه در کار بیوه و یتیم بکوشد چون مجاهد راه خدایا نمازگزار شب یا روزه دار روز است

**السکی مرید م. الله مرید م. الناس مرید م. الله بصد م. الناس**

**بصد م. الله مرید م. النار و العار بصد م. الله بصد م. النار**

سخاوتمند بخدا نزدیک و بمردم نزدیک و ببهشت نزدیک و از جهنم دور است و بخیل از خدا دور و از مردم دور و از بهشت دور و به جهنم نزدیکست نادان سخاوتمند نزد خدا از عالم بخیل محبوبتر است

**السکا کلم الله الاعظم**

سخاوت، خلق بزرگ خداست

**السکا سکره م. اسکار الله اعصا مذلنا- می الدنيا م. احد بضم. مسا ماده ذک المضم. الی**

**الله و العکر سکره م. اسکار النار اعصا مذلنا- می الدنيا م. احد بضم. مسا ماده ذک المضم. الی النار**

سختی از درختهای بهشت است که شاخهای آن در دنیا آویخته است هر که شاخی از آن بگیرد همان شاخ وی را سوی بهشت  
کشاند و بخل درختی از درختهای جهنم است که شاخهای آن در دنیا آویخته است و هر که شاخی از آن بگیرد همان شاخ وی را سوی  
جهنم کشاند

**السعی اما کوف کسیر الطیر بالله و العیر اما کسیر سو الطیر بالله**

سختی و کوفت سبب خوشگمانی بخدا سخاوت میکند و بخیل بخلت بدگمانی بخدا بخل میورزد

**السعی العیور احب الی الله من الفالک العیر**

سختی و نادان نزد خدا از دانشمند بخیل محبوبتر است

**السر امصر من الفلاسه و الفلاسه امصر لم اراد الامصار**

عمل نهان بهتر از عمل عیان است اما عمل عیان برای آنکه خواهد سرمشق کسان شود بهتر است

**السفاده کز السفاده طول الفمر می طاعه الله**

سعادت کامل عمر دراز در اطاعت خداست

**السفد من سفد می بظم امه و السعی من سعی می بظم امه**

خوشبخت کسی است که در شکم مادرش خوشبخت شده و بدبخت کسی است که در شکم مادرش بدبخت شده است

**السر مطفه من المکار**

سفر پاره ای از عذاب است

**السکینه مهم و برکات مهمه**

آرامش غنیمتی است و ترک آن خسارتی است

**السكو - حر م. املا السر**

خاموش بودن از القای شر بهتر است

**سكو - اللسا. سلامه ا لاسا.**

خاموشی زبان مایه سلامت انسان است

**السلطان العادل طر الله في الارض مم. اكرمه اكرمه الله و م. احاه احاه الله**

سلطان عادل سایه خدا بر روی زمین است هر که وی را گرامی دارد خدایش گرامی دارد و هر که وی را خوار کند خدایش خوار کند

**السلطان العادل طر الله في الارض مادا ذكر احدكم بلدا لم به سلطان عادل فلا يسم. به**

سلطان عادل سایه خدا بر روی زمین است اگر یکی از شما بشهری در آید که سلطان عادل در آن نیست در آنجا اقامت نکند

**السلطان العادل المتواضع طر الله و رقه في الارض برمع له عمر سيم. صديقا**

سلطان عادل متواضع سایه خدا و نیزه او بر روی زمین است و برای او عمل هفتاد صدیق را بالا می برند

**السلطان العادل طر الله في الارض ناوي الهه الصنف و به سمر المظلوم**

سلطان عادل سایه خدا بر روی زمین است که ناتوان بدان پناه می برد و مظلوم از او یاری می جوید

**السلام من سوال مم. بلكم بالسوال من السلام فلا كنبوه**

سلام مقدم بر سؤال است هر که پیش از سلام بسؤال آغاز کرد جوابش مدهید

**السلام بطوع و الرک مرصه**

سلام بدلخواه است و جواب آن واجب است

السلام اسم م. اسما الله وصفه الله في الارض ماصوه سكه ما. الرجز المسلم اذا مر به م مسلم عليه  
مركوا عليه كان له عليه مصر ذكره بذكره اناج السلام ما. له مركوا عليه رك عليه م. نحو صر صعه و  
اطير

سلام نامی از نامهای خداست که آن را در زمین نهاده است سلام را میان خودتان فاش کنید زیرا مرد مسلمان وقتی به قومی گذر کند و بر  
آنها سلام کند و جوابش دهند، وی را بر آنها فزونی مرتبت است که سلام را بیادشان آورده است و اگر جوابش ندهند کسی که از آنها بهتر  
و پاکیزه تر است جوابش دهد

السلام كنه لملسا و اما. لدمسا

سلام درود ملت ما و حافظ ذمه ماست

السمير العسر. و النوكه و الامصناح حر م. اربه و عسر م. حر م. النبوه

نام نیک و ملایمت و اعتدال یک جزء از بیست و چهار جزء پیغمبری است

السمير العسر. حر م. حمسه و سبعم. حر م. النبوه

نام نیک یکجزء از هفتاد و پنج جزء پیغمبری است

السمع و الطاعة هم على المر المسلم مما احب او كره ما له يوم بمفصنه فاذا امر بمفصنه فلا سمع  
عليه و لا طاعة

شنیدن و اطاعت کردن بر مرد مسلمان در آنچه دوست دارد یا مکروه دارد مادام که بگناه فرمانش ندهند شایسته است، اگر بگناهی فرمانش  
دادند شنیدن و اطاعت کردن آن روا نیست

السمامه رنام و العسر سوم



سهل انگاری مایه سودا است و سختگیری شوم است

**السواك نصف الايمان و الوضوء نصف الايمان**

مسواک کردن یک نیمه ایمان است و وضو گرفتن یک نیمه ایمان است

**السواك يبرد الرجز مصاحبه**

مسواک کردن فصاحت مرد را افزون میکند

**السواك مطهره للفق مرصاه للرب و علاه للبصر**

مسواک کردن موجب پاکی دهان و رضایت پروردگار و روشنی چشم است

**السواك سه فاساكوا اي وعر سم**

مسواک کردن سنت است هر وقت خواستید مسواک کنید

**السواك م. الفطره**

مسواک کردن اقتضای فطرت است

**السوم معانم الله**

شمشیرها کلیدهای بهشتست

**سا- سكي حس. العلم احب الى الله م. سم- كبر عابد سكي العلم**

جوان سخاوتمند نیکخو در نزد خدا از پیر بخیل عابد بدخو محبوبتر است

**ساعت الرور لا يروا مدهاه حي بوح الله له النار**

شاهد دروغ قدم بر ندارد تا جهنم بر او واجب شود

**سار - العمر كماند و م.**

شراب خوار مانند بت پرست است

**السا - سمه م. الكور.**

جوانی شعبه ای از دیوانگی است

**السا - سمه م. الكور. و السا حماله السطار.**

جوانی شعبه ای از دیوانگی است و زنان دام شیطانند

**سار. ما م. عمل. عمر كدر لده و سبی سمه و عمر كدر موبه و سبی اخره**

میان دو عمل بسیار فرق است عملی که لذت آن برود و عواقب آن بماند و عملی که زحمت آن برود و پاداش آن بماند

**السکر لا كدر العه**

بخیل ببهشت در نیاید

**السکر م. علی سمه**

نیرومند آنست که بر خویشتن مسلط شود

**سر الناس م. یفصم الناس و یفصونه**

بدترین مردم آن کس است که مردم را دشمن دارد و او را دشمن دارند

**سر الناس م. اکرمه الناس ابا سره**

بدترین مردم آن کس است که مردم از بیم شرش گرامیش دارند

**سر الناس م. اسم الله می مصابه**

بدترین مردم آن کس است که خدا را در قضایش متهم کند

**سر الناس م. ناع اكره بکناه و سر مه م. ناع اكره بکنا عره**

بدترین مردم آن کس است که آخرت خویش دنیا فروشد و بدتر از او کسی است که آخرت خویش بدنای دیگری فروشد

**سر الناس م. اکر و حده و مع رمده و حلد عده و سر مه م. لا نعل عره و لا نعل مفره و سر**

**مه م. لا برخی کره و لا نوم. سره**

بدترین مردم آن کس است که تنها غذا خورد و رسیده خویش را بی نصیب کند و بنده خویش را بزند و بدتر از او کسی است که خطائی را نبخشد و عذری نپذیرد و بدتر از او کسی است که بخیرش امید نیست و از شرش امان نیست

**سرار امی م. بر الفصا ا. اسبه علیه له ساور و ا. اصا- نظر و ا. عصر عیف و کاب السو کالعامر**

به

بدترین امت من کسی است که عهده دار قضا شود اگر بتردید افتد مشورت نکند و اگر بصواب رود گردن فرازد و اگر خشمگین شود خشونت کند و هر که بدی را نویسد مانند کسی است که بدان عمل می کند

**سرار الناس سرار العلماء**

بدترین مردم علمای بدنند

**سر ما می الرحز سمه جالع و حم جالع**

بدترین صفت مرد بخل مفرط است و ترس شدید

سرار امی الربارو، المسدوم، المصفو، و صار امی اجاسم اكلاما

بدان امت من پر گویان پر چانه پر مدعایند و نیکان امت من آنهائند که نیکخوترند

سراکع عراقک و اراذل موکک عراقک

بدترین شما عزبانند و اراذل مردگانتان عزبانند

سر الملکار، اسواما

بدترین جای شهرها بازارهاست

سر الطعام طعام الولیمه بمصفا م، ناسا و بکعی النام م، نانا

بدترین غذاها غذای ولیمه است است که هر که بخوهد ندهندش و هر که نخواهد بخوانندش

سر الطعام طعام الولیمه بکعی اله السفا، و کسب عنه الحاج

بدترین غذاها غذای ولیمه است که سیر را بدان خوانند و گرسنه را از آن باز دارند

سر المعالم الاسوام و الطرم

بدترین نشستگاهها بازارها و راه هاست

سر الامور کسانا و سر المعی عی الفل و سر المکدره حم، کصر الموم و سر الکامه نوم الصمه و

سر الهاکراک مال السم و سر المکاسر کسر الربا

بدترین چیزها مبتدعات آنست و بدترین کوری ها کوری قلب است و بدترین توبه ها هنگامی است که مرگ در آید و بدترین پشیمانی ها روز قیامت است و بدترین خوردنهای خوردن مال یتیم است و بدترین کسب ها کسب ربا است

### سر الناس الكدى سال بالله له لا يعطى

بدترین مردم آن کس است که بنام خدا از او بخواهند و ندهد

### سر الناس المصنم على امله

بدترین مردم آن کس است که بر اهل خانه خود سخت گیرد

### سر الناس مرله يوم الصامه م. كالم لسانه او كالم سره

روز قیامت موقعیت آن کس از همه مردم بدتر است که از زبانش ترسند یا از شرش بیم کنند

### سعاى لاجر الكمار م. امى

شفاعت من خاص اهل کبائر از امت من است

### سرف الموم. صامه باللز و عره اسمناوه ع. الناس

شرف مؤمن در شب زنده داری اوست و عزت وی در بی نیازی از مردم است

### الساحد برى ما لا برى القاسد

حاضر چیزها ببیند که غایب نبیند

### السا ربيع الموم.

زمستان بهار مؤمن است

### السرك العى ا. يعمد الرجز لمكار الرجز

شرک نهان آنست که مرد برای حضور مرد دیگری عملی کند

السرك احدى من امي م. حسد البصر عن الصفا في الليله الطلما و احباه ا. كبر عن سي م. العور او  
بعض عن سي م. العدل و حر الكبر. الا العز في الله و البعض في الله مال الله تعالى مر ا. كم كمو. الله  
ماسهولي كمنك الله

شرك در امت من از گذر کردن مور بر کوه صفا در شب تاریک نهانتر است و نزدیکتر از همه آنست که چیزی از ستم را دوست داری یا چیزی  
از عدل را دشمن داری مگر دین جز دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خداست؟ خدای والا گوید: بگو اگر خدا را دوست دارید مرا پیروی  
کنید تا خدا دوستتان دارد

السفر المسلم. احد العمال. بكسوه الله المر المسلم

موی نیکو یکی از دو زیباییست که خدا بمرد مسلمان دهد

السفر بمرله الكلا و مكسه حس. الكلا و منكه ميم الكلا و

شعر چون سخن است شعر نیک سخن نیک است و شعر بد سخن بد است

السي م. سي في نظر. امه

بد بخت آنست که در شکم مادرش بدبخت شده است

السي كز السي م. ادر كه الساعه حنا

بدبخت کامل آنست که رستاخیز بدو رسد و زنده باشد

السعوه الكفه و الربا سر

جاه طلبی و ربا شرک است

السم سا م. ح ا سم. في حر طول العناه و كره المال

پیر در محبت دو چیز جوان است محبت زندگی دراز و فراوانی مال

### السّمی می امله کالی می امه

پیر در میان کسان خود چون پیمبر در امت خویش است

السّمی بصفه حسمه و علیه سا- علی حب اسم. طول العناه و حب الهار

تن پیر ناتوان می شود و دل وی بر محبت دو چیز جوان است: عمر دراز و محبت مال

السطار. سم بالواحد و ا لاسم. مادا كانوا لانه له سم سم

شیطان بیک تن و دو تن پردازد و چون سه تن شدند قصد ایشان نکند

صاحب الدر. معلول می مره لا سکه الا مصا دسه

قرضدار در قبر خویش در غل است و جز پرداخت قرض وی غل او را باز نمیکند

صاحب السی احم بالنی ا. کمله الا ا. بکو. صفها بفر عنه صفه علیه احوه المسلم

صاحب چیز بجمل آن شایسته تر است مگر آنکه ناتوان باشد و از آن فرو ماند و برادر مسلماننش بر حمل آن کمکش کند

صاحب الفله بسهمه له کر سی حی التو- می البکر

مه چیز حتی ماهی دریا برای دانشمند آمرزش میخواهد

صدم الله مصدمه

خدا راستگوست با او راست باش

صدمه المر المسلم برید می الفمر و صبع صبه السو و بدمر الله تعالی بنا الفکر و الکر

صدقه مرد مسلمان عمر را فزونی دهد و از مرگ بد جلوگیری کند و خدای والا بوسیله آن تفاخر و تکبر را ببرد

### صدقه السر بطی عصب الر-

صدقه نهان خشم پروردگار را خاموش می کند

صفا ركه دعاصم الله سلفى احدكم اياه صادق سونه فلا سى حى بكلمه الله و اياه الله

کوچولوهای شما زالوهای بهشتند یکیشان پدر خویش را به بیند و لباسش را بگیرد و رها نکند تا خدا پدرش را با او ببهشت در آورد

صه الفامر اى كلف عمى حىر عليه و سكاور عمى. طلعه و سواصع لى. حو كونه و ساهم م. مومه مى طلب الر  
و ادا اراد اى سكه بكر ماى كاى كرا بكلم مهم و اى كاى سرا سكر مسلم

عافل آنست که با سبکسر بردباری کند و از ستمگر درگذرد و با زیردستان تواضع کند و از زیردستان در راه نیکی سبقت جوید و چون خواهد سخن کند بیندیشد اگر نیک باشد بگوید و بهره برد و اگر بد باشد سکوت کند و سالم ماند

ص م. مطم و اعط م. حرمك و اعف عمى. ظلمك

با آنکه از تو بریده پیوند گیر و آنکه تو را محروم کرده عطایش ده و از آنکه با تو ستم کرده در گذر

### صله الرحم برى فى الفمى و بدمع منه السو

پیوند خویشان عمر را فزونی دهد و از مرگ بد جلوگیری کند

صله الرحم و حسم العلم و حسم العوار همراى الصار و برى فى الاعمار

پیوند خویشان و نیکخوئی و خوش همسایگی شهرها را آباد کند و عمرها را فزونی دهد

صله الرحم برى فى الفمى و صدقه السر بطى عصب الر-



پیوند خویشان عمر را فزونی دهد و صدقه نهان خشم پروردگار را خاموش کند

### صله العراه مرآه می المال کینه می الآخر مساه می الآخر

پیوند خویشاوندی مایه فراوانی مال و محبت کسان و تأخیر اجل است

صل م. مطمک و احس. الی م. اسا التک و مر التهم و لو علی هسک

با هر که از تو ببرد پیوند گیر و با آنکه با تو بدی کرده نکوئی کن و حقرا بگو و گر چه بر ضرر خودت باشد

صلوا مراناکم و لا کاورومع مار العوار نور - سکک الصمام.

با خویشان دوستی کنید و همسایه ایشان مشوید که همسایگی میان شما کینه ها پدید آرد

صل صلاه مورع کاک برآه مار کک لا برآه مانه برآه و اناسم ها می انکی الناس همع عسا و

اناک و ما هسدر مه

نماز را با ترس گزار گوئی خدا را می بینی اگر تو او را نمی بینی او ترا می بیند و از آنچه در دست مردم است نومید باش تا بی نیاز زندگی کنی و از آنچه عذر آن باید خواست بپرهیز

صلوا علی اطفالک هاسع م. امراطک

بر کودکان خویش درود فرستید که آنها پیشاهنگان شمایند

صلاه القاعد علی الصم م. صلاه القاع

نماز نشسته یک نیمه نماز ایستاده است

صلاه الرحز بطوعا حب لا برآه الناس هسدر صلاه علی اعمر. الناس همسا و عسر م.

نماز مرد که بدلخواه در جایی که مردم او را نبینند کند برابر بیست و پنج نماز است که در دیده مردم کند

**صلاه المراه و حدیثا یصیر علی صلاتها فی الجمع خمس و عسرم. در حه**

نماز زن تنها بیست و پنج بار از نماز جماعت او بهتر است

**صلاه مسواک امصیر م. سیم. صلاه نهر سواک**

نمازی مسواک زده بهتر از هفتاد نماز مسواک نزده

**صلام اول حده الامه بالرحد و العسر. و سلك احرجا بالبحر و الامر**

صلاح متقدمان این امت برهد و ایمان است و متأخرانش بیخ و آرزوی دراز هلاک می شوند

**صمر الصانع سیم و بومه عباد و دعاوه مسکا. و عمله مصاعف**

کوت صائم تسبیح گفتن است و خواب وی عبادت است و دعای وی مستجاب است و عمل او دو برابر است

**صانع المهروم فی مصارع السو و الصدقه کما نطفی عصیر الر. و صله الرحمه رباذه فی المهر و**

**کر مهروم صدقه و اجر المهروم فی الدسا مع اجر المهروم فی الاکره و اجر المکر فی الدسا**

**مع اجر المکر فی الاکره و اول م. بکر الله اجر المهروم**

اعمال نیک از سقوطهای بد جلوگیری میکند و صدقه نهانی خشم پروردگار را خاموش میکند و پیوستگی با خویشان عمر را افزون می کند و هر کار نیکی صدقه ای است و نکوکاران دنیا نکوکاران آخرتند و بدکاران دنیا بدکاران آخرتند و نخستین کس که بهشت میرود نکوکارانند

**صغار م. الناس اذا صلحا صلح الناس و اذا فسدا فسد الناس العلهما و الامرا**

دو گروه از مردمند که اگر صالح بودند مردم بصلاح آیند و اگر فاسد بودند بفساد گرایند دانشوران و زمامداران

## صوموا بصکوا

روزه دارید تا تندرست شوید

الصيام می عبادت است. حرم بصیام الی ایامی ما له نفس فاذا اعان کرم صومه

روزه دار از آن هنگام که صبح میکند تا بشب در رود مادام که غیبت نکند در عبادت است و همین که غیبت کرد روزه او پاره شود

الصيام لا یرک دعونه

دعای روزه دار رد نمیشود

الصیامه یمنع الررم

خواب صبحگاهان مانع روزی است

الصبر عند الصدمه الاولى

صبر حقیقی هنگام صدمه نخستین است

الصبر نصف الايمان و الصبر الايمان كله

صبر یک نیمه ایمان است و یقین همه ایمانست

الصبر رصا

صبر مایه خشنودی است

الصبر و الاحساس امصر م. عزم الرما و بذكر الله صاحبم. الله نصر حسا

صبر و سکون از آزاد کردن بندگانی بهتر است و خدا صاحب آن را بدون حساب ببهشت می برد

**الصبر م. ا لانها. صبر له الراس م. السد**

صبر نسبت بايمان چون سر نسبت بتن است

**الصبره و الفراغ بمصار. مهوربا.**

صحت و فراغت دو نعمت است که کفران آن کنند

**الصدوم طماسه و الكد- ربه**

راستی مایه آرامش است و دروغ مایه تشویش

**الصدومه بطی العطسه كما بطی الها النار**

صدقه گناه را خاموش می کند چنان که آب آتش را خاموش میکند

**الصدومه عز الفراه صدومه وصله**

صدقه بخویشاوندان هم صدقه است هم پیوستگی خویشاوندان

**الصدومه منع منه السو**

صدقه مانع مرگ بد می شود

**الصدومه سد سبهر. نانا م. السو**

صدقه هفتاد در بدی را مسدود کند

**الصدومه عز و حسبا و اصطناع المبروم و بر الوالد م. و صله الرحمه كور السفا سفاذه و برید می الممر**

**و بی مصارع السو**

صدقه به موقع و نیکوکاری و نیکی با پدر و مادر و پیوستگی خویشاوند بدبختی را بخوشبختی مبدل کند و عمر را افزایش دهد و از مرگ های بد جلوگیری کند

### الصدقه علی المسکین. صدقه و حی علی الرخه اساس صدقه و صله الرخه

صدقه دادن به مستمند فقط صدقه است و صدقه دادن بخویشاوند دو چیز است صدقه و پیوند خویشاوند

### الصدقه بالمدوا - بالماجا - بدم بالماجا -

صدقه صبحگاه مرض ها را میبرد

### الصرعه کر الصرعه الکی بصر مسد عصبه و کمر و خنه و بصر سفره صصرع عصبه

کمال دلیری آنست که کسی خشمگین شود و خشمش سخت شود و چهره اش سرخ شود و مویش بلرزد و بر خشم خود خیره شود

### الصلم حار من المسلم. الا صلحا اخر حراما او حرم حلالا

هر صلحی میان مسلمانان رواست مگر صلحی که حرامی را حلال یا حلالی را حرام کند

### الصلاه نور الموم.

نماز نور مؤمن است

### الصلاه عمود الدین.

نماز ستون دین است

### الصلاه صراط من. اومی اسومی

نماز چون ترازوست هر که کامل کند پاداش کامل یابد

**الصلاه بسود وجه السطان و الصدقه بکسر طعنه و النکاح می الله بقطع دائره مادا معلمه ذلک بباعده  
مکعبه کما مطلع السمر م. مفرسا**

نماز چهره شیطان را سیاه کند و صدقه دادن پشت او را بشکند و دوستی در راه خدا ریشه او را میکند و وقتی چنین کردید از شما بفاصله شرق و غرب دوری کند

**الصلاه مریا کر می**

نماز قربانی پرهیزگارانست

**الصمر حبه و ملیز ماعله**

خاموشی خردمندی است و خاموشی گزینان کمند

**الصمر ارمع الماده**

خاموشی والاترین عبادتهاست

**الصمر رم. للعالم و سر للکاحز**

خاموشی زینت دانا و پرده نادانست

**الصمر سد الاکلام و م. مرمه اسعف به**

خاموشی سرور اخلاق است و هر که مزاح کند سبکش گیرند

**الصوم حبه م. عدا- الله**

روزه سپر عذاب خداست

## الصوم في الساعات المأخوذة

در زمستان روزه داشتن بهره خنک بردنست

## الصيام بصم الصبر

روزه یک نیمه صبر است

## الصيام حنه ما له حرما بكد او عبه

روزه سپری است مادام که آن را بدروغ یا غیبت ندرد

## الصيام حنه من النار ممن اصم صائعا فلا حرما بكد و اصر و حر عليه فلا يسمه و لا يسه و لعل ابي

صام

روزه سپر آتش است و هر که روزه گرفت آن روز سبکسری نکند و اگر کسی با او جهالت کرد بدو ناسزا و بد نگوید، و بگوید من روزه دارم

## الصيام بصم الصبر و حر كرسى ركاه و ركاه التمسك الصيام

روزه داری یک نیمه صبوری است، هر چیزی زکاتی دارد و زکات تن روزه داشتن است

## صالحه المؤمن. الفلم كلما صد حذبا طلب الله اصر

گم شده مؤمن علم است هر دم حدیثی فرا گیرد حدیثی دیگر مطلوب او شود

## صك رسا من صوط عبادته

پروردگار ما از نومیدی بندگان خویش عجب دارد

## صفي من كد المسك. و لو طلعا حرما

چیزی بدست مستمند بگذار و گر چه سم سوخته باشد

الصبر صکار. صبر لله و صبر لله اما الصبر الذي لله الله فالرحم بصر می  
وجه الله سوما الی رونه و اما الصبر الذي لله الله تعالی فالرحم بصره بالکلمه الله و الناطق  
لصبر او بصبر سوی بنا می خصم سبهم. کرها

خنده دو قسم است خنده ایست که خدا آن را دوست دارد و خنده ایست که خدا آن را دشمن دارد، اما خنده ای که خدا آن را دوست دارد،  
آنست که مرد به روی برادر خویش از شوق دیدار وی لبخند زند اما خنده ای که که خدای والا آن را دشمن دارد آنست که مرد سخن خشن  
و ناروا گوید که بخندد یا بخندند و بسبب آن هفتاد پائیز در جهنم سرنگون رود

الصيام ثلاثة ايام مما راك صومه و عز الصيام ان يحول بعد ثلاثة ايام

مهمانی سه روز است و هر چه بیشتر شد صدقه است و مهمان باید پس از سه روز تغییر جا دهد

الصيف نالي برمه و برکز بکوب - الهوم بمخصم عنه كبوسه

مهمان روزی خویش بیارد گناهان کسان ببرد و گناهان آنها را پاک کند

طاعة الله طاعة الوالد و معصية الله معصية الوالد

اطاعت پدر اطاعت خداست و نافرمانی پدر نافرمانی خداست

طالب العلم بسط له الملاكة احسبا رصا بما يطلب

فرشتگان بالهای خویش برای طالب علم بگسترانند که از آنچه وی می جوید رضایت دارند

طالب العلم من العار كالي من الاموا -

جویای علم میان جاهلان چون زنده میان مردگانست



طلب العلم لله امير عبد الله م. المعاهد في سير الله

هر که علم برای رضای خدا جوید نزد خدا از مجاهد فی سبیل الله بهتر است

طلب العلم طالب الرکفه طالب العلم رکب. ا لاسلام و يعطى اخره مع السير.

جویای علم جویای رحمت است، جویای علم رکن اسلام است و پاداش او را با پیمبران دهند

طعام السكى دوا و طعام السکيم داء

غذای سخاوت مند دوا و غذای بخیل درد است

طلب العلم مریضه علی کر مسلک و ا. طالب العلم سقمه له کر سی حی النصار. فی النکر

جستن علم بر هر مسلمانی واجب است و همه چیز، حتی ماهیان دریا برای جویای علم آموزش میطلبند

طلب العلم امير عبد الله م. الصلاة و الصيام و العمه و العباد في سير الله عر و حر

جستن علم نزد خدا از نماز و روزه و حج و جهاد در راه خدا عز و جل بهتر است

طلب العلم ساعه کر م. صام ليله و طلب العلم نوما کر م. صام نلا به اسعر

ساعتی علم جستن بهتر از نمازگزاری یک شب است و روزی علم جستن بهتر از سه ماه روزه داری است

طلب العلم مریضه علی کر مسلک و واصع العلم عبد عر امله كملد العاربر العوحر و اللولو و

الدس

جستن علم بر هر مسلمانی واجب است و آنکه علم را پیش نااهلان نهد چنانست که گوهر و مروارید و طلا به گرازان آویزد

طلب العلم مریضه علی کر مسلک و مسلمه

جستن علم بر هر مرد مسلمان و هر زن مسلمان واجبست

## طهور الطهارة بريد في الطهارة والدم. و الررم

پاکیزگی غذا، غذا و دین و روزی را فزون میکند

## طوبى للمخلص. اولك مصابم السدى بكرى مع كل مه طلما

خوشا مخلصان آنان چراغ های هدایتند و بپرتو آنها هر فتنه تاریک روشن شود

## طوبى للناس. الى طر الله الدم. اذا اعطوا لهم مبلوه و الدم. كرموا للناس كرمه لايسم

خوشا آنان که زودتر از همه بسایه خدا روند آنها که وقتی با حق روبرو شوند آن را بپذیرند کسانی که برای مردم همان حکم کنند که برای خویش کنند

## طوبى لهم. اسلم و كار. عسه كاما

خوشا آنکه مسلمانست و معیشت کفاف دارد

## طوبى لهم. بر ك العز و الى العصر و عمر بالمدر

خوشا آنکه سبکسری نکند و فزونی را ببخشد و بعدالت عمل کند

## طوبى لهم. بواضع في عر معصه و دل في عسه في عر مسكه و اعلم م. مال خمفه في عر معصه و كالم

احز الله و العسه و رحم احز الدر و المسكه طوبى لهم. دل عسه و طام كسه و حسر سربره و

كرم علاسه و عر م. الناس سره طوبى لهم. عمر بعلمه و اعلم العصر م. ماله و امسك العصر م. موله

خوشا آنکه بدون منقصد تواضع کند و بدون مسکنت خویشتن را خوار دارد و از مالی که بدون معصیت فراهم آورده انفاق کند و با اهل دانش و خرد بیامیزد و بر اهل ذلت و مسکنت رحمت آرد خوشا آنکه خویشتن را خوار دارد و کسب و پاکیزه باشد و باطنش نیکو باشد و ظاهرش

گرامی باشد و شر خویش را از مردم دور کند خوشا آنکه بعلم خویش عمل کند و فزونی مال خویش انفاق کند و فزونی گفتار خویش نگه دارد

**طولی لم. ررعه الله الكفاف له صبر علیه**

خوشا آنکه خدا روزی او بحد کفاف داده باشد و بر آن صبر کند

**طولی لم. سهله عینه عم. عیو - الناس**

خوشا آنکه عیوبش او را از عیوب مردم مشغول دارد

**طولی لم. طال عمره و حس. عمله مکسر. مصلیه اک رصی عه ربه و ویر لم. طال عمره و سا عمله مسا مصلیه**

**اک سخط علیه ربه**

خوشا آنکه عمش دراز شود و عملش نکو باشد و عاقبتش نیک شود زیرا خدایش از او راضی است و وای بر آنکه عمرش دراز شود و عملش بد باشد و عاقبتش بد شود زیرا خدایش از او خشمگین است

**طولی لم. صدی لاسلام و کار. عسه کفاما و صبح**

خوشا آنکه باسلام هدایت شود و معیشت او بحد کفاف باشد و قناعت کند

**طولی لم. سهله عینه عم. عیو - الناس و اعمم م. مال اکسسه م. عمر مفصیه و کالط اجر الفقه و العکمه و**

**حایر اجر الدر و المفصیه**

خوشا آنکه عیوبش او را از عیوب مردم مشغول دارد و از مالی که بدون معصیت بدست آورده انفاق کند و با اهل دانش وجود بیامیزد و از اهل ذلت و معصیت دوری کند

طولی لهم. دار می نسه و حسر کلمه و اعم العصر م. ماله و امس العصر م. موله و وسفه السه و له بعدا الى البده

خوشا آنکه در پیش خویش خوار است و خوی او نیکست و فزونی مال خویش بیخشد و فزونی گفتار خویش نگه دارد و پیر و سست باشد و از سنت بیدعت نرود

طولی لهم. ملک لسانه و بکی عن کلمه

خوشا آنکه اختیار زبان خویش دارد و بر گناه خویش بگرید

طمبوا امواکم بالسواک

دهانهای خویش را به مسواک پاکیزه کنید

الطاعم الساکر بهرله الصائم الصابر

غذا خور شکرگزار چون روزه دار صبور است

الطمع بدمر الکمه م. ملو۔ الفلما

طمع حکمت از دل دانشوران ببرد

الطیب الله و لعلک برهم ناسا کرم نعا عرک

طیب حقیقی خداست شاید چیزهائی برای تو مناسب است که برای غیر تو نامناسب است

الظمه طلما۔ یوم الفمه

ستم مایه تاریکی روز قیامتست

الظلم لانه مظلّم لا يفره الله و ظلم يفره و ظلم لا يفره فاما الظلم الذي لا يفره الله فالسرّ مال  
 الله ا. السرّ لظلم عظم و اما الظلم الذي يفره الله مظلّم الهناك انفسه مما سمع و سم. رجع و اما الظلم  
 الذي لا يفره الله مظلّم الهناك انفسه بمصا

ظلم سه قسم است، ظلمی هست که خدایش نمی آمرزد و ظلمی هست که می آمرزدش و ظلمی هست که از آن نمیگذرد اما ظلمی  
 که خدا نمی آمرزد شرکست خدا وید: «حقا که شرک ظلمی بزرگ است» و اما ظلمی که خدا می آمرزد ستم بندگان بخودشان میان خود  
 و پروردگارشان است اما ظلمی که خدا از آن نمیگذرد ظلم بندگان بیکدیگر است

### الظلمه و اعوانه فی النار

ستم گران و یارانشان در جهنمند

### عاند المریض بمسی فی طرفه العنه حی برجع

کسی که بیماری را عیادت کند تا وقتی که باز گردد در راه بهشت قدم میزند

عاند المریض لوصم فی الرکفه فاذا حلم عنده عمره الرکفه و م. هاه عناه المریض ا. بصع  
 احدک بده عر و حه او عر بده مساله کف جو و هاه کسک سک المصافه

کسی که بیماری را عیادت کند در رحمت فرو میرود و چون نزد بیمار بنشیند رحمت او را فرو گیرد و کمال عیادت بیمار اینست که یکی از شما  
 دست بر چهره یا دست او نهد و از او پرسد حالش چطور است و کمال درود گفتن شما میان خودتان دست دادنست

### عامبوا اربا کع عر مکر عهولم

بندگان خویش را به اندازه عقولشان عقوبت کنید

### عالم سمع بلمه کر م. الف عاند

دانشمندی که از علم او سود برند از هزار عابد بهتر است

## عامه اجر النار السا

قسمت اعظم جهنمیان زنانه

عجب لاهم و لا بهر عه عجب لهم و السا و الموم - بطلبه و عجب لصاحب ملا موه و لا بکری ارضی الله  
عنه ام اسطه

عجب دارم از غافلی که از او غافل نشوند و عجب دارم از آرزومند دنیا که مرگ در طلب اوست و عجب دارم از آنکه از ته دل بخندد و نداند که  
آیا خدا از او خشنود است یا خشمگین

عجا لامر الموم. ا. امره كله له كبر و لم ذلك لا للموم. ا. اصانه سرا سكر و كار كرا  
له و ا. اصانه صرا صر مكار كرا له

کار مؤمن عجیب است که کار او همه برایش نیکست و هیچ کس جز مؤمن چنین نیست اگر سختی بدو رسد شکر کند و برای او نیک باشد  
و اگر مرضی بدو رسد صبر کند و برای او نیک باشد

عجب للمسلم اذا اصانه مصبه احسن و صر و اذا اصانه كبر حمد الله و سكر

از مسلمان عجب دارم که وقتی مصیبتی بدو رسد صبر ورزد و چون خبری بدو رسد ستایش و شکر خدا کند

عجا للموم. مو الله لا نصی الله للموم. مصا الا كار كرا له

کار مؤمن عجیب است بخدا که خدا قضائی برای مؤمن مقرر ندارد مگر مایه خیر او باشد

عد م. لا هو ك و احد لم. لا سدی ك

از آنکه ترا عیادت نمی کند عیادت کن و بآن کس که هدیه بتو نمیدهد هدیه بده

**عدل ساعه كرم. عبادت سه**

یک ساعت عدالت از یک سال عبادت بهتر است

**عده الموم. كاد بالد**

وعدده مؤمن چون تسلیم کردن است

**عده الموم. دم. و عده الموم. كاد بالد**

وعدده مؤمن دین است و وعدده مؤمن چون تسلیم کردن است

**عذاب نده الامه حمر ناسا می ناسا**

عذاب این امت را بدست خودشان در دنیایشان نهاده اند

**عراهم الصبی می صفره رباذه می عله می كره**

سرکشی طفل در دوران کودکی مایه فزونی عقل او در بزرگی است

**عرب علی الله. اب ناهد كرمی عبد مسلم نه نكله النار**

بر خدا گرانست که دو دختر بنده مسلمان را بگیرد آنگاه او را به جهنم برد

**عم ما سب ماك مس و احب ما احب ماك معارمه و اعمر ما سب ماك كرمی نه**

هر چه خواهی بمان که خواهی مرد، هر که را خواهی دوست بدار که از او جدا خواهی شد و هر چه خواهی بکن که سزای آن را خواهی دید

**عطف الاخر عبد المصیبه و اذا احب الله موما ابلا عم**

مصیبت را پاداش بزرگ دهند و چون خدا گروهی را دوست دارد مبتلایشان کند

**عفو الله اکر م. ذنوب**

عفو خدا از گناهان تو بزرگتر است

**عفوا بعم ساوک و بروا اناک سرک اساک و م. اعذر الی اکنه المسلم م. سی بلفه عبه  
ملک بمر عدره له برک علی التوصم**

عفت ورزید تا زنانان عقیف شوند و با پدرانان نیکی کنید تا فرزندانان با شما نیکی کنند و هر که از برادر مسلمان خویش در باره رنجشی که از او دارد عذر بخواهد و عذرش نپذیرد بر سر حوض بنزد من نیاید

**عفوا م. سا التاسم بعم ساوک و بروا اناک سرک اساک و م. اناه اکوه مسصلا ملبیر ذلی  
کما کار او مبطلا ما. له بمر له برک علی التوصم**

نسبت بزنان مردم عفت کنید تا زنانان عقیفمانند با پدران خویش نیکی کنید تا فرزندانان با شما نیکی کنند هر کس برادرش بعذر خواهی پیش وی آید باید عذر وی را حق باشد یا باطل بپذیرد و اگر نپذیرد بر سر حوض بنزد من نیاید

**علامه حر الله تعالی حر ذکر الله و علامه بصم الله بصم ذکر الله حر و حر**

نشان محبت خدا علاقه به ذکر خداست و نشان دشمنی خدا بیعلاقگی بذكر خدای عز و جل است

**علم لا یسع ککر لا بصم مه و علی کر سی رکاه و رکاه التصد الصام**

علمی که سود ندهد چون گنجی است که از آن خرج نکنند و هر چیزی زکاتی دارد و زکات تن روزه داشتن است

**علکم م. الاعمال ما بظهور ما. الله لا بمر حی ملوا**

عبادت باندازه توانائی خود کنید که خدا ملول نشود تا وقتی که شما ملول شوید



## عز الد ما احد - حی بودنه

هر کسی آنچه را گرفته بعهده دارد تا آن را ادا کند

عز كل مسلمه ما. له كد ميمر بده ميع بسه و بصد م ما. له بسطع ميمر. ذا العاچه ما. له  
ميمر مامر بالمر ما. له ميمر ميمر م. السر مانه له صدمه

هر مسلمانی باید صدقه ابدهد و اگر نیابد بدست خود کار کند و خود منتفع شود و صدقه نیز دهد و اگر نتواند حاجت مند را کمک کند و اگر نکند به نیکی وادار کند و اگر نکند از بدی باز دارد که همین صدقه اوست

## علا م ميمر احدكم احاه اذارای احدكم م. احه ما بعهه مليمع له بالمر

که چرا برادر خود را میکشید؟ وقتی یکتان از برادر خویش چیزی دید که جالب نظر بود برای او برکت بخواهد

## علم لا مال به ككر لا بعم مه

علمی که ظاهر نکنند چون گنجی است که از آن خرج نکنند

## علموا اساکه الساخه و الرمی و المراه المهر

فرزندان خویش را شنا و تیر اندازی آموزید و زنان را نخ رشتن

## علموا اساکه الساخه و الرمانه و بعم لعم المومه می سنا المهر و اذا دعاك ابواك ماحر امك

فرزندان خود را شنا و تیراندازی آموزید و چرخ نخ ریسی برای زن مؤمن در خانه اش چه سرگرمی خوبیست، وقتی پدر و مادرت ترا خواندند اجابت مادر کن

## علموا سكم الرمی مانه بکاه المده

فرزندان خویش را تیر اندازی آموزید که سر شکستگی دشمن است

**علموا و سرُوا و لا يفسرُوا و سرُوا و لا يفسرُوا و اذا عصى احدكم فليسكر**

تعلیم دهید و سهل گیرید و سخت مگیرید گشاده روئی کنید و خشونت مکنید و چون یکی از شما خشمگین شود خاموش ماند

**علموا و لا يفسرُوا ما را المعلم كرم المصنف**

تعلیم دهید و خشونت مکنید که آموزگار بهتر از خشونتگر است

**علك بالناس ما هي احدى الناس و اناك و الطمع مانه الفهم العاصر**

از آنچه در دست مردم است نومید باش، از طمع بپرهیز که فقر مهیا است

**علك بالر ما را صاحب الر بكمه انا بكر و مي كصر**

بنیکی کوش که نیکوکار دوست دارد مردم در خیر و فراوانی باشند

**علك بالمعلم ما را المعلم كلز المومر و العله و رربه و الفهم دليله و الفهم صمه و الرعم ابوه و اللبر اكه و**

**الصبر امر خوده**

علم جوئید که علم یار مؤمن است و بردباری وزیر اوست و عقل دلیل اوست و عمل سرپرست اوست و ملایمت پدر اوست و مدارا برادر اوست و صبر امیر سپاهیان اوست

**علك بالسكود ماك لا سجد لله سجده الا رمك الله ما كرخه و خط عك ما كطبه**

از سجده غافل مشو که هر سجده ای برای خدا کنی خداوند یکدرجه ترا بالا برد و گناهی از تو محو کند

**علك باول السوم ما را الریم مع السمام**

در معامله نخستین عرضه را به پذیر که سود با تساهل قرینست

**علیک بی‌عوی الله ما بنا جماع کر کر**

از ترس خدا غافل مباش که سر چشمه نیکیهاست

**علیک بی‌عوی الله عر و حر ما استظم و اذکر الله عند کر حر و سکر و اذا عملت سبه فاحذر -  
عندنا بوبه السر بالسر و الفلانیه بالفلانیه**

از ترس خدا غافل مباش و خدا را نزد هر سنگ و درخت یاد کن و اگر بدی کردی بهنگام آن توبه ای کن نهان بنهان و آشکار به آشکار

**علیک کسب العلم ما احسن. النام کلها احسنه دینا**

نیکیخواهی کن که از مردم هر که نکوخوای تر دینش نکوتر

**علیک کسب العلم و طول الصبر و الدی بسی سده ما کسر العلم بملعما**

نیکیخواهی کن و خموشی طولانی گزین، قسم بخدائی که جان من بدست اوست خلاق زینتی مانند آن ندارند

**علیک کسب الکلام و بدر الطعام**

سخن نیک گوی و غذا بکسان ده

**علیک بالرعم و اناک و الصف و العکم**

ملایمت کن و از خشونت و ناسزا بپرهیز

**علیک بالنواصع ما النواصع می العلب و لا بوجد. مسلمة مسلما**

تواضع کنی که تواضع در دل است و مسلمان نباید مسلمان را آزار کند

**علیک بالحر. فانه مصیام العلب احموا انفسکم و اطمنوا**

با غم خو کنید که چراغ دل است خویشتن را گرسنه و تشنه دارید

**علیکم بالر می ماهه م. کر سمک**

تیر اندازی کنید که از بهترین کوششهای شماست

**علیکم بالر می ماهه بکف المره و بکف باللمه و سد الفصر و بکف بالما و کس. العلم و بکف  
الهم و بکف باله**

مویز خورید که صفرا را غلیظ کند و بلغم را ببرد و عصب را قوی کند و کند ذهنی را ببرد و خلق را نیکو کند و جان را پاک دارد و غم را ببرد

**علیکم بالسواک ماهه مطبیه لله مرصاه للر-**

مسواک کنید که مایه پاکیزگی دهان و رضای خداست

**علیکم بالسواک صعه السی السواک سد الله و بکف بالکر و بصلم الهمه و برک می  
درخا- الله و برصی الر- و سکت السطار.**

مسواک کنید که مسواک خوب چیز است لثه را محکم کند و بوی دهان ببرد و معده را بصلاح آورد و درجات بهشت بیفزاید و پروردگار را خشنود کند و شیطان را بخشم آرد

**علیکم بالصدم ماهه مع الر و بما می الله و اناکم و الکر- ماهه مع الفکور و بما می النار و  
سلوا الله الهم. و الهاماه ماهه لم نو- احد بعد الهم. کرا م. الهاماه و لا کاسدوا و لا باعصوا و لا باطفوا  
و کونوا عما الله اکوانا کما امرکم الله**

راستی پیشه کنید که راستی قرین نیکیست و هر دو در بهشتند از دروغ پرهیزید که دروغ با بد کاریست و هر دو در جهنمند از خدا یقین و عافیت بخواهید که هیچ کس را بعد از یقین، بهتر از عافیت نداده اند، حسادت نوزید و دشمنی نکنید پیوند مبرید بندگان خدا، چنان که خدا فرمان داده برادران باشید

عليكم بالصدم ما الر الصدوم سدي الى الر و ا. الر سدي الى الله و ما ترال الر حر بصدوم و  
سري الصدوم حي بكر عبد الله صدها و اناك و الكد. ما الكد. سدي الى الهكور و  
ا. الهكور سدي الى البار و ما ترال الر حر بكد. و سري الكد. حي بكر عبد الله كدانا

راستی پیشه کنید که راستی بسوی نیکی راهبر می شود و نیکی بسوی جنت راهبر می شود و مرد پیوسته راست گوید و راستی جوید  
تا نزد خدا راستی پیشه بقلم رود و از دروغگوئی بپرهیزید که دروغ بسوی بد کاری و بد کاری بسوی جهنم میکشاند و مرد پیوسته دروغ  
گوید و دروغ جوید تا نزد خدا دروغ پیشه بقلم رود

عليكم بالصدم ماه نا. م. ابوا. الله و اناك و الكد. ماه نا. م. ابوا. البار

راستی پیشه کنید که راستی دری از درهای بهشت است و از دروغگوئی بپرهیزید که دروغ از درهای جهنمست

عليكم بالهرا. مالكدوه اماما و مادا ماه كلا ر. العالم. الكي حو مه و الله نفوك ماموا بمسانه  
و اعسروا ناهاله

با قرآن مانوس شوید و آن را پیشوا و رهبر خویش گیرید که قرآن گفتار خدای جهانیا نیست که از اوست و بسوی او باز میرود بمتشابه آن ایمان  
داشته باشید و از مثل های آن عبرت گیرید

عليكم بالصاعه ما. الصاعه مال لا سدد

به قناعت خو کنید زیرا قناعت مالی است که تمام شدنی نیست

عليكم بالصطباع المهروم ماه صمع مصارع السو و عليكم بصدومه السر مابنا نطی عصر الله عر و

حر

اعمال نیک انجام دهید که از سقوطهای بد جلوگیری میکند و صدقه نهان دهید که خشم خدا عز و جل را خاموش میکند

**عليك به الكلام و لا تسعونك السطار.**

سخن کمتر گوئید و شیطان مجذوبتان نکند

**عليك من الاعمال بما تطهروا. ما. الله لا يمر حتى يملوا**

عبادت بقدر طاقت خود کنید که خدا ملول نشود تا شما ملول شوید

**علم لا يبع كسر لا يبع منه**

علمی که سود ندهد گنجی است که از آن انفاق نکنند

**عليك بالناس ما في ابدى الناس**

از آنچه در دست مردمست نومید باش

**عليك بالرمم ما. الرمم له بكم. می سی مط الا راه و لا ترع م. سی مط الا ساه**

مدارا کن که مدارا در چیزی باشد آن را زینت دهد و در هر چه نباشد آن را خوار کند

**عمر الر كله نصف الهاده و الدعاء نصف مادا اراد الله تعالى بعد كرا اسكي طينه للدعا**

همه اعمال خیر یک نیمه عبادتست و دعا نیمه دیگر و چون خدا برای بنده ای خیر خواهد قلب او را بدعا متمایل کند

**عمر الله الصدم و ادا صدم الهدر و ادا بر ام. و ادا ام. ذكر الله و عمر النار الكد-**

**و ادا كد الهدر مكر و ادا مكر كمر و ادا كمر ذكر النار**

عمل بهشت راست گوئی است و چون بنده راست گوید نیکی کند و چون نیکی کند ایمن شود و چون ایمن شود بیبهشت در آید و عمل جهنم دروغ است و چون بنده دروغ گوید بد کار شود و چون بدکار شود بکفر گراید و چون بکفر گراید بجهنم رود

## عمى الفلج الصلاة بهد السدى

کوری دل گمراهی پس از هدایتست

عبد الله كرام. النمر و السر معانكنا الرخاا مطولى لهم. حمله الله معانا للكر معانا للسر و ويز لهم. حمله الله معانا للسر معانا للكر

خزینه های خیر و شر در نزد خداست و کلیدهای آن مردانند خوشا آنکه خدایش کلید خیر و کلون شر کرده و وای بر آنکه خدایش کلید شر و کلون خیر کرده است

## عبد الله تعالى احم ما ادى

بیمان خدا شایسته وفاست

عودوا المرصى و مروجه ملدعوا لكم ما. دعوه المرصم مسكاه و كنهه معهور

بیماران را عیادت کنید و بگوئیدشان که برای شما دعا کنند که دعای بیمار مستجاب و گناه او آمرزیده است

عودوا المرصم و اسفوا التمار بذكره الاكره

بیمار را عیادت کنید و جنازه را مشایعت کنید که آخرت را بیاد شما آرد

عودوا ملوبكم الرمد و اكروا العكر

دلهای خویش را بمراقبت عادت دهید و اندیشه بسیار کنید

عور الهد احاه يوما كرم. اعصاه سعرا

کمک یک روزه که کسی به برادر خود کند بهتر از اعتکاف یک ماهه است

عسار لا يمسخها النار انما عم بصر م. كسه الله و عم. ناس كرم مي سبز الله

دو چشم است که هرگز آتش بدان نرسد چشمی که از ترس خدا گریسته و چشمی که شب را بحراست در راه خدا بسر برده

العالم امير. الله في الارض

دانشمند امین خدا در زمین است

العالم و المعلم سربكار. في العبر و سائر اللسان لا كرم معص

عالم و متعلم در خیر شریکند و سایر مردم خیری ندارند

العالم اذا اراد بعلمه و حه الله تعالى حانه كرسى و اذا اراد ان يصر به الصور حاه م. كرسى

عالم اگر از علم خویش رضای خدا خواهد همه چیز از او بترسد و اگر خواهد بوسیله آن گنجها بپندوزد از همه چیز بترسد

العالم في حبه كالكل يهود في حبه

آنکه بخشیده خویش پس گیرد چون سگ است که قی کرده خویش بخورد

العالمات عماد الله و البلاك بلاك الله مع. احيا م. موات الارض سنا معو له

بندگان بندگان خدایند و دیار دیار خداست و هر که چیزی از موات زمین را احیا کند متعلق باوست

العالم و العلم في العنه فاذا لم يعمر العالم بما فعله ك. العلم و العمر في العنه و ك. العالم في النار

عالم و علم در بهشتند اگر عالم بعلم خویش عمل نکند علم و عمل در بهشتند و عالم در جهنم

العالم مع م. احد



هر کسی همسنگ چیزی است که دوست دارد

## المطیع لوالديه و لربه می اعز علم.

کسی که مطیع پدر و مادر و پروردگار خویش باشد در اعلاى بهشت است

## المده ذم. ویر لم. وعد له اكله ویر لم. وعد له اكله

وعده دادن چون دین بگردن گرفتن است، وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند، وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند، وای بر آنکه وعده دهد و تخلف کند

## المدر حس. و لکم. می الامرا احس. السا حس. و لکم. می الاعسا احس. الورع حس. و لکم. می الفلما احس. الصبر حس. و لکم. می الفهرا احس. النوبه حس. و لکم. می الساب احس. العنا حس. و لکم. می السا احس.

عدالت نیکست ولی از زمامداران نیکوتر است، سخاوت نیک است ولی از اغنیا نیکوتر است، تقوی نیکست ولی از علما نیکوتر است صبر نیکست ولی از فقرا نیکوتر است توبه نیکست ولی از جوانان نیکوتر است شرم نیک است ولی از زنان نیکوتر است

## الفرم سبطع صما س. الاسم و لا سبطع صما س. الله و س. م. مهله

نکوئی میان مردم فراموش می شود اما میان خدا و عامل نیکی فراموش نمیشود

## العفاف ربه السا

عفت زینت زنانست

## المعو احم ما عمر به

عفو شایسته ترین کاریست که کنند

**الفهر في امر الدنيا مصره و الفهر في امر الدّم. مسره**

عقل در کار دنیا مایه ضرر است و در کار دین مایه سرور

**الفهر الف مالوف**

عقل الفت گیر است و الفت پذیر

**الفلمنا بلاه رحز عاسم به الناسم و عاسم بعلمه و رحز عاسم بعلمه و لع بفسم به**

**عمره**

دانشوران سه قسمند مردی که مردم از او سود برند و او نیز از علم خود سود برد و مردی که مردم از او سود برند و خود را هلاک کند و مردی که از علم خود سود برد و دیگری از او سود نبرد

**الفلمنا اما الله عز كله**

دانشوران امینان خدا بر خلق اویند

**الفلمنا مصاسم الارصم و كلفا الانسا و وری و وره الانسا**

دانش وران چراغهای زمین و جانشین پیغمبران و وارثان من و وارث پیغمبرانند

**الفلمنا ماده و المعور. ساده و كالسع رناده**

دانش وران پیشوایانند و پرهیزکاران سرورانند و مصاحبتهشان مایه فزونی است

**الفلم امصر م. الفماده و ملا ك الدّم. الورع**

علم از عبادت بهتر است و اساس دین ترس خداست

## الفه امصر م. الفمز و صر الاعمال اوسطها

علم از عبادت افضلست و بهترين عملها عملی است که معتدل تر است

## الفه بلاه صا- ناطم و سه ماصه و لا ادری

علم سه چیز است کتاب گویا و سنت متبع و «نمیدانم»

## الفه حنا ا لاسلا م و عما ا لانما و م. علم علما اله الله له اخره و م. بعل مومر علمه الله ما له بعل

علم حیات اسلام و ستون ایمانست و هر که علمی بیاموزد خدا پاداش او را کامل کند و هر که تعلیم گیرد و عمل کند خدا آنچه نمی داند باو تعلیم دهد

## الفه صرام. و معاخا السوال مسلوا برکم الله فانه بوخر منه اربعه السابز و المملع و المسمع و المکر

لم

علم گنجینه هاست و کلید آن پرسش است پرسید تا خدا بر شما رحمت آرد که خدا در کار علم چهار کس را پاداش می دهد پرسنده و آموزگار و شنونده و کسی که دوستدار ایشانست

## الفه کلز الموم. و الفلم و ربره و الفمز ذلله و الفمز مابده و الرمم والد و الر احوه و الصبر امر

خوده

علم دوست مؤمن و بردباری وزیر او و عقل رهبر او و عمل سردار او و ملایمت پدر او و نیکی برادر او و صبر امیر سپاه اوست

## الفه صر م. الفمز و ملا ك الد. الورع و الفالم م. بومر

علم از عبادت بهتر است و اساس دین ترس خداست و عالم حقیقی آنست که عمل کند

## الفه علمار. مملع می الفلم مذلک الفلم النامع و علم عن السابز مذلک حکه الله عن ام. اذ م

علم دو علم است علمی که در قلب است و علم نافع همین است و علمی است که بر زبانست و او حجت خدا بر فرزند آدمست

### الفلم مرایی و مرا - الانسا م. میر

علم میراث من و میراث پیغمبران پیش از منست

### الفلم و المال سراج. کز عس و العز و الفهر بکسار. کز عس

علم و مال هر عیبی را بپوشاند و جهل و فقر هر عیبی را نمایان کند

### الفلم لا کر منه

منع علم روا نیست

### الفم. حم و لو ک. سی ساعم الفکر سمعه الفم.

چشم بد حق است اگر چیزی از تقدیر پیشی میگرفت چشم بد بودی

### الفم. حم کصرا السطار. و حسد ام. اذ م

چشم بد حق است شیطان و حسد بنی آدم آن را پدید می آورد

### الفما. برسا. و النکا. برسا. و الرخلا. برسا. و الهرم بری

چشمان زنا میکنند و دستان زنا میکنند و پاها زنا میکنند و عورت نیز زنا میکند

### عربسا. کلمه حکمه م. سمه فاملوفا و کلمه سمه م. حکم فاعروفا

دو چیز عجیب است: سخن حکمت آمیز از سفیه، آن را بپذیرید و سخن بد از خردمند، آن را ببخشید

### عسرا لانا و طعاره الها نورنا. الهی

شستن ظرفها و پاکیزگی حیاط مایه غناست

عَسَىٰ سَكْرَانٌ سَكْرَهُ حَبِّ الْمَسِّ وَ حَبِّ الْبُرِّ مَعْدُ ذَلِكَ لَا يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

دو مستی شما را خواهد گرفت مستی عیشدوستی و علاقه بنادانی در آن هنگام امر بمعروف و نهی از منکر نکنند

عَطَّ مَعْدَاً مَا بَلَغَ الرَّحَىٰ عَوْرَهُ

ران خویش بیوش که ران مرد عورت است

عَمْرُ اللَّهِ عَرَّ وَ حَزَّ لِرَحَىٰ أَمَاطٍ عَصَبٍ سَوْدٍ عَمَّ الطَّرْمَ مَا سَدَّ مَهْمٌ ذَبَّهَ وَ مَا نَاكَرَ

مردی که شاخه تیغی از راه بردارد خدا گناهان کهنه و تازه او را بیامرزد

عَمْرٌ لَأَمْرَاهُ مَوْسَىٰ مَرَّ بِكَلْبٍ عَمَّ رَأْسَهُ رَكِيٌّ بَلَعَهُ كَادَ بَعْلُهُ الْمَطْمَ مَرَعَهُ كَعْبَا مَوْسَىٰ كُفَّارِحَا

مَرَعَهُ لَهُ مَهْمٌ أَلَا مَعْمَرٌ لَهَا بَدَلٌ

زن روسپی ای آمرزیده شد که بر سگی گذشت که بر لب چاهی از تشنگی نزدیک بمرگ بود، کفش خویش بکند و بسر پوش خویش بست و برای سگ آب بر آورد، برای همین آمرزیده شد

عَرَوْا السَّبَّ وَ لَا يَسْتَعْوَا بِالْعَوْدِ

موی سپید را رنگ کنید و چون یهودان مشوید

الْمَدَّ وَ الرِّوَامَ مِي بَعْلَهُ الْعَلَمُ أَمَصِرَ عَدَّ اللَّهُ مَهْمٌ الْعَتَادِ

صبح و شب در کار تعلیم علم بسر بردن نزد خدا از جهاد بهتر است

الفریا می‌الدینا اربعه مرات. می‌خوف طالع و مسجد می‌نادی موم لا یصر منه و مصعب می‌سر لا  
هر اینه و رجز صالح مع موم سو

غریبان جهان چهارند: قرآن در خاطر ستمگر، و مسجدی در ناحیه گروهی که در آن نماز نکنند، و مصحفی در خانه ای که نخوانند، و مرد پارسا  
با مردم بد

الفصر م. السطار. و السطار. كلم م. النار و اما بطی النار ماذا عسر احدکم ملهسر

خشم از شیطان است و شیطان از آتش است و آب آتش را خاموش میکند، وقتی یکیتان خشمگین شود غسل کند

الفر و العسد ناکل. العسا. كما ناکل النار العطر

کینه و حسد اعمال خوب را میخورد چنان که آتش هیزم را میخورد

الما سیر العام می‌الفر كما سیر الما الررع

تغنی نفاق را در قلب میرویانند چنان که آب زراعت را

الهی الناس عما می‌ادی الناس و م. می‌مک الی طمع ملهسر روکا

کمال بی‌نیازی آنست که از آنچه در دست مردم است نومید باشی و هر کس از شما براه طمعی می‌رود آهسته رود

الهم برکه

گوسفند مایه برکت است

الهمه ذکر اکاد ما بکره

غیبت آنست که برادر خود را بچیزی که دوست ندارد یاد کنی

الفره م. ا لانهار و المدا م. العام

غیرتمندی از ایمانست و بی بندوباری از نفاق

فاعز الفکر کر مه و فاعز السر سر مه

عامل خیر از خیر بهتر و عامل شر از شر بدتر است

مرع الله عر و حر الی کر عد م. اخله و ررمه و مصعنه و سهی او سفد

خدای عز و جل مرگ و روزی و آرامگاه و بدبختی و نیکبختی هر بنده ای را از پیش معین کرده است

مرع الی ام. اذ م. اربع العلم و العلم و الررم و الاحر

چهار چیز آدمیزاد: صورت و سیرت و روزی و مرگ وی از پیش معین است

مرع الله لکر عد م. عمله و اخله و مصعنه و ررمه لا سفداحم. ادا

خدا عمل و اجل و آرامگاه و روزی هر بنده ای را از پیش معین کرده و هرگز از آن تجاوز نخواهد کرد

مصر الساء الفاد الدی همد می صناه علی السمه الدی همد ما کر سه کصیر

المرسلن علی سائر الناس

فضیلت جوان عابد که از آغاز جوانی عبادت کند بر پیری که وقتی سن بسیار یافت عبادت کند چون فضیلت پیغمبران بر سایر مردمست

مصر الملک امصر م. مصر الهاده

فضیلت علم بیشتر از فضیلت عبادت است

مصر الفاله علی الفاد کصیر علی امی

فضیلت عالم بر عابد چون فضیلت منست بر امتم

**مصر العالم عن العابد كصبر عن ادناكم ا. الله عز و حر و ملائكه و اجز السموا- و الارصم. حی  
المله می حمرها و حی العو- لصلو. عن مقله الناس العر**

فضیلت عالم بر عابد چون فضیلت من بر پست ترین شماسست، خدای عز و جل و فرشتگان او و اهل آسمانها و زمین ها حتی مورچه در سوراخ و حتی ماهی کسی را که نیکی بمردم آموزد دعا میکنند

**مصر العالم عن العابد كصبر العمر لله الدر عن سائر الكواك**

فضیلت عالم بر عابد چون فضیلت ماه دو هفته بر سایر ستارگانست

**مصر العالم عن العابد سبع. درجه ما س. كل درجس. كما س. السما و الارصم**

فضیلت عالم بر عابد هفتاد درجه است که فاصله هر دو درجه چون فاصله زمین و آسمانست

**مصر العالم عن عره كصبر النبی عن امه**

فضیلت عالم بر غیر عالم چون فضیلت پیغمبر بر امت اوست

**مصوم الكسا احو. م. مصوم الاكره**

رسوائی دنیا آسانتر از رسوائی آخرت است

**معه واحد اسد عن السطار. م. الف عابد**

تحمل یک فقیه برای شیطان از هزار عابد سخت تر است

**مكره ساعه كر م. عباده سس. سه**



ساعتی اندیشیدن بهتر از شصت سال عبادت کردنست

می الهه ما لا عم. را- و لا ادر. سمع و لا خطر عر ملت سر

در بهشت چیزها هست که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر خاطر کسی گذشته

می السواک ماهه كصال بطنر الهه و سد الله و كلو البصر و بصر البلقه و سرمر الملاک و

برصی الر- و برک می العسا- و بصر المهده

در مسواک کردن هشت فائده هست: دهان را پاکیزه کند، و لثه را محکم کند، و چشم را روشن کند، و بلغم ببرد، و فرشتگان را خوشحال کند، و پروردگار را خشنود کند، و اعمال خوب را بیفزاید، و معده را بصلاح آرد

الفاخر الراحی لرحمه الله تعالی امر- مسا م. الفاقد المهبط

بد کاری که برحمت خدای والا امید دارد از عابد مأیوس، بخدا نزدیکتر است

الفقر امانه ممر. كمه کار. عباده

فقر امانتی است و هر که آن را پوشیده دارد عبادتی باشد

الفقر سمر. عبد الناسم و رم. عبد الله نوم الفنامه

فقر پیش مردم زیبونی است و روز قیامت پیش خدا زینتست

ماربوا و سدوا می کر ما بصاب به المسلم كفاره حی الصدیه سدنا و السوکه ساکنا

دوستی کنید و بصلاح آئید مسلمان هر چه بیند کفاره اوست حتی مصیبتی که بدو رسد و خاری که در پایش خلد

ماصبا، می التار و ماصم می التبه ماصم عرف التهم مهصی به صو می التبه و ماصم عرف التهم مکار مهمصا  
او مصی نهر علف صبا می التار

دو قاضی در جهنم و قاضی ای در بهشتست: قاضی ای که حق را بشناسد و بدان حکم کند در بهشتست، و قاضی ای که حق را بشناسد  
و دانسته منحرف شود، یا ندانسته قضاوت کند هر دو در جهنم اند

**ما الله تعالى م. لہ برصم بصابی و لہ نصر علی لابی مللیم ربا سواى**

خدای والا فرماید: هر که بقضای من رضا ندهد و بر بلای من صبر نکند خدائی جز من جوید

**ما الله تعالى اذا عہ عدى لسه و لہ عملتا کسبا لہ حسہ ما. عملتا کسبا لہ عسر حسا۔ الی سہماہ  
صہف و اذا عہ سہ و لہ عملتا لہ اکسبا علہ ما. عملتا کسبا علہ سہ واحدہ**

خدای والا فرماید: وقتی بنده من کار نیکی اراده کند و نکند آن را یک کار نیک برای وی ثبت کنم و اگر بکند ده کار نیک تا هفتصد برابر ثبت  
کنم و وقتی کار بدی اراده کند و نکند بر عهده او ثبت نکنم و اگر بکند یک کار بد بر عهده او ثبت کنم

**ما الله تعالى بوذبی ام. اذہ سہ الدمر و انا الدمر بصدی الامر املہ اللز و السار**

خدای والا فرماید فرزند آدم مرا آزار میکند که بروزگار ناسزا میگوید، روزگار منم و کارها بدست منست و شب و روز را تغییر میدهم

**ما الله تعالى و م. اطلہ ہم. دحہ کلہم کلہا کلہی ملکلہوا حہ او لکلہوا ذرہ او لکلہوا سہرہ**

خدای والا فرماید ستمگرتر از آنکه خواهد مخلوقی چون مخلوق من بسازد کیست؟ اگر توانند دانه ای بسازند یا مورچه ای یا دانه جوی  
بسازند

**ما الله تعالى اذا ہر۔ الی الفک سرا ہر۔ الہ ذراعا و اذا ہر۔ الی ذراعا ہر۔ مہ ناعا و اذا  
انالی مساسہ حرولہ**

خدای والا فرماید وقتی بنده یک وجب بمن نزدیک شود ذراعی بدو نزدیک شوم و چون ذراعی بمن نزدیک شود بیش از دو ذراع باو نزدیک شوم و اگر ملایم بسوی من آید بشتاب بسوی او شوم

**مال الله تعالی انا اعی السركا ع. السرك و م. عمر عملا اسرك مه مهی عری برکه و سرکه**

خدای والا فرماید من از همه شریکان از شریک بی نیازترم و هر که غیر مرا با من در عبادت خود شریک کند وی را با شرککش رها کنم

**مال الله تعالی الکریا ردای مم. نارعی ردای مصمه**

خدای والا فرماید کبریا ردای من است و هر که مدعی ردای من شود درهمش شکنم

**مال الله تعالی احر ما بعدی به عیدی النصم لی**

خدای والا فرماید محبوبترین عبادتی که بنده برای من تواند کرد خلوص است

**مال الله تعالی اذا وحس الی عبد م. عیدی مصبه می بده او می ولده او می ماله ماسمهله بصر**

**خبر اسکیس نو و الفنامه ا. ابصر له مرانا او اسر له دیوانا**

خدای والا فرماید وقتی مصیبت تن یا فرزند یا مال، متوجه یکی از بندگان خویش کنم و او با صبر نیکو مصیبت را استقبال کند روز قیامت شرم دارم که میزانی برای او نصب کنم یا دفتری برای او پهن کنم

**مال الله تعالی انا عبد طم. عیدی لی ا. طم. کرا مله و ا. طم. سرا مله**

خدای والا فرماید من با گمان بنده ام که بمن دارد قرینم اگر نیکو گمان کند نیکی یابد و اگر بد گمان برد بد بیند

**مال الله تعالی م. علم الی ذو مکره علی مفره الکیو - عمر - له و لا ابالی ما له سرک لی سنا**

خدای والا فرماید هر که یقین دارد که من قدرت آمرزش گناهان دارم بیامرزمش و مادام که چیزی را با من شریک نیارد مهم نیست

**ما الله تعالى انا اكرم و اعظم عفوهم. ا. اسر عر عبد مسلم في الدنيا له امصكه بعد اذ سره و  
لا ارال اعمر لمدي ما اسمعري**

خدای والا فرماید عفو من گرامیتر و بزرگتر از آنست که در دنیا کار بنده مسلمانی را مستور دارم آنگاه از پس مستور داشتنش او را رسوا کنم، و مادام که بنده ام از من آمرزش خواهد او را خواهم آمرزید

**ما الله تعالى و عری و حلالی لا اجمع لمدي امهم. و لا حوصهم. ا. حو امی می الدنيا امه نوم اجمع  
عماذی و ا. حو کامی می الدنيا امه نوم اجمع عماذی**

خدای والا فرماید بعزت و جلالم قسم که یک بنده را دو امنیت و دو ترس با هم ندهم اگر در دنیا از من ایمن است در روزی که بندگانم را فراهم کنم او را بترسانم و اگر در دنیا از من بترسد روزی که بندگانم را فراهم کنم ایمنش کنم

**ما الله تعالى يا ام. اذم بلاه واحده لی و واحده لك و واحده سی و سكا فاما الی لی صمدی  
لا سرک لی سنا و اما الی لك مما عملهم. عمر حرك به ما. اعمر ما الفهور الرحم و اما الی سی و  
سك مفلک الدعاء و المساله و عر الاسكانه و المطا**

خدای والا فرماید ای فرزند آدم سه چیز هست یکی خاص من، یکی خاص تو، و یکی میان من و تو اما آنکه خاص من است آنکه مرا بپرستی و چیزی را با من انباز نکنی اما آنچه خاص تو است هر چه عمل کنی سزای تو دهم و اگر بیامرزم من آمرزگار رحیمم اما آنچه میان من و تو است از تو دعا کردن و خواستن و از من اجابت و عطا کردن

**ما الله تعالى م. لا بدعوی اعصر عنه**

خدای والا فرماید هر که مرا نخواهد بر او خشمگین شوم

**ما الله تعالى يا ام. اذم بولی كز نوم بررمك و اس كرا. و بعصم كز نوم م. عمرک و اس  
بررم اس مما بصك و بطل ما بطقك لا بطلز سبع و لا م. كسر سبع**

خدای والا فرماید ای پسر آدم هر روز روزی تو دهند و غمگین باشی و هر روز از عمر تو کاسته شود و شادمانی کنی، آنچه ترا کفایت کند داری و آنچه ترا بطغیان کشاند میطلبی نه بکم قانع شوی و نه با بسیار سیر

### مال داود با رارع الساب اب كصد سوکنا

داود فرمود ای که بدی کاشته ای خاران را درو خواهی کرد

مال داود ادکال بکد می مع السب الی اب سلع المرمم مهصما کر لک م. اب سال م. له  
بک. له سی له کار.

داود فرمود اگر دست خویش را تا مرفق بکام اژدر کنی که آن را در هم شکنند بهتر است تا از تازه بدوران رسیده چیزی بخواهی

### مال المسلم کفر و سباه مسوم و لا کر لمسله اب سکر احاه موم بلاه انا م

جنگ با مسلمان کفر است و ناسزا گفتنش گناه است و روا نیست که مسلمانان بیش از سه روز با برادر خود قهر کند

مد اعلم م. احلص مله لا نما. و حمر مله سلما و لسانه صاوما و سهه مطمئه و کلئه مسهفه و اذنه  
مسهفه و عبه با طره

هر که ایمان قلبش خالص باشد و قلب خویش سالم و زبان خویش راستگو و جان خویش آرام و خوی خویش مستقیم و گوش خویش شنوا و چشم خویش نگران کند رستگار شود

### مد اعلم م. ررم لبا

هر که را خرد داده اند رستگاری یافته است

### مرصم الی کر م. صدقه

چیزی را بقرض بدهی بهتر از آنست که بصدقه بدهی

مرصم مرسم. كرم. صدمه مره

دو بار قرض دادن بهتر از یک بار صدقه دادن است

مسمه. الله تعالى لا يذكرك الله كرم

قسم خداست که بخیلی وارد بهشت نمی شود

مر الله احمد سرربی كرامه. علاسی و احمد علاسی صالحه الله الی اسالك م. سالم ما بولی الناس م.

المال و الاخر و الولد عر الصار و لا المصير

بگو خدایا نهران مرا از عیانم بهتر کن و عیانم را شایسته کن، خدایا از آنچه بمردم عنایت میکنی از مال و زن و فرزند از نوع شایسته آن که نه گمراه باشد و نه گمراه کن از تو میخواهم

مر الله الی اسالك بها مطمئه نوم. بلفاك و برصی بصابت و ببع بغطاك

بگو خدایا جان مطمئنی از تو میخواهم که بمعاد ایمان داشته باشد و بقضای تو رضا دهد و بعطای تو قناعت کند

ملب السم سا- عر حد اسم. حد المسم و المال

دل پیر بر محبت دو چیز جوان است حب حیات و مال

ملب ساكر و لسا. ذاكر و روجه صالحه بفسك عر امر ذنابك و ذك كرم ما اكسر الناس

دلی شکرگزار و زبانی ذکر گوی و زنی پارسا که ترا در کار دنیا و دینت اعانت کند بهترین چیزی است که مردم ذخیره کنند

ملب لسم مه سی م. انكمه كسر كرم- منعلموا و علموا و بفعوا و لا نموبوا خلاا ما. الله لا بفسك

عر العز

دلی که نشانی از خرد در آن نباشد چون خانه خراب است پس تعلیم گیرید و تعلیم دهید و فقه آموزید و بر جهل نمیرید که خدا از جهل نمیگذرد

**ملز الفه کر م. کسر الفاده و کمی بالمر معنا اذا عبد الله و کمی بالمر خلا اذا اععب برانه و انما الناس رخلا موم. و حاجز ملا نوك الموم. و لا كاور الحاجز**

اندکی دانش بهتر از عبادت بسیار دانش مرد همین بس که خدا را پرستد و نادانی مرد همین بس که دلبسته رای خویش باشد، مردم دو گونه اند مؤمن و جاهل، مؤمن را میازار و بر جاهل تعدی مکن

**ملز التومع کر م. کسر الفمز و الفمز می امر الدنيا مصره و الفمز می امر الدیم. مسره**

اندکی توفیق به از عقل بسیار، عقل در کار دنیا مایه خسارت است و در کار دین مایه مسرف

**ملز الفمز مع الفلم و کسر الفمز لا سبع مع الفمز**

عمل اندک با علم سودمند افتد و عمل بسیار با جهل سود ندهد

**ملز نوكی سكره کر م. کسر لا بطمه**

اندکی که شکر آن توان گذاشت بهتر از بسیاری که تاب آن نتوانی داشت

**مله الفمار احد السارم.**

نانخور کم داشتن یکی از طرق توانگر بودن است

**مز الفعم و ا. کار مرا**

حق را بگو و گرچه تلخ باشد

**مولوا کرما بصموا و اسکوا ع. سر سلصوا**

خیری گوئید تا بهره برید و از شر خاموش مانید تا بسلامت روید

**موام المر عقه و لا یم. لم. لا عر له**

اعتبار مرد بعقل اوست و هر که عقل ندارد دین ندارد

**موا ناموالکم عم. اعراضکم**

آبرویتان را بوسیله اموالتان حفظ کنید

**مدوا العلم بالکما-**

علم را بنوشتن در بند کنید

**مدحا و توکر**

شتر ببند و توکل کن

**الهر اول مرر م. مائر الاکره**

قبر نخستین منزل از منزلهای آخرت است

**الهر ا. هو الدوا**

قرآن دواست

**الهر ا. عی لا مهر بعه و لا عی دونه**

قرآن غنائیست که پس از آن فقری نیست و غنائی جز آن نیست

**الهر ملک و له حیود فاذا صلح الملک صلح حیوده و اذا مسد الملک مسد حیوده**



دل پادشاهی است که سپاهیان دارد و چون شاه بصلاح آید سپاهیانش بصلاح گرایند و چون شاه فاسد شود سپاهیانش فاسد شوند

### الساعة مال لا يعد

قناعت مالی است که تمام نمیشود

### كاف القلم بلمه كرسى حى العو - مى المكر و الطير مى السما

همه چیز حتی ماهی دریا و مرغ هوا نهان کننده علم را لعنت کنند

### كاد العلم ان يكو بسا

نزدیک بود که شخص بردبار پیمبر شود

### كاد الفقر ان يكو كرا

بیم آنست که فقر بکفر انجامد

### كاد السد ان يعلب الهدر

بیم آنست که چشم زخم بر تقدیر غالب شود

### كار العلم مسا على عربا و حر و كار المو - مسا على عربا كبر و كار الدم - سيع م - الاموا - سهر

عما ملير السا عاكور - سو احكاسه و ناك براسه كانا كلكور - همدعه مد بسا كر واعطه و اما كر

خائعه

گوئی در این دنیا حق بر غیر ما واجب است و گوئی در این دنیا مرگ بر غیر ما مقرر است و بذله گوئی آن مردگان که مشایعتشان کنند مسافرانند که بزودی بسوی ما بازمی گردند تنشان را در گور میکنیم و میراثشان را میخوریم گوئی ما پس از آنها جاودانیم هر اندرزی را فراموش کرده ایم و از هر حادثه ای در امانیم

کاء ر ح ز بکام. الاسم مکاء. بقول لسانه اذا اسر مفسرا مكاور عنه لمر الله ا. سكاور عبا طلعى الله مكاور

عنه

مردى بود كه با مردم معامله داشت و بخدمتگذار خود ميگفت چون بتنگدستى برخوردارى از او در گذر شايد خدا از ما درگذرد سپس بپيشگاه خدا رفت و خدا از او در گذشت

كاء عر الطرم عصم. سكره نوذى الاسم ماماطعا ر ح ز مادكر الله

شاخه درختى در راه بود كه مردم را آزار مى داد مردى آن را دور كرد و بهشتش بردند

كر معا عبد الله الاكر م. عر جوع و النوم م. عر سحر و الصنك م. عر عكر

خوردن بى گرسنگى و خواب بدون خستگى و خنده بى شگفت نزد خدا بسختى منفور است

كر- كانه ا. كد- اكاد حصا مو لك به مصدم و اس له كاد-

خيانتى بزرگ است كه برادر خويش سخنى گوئى كه راستگويت شمارد و تو دروغگو باشى

كب الله تعالى معاذير الكلام من ا. كلف السماء- و الارصم كصم. الف سه و عرسه عر الها

خداى والا تقدير خلايق را پنجاه هزار سال پيش از آنكه آسمانها و زمين را بيافريند ثبت كرد و عرش وى بر آب بود

كب عر ام. ادم بصبه م. الرنا مدرد ذلك لا قاله مالمصار. رباحا النظر و الاذنا. رباحا

الاسماع و اللسان. رباح الكلام و الد رباحا النظم و الر ح ز رباحا الخطا و الهلج سوي و صمى و بصد م

ذلك الهرم او بصد

بر فرزند آدم سهم وى از زنا مقرر است كه ناچار مرتكب بشود زناى چشمان نگاه است و زناى گوشها سماع است و زناى زبان سخن است و زناى دست تعدى است و زناى پاها رفتن است، قلب هوس كند و آرزو كند و عورت عمل كند يا نكند

## کرم الصکب من العله

خنده بسیار دل را بمیراند

## کرم المرویه و مرویه عمله و حسبه کله

کرامت مرد بدین اوست و مروت وی بعقل اوست و شرف وی باخلاق اوست

## کرم الکبا - کیمه

اعتبار نامه بمهر است

## کی بالدحر و اعطا و بالمو - مهرما

چه آموزگار نیست روزگار و چه جماعت پراکنی است مرگ

## کی بالمر ایها ای بصیع م. هو -

گناهکاری مرد همین بسکه عیال خویش را بی تکلیف گذارد

## کی بالمر علما ای کسی الله و کی بالمر حلا ای بکرمه

در علم مرد همین بس که از خدا ترسد و جهل مرد همین بس که مفتون خویش باشد

## کی بالمر معا ادا عبد الله و کی بالمر حلا ادا اعمد برانه

دانش مرد همین بس که خدا را پرستد و نادانی مرد همین بسکه دلبسته رأی خویش باشد

## کی بالمر کدا ای کدا لک ما سمع

دروغگوئی مرد همین بس که هر چه بشنود بگوید

## کی نالمر سرا ای سار اله بالاصاع

بدی مرد همین بسکه انگشت نما باشد

کی نالمر مر الكد- ای كد- بكر ما سمع و کی نالمر مر السم- ای نورا احد کی لا ابرك

مه سنا

دروغگوئی مرد همین بس که هر چه بشنود بگوید و بخل مرد همین بس که گوید حق خویش را میگیرم و از چیزی نمیگذرم

کی نالمو- واعطا و کی نالصر- عی

چه پند آموزیست مرگ و چه غنائیست ایمان

کی نالمو- مرصدای الكدای و مرعنا می الاصره

چه وسیله ای است مرگ برای بی رغبتی دنیا و رغبت بآخرت

کی نالمر سفاذه ای نوسم نه می امر دسه و دساره

خوشبختی مرد همین بس که در کار دین و دنیایش بر او اعتماد کنند

کی نالمر ایما ای كد- بكر ما سمع

گناه مرد همین بس که هر چه میشنود بگوید

کی ایما ای كسم عمر- هلك مونه

همین گناه بس که غذا از بنده خویش منع کنی

کی نالمر ایما ای لا برال فاصما

همین گناه ترا بس که پیوسته در حال مخاصمه باشی

**کی بالمر بصرا ای سطر الی عدوه می معاصی الله**

برای فیروزی مرد همین بس که دشمن خویش را در معاصی خدا ببیند

**کی بالرحز اما ای کور بدنا محسا کلا**

گناه مرد همین بس که بدزبان و بدکار و بخیل باشد

**کی بالمر اما ای سار اله بالاصابع ای کار کرا می مرله الا م. رحم الله تعالی و ای کار سرا معو**

سر

برای مرد همین گناه بس که انگشت نما باشد اگر بخیر باشد لغزش است مگر آنکه خدایش رحم کند و اگر بشر باشد که شریست

**کفاره الکر الکامه و لو له کذبوا لالی الله هو و کذبوا لکفر له**

کفاره گناه پشیمانی است اگر شما گناه نمیکردید خدا مردمی پدید می آورد که گناه کنند تا پیامرزدشان

**کفاره م. اعیب ای سبهم له**

کفاره کسی که عیب وی کرده ای اینست که برای او آمرزش بخواهی

**کم سر د. الماس فابا صدقه مک علی سبک**

شر خویش را از مردم کوتاه کن که این صدقه ایست که بخویشتن می دهی

**کلا م. ام. کله علیه لا له الا امرا بمعروف او سا م. مکر او ذکر الله تعالی**

گفتار فرزند آدم بضرر اوست نه برفع او مگر امر بمعروفی یا نهی از منکری یا ذکر خدای والا

## کلمه الحکمه صاله کر حکم

گفتار حکمت آمیز گمشده هر خردمندیست

## کر معروف صدمه

هر کار نیکی صدقه است

## کر صاحب علم عربا، الی علم

هر دانشمندی گرسنه علم دیگر است

## کر سی بصر حی الفکر و الکسر

هر چیزی مقرر است حتی ناتوانی و هوش

## کر سی ادم کطا و کر العظام، الوااس.

همه فرزندان آدم خطا کارند و بهترین خطاکاران توبه گراند

## کر کله بطبع علیا الموم، الا العناه و الکرد-

مؤمن هر صفتی تواند داشت مگر خیانت و دروغ

## کر دس عسی الله، ار بفره الا م، ما- مسرکا او منر موما صمعدا

هر گناهی را شاید خدا ببخشد مگر کسی که مشرک مرده یا مؤمنی را بعمد کشته باشد

## کر دی مال احم ما له بصیع به ما سا

هر صاحب مالی بمال خویش شایسته تر است که با آن هر چه خواهد کند

## کِ سِی بَعَصِمِ الْاِلسِرِ مَاہِ بَرَدَاتِ مَہِ

هر چیزی کاسته شود بجز شر که فزونی گیرد

## کِ سِی مَصْرًا عَمِ طَرَسًا وَ حَلْفِ الْکِتْرِ وَ نَوَی عَوْرَةِ الرَّحْلِ وَ اَلْمَا لَہِ بَکْرًا لَامًا اِذَا مَہِ حَمَمِ

آدمیزاد بیشتر از سایه خانه ای و خشک نانی و جامه ای که عورت مرد بیوشاند و آب حق ندارد

## کِ سِی سَا الْمَوْمِ مَعُو مَصْبِہِ

هر چه مؤمن را از آن بد آید مصیبت است

## کِ عَمِ رَاہِہِ وَ الْمَرَاہِ اِذَا اسْمَطَرَ - مَعْرَہِ بِالْمَکَلِمِ مَعِی رَاہِہِ

هر چشمی زناکار است و زن وقتی خشبو شود و بر انجمنی بگذرد زناکار است

## کِ مَرَصَمِ صَدَقَہِ

هر قرضی صدقه است

## کِ اَمْرِی حَسَبِہِ نَہِہِ

هر کس حسابگر خویشتنست

## کِ مَسْکَرِ حَرَامِہِ وَ لَسَمِ مِی الدَّمِ مَسْکَرِ

هر عمل مشکلی حرامست و در دین مشکل نیست

## کِ مَا حَوَاہِ مَرِہِ

هر چه آمد نیست نزدیک است

## كز المسلم على المسلم حرام ذمه و عرصه و ماله

همه چیز مسلمان خون و آبرو و مال او بر مسلمان حرام است

كلکم راع و کلکم مسؤل عن رعیته

همه شما رعایتگرید و همتان در باره رعیت خویش مسئولید

كز الذی یؤمر الله بعلی ما ساء ما الی یؤمر الصامه الا عموم الوالدین. ما الله یفعله لصاحبه می  
العناء الذی من المما-

خدای والا، از همه گناهان هر چه را خواهد تا روز رستاخیز مؤخر دارد مگر نارضائی پدر و مادر که خدا سزای آن را در زندگی دنیا پیش از مرگ  
دهد

كز الذی یؤمر الله بعلی ما ساء ما الی یؤمر الصامه الا عموم الوالدین. ما الله یفعله لصاحبه می  
العناء الذی من المما-

همه دروغها بر فرزند آدم ثبت شود مگر سه دروغ مرد در جنگ دروغ گوید که جنگ خدعه کردن است و مرد بزنی دروغ گوید که او را خشنود  
کند و مرد با دو کس دروغ گوید که میانشان اصلاح دهد

## كز المسلم على المسلم حرام ماله و عرصه و ذمه حسب امری من السر ان كهر اكله المسلم

همه چیز مسلمان، از مال و آبرو و خونش بر مسلمان حرامست، برای مرد همین شر بس که برادر مسلمان خویش را تحقیر کند

كز امری معافی الا المکاحرم. و ان من العتار ان یهزم الرجز باللیز عملا له بصیمه و مد سره الله بعلی

مفعول عملی البارحه كذا و كذا و مد با- سره ربه و بصیمه یكسف سر الله عنه



همه امت من بخشوده اند مگر تظاهر کنان (بفسق)، از جمله تظاهر اینست که مرد بشب عملی کند و بصبح، با آنکه خدا عمل او را مستور داشته گوید شب گذشته چنان و چنان کردم، پروردگارش بشب مستورش داشته و بروز پرده خدا را از خویش برمی دارد

### کَر عَلْمٍ وَبِالْیَوْمِ الْفَاصِمَةِ إِلَّا مَنِ عَمَرَ بِهِ

همه علم ها روز قیامت وبال است مگر علمی که بدان عمل کنند

### کَر بِنِیِّ اِذْ هُوَ حَسُوْدٌ وَّ لَا یَبْصُرُ حَاسِدًا حَسَدَهُ مَا لَمْ یَسْکُلْ بِالسَّارِ اَوْ یَعْمُرْ بِالْبَدَنِ

همه فرزندان آدم حسودند و حسد حسود مادام که بزبان از آن سخن نگوید و بدست عملی نکند زیانش نمی زند

### کَر مَرَصْمٍ حَرِّ صَفْهَةٍ مَعُوْرًا

هر قرضی که دو برابر خویش آرد ربا است

### کَر مَوَدِّ مِی الْبَارِ

هر آزارگری در جهنم است

### کَر مَعْرُوْفٍ صَفْهَةٍ اِلٰی عٰی اَوْ مَعْرَمٰی صَدَقَةٍ

هر کار خیر که در باره ثروتمند یا فقیری کنی، صدقه است

### کَر مَعْرُوْفٍ صَدَقَةٍ وَّ مَا اَنْعَمَ الْمَسْلَمُ مِنْ نِعْمَةٍ عَزَّ بَعْدَهُ وَّ اَحْلَهَ كَسْرًا لَهَا صَدَقَةٍ وَّ مَا وَصَى بِهِ الْمَر

### الْمَسْلَمَ عَرَصَهُ كَسْرًا لَهَا صَدَقَةٍ

هر کار نیکی صدقه است و هر چه مسلمان بر خویش و کسان خویش خرج کند در قبال آن برای او صدقه ای نویسند و هر چه مسلمان بوسیله آن آبروی خویش محفوظ دارد در قبال آن برایش صدقه ای نویسند

### کَر نِعْمٍ رَایِزًا اِلَّا نِعْمًا اَحْرَ الْعَمَلِ وَّ کَر نِعْمٍ مَسْطَعًا اِلَّا نِعْمًا اَحْرَ الْبَارِ

هر نعمتی زایل شد نیست مگر نعمت بهشتیان و هر غمی قطع شد نیست مگر غم جهنمیان

**كُلْ مِمَّا كَسَبَ عَمَلًا مَعْمُورًا حَتَّىٰ يَكُونَ مَعَكَ مَالٌ مِّنْهُ**

هر کسی را با دلبستگی محشور کنند، هر که بکافران دلبسته باشد با کافران است و عملش سودش ندهد

**كُلْ مِمَّا كَسَبَ عَمَلًا مَعْمُورًا حَتَّىٰ يَكُونَ مَعَكَ مَالٌ مِّنْهُ**

هر که نعمتی دارد بمعرض حسد است مگر آنکه تواضع دارد

**كُلْ مِمَّا كَسَبَ عَمَلًا مَعْمُورًا حَتَّىٰ يَكُونَ مَعَكَ مَالٌ مِّنْهُ**

هر یک از فرزندان آدم فرمان روائیست مرد فرمانروای کسان خویش است و زن فرمانروای خانه خویش است

**كُلْ مِمَّا كَسَبَ عَمَلًا مَعْمُورًا حَتَّىٰ يَكُونَ مَعَكَ مَالٌ مِّنْهُ**

عمر مسلمان هر چه دراز شود خیر اوست

**كُلُوا الرِّبَا وَادْعُوا إِلَىٰ سَبِيلِ اللَّهِ**

زیتون خورید و با آن روغن کاری کنید که از درخت مبارک است

**كُلُوا حَمِيمًا وَلَا تَقْرَبُوا السَّيِّئَاتِ**

**كُلُوا حَمِيمًا وَلَا تَقْرَبُوا السَّيِّئَاتِ**

با هم غذا خورید و پراکنده مشوید که غذای یکی برای دو تن کافی است و غذای دو تن برای سه تن و چهار تن کافی است، با هم غذا خورید و پراکنده مشوید که برکت قرین جماعت است

**كُلُوا وَاسْرَبُوا وَابْتِغُوا لِنَفْسِكُمْ**

بخورید و بنوشید و صدقه دهید و بپوشید بی اسراف اسراف و تکبر

**كما يكونوا بولي عليكم**

چنان که هستید بر شما حکومت کنند

**كما لا تبي م. السواد المر كلك لا سرا العكار صار الا برار ماسلكوا اي طرفه سم مای**

**طرفه سلكم وردك على امله**

چنان که از خار انگور نتوان چید بدکاران نیز بمقامات نکوکاران در نیایند بهر راه که خواهید روید که از هر راه روید بر اهل آن وارد میشوند

**ك م. مسهز بوما لا سكمه و مسطر عدا لا بلمه**

بسا کسا به روزی برسد که آن را بسر نبرد و انتظار فردائی برد که بدان نرسد

**ك م. عامر و هو حصر عند الناس كهم المظر بكو عدا و ك م. طرفه اللسا. حمير المظر عظم**

**السا. حال عدا می الهامه**

بسا عاقل که پیش مردم حقیر است و منظری زشت دارد و فردا نجات یابد و بسا خوشزبان زیبا منظر بزرگ شأن که فردا در قیامت هلاک شدنیست

**ك م. می الدنيا كات عرب او عابر سبیر وعد نفسك م. اصحاب المبور**

در دنیا چنان باش که گویی غریبی یا رهگذر و خویشتن را از اهل قبور شمار

**ك م. ورعا بك. اعد الناس و ك م. صفا بك. اسكر الناس و احد للناس ما كبر لنفسك بك م. موما**

**و احسن. غاوره م. خاور ك بك. مسلما و امر الصبك ما. كره الصبك ممد الفلر**

پرهیزکار باش تا عابدتر از همه باشی، قانع باش تا شکرگزارتر از همه باشی، هر چه برای خویش خواهی برای مردم بخواه تا مؤمن باشی و با مجاوران خویش نیکو مجاورت کن تا مسلمان باشی و خنده کمتر کن که خنده بسیار دل را بمیراند

**كوبوا مي الدنيا اصاموا و الحدوا المساحد سوبا عودوا ملوبكم الرمه و اكروا الهكر و المكا  
و لا كلفكم بكم الاتوا بسوبا ما لا سكبوا و كصفوا ما لا ناكلوا و ناملوا ما لا بكر كوا.**

در دنیا چون میهمانان باشید و مسجدها را خانه کنید دلها را برقت عادت دهید و اندیشه و گریه بسیار کنید و هوسها شما را از راه نبرد بناها می سازید که در آن ساکن نمیشوید و چیزها فراهم میکنید که نمیخورید و امیدها دارید که بدان نمیرسید

**كف بكم الله امة لا بوءد م. سدكم لصمهم**

خداوند مردمی را که حق ضعیفان را از نیرومندشان نگیرند چگونه تقدیس کند

**الكاسر م. بده كلر الله**

کسی که بدست خویش کسب کند دوست خداست

**الكر م. بقر الهم و عمت الناس**

تکبر نتیجه بی اعتنائی به حق و تحقیر مردم است

**الكد - كله انه الا ما بع به مسلم**

دروغ همه اش گناه است مگر دروغی که مسلمانان را سود دهد

**الكد - سود الوحه و النصفه عدا- الهر**

دروغ مایه روسپاهی است و سخن چینی موجب عذاب قبر است

**الكره الهوى و السر المواضع و الهى الهى**

کرامت بهره‌یزکاری است و شرف بتواضع و بی نیازی بیقین

**الكلمه النكمه صاله الموم. مكمس و حدى صو احم سا**

سخن حکمت آمیز گمشده مؤمن است و هر کجا بیابدش بدان شایسته تر است

**الكلمه الطبه صدقه**

سخن نیکو صدقه است

**الكسم م. دار. نسه و عمر لما بعد الموم - و الفاخر م. اربع نسه حواجا و نمنى عر الله الامالى**

هوشیار آن است که بر خویش مسلط است و برای پس از مرگ عمل کند و ناتوان آنست که هوسهای خویش را تبعیت کند و از خدا آرزوهای بسیار دارد

**الله اسد مرخا نونه عبده م. احدكم ادا و حد نهره مد اصله نارصم ملاء**

خداوند از توبه بنده خویش، بیشتر از آن خرسند می شود که یکی از شما شتری را که در بیابانی گم کرده است بیاید

**الله امرم نونه عبده م. الفهم الوالد و م. الصال الواحد و م. الطما. الوارد**

خداوند از توبه بنده خویش بیش از عقیمی که بزاید و گم کرده ای که بیاید و تشنه ای بآب درآید خرسند است

**الله امرم نونه الناس م. الطما. الوارد و م. الفهم الوالد و م. الصال الواحد م. نا - الى الله نونه**

**نصوحا اسی الله حامطه و حوارحه و ناع الارصم کلنا طاباحو دنونه**

خداوند از توبه توبه گذار بیشتر از تشنه ای که بآب در آید و عقیمی که بزاید و گم کرده ای که بیاید خوشحال می شود هر کس بخدا از روی خلوص توبه برد، خداوند خطاها و گناهان وی را از یاد دو فرشته نگهبان و اعضای وی و همه نقاط زمین ببرد

**الله امدر علیک صد علیه**

قدرت خدا بر تو از قدرت تو بر او بیشتر است

**لَا اسَدَ عَلَيْكُمْ حُومًا مِّنَ الْبَحْرِ مِمَّا كَفَرْتُمْ وَلَا سَفَرًا مِّنَ الْأَرْضِ مِمَّا نَكَرْتُمْ لِيَخْتَلِفَ أَلْسِنَتُكُمُ الْعَرَبِيَّةُ**

من در باره شما از نعمتها بیشتر از گناهان بیمناکم بدانید که نعمت هائی که شکر آن نگزارند هلاک قطعی است

**لَا مَنعَ لَكُم مِّنَ الصَّوَابِ وَلَا مَنعَ لَكُم مِّنَ الصَّوَابِ مِمَّا كَفَرْتُمْ وَلَا مَنعَ لَكُم مِّنَ الصَّوَابِ مِمَّا كَفَرْتُمْ وَلَا مَنعَ لَكُم مِّنَ الصَّوَابِ مِمَّا كَفَرْتُمْ**

**حَصْرُهُ**

من در باره شما از فتنه گشایش بیش از فتنه تنگ دستی بیم دارم شما بفتنه تنگدستی مبتلا شدید و صبر کردید حقا که دنیا شیرین و دلفریب است

**لَا يَرْجُو إِلَّا بِالْحَقِّ مُجِيبًا لِّدَعْوَتِهِ فَمَن دَعَا إِلَى الْغَيِّ سَاءَ مُجِيبًا لَهُ وَمَن دَعَا إِلَى الْبِرِّ فَسَاءَ مُجِيبًا لَهُ إِلَّا مَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ فَإِنَّ سَاءَ لِمَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ أَن يَصِلُ إِلَيْهِ وَمَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ فَإِنَّ سَاءَ لِمَن يَصِلُ إِلَيْهِ إِلَّا مَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ**

**لَا يَرْجُو إِلَّا بِالْحَقِّ مُجِيبًا لِّدَعْوَتِهِ فَمَن دَعَا إِلَى الْغَيِّ سَاءَ مُجِيبًا لَهُ وَمَن دَعَا إِلَى الْبِرِّ فَسَاءَ مُجِيبًا لَهُ إِلَّا مَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ فَإِنَّ سَاءَ لِمَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ أَن يَصِلُ إِلَيْهِ وَمَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ فَإِنَّ سَاءَ لِمَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ إِلَّا مَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ**

این که در راه خدا لقمه ای برادر مسلمانی بخورانم نزد من محبوب تر است تا درهمی صدقه دهم و این که در راه خدا درهمی ببندم مسلمانی ببخشم نزد من محبوب تر است تا ده درهم صدقه کنم و این که ده درهم ببخشم پیش من محبوب تر است که بنده ای آزاد کنم

**لَا يَرْجُو إِلَّا بِالْحَقِّ مُجِيبًا لِّدَعْوَتِهِ فَمَن دَعَا إِلَى الْغَيِّ سَاءَ مُجِيبًا لَهُ وَمَن دَعَا إِلَى الْبِرِّ فَسَاءَ مُجِيبًا لَهُ إِلَّا مَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ فَإِنَّ سَاءَ لِمَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ أَن يَصِلُ إِلَيْهِ وَمَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ فَإِنَّ سَاءَ لِمَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ إِلَّا مَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ**

اینکه برادر مؤمن خویش را بر حاجت وی اعانت کنم پیش من از یکماه روزه و اعتکافی در مسجد الحرام محبوب تر است

**لَا يَرْجُو إِلَّا بِالْحَقِّ مُجِيبًا لِّدَعْوَتِهِ فَمَن دَعَا إِلَى الْغَيِّ سَاءَ مُجِيبًا لَهُ وَمَن دَعَا إِلَى الْبِرِّ فَسَاءَ مُجِيبًا لَهُ إِلَّا مَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ فَإِنَّ سَاءَ لِمَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ أَن يَصِلُ إِلَيْهِ وَمَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ فَإِنَّ سَاءَ لِمَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ إِلَّا مَن يَصِلُ إِلَى الْبِرِّ**

این که در سختی باشم و از پی آن امید و آسایش داشته باشم پیش من محبوب تر است تا در آسایشی باشم که از پی آن منتظر سختی باشم

لا. بصر المراه می سنا کر لیا م. ا. بصر می حکرنا و لا. بصر می حکرنا کر م. ا. بصر می الدار  
و لا. بصر می الدار کر لیا م. ا. بصر می المسعد

اینکه زن در اطاق خویش نماز کند برای او بهتر است تا در ایوان خویش نماز کند و اینکه در ایوان خویش نماز کند بهتر است تا در صحن خانه نماز کند و این که در صحن خانه نماز کند برای وی بهتر است تا در مسجد نماز کند

لا. ناهد احدک حمله له هکوا الی الکر صکطر صاع و صادم کر له م. ا. سال  
الناس

اینکه یکی از شما ریسمان خویش بر گیرد و بکوه رود و هیزم فراهم آرد و بفروشد و بخورد و صدقه کند برای وی بهتر است که از مردم بخواهد

لا. بود - رحز ولده کر له م. ا. بصادم بصاع

اینکه مردی فرزند خویش را ادب کند برای وی بهتر است از پیمانۀ ای صدقه کند

لا. بصادم المر می حانه بدرجه کر له م. ا. بصادم بمانه عد موه

اینکه مردی در زندگی خویش درهمی صدقه کند برای وی بهتر است تا صد درهم هنگام مرگش صدقه کند

لا. کمر احدک می مه برانا کر له م. ا. کمر می مه ما حره الله

اینکه یکی از شما خاکی در دهان خویش نهد برای وی بهتر است تا چیزی را که خدا حرام کرده در دهان خود نهد

لا. برلی الرجز بصره بسوه کر له م. ا. برلی نامراه خاره و لا. بررم الرجز م. عسره اساه اسر له م. ا.  
سررم م. سر خاره

اینکه مرد باده زن زنا کند گناه آن کمتر است تا با زن همسایه خویش زنا کند و این که مرد از ده خانه دزدی کند برای وی آسان است تا از خانه همسایه خویش بدزدد

لا ینظر می راسم احدکم سخط م. حدید کر له م. ا. بم امرأه لا کر له

اینکه با سوزن آهنین بسر یکی از شما زنند برای وی بهتر است تا بزنی که بر وی حلال نیست دست بزند

لا ینس احدکم نونا م. رفاع سی کر له م. ا. ناکد م. عره ما لیس عده

اینکه یکی از شما جامه ای از وصله های مختلف پوشد برای وی بهتر است که آنچه ندارد از دیگری بگیرد

لا ینزل حوم رخل منکر له م. ا. ینزل سفرا

این که اندرون مردی از چرک پر شود برای وی بهتر است تا از شعر پر شود

لا یندی الله علی بدت رخل کر لک ما طلعت علیه السمسم و عرب

اینکه خدا بدست تو مردی را هدایت کند برای تو از همه چیزهایی که خورشید بر آن تو طلوع و غروب میکند بهتر است

لرک الهموم الی احلنا نوم الصامه حی نفاک للساه العلکا م. الساه الیربا بطعنا

روز قیامت حقوق کسان را باز پس دهند تا آنجا که از بز شاخدار که بز بیشاخ را شاخ زده تقاص کنند

لنا م. بالمفروم و لسعوا. م. المنکر او لسلط. الله علیکم سرارکم صدعو کنارکم ملا سکا. لبع

بنیکی وادارید و از بدی باز دارید و گر نه خدا بدانتان را بر شما مسلط کند و نیکانتان دعا کنند و استجابتشان نکنند

لرکم سم. م. کار. مملکم سرا بسر و ذراعا بذرراع حی لو ا. احدکم ذکر حر صد لکم

و حی لو ا. احدکم جامع امرأه بالطرم لملموه

روش کسانی را که پیش از شما بوده اند و جب بوجب و ذراع بذرراع تقلید خواهید کرد تا آنجا که اگر یکی از ایشان بسوراخ سوسماری در آمده در خواهید شد و تا آنجا که اگر یکیشان در راه با همسر خود جفت شده خواهید کرد



لَمَلَا، الْأَرْضِ خُورًا وَ طَلْمَا مَاذَا مَلَسَ بِسَمِّ اللَّهِ رَحَلًا مَيَّ اسْمُهُ اسْمِي وَ اسْمُ ابْنِ اسْمِهِ اسْمِي مَلْمُوعًا عَدَلًا  
وَ مَسَطًا كَمَا مَلَسَ خُورًا وَ طَلْمَا

زمین از جور و ظلم پر می شود و چون پر شد خدا مردی را که اسم وی اسم منست و اسم پدرش اسم پدر منست بر انگیزد تا آن را از عدل و انصاف پر کند چنان که از جور و ظلم پر شده است

لَمَلَا، الْأَرْضِ طَلْمَا وَ عَدْوَانًا لِمَنْ لَمْ يَكْرَمْ. رَحَلًا مَيَّ. أَحَدٌ سَيَّ حَيٌّ مَلْمُوعًا مَسَطًا وَ عَدَلًا كَمَا مَلَسَ طَلْمَا وَ  
عَدْوَانًا

زمین از جور و تعدی پر می شود آنگاه مردی از خاندان من بیرون آید تا آن را از انصاف و عدل پر کند چنان که از ظلم و تعدی پر شده است

لَسَمِصْمٍ. عَرَا أَلَسَلًا عَرُوهَ مَكَلَمًا اسْمِصْرَ عَرُوهَ بِسَمِّ النَّاسِ بَالِي بَلْعًا مَوْلَمٍ. بِهَمِّ الْعَمِّ وَ  
أَكْرَمٍ. الصَّلَاةِ

دستاویزهای اسلام یکایک شکسته می شود و چون دستاویزی شکسته شد مردم بدستاویز بعدی چنگ می زنند، نخستین دستاویزی که شکسته می شود حکومت حق است و آخر آن نماز است

لِرِوَالِ الدِّينِ أَحْوَابِ عِزِّ اللَّهِ م. مِزْ رَحَلٌ مَسَلٌ

سقوط دنیا نزد خدا آسان تر از قتل یک مرد مسلمان است

لَسَارِ القَاصِي م. طَرِبِمْ. أَمَا أَلِي حَبْهَ وَ أَمَا أَلِي نَارِ

زبان قاضی میان دو راه است یا بسوی بهشت یا بسوی جهنم

لَسَرِ أَحْكَامِ عِزِّ أَمِي عَوْعًا بِسَلْمِمْ وَ لَا عَدْوًا كُنْاحِمْ وَ لَكِي أَحْكَامِ عِزِّ أَمِي أَمْمِ مَصْلَمِمْ. أَرِ اطَاعَوْعِمْ  
مِصَوْعِمْ وَ أَرِ عِصْوَوْعِمْ مِصْلَوْعِمْ

من بر امت خویش از انبوه هائی که بکشندشان یا دشمنانی که پا مالشان کنند بیم ندارم بلکه از پیشوایان گمراه کار بر امت خویش بیمناکم که اگر اطاعتشان کنند مفتون شوند و اگر عصیانشان کنند مقتول شوند

**لغيره می سبب الله کر م. خمس. حکه**

سفری در راه خدا از پنجاه حج بهتر است

**لغيره می کسر خلال امیر عند الله م. صر - سبب حولا کاملا**

افتادنی در راه کسب حلال نزد خدا از یک سال شمشیر زدن بهتر است

**لعه الله علی الراسی و المرسی**

لعنت خدا بر رشوه ده و رشوه گیر باد

**لهم. الله العمر و ساریعا و سامعا و باعنا و مباعنا و عاصرا و حاملنا و المعموله اله و اکر مباعنا**

خدا شراب و نوشنده و ساقی و فروشنده و خریدار و فشارنده و حامل و گیرنده و خورنده قیمت آن را لعنت کند

**لهم. الله الراسی و المرسی و الدی بمی سبعا**

خدا رشوه ده و رشوه گیر را با آنکه میان آنها واسطه می شود لعنت کند

**لهم. الله الربا و اكله و كاسه و ساجده و مع تعلموا.**

خدا ربا و رباخوار را با نویسنده و شاهد معامله ربا اگر واقفند لعنت کند

**لهم. الله الرجز بلمس لیسه المرآه و المرآه بلمس لیسه الرجز**

خدا مردی را که چون زن لباس پوشد و زنی را که چون مرد لباس پوشد لعنت کند

لهم. **الله** الرحله م. السا

خدا زنان مرد نما را لعنت کند

لهم. **الله** المسبتا - م. السا بالرحال و المسبتا م. الرحال بالسا

خدا زنان مرد نما و مردان زن نما را لعنت کند

لهم. **الله** المكلر و المكلر له

خدا محلل را با کسی که برای وی محلل شوند لعنت کند

لهم. **الله** المكسر م. الرحال و المرخلا - م. السا

خدا مردان مخنت و زنان مرد نما را لعنت کند

لهم. **الله** المسوما - الي بصعوما روحنا الي مراسه معور سوم حى نهله عناه

خدا مماله گر را لعنت کند یعنی زنی که شوهرش بیسترش خواند و گوید: «کمی بعد» تا خوابش ببرد

لهم. **الله** اكر الربا و موكله و كاسه و مانع الصدقه

خدا رباخوار و ربا ده و نویسنده معامله ربا و مانع صدقه را لعنت کند

لهم. **الله** بلاه اكر راده و حده و راکر الفلاه و حده و النامه می سر و حده

خدا سه کس را لعنت کند آنکه توشه خویش تنها خورد و آنکه تنها بیابان سپرد و آنکه در خانه ای تنها خوابد

لهم. **الله** م. مرم م. الوالده و ولدنا و م. الامه و احه

خدا کسی را میان مادر و فرزند و میان دو برادر فرقت افکند لعنت کند

لَمْ. اللَّهُ م. لَمْ. وَالِدِهِ

هر که پدر و مادر خویش را لعن کند خدایش لعنت کند

لَمْ. اللَّهُ م. سَمِىَ الْوَجْهِ

هر که بر چهره علامت نهد خدایش لعنت کند

لَمْ. عَمْدُ الدَّيَّارِ وَ لَمْ. عَمْدُ الدَّرَجِ

بنده دینار ملعون باد و بنده درهم ملعون باد

لَمَدُوهُ مِى سَبِيحِ اللَّهِ اَوْ رُوْحَهُ كَرِمْ. الدَّيَّارِ وَ مَا مَعَا وَ لَهَا- مَوْسِمِ اَحَدِكُمْ اَوْ مَوْضِعِ مَدْمِهِ مِى الْعَبَةِ

كَرِمْ. الدَّيَّارِ وَ مَا مَعَا وَ لَوْ اَطْلَعْتَ اَمْرًا م. سَا اَحْرَ الْعَبَةِ اِلَى الْاَرْضِ لَهَلَا- مَا سَعَا رِجًا وَ لَاصَا- مَا سَعَا

وَ لِنَصِيحَتَا عِرِّ رَاسَتَا كَرِمْ. الدَّيَّارِ وَ مَا مَعَا

صبحدم رفتنی در راه خدا یا شبانگاه رفتنی از دنیا و هر چه در آنست بهتر، اندازه کمان یکتان یا جای قدم او در بهشت از دنیا و هر چه در آن هست بهتر، اگر زنی از اهل بهشت بزمین نمایان شود میان زمین و آسمان را از بوی خوش پر کند و روشن کند، سر پوش وی که بسر دارد از دنیا و هر چه در آنست بهتر است

لَمَدَ اَمْرًا- اِنْ اَلْحُورِ مِى الْفُؤَادِ اَلْاَتْوَارِ مِى الْفُؤَادِ حُو كَرِ

فرمان یافتم که در سخن مجاز گویم که مجاز در گفتار نیک است

لَمَدَ اَوْ كَسِبَ مِى اللَّهِ وَ مَا بُوَدِىَ اَحَدًا وَ اَكْثَرَ مِى اللَّهِ وَ مَا كَامَ اَحَدًا وَ لَمَدَ اَسْرَ عَلِىَ نَلَا نَوَا. م. س.

نَوْمًا وَ لَلَّهِ وَ مَا لِي وَ اَللَّالِ طَعَامًا اَلَا سِى نَوَارِهِ اَبْطَلَا

هنگامی در راه خدا اذیت دیدم که هیچ کس اذیت نمی دید و هنگامی در راه خدا بیم ناک بودم که هیچ کس بیم ناک نبود بسی روز و شب بر من گذشت که من و بلال جز چیزی که زیر بغل بلال نهان میشد غذائی نداشتیم

**لَعْدُ بَارِكْ اللهُ لِرَجُلٍ مِى حَاحَه اَكْر الدَّعَا مَعَا اَعْطِنَا اَوْ مَعِنَا**

خدا حاجتى را كه مرد در باره آن بسيار دعا كند روا بشود يا نشود، مبارك كرده است

**لَعْدُ رَابِعٌ رَجُلًا يَمْلِكُ مِى الْعَبَةِ مِى سَعْرِهِ مَطْمَئِنًا م. طَمَرِ الطَّرِيقِ كَانَتْ بُوَدَى النَّاسِ**

مردى را دیدم كه در بهشت در درختى همى گشت كه مزاحم راه كسان بود و آن را كنده بود

**لَعْلَبُ اِم. اَذْمُ اسْرَعِ بَعْلَانَا م. الْفَكْرِ اِذَا اسْتَكْمَمْتُمْ عَلَانَا**

دل فرزند آدم از ديگى كه سخت جوشان باشد تغيير پذيرتر است

**لَعْنَةُ الرَّجُلِ مِى الصَّفْرِ مِى سَبْرِ اللهِ عَر و حَز سَاعَهُ اَمَصِر م. عَمَادَهُ سَبْر. سَبَه**

يك ساعت ايستادن مرد بصف در راه خدا از شصت سال عبادت بهتر است

**لَعْدُ سَوِّطِ اَحَدِكُمْ م. الْعَبَةِ كَرِّهَا م. السَّمَا و الْاَرْضِ**

اندازه تازيانه يكى تان در بهشت بهتر از آن چيزهاست كه ميان آسمان و زمين است

**لَعْرُ دَا دَا مَا دَا اَصْبَرُ دَا دَا بَرِي نَادِي. اللهُ بَعَالِي**

هر دردى دوائى دارد و چون دواى درد بجا افتد باذن خداى والا به شود

**لَعْرُ دَا دَا و دَا دَا دَا - الْاَسْفَهَارِ**

هر دردى را دوائىست و دواى گناهان آمرزش خواستن است

**لکر ذب توبه الا سو العلم**

هر گناهی را توبه ای هست مگر بدخوئی

**لکر سی امه بفسده و امه بکذا الدم. ولاه السو**

هر چیزی آفتی دارد که مایه فساد آن می شود و آفت این دین زمامداران بدند

**لکر سی حله و حله الراه. الصور. العس.**

هر چیزی زینتی دارد و زینت قرآن صوت خوش است

**لکر سی رکاه و رکاه العسد الصور**

هر چیزی را زکاتی هست و زکات تن روزه داشتن است

**لکر سی رکاه و رکاه الدار سر الصامه**

هر چیزی را زکاتی هست و زکات خانه اطاق مهمانخانه است

**لکر سی طرفم و طرفم العنه العلم**

هر چیزی راهی دارد و راه بهشت دانش است

**لکر سی عماد و عماد بکذا الدم. العه**

هر چیزی را ستونی هست و ستون این دین دانائی است

**لکر سی معاصم و معاصم السموا. مور لا اله الا الله**

هر چیزی را کلیدی هست و کلید آسمانها گفتار «لا اله الا الله» است

لکری سی معامه و معامه الهه حر المساکین و الفعرا

هر چیزی را کلیدی هست و کلید بهشت دوستی مستمندان و فقیران است

لکری عبد صر مادا کار صالحا وضع می الارض و ای کار سنا وضع می الارض

هر بنده ای شهرتی دارد اگر نیک باشد در زمین رود و اگر بد باشد در زمین رود

لکری عادر لونا نوم الهامه بفرم نه

هر خیانتکاری روز قیامت پرچمی دارد که بدان شناخته شود

لنوبه نا - بالمره - مسره سمنه. عاما لا برال کدک حی نالی بضم انا - ریک طلوع السمن م. مفرنا

توبه دری بمغرب دارد که وسعت آن هفتاد سال راه است و همچنان باز است تا بعضی آیات پروردگارت بیاید، طلوع خورشید از طرف مغرب

لنکار حم

همسایه حقی دارد

لنرحه لسا. عند المران. نول نا ر - م. مطمی مامطه و م. وصلی مصله

خویشاوندی روز حساب زبانی دارد و گوید خدایا هر که مرا برید او را ببر و هر که مرا پیوست او را پیوند ده

للسان حم و ای حا علی مرسم

خواهنده حقی دارد اگر چه سوار است بیاید

للمکلف لا - علاما - سلعم اذا حصر و سنا - اذا عا - و سمر بالمصنه

متکلف را سه نشانست در حضور تملق گوید و در غیاب غیبت کند و مصیبت را شماتت کند

## للمراه سرايا الهر و الروام

زن دو پرده دارد قبر و زناشوئی

للمراهي لا - علاما - بسط اذا كان عند الناس و بكر اذا كان وحده و كبر ان كمد مي جمع

اموره

ريا كار سه نشان دارد وقتی پیش مردم باشد نشیط است و وقتی تنها باشد ملول است و دوست دارد در همه كارش ستایش شود

للمسلم عن المسلم خمس سلم عليه اذا لهبه و كمنه اذا دعاه و نهوكه اذا مرصم و سيع خاربه اذا ما - و كبر

له ما كبر لفسه

مسلمان بر مسلمان پنج حق دارد وقتی ببیندش باو سلام کند و وقتی بخواندش بپذیرد و وقتی بیمار شد عیادتش کند و وقتی بمیرد جنازه اش را تشییع کند و هر چه برای خویش بخواهد برای او بخواهد

للمملوك طعامه و كسونه بالمعروف و لا يكلف من الهر الا ما يطعم

مملوک حق طعام و غذای شایسته دارد و کاری که تاب آن ندارد بعهده او نگذارند

للمملوك عن سده لا - كصا لا يفعله من - صلايه و لا يسمه من - طعامه و يسمه كرا لا سماع

مملوک بر آقای خود سه حق دارد در ادای نماز شتاب زده اش نکند و از غذا برش نخیزاند و کاملا سیرش کند

للمومن اربعة اعدا مومن - كسده و مامم بفسه و سطا بصله و كامر بمانه

مؤمن چهار دشمن دارد، مؤمنی که بر او حسد برد و منافقی که دشمنش دارد و شیطانی که گمراهش کند و کافری که با او پیکار کند

للممام لا - علاما - اذا حد - كد - و اذا وعد احلف و اذا اسم - كان



منافق سه نشان دارد وقتی سخن کند دروغ گوید و چون وعده دهد تخلف کند و چون امینش شمارند خیانت کند

لنار با۔ لا بکدر مه الا م۔ سی عطه سعط الله تعالی

جهنم را دری هست که جز آنکه غیظ خویش را به نارضائی خدای والا فرو نشانده از آن وارد نمیشود

له یوبوا بعد کلمه ا لا کلام من العاصه فاسالوا الله العاصه

شما را پس از کلمه اخلاص چیزی مثل عافیت نداده اند از خدا عافیت طلبید

له نعم الله تعالی بسا الا نلعه مومه

خدا هیچ پیغمبری را جز به زبان قومش نفرستاد

له نعم م۔ النبوه الا المسرا۔ الروبا الصائنه

از پیغمبری جز بشارت رسانها نمانده یعنی رؤیای نیک

له بکدر۔ م۔ می س۔ اسم۔ لنصلم

هر کس میان دو تن سخنی گوید که اصلاحشان دهد دروغ نگفته

له نعم ام۔ اذ م سنا مط مد کلمه الله اسد علیه م۔ الموم۔ له ا۔ الموم۔ لا حور۔ ما بعد

فرزند آدم از آن هنگام که خدایش آفریده چیزی سخت تر از مرگ ندیده و باز مرگ از ما بعد مرگ آسان تر است

لما صور الله تعالی اذ م می الله برکه ما سا الله ا۔ برکه مکرر انلس نظم به سطر الله علما راه احوم

عرب انه کلم لا سمالک

چون خدای والا در بهشت آدم را آفرید وی را تا مدتی که خواست وا گذاشت و ابلیس بر او گشتن و نگریستن گرفت و چون دید که میان تهی است بدانست که این مخلوق خویشتن دار نیست

لها عرس لی رلی عر و حل مرر - نعو لعل اطعار م. کاسم کمسو. و حوصع و صدورع مصل م. حولا نا  
حرب مال حولا اللم. ناکلو. لعمو الناس و نعو. می اعراضع

وقتی پروردگارم عز و جل مرا بالا برد بقومی گذشتم که ناخن های مسین داشتند و صورت و سینه خویش میخراشیدند گفتم ای جبرئیل این ها کیانند گفت اینان آن کسانی که گوشت مردم می خورند و از عرضشان سخن کنند

لها سا - نحص الی الاونا. و نحص الی السمر و له احد سی ک. العاحله مصله الا مرس. مصلمی الله  
مصما له له اعد

وقتی بزرگ شدم بتان را منفور داشتم و از شعر متنفر بودم و چیزی از آنچه مردم جاهلیت میکردند نخواستم جز دو بار که خدا مرا از آن مصون داشت و دیگر نخواستم

لما لک ملک المو - اسد م. الف صره بالسف

جان گرفتن فرشته مرگ از هزار ضربت شمشیر سخت تر است

ل. برول مده ساعد الرور حی بوحد الله له النار

شاهد دروغ از جا نرود تا خداوند جهنم را بر او واجب کند

ل. نسر عید سی اسد م. السرک و ل. نسر سی مده السرک اسد م. دجا - بصره و ل. نسر

عید دجا - بصره مصلر الا عر الله له

بنده را بلیه ای سختتر از شرک نیست و پس از شرک بلیه ای بدتر از کوری نیست و هر بنده ای که بکوری مبتلا شود و صبوری ورزد خدایش بیامرزد

ل. بزم حكا الدم. فانما نبار عليه عصاه م. المسلم. حي نعو الساعه

این دین پیوسته استوار است و گروهی از مسلمانان بر آن پیکار کنند تا قیامت در آید

ل. جمع الله تعالی عن حده الامه سمن. سنا منا و سنا م. عدو حا

خدا دو شمشیر با هم بر این امت نهد شمشیری از خودشان و شمشیری از دشمن

ل. برال الفد می مسکه م. دینه ما له سر - العمر و اذا سرنا کرم الله عنه سره و کار السطار و له

و سمعه و بصره سومه الی کار سر و بصره م. کار کر

بنده تا شراب ننوشد عرصه دین بر او گشاده باشد و چون بنوشد پرده خدا از او بدرد و شیطان یار و گوش و چشم او شود و او را بسوی بدیها براند و از نیکیها منصرف کند

ل. سبع الموم. م. کر سمعه حی نكو. مناه الله

مؤمن از استماع خیر سیری نگیرد تا سرانجامش بهشت شود

ل. نعل عسر سر م. ا. مع الفسر سرا و ا. مع الفسر سرا

یک سختی با دو گشایش بر نیاید که با هر سختی دو گشایش است که با هر سختی دو گشایش است

ل. نعلم موم و لوا امر حه امراه

گروهی که زمام کار خویش بزنی سپارند هرگز رستگار نشوند

ل. سبع حدر م. مدر و لكم. الدعاء سبعها بر و هال سر

احتیاط با تقدیر سود ندهد اما دعا در قبال بلائی که آمده و نیامده سودمند است

ل. بعلک امر و بعد مسوره

هیچ کس از پس مشورت هلاک نشود

ل. بعلک الناس حی بعدوا م. ابعثه

مردم هلاک نمیشوند تا حجت بر ایشان تمام شود

لو ا. الهما لم یحبوا لعلم **الله** کلما یحبون. نه بفر له و جو الفعور الرحم

اگر بندگان گناه نمیکردند خدا خلقی می آفرید که گناه کنند تا پیامزدشان که او آمرزگار و رحیم است

لو ا. الهما الذی ینور. من الولد احرمه علی صکره **لاکرمه** **الله** نفالی صفا و لکلم. **الله** نفالی صفا  
جو کالصفا

اگر آبی را که باید فرزندی شود بر سنگی بریزی خدای والا فرزندی از آن بیرون خواهد آورد خدا کسی را که باید خلق کند خلق میکند

لو ا. ا. م. ا. م. حرمه - م. ررمه کما - م. الموم - لادرمه کما - موم

اگر آدمی از روزی خویش بگیرد چنان که از مرگ میگریزد روزیش بدو رسد چنان که مرگ میرسد

لو ا. احدکم یفهم می صکره صفا لسم لنا - و لا کوه لغرمه عمله للناس کاسا ما کار

اگر یکیتان در دل سنگ سخت کاری کند که نه در داشته باشد و نه روزن کار وی هر چه باشد میان مردم شایع شود

لو ا. امرأه م. صا الله اسرم الی الارض لهلا - الارض م. ریم المسک و لادیس صو السمیم و الهمر

اگر زنی از زنان بهشت بر زمین نمودار شود زمین را از بوی مشک پر کند و نور خورشید و ماه ببرد

لو ا. احد السما و الارض اسرکوا می دم موم. لکبع **الله** عر و حر می النار

اگر مردم آسمان و زمین در مذمت مؤمنی شرکت کنند خدای عز و جل در آتش واژگونشان کند

**لو اِذْ دُلُّوا مِنْ عِساْمِ سِرّامِ مِی الدِّیاسِ لاسِ. اِحز الدِّیاسِ**

اگر دلوی از آشامیدنی جهنم را در دنیا بریزند اهل دنیا را متعفن کند

**لو اِذْ رَحَلَا مِی حِکره ذِراعِ سَمِعا و اِصرِ بَدِیْرِ اللهِ کِاِ الدِّاکِرِ له اَمِصِرِ**

اگر کسی درهم و دینار باشد که تقسیم کند و دیگری خدا را یاد کند یاد خدا بهتر است

**لو اِذْ رَحَلَا کُرِ عِزِّ وَحِسه مِ. نِومِ وِلْدِالی نِومِ نِومِ- حِرمِا مِی مرِصاهِ اللهِ نِعالی لِعِفره نِومِ العِمامه**

اگر کسی از روزی که زاده تا روزی که پیر بمیرد بجلب رضای خدا بر چهره خویش بغلطد روز قیامت عمل خویش را حقیر خواهد شمرد

**لو اِذْ سِرِرَه مِ. سِرِرِ حِسمِ نِالمِسرِمِ لِوَحِدِ حِرمِا مِ. نِالمِسرِ-**

اگر شعله ای از شعله های جهنم بمشرق باشد آنکه در مغربست گرمای آن را احساس کند

**لو اِذْ مِطرَه مِ. الرِموه مِطرِ- مِی الدِّیاسِ لَاسِدِ- عِزِ اِحزِ الدِّیاسِ مِفاَسِعِ مِکِرمِ مِ. نِکِوِ. طِعامه**

اگر قطره ای از زقوم جهنم را در دنیا بچکانند زندگی را بر مردم دنیا تباه خواهد کرد پس آنکه خوراکش زقوم است چه خواهد کرد

**لو اِذْ مِعمِما مِ. حِدِدِ حِسمِ وَصِغِ مِی الارِصِ مِا حِصِغِ له النِّعِلا. ما املِوه مِ. الارِصِ و لو صِرِ- النِّعِزِ مِصِغِ**

**مِ. حِدِدِ کِما بَصِرِ- اِحزِ النِّارِ لِعِسرِ و عِادِ عِمارِا**

اگر گریزی از آهن جهنم را در زمین نهند و همه جهانیان جمع شوند آن را از زمین بر ندارند و اگر کوه را با گریزی از آهن بزنند چنان که اهل جهنم را میزنند، ریز ریز شود و غبار گردد

**لو اِکِکِ نِوِکِلوِ. عِزِ اللهِ نِعالی حِسمِ نِوِکِله لِرِرمِکِکِ کِما نِرمِ الطِرمِ نِعدِوِ حِماصِا و نِرومِ نِطِانا**

اگر شما چنان که شایسته توکل کردنت بخدا توکل داشتید، روزی شما را نیز چون روزی مرغان میرساند که بصبح گرسنه اند و بشب سیر

لو اِی لَیْلٍ اِیْمَانٍ مِمَّنْ دَخَلَ السَّمَاءَ وَاذَابَ النَّارَ وَاذَابَ حُمْرَ اِمْرِئِ الْاَلْبَانِ وَاذَابَ اَللَّهَ عَلٰی  
م. نا-

آدمیزاد اگر دو دره از طلا داشته باشد بعلاوه آن دره سوم طلب کند شکم آدمیزاد را جز خاک پر نکند و هر که توبه کند خدا توبه او را بپذیرد

لو اِمْرٍ لِّیْ عَسْرَةٍ مِّنَ الْعَبَدِ لَیْلٍ السَّوَدِ

اگر ده تن از یهودان بمن ایمان آورده بودند همه یهودان بمن ایمان می آوردند

لو اِطْلَاقِ حَبِیْبٍ مِّنْ اَسْمَانِ السَّمَاءِ لَمَّا اَللَّهُ عَلَیْكُمْ

اگر آنقدر خطا کنید که خطاهایتان باآسمان برسد و سپس توبه کنید خدا توبه شما را میپذیرد

لو اِذِ اَللَّهُ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ لَمْرًا لَّا تُرَوَّى اَلرِّیُّ وَاَلْمَطَرُ

اگر خدا باهل بهشت اجازه تجارت داده بود تجارت پارچه و عطر میکردند

لو اِذِ اَتَى الْاِسْرَافِیَّةَ لَمَّا اَللَّهُ لَیْلٍ

اگر شانه گوسفندی بمن هدیه دهند می پذیرم و اگر دعوتم کنند اجابت میکنم

لو یَسِّرُ لَیْلٍ لِّیْ اَللَّهُ اَلنَّاسِ مَسْمَا

اگر کوهی بکوهی تجاوز کند خدا کوه متجاوز را درهم کوبد

لو یَقْلِبُ اَلسَّاعَةَ مِمَّنْ اَلْمَوْتِ مَا یَقْلِبُ اِمْرِئِ الْاَلْبَانِ مَا اَكْلَمَ مَسْمَا

اگر حیوانات نیز چون آدمیزاد از مرگ خیر داشتند گوشت چاقی نمیخوردید

لو تعلم المراه هم الروم له بعد ما حصر عداوه و عساوه حتى نمرع منه

اگر زن حق شوهر بداند هنگام نهار و شام او ننشیند تا فراغ یابد

لو تعلموا مكر رحمه الله لانكم علما

اگر از وسعت رحمت خدا خبر داشتید بر آن اعتماد میکردید

لو تعلموا ما اعلم لصكم مللا و انكم كرا

اگر آنچه من دانسته ام بدانید خنده کم و گریه بسیار میکنید

لو تعلموا ما اعلم لصكم مللا و انكم كرا و لا ساع لك الطعام و لا السرا-

اگر آنچه من دانسته ام بدانید خنده کم و گریه بسیار میکنید و غذا و نوشیدنی بر شما گوارا نخواهد بود

لو تعلموا ما اعلم انكم كرا و لصكم مللا و نرحم الي الصمدا- ناروا الي الله تعالى لا نروا.

سكوا او لا سكوا.

اگر آنچه من دانسته ام بدانید گریه بسیار و خنده کم میکنید و بر بلندیا رفته تضرع بپیشگاه خدا میبرید و بیمناک خواهید بود که آیا نجات خواهید یافت یا نه

لو تعلموا ما اعلم انكم كرا و لصكم مللا بطر العام و برسع الامانه و ينصم الركه و سم

الامم. و نوم. عر الامم. كبط كع العم. كامال اللز المطلع

اگر آنچه من می دانستم به دانستید بسیار می گریستید و کمتر خنده می کردید، نفاق آشکار شود و امانت بر خیزد و رحمت چیده شود  
امین را متهم کنند و خیانت گر را امین شمارند و فتنه ها چون شب تاریک شما را فرا گیرد

لو تعلموا ما اذكر لكم ما حرم على عكم

(ای فقیران) اگر بدانید چه چیزها برای شما ذخیره شده بر آنچه ندارید غم نخواهید خورد

**لو تعلمون ما لكم عند الله لا تحسبن ان بركاتها ماله و حاجه**

(ای فقیران) اگر بدانید پیش خدا چه ها دارید دوست خواهید داشت فقر و حاجت شما بیشتر شود

**لو تعلمون من الدنيا ما اعلم لا سراحت انفسكم منها**

اگر از دنیا آنچه من میدانم بدانستید جانتان از غم آن آسوده میشد

**لو تعلمون ما في المساله ما مضي احد الى احد ساله سنا**

اگر می دانستید در سؤال چه چیزها هست هیچ کس سوی دیگری نمیرفت که از او چیزی بخواهد

**لو تعلمون ما اثم الامور بعد الموت ما اكلتم طعاما على سعوه ابدا و لا**

**اكلتم سا بسطلون به و لمررت الى الصفا - كدخون صدوركم و بكون على انفسكم**

اگر میدانستید از پس مرگ چه خواهید دید هرگز غذایی با اشتها نمی خوردید و هرگز نوشیدنی ای برغبت نمی آشامیدید و بخانه ای در نمیشدید که در سایه آن آرام گیرید و بر بلندی ها رفته سینه خویش میخراشیدید و بحال خویش گویان بودید

**لو ما الفسر مذكر جدا الذكر لما السر مذكر عليه مكره**

اگر سختی بیاید و وارد این سوراخ شود، گشایش بیاید و وارد آن شود و سختی را بیرون کند

**لو كرم الله تعالى حم كرمه اللهم الملك الذي لا حصر معه و لو عرمت الله تعالى حم مكرمه لراال**

**لذعابكم الامار**

اگر از خدا چنانچه شایسته ترسیدن از اوست ترس داشتید علمی که بجهل آمیخته نیست نصیبتان میشد و اگر خدا را چنان که شایسته شناختن اوست میشناختید بدعای شما کوهها جابجا میشد



لو راب الاخر و مسره انصبر الامر و سروره

اگر اجل و رفتار آن را به بینی امید و مسرت آن را دشمن خواهی داشت

لو من لاخر النار انك ماكنو. في النار عدد ك حصاه في الدنيا لخرخوا سا و لو من لاخر الله  
انك ماكنو. عدد ك حصاه لخرخوا و لك. حمر لبع الاند

اگر به جهنمیان گویند که شماره ریگهای دنیا در جهنم خواهید ماند خوش حال شوند و اگر بهشتیان گویند که بشماره ریگها خواهید ماند  
غمگین شوند ولی آنها را جاودانی کرده اند

لو كا. ا لانها. بالنرا لساوله ر حال م. ماسم

اگر ایمان در ثریا بود مردانی از فارس بدان می رسیدند

لو كا. النرا ر حال لكا. ر حال صالنا

اگر حیا مردی بودی مرد شایسته ای بودی

لو كات الدنيا تر. عند الله خنام. نهوضه ما سبی كامرا سره ما

اگر دنیا نزد خدا بقدر بال پشه ای ارزش داشت شربت آبی بکافری نمی نوشانید

لو كا. الصبر ر حال لكا. ر حال كرها

اگر صبر مردی بودی، مرد بزرگواری بودی

لو كا. الفهم ر حال كا. ر حال سو

اگر خود پسندی مردی بودی مرد بدی بودی

**لو کار الفسر می حکر لکدر علیه السرحی کرخه**

اگر سختی به سوراخی باشد گشایش بر آن در آید و بیرونش کند

**لو کار الفلق مفلحا بالربا لساوله مو م. اسا عارسم**

اگر علم به ثریا آویخته بود گروهی از فرزندان فارس بدان می رسیدند

**لو کار الفکم کلها لکار سر حکم الله**

اگر بد و ناسزا مخلوقی بودی بدترین مخلوق خدا بودی

**لو کار الموم. می حکر ماره لقصم الله له م. بوکده**

اگر مؤمن در سوراخ موشی باشد خداوند یکی را سوی او فرستد که آزارش کند

**لو کار سو العلم رحلا همی می الاسم لکار رخ سو و ا. الله تعالی له کلمی مکاسا**

اگر بد خوئی مردی بودی که میان مردم راه رفتی، مرد بدی بودی و خدا مرا ناسزا گو نیافرید

**لو کار سی ساهم الفدر لسمه الفم.**

اگر چیزی از تقدیر سبقت توانستی گرفت چشم بد سبقت گرفت

**لو کار لام. ادم واد م. مال لاسمی اله ناسا و لو کار له وادنا. لاسمی لهما نالنا و لا هملا حوم ام.**

**ادم الا الربا. و سو. الله عر م. نا.**

اگر آدمیزاد دره ای از مال داشت بعلاوه آن دره دیگر می خواست و اگر دو دره می داشت با آن دره سوم می خواست شکم فرزند آدم را جز خاک سیر نمی کند و خدا توبه هر که را خواهد پذیرد

لو كان آدم واد م. كز ليمى مبله له يمى مبله حى يمى او كنه و لا يملا حوم ام. ادم الا الراب-

اگر فرزند آدم دره ای از نخل می داشت مثل آن را آرزو می کرد و باز مثل او را آرزو میکرد تا وادی ها آرزو کند شکم فرزند آدم را جز خاک سیر نمی کند

لو كان لي من احد الدنيا لسرتي ا. لا يمر على لا - و عدى مه سي الا سي ارضه لدم.

اگر باندازه کوه احد طلا داشتم دوست داشتم پس از سه روز چیزی از آن بنزد من نباشد مگر چیزی که برای قرضی ذخیره کرده باشم

لو كان الدنيا بعد عبد الله حاتم بوجه ما سى كامرا منا سره ما

اگر دنیا نزد خدا با بال پشه ای برابر بود، شربت آبی از آن به کافری نمی نوشانید

لو كبر امرا احدا ا. سعد لادم - المراه ا. سعد لروحا

اگر بکسی دستور میدادم کسی را سجده کند به زن دستور میدادم شوهرش را سجده کند

لو كبر امرا احدا ا. سعد لادم - المراه ا. سعد لروحا. لها حمر الله لعن عليم م. النعم

اگر بکسی دستور میدادم کسی را سجده کند بزنان دستور میدادم شوهران خویش را سجده کنند از بس که خدا برای شوهران حق بگردن زنان نهاده است

لو لعنكم الله بوجه بكموا. منفر لعن و بكمكم الله

اگر تو گناه نمیکردی خدا قومی را می آورد که گناه کنند و بیامرزدهشان و ببهشتشان در آرد

لو لعنكم الله بوجه بكموا. ذلك المعر المعر

اگر گناه نمیکردید از چیزی بدتر از آن بر شما بیم ناک بودم خود پسندی، خود پسندی

لو له نعم م. الدنيا الا نوه لظوله الله حي نعمه رجز م. اجر سي بواطي اسمه اسمي و اسم الله اسم  
الي نولا الارص مسطا و عدلا كما ملس طلما و خورا

اگر از دنیا جز روزی نماند خدا آن را دراز کند تا در اثنای آن مردی از خاندان مرا بر انگیزد نام وی موافق نام من و نام پدرش نام پدر من باشد و  
زمین را که از ظلم و جور پر شده است از انصاف و عدالت پر کند

لو بظرفه الي الآخر و مسره لانصمه الامر و سروره

اگر مرگ و رفتار او را بنگرید امید و مسرت آن را دشمن خواهید داشت

لو بي الناس ع. ص البره صوا و مالوا ما بسا عنه الا و عنه سي

اگر مردم را از شکستن پشکل شتر منع کنند آن را بشکنند و گویند ما را از این کار منع نکرده اند مگر که در آن چیزی هست

لو بعله الناس م. الوحده ما اعلم ما سار راکر بلز و حده

اگر مردم از تنهائی آنچه من دانسته ام بدانند هرگز سواری هنگام شب بتنهائی راه نخواهد سپرد

لو بعله الموم. ما عد الله م. الفعوه ما طمع في الله احد و لو بعله الكامر ما عد الله م. الرحه

ما صط م. الله احد

اگر مؤمن عقوبتی را که نزد خدا هست بداند هیچ کس در بهشت طمع نبندد و اگر کافر رحمتی را که نزد خدا هست بداند هیچ کس از  
بهشت چشم امید نبندد

لو لا ا. اسم عر امی لامرسم بالسواك عد كر صلاه

اگر نه مایه رنج امت خود میشدم دستورشان میدادم که هنگام هر نماز مسواک کنند

لو لا المراه لدر الرح الله

اگر زن نبود مرد بهشت میرفت

**لو لا اى اسمى لامرسم اى ساكوا بالاسكار**

اگر نه مایه رنج امت خویش میشدم دستورشان می دادم که سحرگاهان مسواک کنند

**لو لا اى السوال كدبوا ما مدسم م. ر دعه**

اگر دروغگوئی گدایان نبود، هر که نومیدشان میکرد، تقدیس نمیشد

**لو لا السا بعد الله حم عبادنه**

اگر زنان نبودند خدا چنان که شایسته پرستش اوست پرستیده میشد

**لو لا الامر ما ارضع ام ولدنا و لا عرس عارس سكرنا**

اگر امید نبود مادری فرزندی نمیزاد و کسی درختی نمینشاند

**لناس. على القاصى القادر يوم الصامه ساعه سمى انه لم يعصم م. اسم. مى بهره مط**

روز قیامت بر قاضی عادل ساعتی بگذرد که آرزو کند هرگز میان دو تن در باره خرمائی قضاوت نکرده بود

**لناس. على الاسم رما. لا سالى المر بها احد الهال ام. حلال ام م. حرام**

روزگاری بمردم رسد که مرد اهمیت ندهد که مال چگونه به دست آرد، از حلال یا از حرام

**لناس. على الاسم رما. لا سمى مسع احد الا اكر الربا ما. لم ناكله اصانه م. عباره**

روزگاری بمردم رسد که یکی نماند مگر آنکه ربا خورد و اگر نخورد غبار آن بوی رسد

لِاسْمِ عَلِيٍّ النَّاسِ رَمَاهُ بِكَدِّ مَهِّ الصَّادِمِ وَ بَصْدَمِ مَهِّ الْكَادِ - وَ كَوْرٍ مَهِّ الْاَمَمِ. وَ نَوْمٍ. الْعَنُورِ. وَ  
سَعْدِ الْمَرْوِيِّ وَ لَمْ يَسْتَعِدَّ وَ كَلَمٍ وَ اِنْ لَمْ يَسْتَعْلَمَ وَ بَكْوَرٍ اِسْمُهُ النَّاسِ بِالْكَسْرِ لَعْنٌ لَعْنٌ لَا نَوْمٍ. **بِاللَّهِ**  
وَ رَسُوْلُهُ

زمانی بر مردم رسد که راست گو را تکذیب کنند و دروغگو را تصدیق کنند و امین را خائن شمرند و خائن را مؤتمن پندارند و مرد بی آنکه  
شهادت از او خواهند شهادت دهد و بی آنکه قسم از او خواهند قسم خورد و خوشبخت ترین مردم فرو مایه پسر فرومایه باشد که بخدا و  
پیغمبرش ایمان ندارد

لِاِحْدِكُمْ اِحْدَكُمُ حَيْلَةً مَكْبُطَةً سَاءَ عِلْمٌ طَعْرَهُ اِحْوَرٌ عَلَيْهِ م. اِنْ نَالِي رَحْلًا اَعْطَاهُ **اللَّهِ** م. مَصْلَهُ مَسَالَهُ اَعْطَاهُ  
اَوْ مَهِّ

اینکه یکیتان ریسمان خویش برگیرد و با آن به پشت خویش هیزم کشد آسان تر است تا پیش مردی رود که خدایش از فضل خویش چیزی  
داده و از وی سؤال کند بدهد یا ندهد

لِاِحْدِكُمْ اَلْمَهْدِ م. مَهِّ لَمْ يَسْهَ وَ م. كَسَاهُ لَأَكْرَهَ وَ م. اَلْسَيْبَهُ مِزَ الْكِرِّ وَ م. اَلنَّوْهَ مِزَ الْمَهَامِ - مِمَّا مَهْدِ  
اَلْكَسَا م. دَارَ اِلَّا اَلنَّهَ وَ اَلنَّارَ

مرد باید از خویش برای خویش و از دنیای خویش برای آخرت خویش و از جوانی قبل از پیری و از زندگی قبل از مرگ بر گیرد که پس از دنیا  
خانه ای جز بهشت و جهنم نیست

لَيْسَ مَعْرَا الْمَوْصِي. بِالْفِرَاعِ نَوْمِ الْفَامَةِ مِزَ الْاَعْيَا مَهْدَارِ خَمْسَمَاهُ عَامَ حَوْلَا مِي اَلنَّهَ يَهْمُو. وَ حَوْلَا كَاسِيُو.  
مؤمنان فقیر را بشارت که روز قیامت به اندازه پانصد سال زودتر از اغنیا فارغ شوند آنان در بهشت متنعمند و اینان حساب پس می دهند

لَيْسَ اِحْدِكُمْ وَ حَيْهَ ع. اَلنَّارَ وَ لَوْ سَمَّ مَهْرَه

هر کس باید چهره خویش را از آتش جهنم مصون دارد و گر چه بیک نیمه خرما باشد

لرذ ك ع. الاسم ما يعرف م. نعت و احرف. لسات الا م. حر مات نكك نعل السطار.

آنچه از خویش می دانی ترا از (معايب) مردم باز دارد، زبان خویش را نگه دار مگر از خير که بدین وسیله بر شیطان چیره می شوی

لسکی احدکم م. ملکه الدم. مه کما نسکی م. رخلی. صالحم م. حرانه و حما مه باللیز و النعار

شخص باید از دو فرشته خویش که با او هستند شرم کند چنان که از دو مرد پارسا از همسایگان خود شرم می کند که فرشتگان شب و روز با او هستند

لسم الاعمی م. نعی بصره اما الاعمی م. نعی بصره

کور آن نیست که چشم او کور است بلکه کور آنست که بصیرتش کور است

لسم ا لانها بالنمی لکم. حو ما و مر می الفلب و صدقه الفمر

ایمان داشتن به آرزو کردن نیست بلکه ایمان آنست که در قلب جای دارد و عمل آن را تصدیق کند

لسم الر می حس. الاناسم و الری و لکم. الر السکنه و الوعار

نیکی بخوبی لباس و ظاهر نیست بلکه نیکی آرامش وقار است

لسم السار کره الکلام و لکم. التوصم مما کذب الله و رسوله و لس الهی ع. اللسار و لکم. مله المهرمه

بالعم

بیان خوب بفرآوانی گفتار نیست بلکه به بحث از آن چیزها است که خدا و پیغمبرش دوست دارد، لکن بزبان نیست بلکه از قلت معرفت حقست

لسم العتاک ا. بصر. الر حر نسه می سیر الله تعالی اما العتاک م. عال والدیه و ولدیه معو می عتاک و م.

عال نسه مکتعا ع. الاسم معو می عتاک

جهاد آن نیست که مرد در راه خدای والا شمشیر زند، بلکه جهاد آن می کند که بار زندگی پدر و مادر و فرزند می برد، هر که بار زندگی خویش می برد که از مردم بی نیاز شود جهاد می کند

**لَسِ الْاَعْرَ كَالْمَعَانِيهِ اِنَّ اِلَهَ نَبِيِّكَ اَكْبَرُ مُوسَىٰ بِمَا صَعِبَ عَلَيْهِ مَوْتُهُ فِي الْمَكَّةِ فَلَمَّا عَلِمَ الْاَلْوَامُ مَا صَعَبُوا عَلَيْهِمُ الْاَلْوَامُ فَانْكَسَرُوا**

خبر چون معاینه نیست خدای والا بموسی رفتار قومش را در باره گوساله خبر داد و الواح را نیفکند و چون رفتارشان عیان دید الواح را بیفکند و بشکست

**لَسِ الْاَعْلَمُ اِنَّ هَدَى الرَّحْمٰنُ وِ مِی سَهْ اِنَّ سَهْ اِنَّ لَا هِی**

خلف وعده آن نیست که مرد وعده دهد و در دل دارد وفا کند بلکه خلف آنست که مرد وعده کند و در دل دارد که وفا نکند

**لَسِ السَّكِيْدُ بِالْمَرْعَةِ اِنَّمَا السَّكِيْدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْمَصْرِ**

نیرومندی بکشتی گرفتن نیست نیرومند آن کس است که هنگام خشم خویشتن دار است

**لَسِ الْمَالِ عَمَّ كَرِهَ الْمَرْصَمُ وِ لَكُمُ الْمَالِ عِی الْمَسْمُ**

بی نیازی بفرآوانی مال نیست بی نیازی حقیقی بی نیازی ضمیر است

**لَسِ الْمَوْمِرُ الَّذِي لَا يَأْمُرُ خَارَهُ نَوَاحِيهِ**

هر که همسایه اش از شرش در امان نیست مؤمن نیست

**لَسِ الْمَوْمِرُ الَّذِي يَسْمَعُ وِ خَارَهُ خَائِعٌ اِلَىٰ حِمِيهِ**

هر که سیر باشد و همسایه اش پهلو وی گرسنه باشد مؤمن نیست

**لَسِ الْمَوْمِرُ بِالطَّعَانِ وِ لَا اللَّعَانِ وِ لَا الْاِحْسَامِ وِ لَا الْبِدَىٰ**



مؤمن طعنه زن و لعنتگر و بد گو و بد زبان نیست

**لَسِ الْمَسْكُورِ الَّذِي يَطُوفُ عِزَّ النَّاسِ مَرْدَهُ اللَّعْمَةُ وَاللِّعْمَانُ وَالْبَمْرَةَ وَالْمُرْبَانَ وَ لِكِ الْمَسْكُورِ الَّذِي لَا كُدَّ عِي نَهْهَ وَ لَا يَطْفَى لَهُ مَصْدَمٌ عَلَيْهِ وَ لَا يَهْوَى مَسَال**

مستمند آن نیست که میان مردم رود و یک لقمه یا دو لقمه و یک خرما یا دو خرما بدو رسد بلکه مستمند آنست که چیزی ندارد و بدو توجه نکنند که صدقه اش دهند و برای سؤال نخیزد

**لَسِ أَحَدٌ أَحْرَ إِلَهَ الْمَدْمِ م. اللهُ وَ لَا أَحَدٌ أَكْرَ مَعَادِرِ م. اللهُ**

هیچ کس ستایش را بیش از خدا دوست ندارد و هیچ کس بیش از خدا عذر نپذیرد

**لَسِ أَحَدٌ م. أُمِّي يَهْوَى نَلَا - نَا - أَوْ نَلَا - أَحْوَا - مَعْسُورِ النَّسْرِ الْاَلَا ك. لَهُ سِرَا م. النَّارِ**

هیچ کس از امت من نیست که سه دختر یا سه خواهر را تکفل کند و با آنها نیکی کند مگر که آنها حجاب وی از جهنم باشند

**لَسِ أَحَدٌ مَكْمَ نَاكِسِ م. أَحَدٌ مَدَّ كَسْرَ اللهُ الْمَصْبِيهِ وَ الْآخِرِ وَ مَسَّ الْمَهْمَسَهُ وَ الْمَمْرَ**

هیچ کس از دیگری بکسب توانا تر نیست که خدا مصیبت و مرگ را رقم زده و معیشت و کار را تقسیم کرده است

**لَسِ أَسْرَعُ عَفْوَهُ م. نَهِي**

عقوبتی از عقوبت ظلم سریعتر نیست

**لَسِ مَوْمٍ مَسْكَمِ الْاَلْمَا. م. لَهُ مَعْدُ الْاَلَا نَهْمَهُ وَ الرَّكَا مَصْبِيهِ**

هر که بلا را نعمت و فراوانی را مصیبت نداند ایمان وی کامل نیست

**لَسِ نَكْمِ م. لَهُ نَافَسِرَ بِالْمَهْرُومِ م. لَا يَدُّ لَهُ م. مَعَا سِرَهُ حَيَّ كُمْرَ اللهُ لَهُ م. ذَلِكَ فَرِحَا**

هر کس با آنکه از معاشرت وی ناچار است بنیکی معاشرت نکند تا خدا فرجی برای او پیش آرد خردمند نیست

لَسْمٌ لِمَنْ كَرِهَ مِمَّنْ كَرِهَ لَكَرِهَهُ وَ لَا اَكْرَهَ لَكَرِهَهُ حَتَّى يَصْرَ مَعَهَا مَا اِلَّا كَرِهَ لَكَرِهَهُ  
الاکره و لا یکرهوا کلا عن الناسم

بهترین شما آن نیست که دنیای خویش را برای آخرت خود واگذارد و نه آخرت خویش را برای دنیا واگذارد تا از هر دو بهره گیرد که دنیا وسیله رسیدن به آخرت است و سربار مردم نباشید

لَسْمٌ مِمَّنْ مَدَّ الْمَوَ - مَسْمُورٌ

پس از مرگ عذر پذیری نیست

لَسْمٌ مِمَّنْ مَدَّ الْمَوَ - مَسْمُورٌ

هر که میان دو تن اصلاح دهد و خیری گوید یا خیری نسبت دهد دروغگو نیست

لَسْمٌ مِمَّنْ مَدَّ الْمَوَ - مَسْمُورٌ

میان بنده و شرک جز ترک نماز فاصله نیست و چون نماز را ترک کند مشرک است

لَسْمٌ مِمَّنْ مَدَّ الْمَوَ - مَسْمُورٌ

در میزان اعمال، چیزی سنگین تر از خوی نیک نیست

لَسْمٌ مِمَّنْ مَدَّ الْمَوَ - مَسْمُورٌ

الفاخره بضع الدار بلا مع

پاداش هیچ کاری که بوسیله آن اطاعت خدا کند سریعتر از پیوند خویشان نیست و عقاب هیچ کاری سریعتر از ظلم و بریدن خویشان نیست و قسم نادرست دیار را ویران می نهد

لَسْمُ سَيِّئٍ أَكْرَمُ عِزِّ اللَّهِ تَعَالَى مِنْهُ. الْمَوْمِنُ.

هیچ چیز نزد خدای والا گرامی تر از مؤمن نیست

لَسْمُ سَيِّئٍ أَكْرَمُ عِزِّ اللَّهِ مِنْهُ. الدَّعَا

هیچ چیز نزد خدا گرامی تر از دعا نیست

لَسْمُ سَيِّئٍ أَكْرَمُ مِنْهُ إِلَّا الْإِنْسَانُ.

جز انسان هیچ چیز بهتر از هزار مثل خود نیست

لَسْمُ سَيِّئٍ مِنْهُ إِلَّا وَجُوهُ سَكْوٍ فِي الْإِنْسَانِ.

هیچ عضوی نیست مگر از آزار زبان شکایت دارد

لَسْمُ عَدُوِّكَ الَّذِي إِذَا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ كَانَتْ لَكَ نُورًا وَإِنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ كَانَتْ لَكَ أَعْدَى عَدُوِّكَ  
وَلَدَكَ الَّذِي حَرَمَهُ مِنْهُ. صَلَّيْتَ لَهُ أَعْدَى عَدُوِّكَ مَا لَكَ الَّذِي مَلَكَ مِنْهُ

دشمن تو آن نیست که اگر او را بکشی نور تو خواهد شد و اگر ترا بکشد بهشت میروی بلکه بدترین دشمن تو فرزند تو است که از صلب تو در آمده و باز بدترین دشمن تو مال تو است که مالک آن شده ای

لَسْمُ مِنْهُ عِزِّ اللَّهِ سَيِّئٍ مَا فِي الدُّنْيَا إِلَّا الْأَسْمَاءُ

در بهشت از آنچه در دنیا هست چیزی نیست، مگر بنام

لَسْمُ أَحَدٍ عَلَى أَحَدٍ مِمَّنْ إِلَّا بِالْكَفْرِ. أَوْ عَمْرٍَ صَالِحٍ

هیچ کس بر دیگری برتری ندارد مگر بوسیله دین یا عمل شایسته

**لِسْمِ لِّلْحَمْدِ . رَوَاذِ الْاَلِهَصَا وَ الْوَمَا وَ الْحَمْدِ**

دین طلایه دار ندار مگر وظیفه شناسی و وفا و حمد

**لِسْمِ لِلْمَرَاهِ اِنْ سَعَتْ سِنَا مِ . مَا لَنَا اِلَّا نَادِرٌ رَوْحَنَا**

زن حق ندارد چیزی از مال خود را بی اجازه شوهرش ببخشد

**لِسْمِ لِهَاسِمِ عَمِيهِ**

غیبت فاسق ناروا نیست

**لِسْمِ لِكِ مِ . مَا لِكِ اِلَّا مَا اَكَلْتُمْ مَامَسْرُؤِ اَوْ لَسْتُمْ مَائِلِيْنَ اَوْ بَصَدَقْتُمْ مَامَصْرُؤِ**

از مال خویش بهره نداری جز آنکه بخوری و تمام کنی یا بپوشی و کهنه کنی یا صدقه کنی و ادا کنی

**لِسْمِ مِ . اَكْلَا مِ الْمَوْمِ . الْمَعْلَمِ وَ لَا اَلْحَسَدِ اِلَّا مِ طَلَبِ الْمَلْعِ**

تملق و حسد بر مؤمن روا نیست مگر در طلب علم

**لِسْمِ مِ . الْمَرْوَةِ الرَّيْمَةِ عِزِّ الْاَكْوَابِ .**

از برادران سود بردن با جوانمردی سازگار نیست

**لِسْمِ مِ . كَلِمِ الْمَوْمِ . الْمَلْعِ**

تملق از اخلاق مؤمن نیست

**لِسْمِ مَا مِ . سَمِيهِ بَصْرِيَا**

هر که بغیر ما مانند شود از ما نیست

لِسْمِ مَا مَرَّ عَنِ الْمَسْلُومِ أَوْ صَرَفَهُ أَوْ مَا كَرِهَ

هر که با مسلمانی تقلب کند یا باو ضرر رساند یا با وی حيله کند از ما نیست

لِسْمِ مَا مَرَّ لَدَى سَمْعِهِ بِالْفِرَاقِ

هر که قرآن به آهنگ نخواند از ما نیست

لِسْمِ مَا مَرَّ لَدَى نَوْمِ الْكَبِيرِ وَ بَرَحِ الصَّغِيرِ وَ نَامِرِ الْمَعْرُومِ وَ سَهْ عَنِ الْمَكْرِ

هر که بزرگتر را محترم ندارد و به کوچکتر رحم نکند و به نیکی واندارد و از بدی باز ندارد از ما نیست

لِسْمِ مَا مَرَّ وَسِعَ اللَّهُ عَلَيْهِ لَهْ صِرَ عَلَى عَمَالِهِ

هر کس خدا بدو گشایش دهد و باز بر عیال خود سخت گیرد از ما نیست

لِسْمِ مَنِ الْإِلَاحِ أَوْ مَعْلَمِهِ

هیچ کس از من نیست بجز دانشمند یا دانش آموز

لِسْمِ أَمِيٍّ مَرَّ بِمَدِينَةٍ مَطْلُوعِ اللَّيْلِ الْمَطْلُوعِ بِصَبْرِ الرَّحْلِ مِمَّا مَوَّاهُ وَ نَمِيٍّ كَامِرًا بَسِيعِ أَمْوَالِهِ خَسِيعِ

بِعَرَضِهِ مَرَّ بِالْكَسْبِ مَلِيٍّ

پس از من امتم را فتنه ها خواهد گرفت چون پاره های شب تاریک که در اثنای آن مرد به صبح مؤمن است و بشب کافر شود و کسانی دینشان را بمال ناچیز دنیا فروشند

لِكُلِّ رَحْلٍ مَكَّةَ كَرَامٍ الرَّاحِدِ

هر یک از شما باندازه توشه مسافری اکتفا کند

لکم. یلع احدکم م. الدسا راد الراکر

بهره هر کدامتان از این دنیا چون توشه مسافر باشد

لسصر الرحر احاه طالها او مظلوما ا. کار. طالها مسسه ماه له بصره و ا. کار. مظلوما مسصره

مرد باید برادر خویش را یاری کند چه ستمگر باشد چه ستم دیده اگر ستمگر باشد او را باز دارد که این بمنزله یاری کردن اوست و اگر ستمدیده باشد یاریش کند

اللباسم بظفر الهی و الدحمر. بدمر البوسم و ا لاحسار. الی المملوک بدمر الله به الهدو

لباس غنا را نمایان می کند و روغن خشبو فقر را می برد و نیکی با مملوک مایه سر شکستگی دشمن شود

الله و می نلا - ناکدر مرسد و رمسد نفوسد و ملاعسد اهلک

بازی در سه چیز رواست اسبت را تربیت کنی و با کمان خود تیر اندازی کنی و با همسر خویش ملاعبه کنی

لی الواحد کز عرصه و عهونه

سختگیری مرد دارا آبروی وی را بازیچه و عقوبت وی را آسان می کند

لا احر الا ع. حسبه و لا عمر الا سه

پاداش در مقابل خلوص است و عمل به نیت وابسته است

لا اسیری سنا لسم عسدی بهه

چیزی که قیمت آن را ندارم نمی خرم

لا امار. لم. لا امانه له

هر که امانت ندارد ایمان ندارد

**لا امانا لِم. لا امانه له و لا دین. لِم. لا عد له**

هر که امانت ندارد ایمان ندارد و هر که پیمان نگه ندارد دین ندارد

**لا باسمِ بالمی لِم. اسی و الصبکه لِم. اسی کر م. الفی و طیب النفس م. النعم**

هر که پرهیزگاری کند اگر ثروتمند باشد باک نیست و برای پرهیزگار صحت از ثروت بهتر است و آسایش ضمیر از جمله نعمتهاست

**لا کر م. عر احد سرا**

پرده هیچ کس را مدر

**لا کفوا انکم بالکم.**

خویشتن را از دین مترسانید

**لا ندم. حها لهد مار. لکر نوم ما مه**

کاری را برای فردا مگذار که هر روزی تکالیف خویش را دارد

**لا نکر حبسا عبد منکر و کسر الا ذکر الله**

بنده ای که دو چشم خویش از دست بدهد و صبر کند و برضای خدا قانع شود ببهشت می رود

**لا بودوا مسلما سم کامر**

به وسیله بد گفتن به کافری، مسلمانی را آزار نکنید

**لا بالوا عر الله مانه م. بالی عر الله اکده الله**

بخدا سوگند نخورید که هر که بخدا سوگند خورد خدا او را تکذیب کند

**لا یأصوا و لا یصاروا و لا یأصوا و لا یصاروا و لا یأصوا و لا یصاروا**

دشمنی نکنید، از هم روی مگردانید همچشمی مکنید بندگان خدا برادران باشید

**لا یصوا المومنین**

آرزوی مرگ مکنید

**لا یأصوا و لا یصاروا و لا یأصوا و لا یصاروا**

با برادر خویش ممانعت مکن با او دشمنی مکن و حيله گری مکن

**لا یأصوا و لا یصاروا و لا یأصوا و لا یصاروا**

دو صفت در مؤمن فراهم نشود بخل و دروغ

**لا یأصوا و لا یصاروا و لا یأصوا و لا یصاروا**

میان دو کس جز با اجازه آنها منشینید

**لا یأصوا و لا یصاروا و لا یأصوا و لا یصاروا**

مرد جز از دست خویش بدی نمی بیند

**لا یأصوا و لا یصاروا و لا یأصوا و لا یصاروا**

شهادت بادیه نشین پرده نشین روا نیست



لا تأسدوا و لا تخاصوا و لا تباعدوا و لا تكادروا و كونوا عباد الله احوانا و لا تكونوا عاسا. و لا  
مداخر. و لا طعاس.

حسد نوزید و در معامله بالا دست هم نزنید، دشمنی نکنید، راه خلاف میوئید، بندگان خدا! برادران باشید عیجو و مدحگو و طعنه زن مباشید

لا كُفر. م. المعروف سنا و لا نواعد على احك موعدا منكاه

هیچ کار نیکی را حقیر مشمار با برادر خود خلف وعده مکن

لا كلف بالله كادنا و لا صادما م. عر ضروره و لا كُفر الله عرصه ليمسك ما. الله لا برحمة و لا برعى م.

حلف باسمه كادنا

بی جهت بخدا راست یا دروغ قسم مخور و خدا را وسیله قسم خویش مکن که خدا کسی را که بنام وی بدروغ قسم خورد رحمت و رعایت  
نمی کند

لا تسوا الدر ما. الله هو الدر

روزگار را دشنام مدهید که خدا همو روزگار است

لا تسوا السطار. و نهودوا بالله م. سره

شیطان را دشنام مگوئید و از شر وی بخدا پناه برید

لا تسبطوا الررم مانه له بكر. عند لعمو- حی سلفه اكر ررم هو له ماسوا الله و اخلوا می الطلب

احد اللال و ترك الترام

مپندارید که روزی تان دیر می رسد که هیچ بنده ای نمیرد تا آخرین بهره روزی او برسد، از خدا بترسید و در طلب ملایمت کنید (ملایمت در  
طلب) گرفتن حلال و رها کردن حرام است

## لا تردوا السائر و لو سم بمره

چیزی به سائل بدهید و گر چه نصف خرما باشد

لا برصم. احدا سخط الله و لا لمدن. احدا علی مصر الله و لا بدم. احدا علی ما له بوبك الله ما. ررم  
الله لا سومه الك حرم حریص و لا برده عك كراهه كاره

رضایت هیچ کس را با خشمگین کردن خدا مجوی و هیچ کس را بواسطه تفضلی که خدا کرده ستایش مگوی و هیچ کس را برای آنچه خدا  
بتو نداده مذمت مکن که روزی خدا راحرص حریص سوی تو نمی کشاند و نارضایت نارضائی آن را از تو دور نمی کند

## لا تروءوا المسلم ما. روعه المسلم طلم عطم

مسلمان را مترسانید که ترسانیدن مسلمان ستمی بزرگ است

## لا ترال المساله باحدكم حی نلی الله و ما می و حه مرعه لع

هر که پیوسته به سؤال کوشد به پیشگاه خدا رود و قطعه گوشتی در چهره او نباشد

## لا ترال طافه م. امی علی النعم طاحرم. حی نالی امر الله

پیوسته گروهی از امت من بر حق استوار باشند تا فرمان خدا بیاید

## لا ترال سم الرخر مقله بکبه حی بصلی عنه

جان مرد (پس از مرگ) پیوسته بقرض وی آویخته است تا قرض وی ادا شود

## لا تروخ. عکورا و لا عامرا مالی مکار بک الامم

با زن پیر و نازا ازدواج مکنید که از فزونی شما بر امتهای دیگر تفاخر می کنم

لا تسال الناس سنا و لا سوطك ا. سعط منك حتى سرت الله صاكد.

از مردم چیزی نخواه، اگر تازیانه ات افتاد، فرود آی و آن را بردار

لا تسوا الاموا- فاسع مد امصوا الی ما مدموا

مردگان را دشنام مدهید که آنها باعملی که از پیش فرستاده اند رسیده اند

لا تسوا الاموا- صو كوا الاخا

مردگان را دشنام مدهید که زندگان آزرده شوند

لا سربوا العمر فاسا معام- كز سر

شراب منوشید که کلید همه بدی هاست

لا سفلوا ملوكك بذكر الدسا

دلهای خویش را بذكر دنیا مشغول مدارید

لا تصاحب الا موما و لا تاكل طعامك الا بی

جز با مؤمن مصاحبت مکن و غذای ترا جز پرهیزگار نخورد

لا تصم احدا لا یری لك كمر ما یری له

با کسی که ترا همسنگ خود نداند مصاحبت مکن

لا تصلم الصبغه الا عند ذی حس او ك.م.

نکوئی جز پیش شریف و دیندار بثمر نمی رسد

**لا بصرنوا اماكم عن كسر انابكم ما لنا احلا كاحال الناس**

کنیزان خویش را برای شکستن ظرفهایتان مزیند که ظرفها را نیز مثل مردمان اجل هاست

**لا تصفوا انکم عند عر احلنا مظلوما و لا تصفوا احلنا مظلوما**

حکمت بنا اهل مسپارید که بدان ستم میکنید و از اهلش باز ندارید که به آنها ستم میکنید

**لا تطعموا المساکین ما لا یاکلون**

آنچه خودتان نمیخورید به مستمندان مخورانید

**لا تظلموا النساء الا ما ربه ما الله لا کذب الدواعی و لا الدوام**

زنان را جز در نتیجه بدگمانی طلاق مدهید که خدا مردان بسیار زن گیر و زنان بسیار شوهر گیر را دوست ندارد

**لا تطیر السماء لا کذب مقامه الله و سلب**

برادر خویش را شماتت مکن که خدا او را معاف دارد و ترا مبتلا کند

**لا تصفوا بقر عامر حی سظروا له کم له**

از کار هیچ کس شگفتی مکنید تا بنگرید عاقبت آن چه می شود

**لا تصفوا اسلا و رجز حی بظلموا کنه عمله**

مسلمانی مردی شما را بشگفت نیارد تا کنه عقل وی بدانید

**لا تصفوا المسلمین و لا تصفوا عورائهم**

غیبت مسلمانان مکنید و در جستجوی عیوب آنها نباشید

لا يفسد ما، الفصد مفسده

خشمگین مشو که خشم مایه فساد است

لا يهول الساعه الا على سرار الناس

قیامت بپا نشود مگر بر اشرار خلق

لا يهول الساعه حتى يهر الرجال و يكر الساعه

قیامت بپا نشود تا وقتی مردان کم و زنان بسیار شوند

لا يهول الساعه حتى يكو الولد عطا و يهضم اللبام فصا و يهضم الكرام عصا و كثرى الصفر على

الكر و اللبم على الكرم

قیامت به پا نشود تا وقتی فرزند مایه خشم شود و لثیمان فراوان شوند و کریمان کمیاب کردند و کوچک بر بزرگ جسارت ورزد و لثیم بر کریم جری شود

لا يهول الساعه حتى يكو الرمد و الورع بصفا

قیامت بپا نشود تا وقتی که زهد و تقوی ساختگی باشد

لا يهول الساعه حتى يكو اسعد الناس من الدنيا لصع ام. لصع

قیامت بپا نشود تا خوشبختترین مردم جهان فرومایه پسر فرومایه باشد

لا يهول الساعه حتى يهر الرخض يهر الرخض صغول نا لسی مكانه

قیامت به پا نشود تا مرد بقبر دیگری بگذرد و گوید کاش بجای او بودم

لا بصر الصبک ما کره الصبک من العبد

خنده بسیار مکن که خنده بسیار دل را بمیراند

لا بصر همک ما مدر بکم. و ما بررم ناک

غم بسیار مخور که آنچه مقدر است می شود و آنچه روزیت کرده اند بتو می رسد

لا بصر حوا الساب. ما من. الموسا-

دختران را مکروه مدارید که آنها مایه انسند

لا بکلوا للصب

برای مهمان تکلف مکنید

لا بکم. هم. سد علی الناس و کف علی نفسه

از آن کسان مباش که بر مردم سخت و با خویش آسان گیرند

لا بکو. راجدا حی بکو. مواصفا

تا متواضع نباشی زاهد نباشی

لا بهار احاک و لا بهارحه و لا بعهه منکله

با برادر خویش حيله مکن و با او مزاح مکن و با او خلف وعده مکن

لا بهرم مدد سواد و لا بکد. مدد بورک

مزاح مکن که رونقت ببرد و دروغ مگو که روشنیت برود

لا يمسك بكسو - م. لا يمسوه

دست خویش بجامه کسی که او را نمی پوشانی خشک مکن

لا يصفى احدكم معاه الناس ا. يوفى بالعم اذا علمه

ترس مردم شما را از رعایت حقی که میدانید باز ندارد

لا يمسوا الفلوس بصره الطعام و السرا - ما. الفلوس هو - كالررع اذا كسر عليه الما

دل‌های خویش را بکثرت خوردن و نوشیدن نمی رانید که دل چون زراعت است وقتی آب آن زیاد شد خواهد مرد

لا يرفع الرحمه الا م. سعى

رحم را نگیرند مگر از بدبخت

لا حله الا ذو عره و لا حكم الا ذو كره

آنکه لغزش نکرده بردبار نیست آنکه تجربه نیندوخته خردمند نیست

لا كسر لك مي صكه م. لا تری لك ما تری لنفسه

در مصاحبت کسی که ترا همسنگ خود نداند خیری نیست

لا كسر مي صكه م. لا تری لك م. العلم من ما تری له

در مصاحبت کسی که حقی برای او قائلی و نظیر آن را برای تو قائل نیست خیری نیست

لا كسر مي مال لا تری ما مه و حسد لا مال مه

در مالی که آفت بدان نرسد و تنی که مصیبت نبیند خیری نیست

لا حر صم. لا بصم

آنکه مهمان نپذیرد خیری در او نیست

لا دم. الا مر وه

دین جز بجوانمردی قوام نمی گیرد

لا دم. لم. لا عد له

هر که پیمان نگاه ندارد دین ندارد

لا ستر الا ما حمله سلا

هر چه آسان گیری آسان گذرد

لا سی احم بالسکم. م. اللسار

هیچ چیز بزندان شدن شایسته تر از زبان نیست

لا سی اعر م. الله

هیچ کس غیرتمندتر از خدا نیست

لا صدقه و دو رجع گنام

اگر خویشاوندی محتاج هست صدقه دادن روا نیست

لا طاعه لاحد می مقصه الله اما الطاعه می الممروم

اطاعت هیچ کس در معصیت خدا روا نیست اطاعت فقط در کار نیک است



لا طاعه لمعلوم می معصه العالم

اطاعت مخلوق در معصیت خالق روا نیست

لا عمر كالدير و لا ورع كالكم و لا حسد ككس. العلم

عقلی مانند تدبیر نیست و تقوائی چون خویشتن داری نیست و شرفی چون نیکخوئی نیست

لا مهر اسد م. العز و لا مال اعوت م. الفز و لا وحده او حس م. المعز و لا حسد ككس. العلم و لا

عباده من العز

فقری سختتر از نادانی نیست و مالی سودمندتر از خرد نیست تنهائی ای موحشتر از خودپسندی نیست و شرفی چون نیکخوئی نیست و عبادتی چون تفکر نیست

لا مطاخره او هم م. المساوره و لا امار. كالعنا

تعاونی بهتر از مشورت نیست و ایمانی چون حیا نیست

لا فامه لهمد م. الفراء. و لا عی له بعه

بنده ای که قرآن خواند فقیر نشود و او را بالاتر از قرآن بی نیازی ای نیست

لا كسره مع استعمار و لا صفره مع اصرار

با استغفار هیچ گناهی کبیره نیست و با اصرار هیچ گناهی صغیره نیست

لا بده م. اسسار و لا امصر م. امصد

هر که مشورت کند پشیمان نشود و هر که میانه روی کند فقیر نگردد

لا تعلق سوا كراما م. الف منه الا الرجز الموم.

بجز مرد مؤمن چیزی را نمی شناسیم که از هزار مثل خویش بهتر باشد

لا تع الا مع الكرم. و لا و جع الا و جع الفم.

غمی چون غم قرض نیست و دردی چون درد چشم نیست

لا تحره بعد الفهم

پس از فتح (مکه) هجرت نیست

لا يوم. احدكم حتى كبر لأكبه ما كبر لفسه

هیچ کس از شما مؤمن نباشد تا هر چه برای خویش می خواهد برای برادر خویش بخواهد

لا يوم. عبد حتى كبر لفسه م. الكبر ما كبر لأكبه المسلم

بنده ای مؤمن نباشد تا هر چیزی برای خویش می خواهد برای برادر مسلمان خویش بخواهد

لا يبي على الناس الا ولد يبي و الا م. منه عرم منه

بر مردم ستم نکند جز فرزند زنا کار یا کسی که رگی از زنا کار دارد

لا يباع الفد ا. بكو. م. المص. حتى يدع ما لا نام به حدرا لما به الاسم

بنده بمقام پرهیزگاری نرسد تا از آنچه مباح است از بیم آنچه مباح نیست، صرف نظر کند

لا يباع الفد حصه ا لانما. حتى كبر. م. لسانه

بنده بحقیقت ایمان نرسد تا زبان خویش نگهدارد

لا يباع المذبح حصه الا لاهله حتى يعلقه اهل ما اصابه له بكره لقطه و ما اخطاه له بكره لصبه

بنده بحقیقت ایمان نرسد تا بدانند که آنچه بدو رسیده نمیشد نرسد و آنچه بدو نرسیده نمیشد برسد

لا تكلم مؤمنا بالامانه

هیچ گروهی جز به اعتماد متبادل مجالست نتوانند کرد

لا تكلم احد لصبه ما لا يدرك

هیچ کس نباید آنچه را قدرت ندارد بتکلف برای مهمان فراهم کند

لا يضي احدكم المومنا اما مسامحه لعله يرضوا و اما مسامحه لعله يفسدوا

هیچ یک از شما آرزوی مرگ نکنند اگر نکوکار است شاید نیکی فزون کند و اگر بدکار است شاید راه رضا سپرد

لا يضي احدكم المومنا لصره لعله يرضوا

هیچ کس نباید از مشقتی که بدو رسیده آرزوی مرگ کند

لا تكلم الرجل من الرجل و انه من المجلس

مرد نباید در مجلس میان دیگری و فرزندش بنشیند

لا تكلم الا طامنا

جز خطاکار احتکار نمی کند

لا تترك الصدقه لمي و لا لذي مراه موي

صدقه گرفتن بر غنی روا نیست و نیز برای آنکه طبعی نیرومند دارد

## لا تُر لمسلمه ا، بر وع مسلما

روا نیست که مسلمانی مسلمان دیگر را بترساند

## لا تُملِكك اسبطا امر عر اسمعاله ما، الله عر و حر لا يهكر بهكله احد

تصور تأخیر کاری وادارتان نکند که آن را بشتاب خواهید که خدای عز و جل از عجله کسی عجله نمی کند

## لا تلوو، ر حر نامراه ما، بالسمما السطار.

مرد نباید با زن بخلوت نشیند که سومیشان شیطان است

## لا بذكر الله الا رحم

هر که رحم ندارد ببهشت نرود

## لا بذكر الله كد و لا كبر

حیله گر و بخیل ببهشت نمی روند

## لا بذكر الله سبي الملكه

بدخوی ببهشت نمیرود

## لا بذكر الله عبد لا نام، حاره بوانه

بنده ای که همسایه از شرش در امان نباشد ببهشت نمی رود

## لا بذكر الله ماطع رحم

هر که پیوند خویشان ببرد ببهشت نرود

## لا یدکر الله ما۔

دروغ زن بیهشت نمی رود

## لا یرحم الله م. لا یرحم الناس

خدا بکسی که بمردم رحم نکند رحم نمی کند

## لا یرد الرجز صدہ احدہ ما. و حد ملکامہ

هیچ کس نباید هدیه برادرش را رد کند اگر توانست عوض آن دهد

## لا یرد الصا الا الدعاء و لا یرد فی العمر الا الر

قضا جز بدعا دفع نشود و چیزی جز نیکوکاری عمر را افزون نکند

## لا یرال الصد فی صلاه ما اسطر الصلوه

بنده مادام که منتظر نماز است در حال نماز است

## لا یرال المسروم صدہ فی بعه م. خو بری صدہ حی کو. اعطه حرما م. السارم

دزد زده آنقدر کسانی را که از دزدی بی خبرند تهمت می زند که گناه او از دزد بیشتر می شود

## لا یردای الامر الا صدہ و لا الدسا الا ادبارا و لا الاسم الا سکا

در کارها جز سختی نمیافزاید و دنیا جز به ادبار نمی گراید و مردم پیوسته بخیلتر می شوند

## لا یر عبد عبدا فی الدسا الا سره الله يوم الصمه

هر بنده ای که در دنیا برای دیگری راز پوشی کند، روز قیامت خدا راز پوش وی شود

لا نسعم ايمان عبد حى نسعم مله و لا نسعم مله حى نسعم لسانه

ایمان بنده به استقامت نیاید تا قلب وی به استقامت گراید و قلب وی به استقامت نگراید تا زبان وی به استقامت آید

لا نسکر احدکم حصه ا لانهار حى کرر لسانه

هیچ کس از شما حقیقت ایمان را کامل نکند مگر آنکه زبان خویش نگهدارد

لا نسکر الهد ا لانهار حى نکور مه لا - کصال ا لانعام م. ا لامار و ا لانصاف م. نسه و ندر

السلام

تا سه صفت در بنده ای نباشد ایمان وی کامل نشود صدقه دادن در تنگ دستی و انصاف دادن به ضرر خویش و سلام بسیار کردن

لا نسبع المومر دور حاره

مؤمن نباید بدون همسایه خود سیر شود

لا نسبع عالم م. علمه حى نکور مسناه العنه

عالم از علم خویش سیر نگردد تا سرانجام بیهشت رسد

لا نسکر الله م. لا نسکر الناس

هر که شکر مردم ندارد شکر خدا نگذارد

لا نصلم الملم الا للوالدم. و ا لامام الهادر لا نصلم الصبه الا عبد ذى حسر او دم.

تملق گفتن جز از پدر و مادر و پیشوای عادل روا نباشد و نکوئی جز پیش شرافتمند و دیندار بثمر نرسد

لا نهى حدر م. مدر

احتیاط چاره تقدیر نمی کند

**لا یسئد موم.**

مؤمن بکمین خون کس نریزد

**لا یعلم موم بملکته امراه**

گروهی که زمامدارشان زن است رستگاری نه بینند

**لا یلدع الموم. م. حکر مر. م.**

مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی شود

**لا یسز امار. لا عمر و لا عمر لا امار.**

ایمان بی عمل و عمل بی ایمان پذیرفته نیست

**لا یهوم. احد الا و هو کس. الطر. بالله**

هر که می میرد باید بخداوند خوش گمان باشد

**لا یسفی لدی الوحس. ار. کور. امسا عبد الله**

دو رو نزد خدا مورد اعتماد نیست

**لا یسفی للصدقم. ار. کور. لمانا**

سزاوار نیست که مرد راستی پیشه لعنت گر باشد

**لا یسفی لموم. ار. کور. سهه**

شایسته مؤمن نیست که خویشتن را خوار کند

**لا تلبس الناس حتى يهكروا م. افسه**

مردم هلاک نمی شوند مگر وقتی که حجت بر ایشان تمام شود

**لا یسوی الصلای الا صال**

گمراه را بجز گمراه دوست ندارد

**ما ومی به المر عرصه کس له به صدقه**

بعوض چیزی که انسان آبروی خویش بدان محفوظ دارد برای او صدقه ای نویسند

**ما کاب مرجه الا یهنا برجه**

مسرتی نیست که کدورتی به دنبال نداشته باشد

**ما منیر و منیر الدنيا الا کراک مال می طر سکره می نوم خار له راص و برکنا**

حکایت من و دنیا چون سواری است که روز گرمی در سایه درختی بخوابد آنگاه برود و آن را بگذارد

**ما م. عید بسرعه الله رعه له نوم نوم - عاسا لرعه الا حرم الله علیه الله**

هر بنده ای که خدا رعیتی را به رعایت او سپارد و نمیرد و با رعیت خویش فریبکاری کرده باشد خدا بهشت را بر او حرام کند

**ما م. حرمه احب الی الله م. حرمه عبط کطمنا رجز او حرمه صر عر مصبه و ما م. مطره احب الی الله**

**م. مطره کمع احرمه م. کسه الله و مطره کف احرمه می سیر الله**



هیچ جرعه ای نزد خدا از جرعه خشمی که مردی فرو برد یا جرعه صبری که بر مصیبت نوشد محبوب تر نیست و هیچ قطره ای نزد خدا از قطره اشگی که از ترس خدا ریخته شود یا قطره خونی که در راه خدا ریخته شود محبوبتر نیست

**ما دنیا صاربا می رزیمه عم باسرع منا م. حب السرف و الهال می دم. المر المسله**

دو گرگ گرسنه در آغل برای گوسفندان خطرناکتر از حب جاه و مال برای دین مرد مسلمان نیست

**ما طلعت سمم مط الا کدینا ملکا. یولا. الله عز لمیم کله و عز لممسک نله**

هر بار که خورشید طلوع می کند دو فرشته از دو سوی آن گویند خدایا انفاق گر را زودتر عوض ده و بخیل را زودتر آفتی ده

**ما سطر احدکم م. الکیا الای مطها او مهرا مسسا او مرصا مهسدا او حرما مهسدا او مونا هعرا**

از دنیا چه انتظار دارید، جز غنائی که طغیان آرد یا فقری که نسیان آرد یا مرضی که فساد آرد یا پیری که زبونی آرد یا مرگی که به سرعت از پا درآرد

**ما اسردل الله عکدا الا خط عنه الهله و الاد-**

خدا بنده ای را پست نشمارد مگر آنکه علم و ادب را از او فرو گذارد

**ما اکرم سا- سکا لسه الا منصم الله عید سه م. بصرمه**

هر جوانی که پیری را برای سنش گرامی دارد خدا هنگام پیری وی یکی را بیارد که وی را گرامی دارد

**ما سی عید مط بمسوره و ما سفد ناسفها بر ای**

هیچ کس از مشورت بدبخت نشد و از خود رایی خوشبخت نشد

**ما اصر م. اسفهر و لو عاک می الوم سیمم. مره**

هر که استغفار کند بر گناه اصرار نکرده و اگر چه در یک روز هفتاد بار بگناه باز گردد

ما برک بعدی منه اصر علی الرجال م. السا

پس از من برای مردان فتنه ای زیان انگیزتر از زنان نخواهد بود

ما ملا احمی وعا سرا م. بطر.

انسان ظرفی بدتر از شکم پر نکند

ما م. احد امصر عند الله م. امام ا. مال صدم و ا. حکم عدل

هیچ کس نزد خدا از پیشوائی که چون گوید راست گوید و چون حکم کند عدالت کند برتر نیست

ما م. حلال انفصم الی الله م. الطلام

هیچ حلالی نزد خدا مبعوضتر از طلاق نیست

ما م. رح م. المسلم. اعظم احرا م. وریر صالح مع امام بطنه و نامره بکا - الله

پاداش هیچ یک از مسلمانان از وزیر شایسته ای که با پیشوائی باشد و او را اطاعت کند و بفرمان خدا وادارد بزرگتر نیست

ما عند الله سی امصر م. مه می الدم.

هیچ عبادتی بهتر از دانا شدن در کار دین نیست

ما الدنيا می الاکره الا كما کمر احدکم اصنعه السانه می الم ملنطر له مرجع

دنیا نسبت باخرت چنانست که یکی تان انگشت بزرگ خویش را به دریا نهد بنگرد از دریا چه بر میدارد

ما هر - الهد الی الله سی امصر م. سکوک صهی

هیچ کس بچیزی بهتر از سجده نهان بخدا تقرب نمی جوید

ما م. سی اطیع الله منه ناعز نوانا م. صله الرحمه و ما م. عمر بمصی الله منه ناعز عهونه م. سی

هیچ اطاعتی را که برای خدا کرده باشند زودتر از پیوند خویشان ثواب ندهند و هیچ معصیتی را زودتر از ستمگری عقاب نکنند

ما م و کی کر ما کر و الی

اندکی که کفایت کند بهتر از بسیاری که مایه بطلت شود

ما کر والد ولده امصر م. اد - حس.

هیچ پدری مالی بهتر از ادب نیک بفرزند خود نداده است

ما م. عمر امصر م. اسباع کید حایع

هیچ کاری بهتر از سیر کردن شکم گرسنه نیست

ما کالط الصدقه مالا الا اهلکته

صدقه بمالی نیامیزد مگر آن را نابود کند

ما م. موم. الا و له ذب بصبه الهه هذ الهه لا ناعره حی ناعرم الکیا

هیچ مؤمنی نیست مگر گناهی دارد که گاه بگاه آن را مرتکب شود و از آن دوری نکند تا از دنیا برود

ما کار الرحم می سی مط الا رانه و ما کار الحرم می سی مط الا سانه

مدارا در هر چه باشد آن را زینت دهد و خشونت در هر چه باشد آن را خوار کند

ما سر الله علی عبد می الکیا دنیا مفره نه نوم الهه

وقتی خدا در دنیا گناه بنده ای را بپوشانید در آخرت وی را بدان سرزنش نخواهد کرد

ما صلِّ امرأه صلاه احب الی الله م. صلا سا می اسد سا طلحه

نمازی که زن در تاریکترین گوشه خانه خود کند از همه نمازهای او نزد خدا محبوبتر است

ما کا م. استکار و لا بدم م. استسار و لا امر. بالفرار م. استکر فارمه

هر که از خدا خیر جوید نومید نشود و هر که مشورت کند نادم نگردد و هر که محارم قرآن را حلال شمارد بقرآن ایمان ندارد

ما بصیر الموم. و صر و لا بصیر و لا سعف و لا اادی و لا حر. الا صر الله به م. کطاباه

رنج و سختی و مرض و آزاری و غمی بمؤمن نرسد مگر خدا در قبال آن از گناهان وی محو کند

ما امر الله کبر مط و لا ادر الله کلم مط

خدا کسی را به نادانی عزیز ندارد و کسی را ببردباری ذلیل نکند

ما یصم مال م. صدقه و لا عی ر حر ع. مظلمه الا راده الله سا عرا

هیچ مالی از صدقه کاهش نگیرد و هیچ کس از مظلومه ای نگذرد مگر خدا در قبال آن عزت وی بیفزاید

ما ررم الفد رر ما اوسع علیه م. الصبر

هیچ کس را روزی ای وسیعتر از صبر نداده اند

ما ابرر الله م. دا الا ابرر له سعا

خدا مرضی نفرستاده جز آنکه شفائی برای آن فرستاده است

ما اسرعی الله عی رعه ملع کطبا بصعه الا حر م. الله علیه العنه

وقتی خدا رعیتی را برعایت کسی سپارد و او بلوازم خیر خواهی رعیت قیام نکند خدا بهشت را بر او حرام کند

ما حسب. الله كلم عبد و كلمه الا اسعيا ا. نطمع لعمه النار

وقتی خدا صورت و سیرت بنده ای را نیکو کند شرم دارد که گوشت وی را خوراک آتش کند

ما احسب. عبد الصدقه الا احسب. الله العلامه علی برکته

وقتی بنده ای صدقه نیکو دهد خدا سرانجام ترکه او را نیکو کند

ما صم. رخ علی بفسه نا. مساله الا صم. الله علیه نا. مهر

هیچ کس دری از سؤال بروی خود نگشاید مگر خدا دری از فقر بروی او بگشاید

ما راب من النار نام حاربا و لا من الله نام طالبنا

چون جهنم چیزی ندیدم که گریزنده آن خفته باشد و نه چون بهشت که طالب آن خفته باشد

ما را. الله عبدنا برسه امصیر م. عمام می کسه و مرجه

خدا ببندد خویش زینتی بهتر از عفت در دین و عورتش نداده است

ما عال م. امصید

هر که میانه روی کند فقیر نشود

ما الکی بقطی م. سهه باعطف احرا م. الکی بهر ادا کار گناحا

پاداش کسی که در حال گشایش بخشش کند از آنکه بخشش را میپذیرد بیشتر نیست، بشرط آنکه محتاج باشد

ما الموم. صما بهده الا صطکه عر

مرگ نسبت بما بعد آن چون شاخ زدن بز است

ما اى الله عالما علما الا احد عنه المسام اى لا نكسه

خدا بعالمی علم نداده مگر آنکه از او پیمان گرفته که علم خویش را نهان ندارد

ما اجمع الرخا و النوف مى مله موم. الا اعطاء الله عز و حل الرخا و امه النوف

امید و ترس در دل مؤمن مجتمع نشود جز آنکه خدا عز و جل امید بدو عطا کند و از بیم ایمنش سازد

ما احد عبد خدا الله الا اكرمه ربه

وقتی بنده ای بنده دیگر را برای خدا دوست دارد پروردگارش او را گرامی کند

ما احد اى احدك لولا لى ذمنا بكر عدى مه ذسار موم لا - الا ذسار ارضه لدم.

دوست ندارم که کوه احد برای من مبدل بتلا شود و دیناری از آن بیش از سه روز نزد من بماند مگر دیناری که برای قرض ذخیره نگه دارم

ما احد اكر م. الربا الا كار عامه امره الى مله

هر که ربا فراوان خورد سر انجام او بفقیر انجامد

ما احس. الهصد مى الفى ما احس. الهصد مى الفى و احس. الهصد مى الفاذه

چه نیکست اعتدال هنگام بی نیازی، چه نیکست اعتدال هنگام نداری و چه نیکست اعتدال در عبادت

ما احد الله سنا انصم الله م. الطلام

خدا چیزی را حلال نکرده که نزد وی از طلاق دشمن تر باشد

ما اكاف عز امى الا صفه النبر.

بر امت خویش بیم ندارم مگر از ضعف ایمان

ما احكام عر امی صه اقوم علنا م. السا و العمر

از هیچ فتنه ای که خطرناکتر از زن و شراب باشد بر امت خویش بیم ندارم

ما اکی علیه الفهر و لکی اکی علیه الکابر و ما اکی علیه العطا و لکی اکی  
علیه النعمد

از فقر بر شما بیم ناک نیستم بلکه بیم دارم به کثرت اموال تفاخر کنید، از خطا بر شما بیم ناک نیستم بلکه از تعدد بیم دارم

ما اسردل الله عبدا الا خطر علیه العلم و الادب۔

خدا بنده ای را پست نشمارد مگر علم و ادب را از او باز دارد

ما احد۔ الدسا م. الاصره الا كما احد المکب عرسم می الکر م. ماه

دنیا از آخرت آنقدر گرفته که سوزنی که در دریا فرو کنند از آب آن گیرد

ما استعاف الموم. بعد هوی الله عر و حر کرا له م. روجه صالحه ا. امرجا اطاعه و ا. بظر السه سره و ا.

امسه علنا اربه و ا. عا۔ عبا بصکه می بسعا وماله

مؤمن پس از پرهیزکاری خدای عز و جل چیزی بهتر از زن پارسائی که فرمانش دهد اطاعت کند و اگر بدو نگرد مسرورش کند و اگر در باره او قسم خورد قسمش را رعایت کند و اگر از او غایب شود مال وی و عفت خویش حفظ کند، چیزی بهتر از این نیابد

ما اسر عمد سریره الا السه الله ردا حا ا. کرا مکر و ا. سرا مسر

هر نیتی که بنده بدل گیرد خدا نشان آن را بر او نمودار کند، اگر نیک باشد نیک و اگر بد باشد بد

ما اطعمم روحك معو لك صدقه و ما اطعمم ولدك معو لك صدقه و ما اطعمم خادمك  
معو لك صدقه و ما اطعمم نساءك معو لك صدقه

هر چه بهمسر خویش بخورانی صدقه کرده ای و هر چه بفرزند خویش بخورانی صدقه کرده ای و هر چه بخدمتکار خویش بخورانی صدقه کرده ای، هر چه بخویش خورانی صدقه کرده ای

ما اعطى اجر سر الرحم الا نسمة

مدارا نصیب هیچ خاندانی نشود مگر سودشان دهد

ما اكسر مكسر من مصر علم سدى صاحبه الى سدى او برده عم. ردى و لا اسعاه كسه حى  
نسمه عمله

هیچ کس چیزی چون مایه علمی که صاحب خویش را بهدایت رساند یا از خطری برهاند به دست نخواهد آورد و دین شخص استقامت نیابد تا عقل وی استقامت یابد

ما اكر احد طعاما مط كرا م. ا. ناكز م. عمر بده و ا. بی الله داود كار ناكز م. عمر بده

هیچ کس غذائی بهتر از آنچه از عمل خویش خورد، نخواهد خورد داود پیغمبر نان از عمل خویش میخورد

ما اسر قد موما حدسا لا سلفه عقولهم الا كار. عمر نهمه سه

وقتی با قومی سخنی گوئی که عقولشان بدان نرسد برای بعضیشان مایه فتنه خواهد بود

ما انعم الله عز عبد نهمه محمد الله علما الا كار. ذك الحمد امصر م. نك السممه و ا. عظم

وقتی خدا بنده ای را نعمتی دهد و خدا را بر آن ستایش کند این ستایش از آن نعمت، هر قدر بزرگ باشد بهتر است

ما اكر ملوك مدعه



هر چه را قلبت نمیپذیرد واگذار

**ما احدى المر المسلم لاصه بده امصر م. كلمه حكمه بریده الله سا حدى او برده سا ع. ردى**

مرد مسلمان ببرادر خویش هدیه ای بهتر از سخن حکمت آمیزی که خدا بوسیله آن هدایت وی افزون کند یا خطری از وی بگرداند نتواند داد

**ما بر اناه م. سد الله الطرف بالمصر**

هر که نگاه خشمگین سوی پدر خویش افکند از فضیلت نیکی با وی بی نصیب است

**ما اودى احد ما اودى مى الله**

هیچ کس آنقدر که من در راه خدا اذیت دیدم اذیت نکشید

**ما كالم موم جلسا مله نصر بضمه لضمم الا برع م. ذلك المكلم الرکه**

هر گروهی که مجالست کنند و بیک دیگر گوش فرا ندارند برکت از مجلسشان برخیزد

**ما كرع عبد امصر عبد الله م. حره عبط كطمنا اسما وحه الله**

هیچ کس جرعه ای ننوشد که نزد خدا از جرعه خشمی که برای رضای خدا فرورد بهتر باشد

**ما برده عبد الله امر الا برکه الا لله الا عوصه الله مه ما حو كر له مه مى كسه و كساه**

هر که چیزی را برای خدا ترک آن بکند که جز برای خدا ترک آن نکند خدا بعوض آن چیزی که برای دین و دنیای وی بهتر باشد بدو بدهد

**ما سعد الملا بکه م. لوكه الا الرجا و النصار**

فرشتگان از بازیهای شما جز در اسب دوانی و کشتی حضور نمیابند

**ما بصدم الاسم بصدمه امصر م. علم بسر**

هیچ صدقه ای که مردم دهند از علمی که منتشر شود بهتر نیست

**ما خالی خیرین مط الا امری بالسواک حی لهد کسر ا. اخی مقدم می**

هر وقت جبریل پیش من آمد مرا بمسواک کردن فرمان داد تا آنجا که ترسیدم جلو دهان خود را بیرم

**ما حلم موم بکرو. الله تعالی موموم. حی سال لع موموا مد عمر الله لکم ذبوصک و بکر  
سباصک حسا-**

گروهی که با هم بذکر خدا بنشینند، از جا برنخیزند مگر بایشان بگویند برخیزید که خدای تان آمرزید و اعمال بدتان را باعمال خوب مبدل کرد

**ما جمع سی الی سی امصر م. علم الی حله**

چیزی با چیز دیگر فراهم نیامده که از دانش و بردباری بهتر باشد

**ما کرم رح م. سه نطلب علما الا سیر الله له طرها الی الله**

هر کس از خانه خویش به جستجوی علمی برون شود خدا برای وی راهی بسوی بهشت بگشاید

**ما کسر ع. کاکم م. عمله معو اخر لک می موارسک نوم العمامه**

هر چه از کار خدمتگزار خویش سبک کنی پاداشی است که روز قیامت در میزان عمل تو نهند

**ما کلم الله م. سی الا و مد کلم له ما نعلمه و کلم رکفه نعلمه عصمه**

خداوند هر چه آفریده چیزی دیگری برای غلبه بر آن آفریده و رحمت خویش را برای غلبه بر غضبش آفریده

**ما رمع موم اکسم الی الله تعالی سالونه سبنا الا ک. حفا عر الله ا. بصع می اکسم الی سالوا**

هیچ گروهی دستان خویش باستدعای چیزی سوی خدا بر ندارند مگر آنکه خدا عهده دار است مسئولشان را بکفشان نهد

ما را خیر بوسی باغار حی طیب انه سورته

جبریل در باره همسایه آنقدر سفارش میکرد که پنداشتم همسایه ارث خواهد برد

ما را. **الله** الهناک برسه امصر م. رحاده می الدسا و عمام می بطنه و مرخه

خدا ببندگان خویش آرایشی بهتر از بی رغبتی به دنیا و عفت شکم و عورت نداده

ما روست الدسا م. احد الا کاس کرا له

دنیا را از کسی نگیرند مگر که خیر وی در آنست

ما سا عمر موم مط الا رکرموا مساجدکم

چون عمل گروهی بد شود مساجد خویش را زینت کنند

ما سلط **الله** الهقط علی موم الا سمر دیم علی **الله**

خدا قحط را بر گروهی مسلط نکند مگر برای نافرمانی که از خدا کرده اند

ما سسر کرم الموم م. الدسا الا من کرم الصبی م. بطنه امه م. ذک الهه و الطلمه الی

روم الدسا

برون شدن مؤمن را از دنیا به برون شدن کودک از شکم مادر از آن محنت و ظلمت بر راحت دنیا تشبیه میکنم

ما صدقه امصر م. ذکر **الله** تعالی

صدقه ای بهتر از یاد کردن خدای والا نیست

ما صام کلمه نکاس.

هیچ نشیمن گاهی برای دو دوست تنگ نیست

**ما صر موه بعد مدی كانوا عليه الا اوبوا النذر**

هیچ قومی پس از هدایت بضلال نیفتاد مگر آنکه بجدل خو گرفت

**ما عظم نعمه الله على عبد الا اسد - عليه موه الناس مفر. له كبر تلك الموهه للناس بعد عرض تلك  
النعمه للروال**

وقتی نعمت خدا بر بنده ای بزرگ شود حاجت مردم بر او بیشتر شود و هر که این حاجات را تحمل نکند نعمت خویش را بمعرض زوال آورده است

**ما علم الله م. عبد نكاهه على كذب الا عمر له مير ان سبعمره**

چون خدا پشیمانی بنده را از گناهی بداند پیش از آنکه آمرزش بخواهد وی را بیامرزد

**ما عمر ام. اذ م سنا امصر م. الصلاه و صلامه كات الس. و كلم حس.**

بنده آدم کاری بهتر از نماز و آشتی میان کسان و نیکخوئی نمیکند

**ما صم رخر نا - عطيه بصدقه او صله الا راده الله تعالى بنا كره و ما صم رخر نا - مساله نريد بنا  
كره الا راده الله تعالى بنا مله**

هر که با صدقه ای یا صله ای در بخششی گشاید خدای والا بسبب آن مال وی بیفزاید و هر که در سؤالی بگشاید و از این راه فزونی جوید خدای والا وی را نقصان فزاید

**ما كات الحكم مي سي مط الا سانه و لا كات النبا مي سي مط الا رانه**

بدی و بد زبانی در هر چه باشد آن را خوار کند و حیا در هر چه باشد آن را زینت دهد

ما کار الرحم می سی الا راه و لا برع م. سی الا ساه

مدارا در هر چه باشد آن را زینت دهد و از هر چه دور شود آن را خوار کند

ما کریم ا. بواحه نه اکاد معو عینه

هر چیزی که دوست نداری رو بروی برادر خویش کنی غیبتست

ما کریم ا. براه الناس مک ملا بعله بفسد ادا کلو-

هر کاری که دوست نداری مردم از تو ببینند وقتی بخلوت شدی به تنهائی مکن

ما لی و للک ما انا و الکیا الا کراکر اسطر کر سکره له رامه و برکما

مرا با دنیا چه کار من در دنیا چون مسافری هستم که در سایه درختی نشست و برفت و آن را وا گذاشت

ما هم ا لاسلا م هم السم سی

هیچ چیز مسلمانی را چون بخل پایمال نمیکند

ما م. الهلو- مله الا و له سکانه کسکانه الهمر سما الهمر بصی او عله سکانه ما طله او کله

هر دلی پاره ابری چون پاره ابر ماه دارد هنگامی که ماه نور پاشی کند پاره ابری آن را بپوشاند و تاریک شود یا باز روشن شود

ما م. ادمی الا و می راسه حکمه سد ملک مادا بواضع منر للملک ارمع حکمه و ادا بکر منر

للملک صع حکمه

هر انسانی در سر خویش حکمتی دارد که به دست فرشته ایست وقتی تواضع کند فرشته را گویند حکمت او را بر آر و چون تکبر کند به فرشته گویند حکمت او را فرو بر

ما م. احد هو - الا بدم ا. كار مسا بدم ا. لا بكو. ا. ار ذات و ا. كار مسا بدم ا. لا بكو.

رع

هر که بمیرد پشیمان می شود، اگر نیکوکار بوده پشیمان است که چرا بیشتر نکرده و اگر بد کار بود پشیمانست که چرا بس نکرده

ما م. احد كد - مي بده الامه خدا له بكم. صمو - حي بصبه ذك

هر کس در این امت بدعتی بد بدارد نمیرد تا سزای آن بدو رسد

ما م. امام وهو عبد المصير الا عي الله عنه يوم الحسابه

هر پیشوایی که هنگام خشم بیخشد خدا روز قیامت او را بیخشد

ما م. احد بلبس نونا لبناحي به مسطر الناس الله الا له بظر الله الله حي سرعه

هر که جامه ای پوشد که بدان مباحث کند و مردم بدو نگرند خدا بدو ننگرد تا آن لباس را بکند

ما م. امرى كفى ارضا مسر - معا كد حرى الا كبر الله له سا احرا

هر که زمینی را احیا کند که تشنه ای از آن آب نوشد خدا در قبال آن پاداشی برای وی ثبت کند

ما م. امر عسره الا و هو بولى به يوم الصمه معلولا حي بعه الفدا او بوبه العور

هر که زمام دار ده تن باشد روز قیامت در غل بیارندش تا عدالت غل او باز کند یا ستم هلاکش کند

ما م. حره احب الى الله تعالى م. حره عبط بظمعا عبدا الا ملا الله تعالى حومه انما

هیچ جرعه ای نزد خدا از جرعه خشمی که بنده ای فرو برد محبوب تر نیست هر بنده ای جرعه خشم فرو برد خدا ضمیر او را از ایمان پر کند

ما م. حارم حرم م. سه می طلب الفلح الا وصف له الملاکه احکما رصا ما تصع حی برح

هر که از خانه خویش بطلب دانش بیرون شود فرشتگان بسبب رضایتی که از رفتار او دارند بالهای خویش برای وی بگسترند تا باز گردد

ما م. کانه طائر و لا عره بعد بصر جم الا سکا صمه نو و الصمه

هر حیوان پرنده یا غیر آن بناحق کشته شود روز قیامت با قاتل خویش مخاصمه کند

ما م. کب احدر ا. بعد الله تعالی لصاحبه الفعوه می الدبا مع ما بکوره له می الاکوره م. مطبه

الرحم و العناه و الصد و ا. اعز الطاعه نوانا لصله الرحم حی ا. احز الس لکونوا مکره مسموا اموالکم

و بصر عدکم اذا بواصلوا

گاهی چون گسستن از خویشاوند و خیانت و دروغ نیست که خداوند بغیر از عقوبت آخرت، در این دنیا نیز مرتکب آن را کیفر دهد ثواب پیوند با خویشاوند زودتر از همه اعمال خوب میرسد تا آنجا که خاندانی بد کارند اما اگر پیوسته شوند اموالشان فزونی گیرد و عددشان بیش شود

ما م. کب الا و له عبد الله بونه الا سو العلم فانه لا سو م. کب الا رجع الا ما سو سر مه

هر گناهی نزد خدا توبه ای دارد مگر بدخوئی که بدخوی از گناهی بازنگردد مگر بدتر از آن رو کند

ما م. کب عی الا سوک نو و العناه لو ک. اما اولی م. الدبا مونا

هر ثروتمندی روز قیامت آرزو کند که در دنیا فقط قوت خویش می داشت

ما م. رخل بفرسم عرسا الا کب الله له م. الاخر مدر ما حرم م. هر ذلک الفرم

هر که درختی بنشانند خدا به اندازه میوه ای که از آن درخت برون می شود پاداش برای وی ثبت کند

ما م. رخل سفاطم می بسه و کمال می مسه الا لی الله تعالی و سو علیه عصبا.

هر که در دیده خویش بزرگ نماید و در راه رفتن گردن افرازد به پیشگاه خدای والا رود و خدا بر او خشمگین باشد

ما م. ر ح ز ب ط ر الی و ح ه والک ه ب ط ر ک ه ه الا ک ر الله له سا ح ک ه م ع م و ل ه م ر و ر ه

هر که از روی مهربانی بصورت پدر و مادر خویش نظر کند خدا بپاداش آن برای وی حج مقبول نیکوئی رقم زند

ما م. ساعه م ر نام. ا ک ه ل ه ب ک ر الله صعا الا ح س ر علنا نو ه الهامه

ساعتی بی ذکر خدای بر آدمیزاد نگذرد مگر روز قیامت بر آن حسرت خورد

ما م. سی می المراه اهر م. ح س ر العلم

در میزان اعمال چیزی سنگین تر از نیکوئی نیست

ما م. سی ا ح ر الی الله تعالی م. سا ن ا ب و ما م. سی ا ه ص م الی الله تعالی م. س م م ع ر م فاصه

هیچ کس پیش خدای والا محبوبتر از جوان توبه گر نیست و هیچ کس پیش خدای والا چون پیری که بگناهان خویش مشغول باشد مبعوض نیست

ما م. ص ن ا م ب ص ب ک ه الهام الا ص ا ر م ب ص ر م نا انا الاسم لک و ا للرا و ا ح م ع و ا للعا و اسوا للکرا

هر صبحدم که بر بندگان در آید بانگزنی بانگ زند: ای مردم برای خاک تولید کنید و برای نابودی فراهم آرید و برای ویرانی بنا کنید

ما م. ص ک ه ا م ص ر م. م و ل

صدقه ای بهتر از گفتار نیک نیست

ما م. ص ک ه ا ح ر الی الله م. م و ل النعم

نزد خدا صدقه ای محبوبتر از گفتار حق نیست



ما م. عند مسلم يدعو لآله بطير المسر الا مال الملك و لك بمله

هر بنده مسلمانی که در غیاب برادر خویش برای او دعا کند فرشته گوید برای تو نیز نظیر آن باد

ما م. عند بسع مالک الا سلط الله علیه بالها

هر بنده که چیز فاسد فروشد خدا تلف کننده ای را بر او مسلط کند

ما م. عند کاب له به می ادا دسه الا کاب له م. الله عوا.

هر بنده که نیت ادای دین خویش داشته باشد، از جانب خدا تایید شود

ما م. عند اسر بمله می الدسا الا بدر و الله اکرم و اعظم عهوا م. ا. ساله م. ذلك الدس نوم

العامه

هیچ کس در دنیا ببلیه ای مبتلا نشود مگر در قبال گناهی که کرده و خدا کریمتر و بزرگتر از آنست که روز قیامت او را از آن گناه بازخواست کند

ما م. عند بطله ر خلا مطلقه می الدسا لا بعصه م. بعصه الا بعصه الله تعالی منه نوم العامه

هر کس در دنیا به دیگری ظلمی کند که شخصا تلافی آن نکند خدای والا در روز قیامت تلافی آن از وی بگیرد

ما م. عند الا و له صر می السما ما. کاب صسه می السما حسا وضع می الارصم و ا. کاب صسه می

السما سما وضع می الارصم

هر بنده ای در آسمان شهرتی دارد اگر شهرت وی در آسمان نیک باشد در زمین نهند و اگر شهرت وی در آسمان بد باشد در زمین نهند

ما م. عند اسکنا م. اللال الا اسلاه الله بالعرام

هر که از حلال شرم کند خدا ویرا بحرام مبتلا کند

ما م. ماصم م. مصاه المسلم. الا و مبه ملكا. سدكاه الى الهم ما له ترك عره ما. اراك عره و خار  
مهمدا سرا مه الملكا. و وكلاه الى بسه

هر یک از قضاات مسلمانان دو فرشته موکل دارد که ویرا مادام که جز حق نخواهد بر آن استوار کند و اگر غیر حق اراده کند و بعمد منحرف شود فرشتگان از او بری شوند و کار ویرا بخودش واگذارند

ما م. مله الا و هو معلم م. اصمهم م. اصابع الرکم. ا. سا امامه و ا. سا اراع و المرا. سد الرکم.  
برمع امواما و لعصم اکر م. الى بوه السامه

هر دلی به دو انگشت از انگشتان قدرت خدای رحمان آویخته اگر خواهد آن را ثابت دارد و اگر خواهد آن را بگرداند و میزان کارها به دست خداست که تا روز قیامت گروهی را بالا برد و گروهی دیگر را پائین برد

ما م. موه بصره مسه المقاصی مع اعر و اکر م. بعله له له بروه الا عصم الله تعالی مه بعا-

هر گروهی که در میانشان گناه کنند و ایشان از گنهکاران قوی تر و بیشتر باشند و جلوگیری نکنند، خدای والا از جانب خویش همه را عقوبت کند

ما م. موه بصره مسه الربا الا اكدوا بالنسه و ما م. موه بصره مسه الرسا الا اكدوا بالرعب

هر گروهی که ربا میانشان رواج گیرد بقحط مبتلا شوند و هر گروهی رشوه میانشان رواج گیرد بترس دچار شوند

ما م. مسلم بوه - له بلاه م. الولد له بلفوا العن الا بلفوه م. ابوا- العنه البمانه م. انا سا كدر

هر مسلمانی که سه فرزند وی قبل از آنکه بعقل رسند بمیرند بر هشت در بهشت باو برخورد کنند که از هر کدام خواهد در آید

ما م. مسلم بصر الى امراه اول رمه له بصره الا احد- الله تعالی له عماه كد خلا وسما می مله

هر مسلمانی که یک بار به زنی بنگرد آنگاه چشم از او باز دارد خدای والایش با عبادتی انس دهد که لذت آن را در قلب خویش احساس کند

**ما م. مسلم بگرد له اسار. مكرم. السما ما صعباه الا اذكناه الله**

هر مسلمانی که دو دختر وی ببلوغ رسند و تا در خانه ویند با آنها نیکی کند بهشتی می شود

**ما ملا ادمی وعا سرا م. بطنه كرام. اذ م اكله - مرم. صلبه**

آدمی ظرفی بدتر از شکم پر نمیکند برای آدمیزاد همین قدر غذا که بنیه او را نگه دارد کافیست

**ما بصر صدقه م. مال و ما را اذ الله عبدا بعمو الا عرا و ما بواضع احد لله الا رمه الله**

مال از صدقه کاهش نگیرد و بنده ای که عفو کند خدایش جز عزت نیفزاید و هر که برای خدا تواضع کند خدایش رفعت دهد

**ما كز لومو. ا. بسد الی اكه بطنه بوجه**

روا نیست که مؤمنی برادر خویش بتندی نظر کند که مایه آزار او شود

**ما كرحه لفسد ما كرحه لمرک و ما احمسه لفسد ما حبه لاصد**

هر چه بخود نمیپسندی بغیر خود میپسند و آنچه برای خود دوست داری برای برادرت دوست دار

**ما حلك امر و عرف مدره**

هر که حد خویش بداند هلاک نشود

**ما املم باخر صدوم**

تاجر راست گو فقیر نشود

**ما بصر مال م. صدقه**

مال از صدقه دادن نقصان نمی پذیرد

**ما مر و صی کر ها کر و الی**

اندکی که کفایت کند از بسیاری که بطالت آرد بهتر است

**ما عال امر و اصصد**

هر که میانه روی کند فقیر نشود

**ما امر. لی م. با - سیمار. و خار ه خایع الی حینه و جو نعله نه**

هر که سیر بخواید و همسایه او پهلویش گرسنه باشد و او بداند بمن ایمان ندارد

**ما کر الناس علی ماکرمه الا حصان السبع**

حاصل زبان مردمان مایه هلاکشان می شود

**ما کلم الله فی الارض سنا امر م. الفهز و ا. الفهز فی الارض امر م. الکریم الاکرم**

خدا در زمین چیزی کمتر از عقل نیافریده که عقل در زمین از گوگرد سرخ کمتر است

**من الموم. من السبله کرکنا الریم معوم مره و سع اکرى و من الکامر صمیر الارره لا ترال مایه**

**حی سمر**

حکایت مؤمن چون خوشه است که باد آن را تکان دهد نوبتی بایستد و نوبت دیگر بیفتد و حکایت کافر چون درخت صنوبر است که پیوسته بپا باشد تا از ریشه بر آید

میز العلیس الصالم میز الداری ای له کدک میز عطره علیک میز رکه و میز العلیس السو میز صاحب  
الصر ای له کرمک میز سرار ناره علیک میز سه

حکایت همنشین خوب مثل عطار است که اگر عطر خویش بتو ندهد بوی خوش آن در تو آویزد و حکایت همنشین بد مثل آهنگر است اگر  
شرار آتش آن ترا نسوزد بوی بد آن در تو آویزد

میز اجر سی میز سهبه نوم میز رک صبا لی و میز کلم عبا عرم

حکایت خاندان من چون کشتی نوح است هر که در آن نشست برست و هر که از آن باز ماند غرقه شد

میز المومنین می بواذع و براصف کمنر الیسا ادا اسکی بهصصه بداعی سارحم بالسر و العمی

حکایت مؤمنان در دوستی و مهربانیشان چون اعضای تن است وقتی یکیشان رنجور شود دیگران بمراقبت و رعایت او هم داستان شوند

میز المومنین کمنر المعله لا ناصر الا طمنا و لا بصح الا طمنا

حکایت مؤمن چون غربال است جز پاکیزه نخورد و جز پاکیزه ندهد

میز الفلب میز رسه نارصم بعلنا الرنام

حکایت دل چون رشته ای است در سرزمینی که بادهای آن را زیر و رو کند

میز المراه کالصلع ای ارک ای سهه کسره و ای اسصمیه به اسصمیه به و سه اوک

حکایت زن چون دنده است اگر بخواهی راستش کنی خواهد شکست و اگر از آن بهره گیری با وجود کجیش بهره توانی گرفت

میز المومنین العوی میز النکله و میز المومنین الصمصه ککامه الررع

حکایت مؤمن نیرومند چون نخل است و حکایت مؤمن ناتوان چون ساقه کشت

## میز المصمم كميز الساه الفاره م. المصمم.

حکایت منافق چون بز حیران میان دو گله است

## میز امی میز المطر لا بصری اوله صر ام اصره

حکایت امت من چون باران است که ندانند اول آن بهتر است یا آخرش

## میز الموم. و ا لانها. كميز الهرم كور می اصبه له برجع می اصبه

حکایت مؤمن و ایمان چون اسب است که اطراف اخیه خویش جولان کند آنگاه باخیه خویش باز گردد

## میز الهرا. میز ا لانز المفعله. ا. ععلنا صاحبنا امسکنا و ا. برکتنا كحسب

حکایت قرآن چون شتر بسته است که صاحبش اگر ببنددش محفوظ ماند و اگر ولش کند از دست برود

## میز الرامله می الرسه م. عر اجلنا كميز طلعه نوم الهامه لا نور لنا

حکایت زنی که در زینت خویش برون خانه، دامن کشان رود چون ظلمتی است در روز قیامت که نور ندارد

## میز الفاله الادی بعله الناسم العر و بسی بسه كميز السرام بصی للناسم و كرم بسه

حکایت دانشمندی که مردم را تعلیم دهد و خویشتن را فراموش کند چون چراغ است که مردم را روشن کند و خویش را بسوزاند

## میز الادی بعله الفله له لا كمد. به كميز الادی بصر الکر ملا بسم مه

حکایت کسی که علم آموزد و از آن سخن نکند چون کسی است که گنجی نهد و از آن خرج نکند

## میز الادی بعله الفله می صفره كالهم عر العر و میز الادی بعله الفله می صره كالدی بصر

عز الما

حکایت کسی که در کوچکی علم آموزد چون نقش بر سنگست حکایت کسی که در بزرگی علم آموزد چون کسی است که بر آب نویسد

**مِر الدی بعله النام العر و بسی بعه مِر العسله بصی للناسم و کرم بعه**

حکایت آنکه چیز به مردم آموزد و خویشتن را فراموش کند چون فتیله است که مردم را روشنی دهد و خویش را بسوزاند

**مِر الموم. کمر المطار ا. خالسه بعه و ا. مسبه بعه و ا. سارکه بعه**

حکایت مؤمن چون عطار است اگر با او نشینی سودت دهد اگر با او روی سودت دهد و اگر با او شرکت کنی سودت دهد

**مِر الموم. مِر العله ما اكد- مسا م. سی بعه**

حکایت مؤمن چون نخل است هر چه از آن گیری سودت دهد

**مِر الموم. کمر کامه الررع م. حسر اسما الریمه کما مادا سکر اعدله و کدل**

**الموم. کما نالیا و مِر العاهر کالارره صما مفدله حی بعهما الله تعالی ادا سا**

حکایت مؤمن چون ساق کشت است از هر سو که باو وزد آن را منحنی کند و چون باد ساکت شود راست شود مؤمن نیز چنین است که به بلیه منحنی شود و حکایت بد کار چون درخت صنوبر است استوار و بر جا و تا وقتی که خدای والا اگر خواهد درهمش شکند

**مِر الموم. مِر سسکه الدحر ا. بعه علنا اصهر- و ا. وریه له بعه**

حکایت مؤمن چون شمس طلا است اگر بر آن بدمند تا سرخ شود و وزنش کنند کمتر نشده است

**مِر الموم. کالسر العر- می الطاهر مادا دخله و حده موسا و مِر العاهر کمر العر المسرم**

**المکصم بعه م. راه و حومه هملی سا**

حکایت مؤمن چون خانه ای است به ظاهر خراب که چون وارد آن شوی ببینی پاکیزه است و حکایت بد کار چون قبر مرتفع گچ کاری است بیننده را بشگفت آرد و باطن آن از عفونت پر است

## میز المراه الصالحه فی السبا کبیر الفراء - الاعصه الادی احدى رحله سبنا

حکایت زن پارسا در میان زنان چون کلاغ نشاندار است که یک پای آن سفید باشد

میز صدقہ الدنا میز نو - سم م. اوله الی اخره می می مفعلا کبیر می اخره موسک ذلک العبط ا.

سقط

حکایت این دنیا چون جامه ایست که از اول تا آخر دریده و به نخ‌ی از آخر آویخته باشد و نزدیک باشد که آن نخ ببرد

میز و مصلح کبیر رخ او مد باره معمر الفراس و العباد - هم. صبا و مو بکس. عبا و انا احد

کبرک ع. النار و اتم بعلو. م. بادی

حکایت من و شما چون مردی است که آتشی بیفروخت و پروانه‌ها و ملخ‌ها بنا کردند در آن بیفتند و وی آنها را از آتش نگه میداشت من کمر بندهای شما را گرفته ام که شما در آتش نیفتید و شما از دست من در میروید

میز الاکوم. میز الکر. همز احدیما الاکری

حکایت دو برادر چون دو دست است که یکی دیگری را بشوید

مداراه الناس نصف ا لانهار. و الرعم مع نصف الفس

مدارا کردن با مردم یک نیمه ایمانست و ملایمت با آنها یک نیمه خوش زیستن است

مداراه الناس صدقه

مدارا کردن با مردم صدقه است

مروا بالمهروم و ا. له بعلوه و اعوا ع. المکر و ا. له کسوه کله



امر بمعروف کنید و گر چه خودتان نکنید و نهی از منکر کنید گر چه از همه آن اجتناب نکنید

## مساله الفی سر. می و حبه نو م العمامه

سؤال کردن بی نیاز روز قیامت عیبی بچهره اوست

## مکارم الاکلام م. اعمال العنه

اخلاق خوب از اعمال بهشتست

مکارم الاکلام عسره بکوار می الرجز و لا بکوار می اسه و بکوار می الام. و لا بکوار می الای و بکوار می الفید و لا بکوار می سده بسمعا الله لم. اراک به السفاده صدم العدر و صدم الناس و اعطا السائر و المکامه بالصباغ و حفظ الامانه و صله الرحمه و الصدقه للکار و الصدقه للصاخر و امرا الصنف و راسم. العنا

اخلاق خوب ده چیز است که در مرد هست و در پسرش نیست در پسرش هست و در پدرش نیست در بنده هست و در آقای او نیست خدا هر که را سعادت مند خواهد، قسمت او کند: راستی گفتار، پای مردی در جنگ، عطا سائل، نیکی در عوض نیکی، حفظ امانت، پیوند خویشان، حمایت همسایه، حمایت دوست، مهمانداری، و سر سلسله آن حیاست

## ملا = الامر حوايه

اعتبار کار بسرانجام آنست

## ملعور م. الفی کله علی الناس

هر کس همه بار خویش به دوش مردم افکند ملعونست

## ملعور م. صار موما او مکر به

هر که بمؤمنی زیان رساند یا با او حيله کند ملعونست

**ملعون م. سر اناه ملعون م. سر اناه**

هر که بپدر خویش ناسزا گوید ملعونست و هر که بمادر خویش ناسزا گوید ملعونست

**مساله الهی نار**

سؤال کردن بی نیاز جهنمست

**مطر الهی طلع**

مماطله ثروتمند ظلم است

**ملا = الدم الورع**

اعتبار دین بتقوی است

**معوما لا سفا. طالب العلم و طالب المال**

دو گرسنه اند که سیری نپذیرند طالب علم و طالب مال

**م. اذی دنیا مسره الله علیه و عی عنه می الدنا ماله اكرم م. ا. بهو می سی مد عا عنه**

هر که گناهی کند و خدا در دنیا گناه وی را بپوشد و ببخشد، خدا کریمتر از آنست که در بخشیده خود باز نگردد

**م. اسر م. مد السی سی ما حسم النعم. کم. له سرا م. النار**

هر کس ببلیه دختر داری مبتلا شود و با آنها نیکوکاری کند، پرده وی از آتش جهنم شوند

**م. کر کلامه کر سعه و م. کر سعه کر دیوه و م. کر دیوه کاس النار اولی نه**

هر که گفتارش بسیار باشد خطایش بسیار گردد و هر که خطایش بسیار باشد گناهانش بسیار شود و هر که گناهانش بسیار باشد جهنم برای او شایسته تر است

م. **كَايَ دَا اللّٰسَاسِ مِى الدِّسَا حَمْرَ لَه نَوْمَ الْعَمَامَه لَسَانِ م. النَّارِ**

هر که در دنیا دو زبان باشد برای وی روز قیامت دو زبان از آتش نهند

م. **اَوَّلِ مَفْرُوعَا مَلِكٍ كُدَّ حِرَا اِلَا السَّا مَعْدُ سَكْرَه و م. كَمِه مَعْدُ كَمْرَه**

هر که نیکی ای بیند و پاداشی جز ستایش نتواند شکر آن گذاشته است و هر که آن را پنهان دارد کفران آن کرده است

م. **مَدْر رَرْمَه الله و م. بَدْر حَرْمَه الله**

هر که اندازه نگه دارد خدایش روزی دهد و هر که اسراف کند خدایش محروم دارد

م. **اَمْر - اَبْوَا - السَّلَا طِب. اَمِب.**

هر که بدربار پادشاهان نزدیک شود بفتنه افتد

م. **سَم م. مَسْلَعُ كَرِه م. كَر - الدِّسَا سَم الله عَه كَرِه م. كَر - نَوْمَ الْعَمَامَه و م. سَر عَلِ مَعْسَر**

م. **سَر الله عِلَه مِى الدِّسَا و الْاَكْرَه و م. سَر عَلِ مَسْلَعُ سَر الله عِلَه مِى الدِّسَا و الْاَكْرَه**

هر که غمی از غمهای دنیا را از مؤمنی بردارد خدا غمی از غمهای روز قیامت از او بردارد و هر که بر تنگدستی آسان گیرد خدا در دنیا و آخرت بر او آسانگیرد و هر که راز پوش مسلمانى شود خدا در دنیا و آخرت راز پوش وی شود

م. **لَه سَمِرَ الْفَدْرِ م. مَسْمَرُ صَادَمَا كَا. اَوْ كَادَا لَه سَمِرَ سَعَاعِي**

هر که عذر معتذری را راست باشد یا دروغ نپذیرد از شفاعت من بهره ور نشود

م. **سَامِرَ اَمِصَر**

هر که فقیری کند، فقیر شود

م. سفاذه المر حسم. العلم

نیکخوئی از سعادت مرد است

م. اعطه العطايا السار. الكدو-

زبان دروغزن از گناهان بزرگست

م. سفاذه المر المسك. و العار الصالح و المرکب النبی

مسکن و همسایه خوب و مرکب رام از سعادت مرد است

م. عامر الناسم ملع بظلمه و حدسه ملع بکدسه و وعدعه ملع کلهه صو هم. کمل مروه و طعر-

عداله و وحید احوه و حرمه عسه

هر که زمامدار مردم شود و ستمشان نکند و با آنها سخن کند و دروغشان نگوید و وعده شان دهد و تخلف نکند وی از جمله کسانست که مروتش به کمال رسیده و عدالتش نمایان گشته و برادری با وی واجب و غیبتش حرامست

م. من عصفورا عسا خا نو الفصه و له صرامه عبد المرسم بعول ر- سر حکا مه صلی می عر صعه

هر که گنجشکی را بیهوده بکشد روز قیامت بیابد و نزد عرش فریاد زند و گوید پروردگارا از این بپرس برای چه مرا بی فائده کشت

م. سر عر اکنه سره الله می الدسا و الاکره

هر که پرده پوش برادر خویش شود خدا در دنیا و آخرت پرده پوشی وی کند

م. له نکر. له ورع بصده عر. مقصه الله اذا کلا له بها الله سی م. عمله

هر که تقوائی ندارد که بخلوت او را از معصیت خدا باز دارد، خدا باعمال وی اعتنا نکند

م. **بصر اگاه بطیر المس بصره الله می الدسا و الاکره**

هر که برادر خویش را به حفظ الغیب یاری کند خدایش در دنیا و آخرت یاری کند

م. **می الی طعام له بدع الله صد ذکر سارما و کرم مهرا**

هر که بی دعوت به طعامی رود دزد درون رود و ننگین بدر آید

م. **اسام الی الکنه سارع الی الکرا- و م. اسعم م. النار لی ع. السعوا- و م. برعم الموم- لی ع.**

**اللکا- و م. رمد می الدسا حاب علیه المصدما-**

هر که مشتاق بهشت باشد به اعمال خیر شتابد و هر که از جهنم ترسد از خواستنیها درگذرد و هر که انتظار مرگ دارد از لذتها چشم ببوشد و هر که به دنیا بی رغبت باشد مصیبتها بر او آسان شود

م. **مارم الجماعه سرا کلع الله ربه ا لاسلا م. عبه**

هر که یک وجب از جماعت دور شود خدا طوق مسلمانی از گردن وی بردارد

م. **انعم علی عبد نعمة مله سکرما مدعا علیه استکبر له**

هر که نعمتی ببندد ای دهد که شکر وی نگذارد و او را نفرین کند نفرینش پذیرفته شود

م. **ولی عر عسره کار له عر ارنهم. و م. ولی ارنهم. کار له عر ارنهم**

هر که زمامدار ده تن شود عقل چهل تن دارد و هر که زمامدار چهل تن شود عقل چهار صد تن دارد

م. **سکر اگاه موم نلا- معا- ذکر النار**

هر که بیش از سه روز از برادر خویش قهر کند و بمیرد به جهنم رود

م. **بالی ادرک ما می**

هر که صبوری کند به آرزوی خویش برسد

م. **کای نوم. بالله و النوف الاکر ملکره خاره**

هر که بخدا و آخرت ایمان دارد باید همسایه خویش را گرامی دارد

م. **حکم س. اسپ. کاکما اله مله بهضم سبما بالعم معله لمه الله**

هر که میان دو کس که داوری بدو برند، داوری کند و بحق میانشان قضاوت نکند لعنت خدا بر او باد

م. **بهود کره الطهار و السرا- مسا مله**

هر که به پرخوری عادت کند دلش سخت شود

م. **اکر و دو عس. بظر اله و له بواسه اسپر لا لا دوا له**

هر که غذا خورد و دیگری بدو نگردد و چیزی بدو ندهد ببلای مبتلا شود که دوا نداشته باشد

م. **کطم عطا و نو ماکر علی ای. سعه ملاء الله اما و اما**

هر کس خشمی را که تواند آشکار کند فرو برد خدا وی را از امنیت و ایمان سرشار کند

م. **مز طعمه صم بده و م. کر طعمه سعه بده و مسا مله**

هر کس کم خورد سالم ماند و هر که بسیار خورد تنش بیمار و دلش سخت گردد

م. **عالب الله علمه و م. کادع الله کدعه**

هر که با خدا زور آزمائی کند خدا بر او غالب شود و هر که با خدا فریبکاری کند خدا سزای فریبش دهد

م. **نظر الی احبه نظر موده له بکم. می علیه احبه له بطرف حی بهر الله ما بکم م. دیده**

هر که بچشم مهربانی برادر خویش نظری کند که کینه در دل وی نباشد از آن پیش که دیده برگیرد خداوند همه گناهان گذشته وی را آمرزیده باشد

م. **طلب الدنيا بهر الاکره معا له می الاکره م. بصر**

هر که عمل آخرت کند و دنیا طلبد از آخرت بهره ای ندارد

م. **النصر رضى الله بسخط الناس رضى الله عنه و ارضى عنه الناس و م. النصر رضى الله بسخط الله**

**عنه و اسخط عنه الناس**

هر که رضای خدا بخشم مردم جوید خدا از او خشنود شود و مردم را از او خشنود کند و هر که رضای مردم بخشم خدا جوید خدا بر او خشمگین شود و مردم را با وی خشمگین کند

م. **طلب قامد الناس مفاصی الله عاد حامده م. الناس داماد**

هر که ستایش مردم را به نافرمانی خدا جوید ستایشگرانش مذمتگر شوند

م. **مرم م. والده و ولدنا مرم الله سه و م. احبه نوم الهبه**

هر که میان مادر و فرزندی تفرقه اندازد خدا روز قیامت میان او و دوستانش جدائی افکند

م. **احار صاحب بده امه الله نوم الفرع الاکر**

هر که بدعتگزاری را اهانت کند خدا روز وحشت بزرگ او را ایمن دارد

م. **کاب له سریره صالحه او سبه سر الله علیه منار خدا بهرم نه**

هر که سیرتی نیک یا بد داشته باشد خداوند نشانی از آن بر وی اندازد که بدان بشناسندش که بدان شناخته شود

م. **انظر مفسرا و وضع عنه اطله الله** **كُتِبَ طَرِ عَرْسَهُ نَوْمٌ لَا طَرِ إِلَّا طَلَهُ**

هر که تنگدستی را مهلت دهد و بار او سبک کند خداوند روزی که سایه ای جز سایه او نیست، وی را بسایه عرش خویش در آورد

م. **عمره الله** **سَمِعَ سَهْ مَعَدَّ اعْدِرَ اَللهِ مِى الْمَمَرِ**

هر که خدا شصت سال عمر بدو دهد از جهت عمر حجت بر او تمام کرده است

م. **لَمَّا بِالرَّكِّ سَرَّ مَعُو كَمَ عَمَّ بَدَه مِى لَعَمَ الْكِرْبَرِ وَ كَمَه**

هر که نردبازی کند چنانست که دست خویش در گوشت و خون خوک فرو برده باشد

م. **كَانَ وَصَلَهُ لَأَكْبَهُ الْمَسْلَعُ إِلَى ذِي سَلْطَانَ مِى مَعْمَرٍ بَرَّ أَوْ بَسْرٍ عَسْرَ اعَانَهُ** **اللهِ عَمِ اِحَارَهُ الصِّرَاطِ نَوْمٌ**

**بَدَحَصَمَ مَهْ الْأَمْدَاءُ**

هر کس پیش صاحب قدرتی برای برادر مسلمان خویش در موضوع خیری یا در گشودن مشکلی وسیله خیر شود روزی که قدمها بلغزد خدا وی را بر عبور از صراط اعانت کند

م. **عَرَى مَصَانَا مَلَهُ مِزَ اِحْرَهُ**

هر که مصیبت زده ای را تسلیت گوید مانند پاداش او دارد

م. **اسْمَاعُكُمْ بِاللَّهِ مَا عِدُّوهُ وَ مِى سَالِكُمْ بِاللَّهِ مَا عَطَوْهُ وَ مِى ذَعَاكُمْ مَا حَسِبُوهُ وَ مِى اِلَى الْكَمِّ مَعْرُومَا**

**مَا كَامُوهُ مَا لَمْ كُدُوهُ مَا دَعُوا لَهُ حَبِي بَعْلَمُوا اِكْمَ مَدَّ كَامَامُوهُ**

هر که به نام خدا بشما پناه آرد پناهِش دهید و هر که به نام خدا از شما سؤال کند چیزی باو بدهید و هر که شما را دعوت کند بپذیرید و هر که با شما نیکی کرده تلافی کنید و اگر نتوانید برایش دعا کنید تا مطمئن شوید که تلافی آن کرده اید



م. **برك الله** به كرا بعهه مي الكم.

هر كه خدا براي او نيكي خواهد، وي را در كار دين دانا كند

م. **بي مسكدا و لو منر مهكصم مطاه بي الله** له سا مي الله

هر كه مسجدي بسازد گر چه باندازه جايي باشد كه شتر مرغ در آن تخم مينهد خدا در بهشت براي او خانه اي بسازد

م. **اسطع الي الله كاه الله** كر مونه و رر مه م. **حب لا كسب و م. اسطع الي الكسا و كله الله** السا

هر كه خاص خدا شود خدا همه حاجات او را كفايت كند و از جايي كه انتظار ندارد روزيش دهد و هر كه خاص دنيا شود خدا او را به دنيا واگذارد

م. **بصر عر الرره بهوصه الله** و م. **بطفه عطه باخره الله**

هر كه بر مصيبت صبر كند خدايش عوض دهد و هر كه خشم خويش بخورد خدايش پاداش دهد

م. **احر ا. بكو. اعى الاسم ملكم. ما مي ب الله** اوهم مه ما مي بده

هر كه دوست دارد از همه مردم بي نيازتر باشد اعتماد وي بآنچه نزد خدا است از آنچه بدست خويش دارد بيشتتر باشد

م. **بواضع لله رمهه الله** و م. **بكر وصفه الله** و م. **سال عر الله بكدبه الله**

هر كه براي خدا فروتنی كند خدايش بردارد و هر كه گردن افرازد خدايش پست كند و هر كه بخدا قسم دروغ خورد خدايش تكذيب كند

م. **اخر مي الكسا مهور به ماله** اعذر م. **ا. بي عهونه عر عبده**

هر كه در دنيا گناهی كند و عقوبت آن ببيند خدا عادل تر از آنست كه عقوبت خويش را بر بنده تكرر كند

م. **اچار سلطان الله** اجاهه الله و م. **اكرم سلطان الله** اكرمه الله

هر که قدرت خدا را خوار کند خدایش خوار کند و هر که قدرت خدا را گرامی دارد، خدایش گرامی دارد

م. **الهی حلما۔ العیا ملا عبه له**

هر که پرده حیا بدرد غیبتش رواست

م. **اصیمه معافی می بده اما می سر به عبه مو۔ نومه مکابا کر۔ له الدیا کد امرجا**

هر که تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد جهان سراسر مال اوست

م. **بالی اصاب۔ او کاد و م. عزر احطا او کاد**

هر که تامل کند بصواب رود یا تواند رفت و هر که شتاب ورزد بخطا رود یا تواند رفت

م. **سربه حسنه و سا به سینه معو مو م.**

هر که از اعمال خویش خرسند و از اعمال بد خویش دلتنگ شود مؤمن است

م. **نومس العسا۔ عد۔**

هر که بحساب در آید عذاب بیند

م. **سا به کطسه عمر له و ار له سیمهر**

هر که گنااهش او را دلتنگ کند آمرزیده شود و گر چه آمرزش نخواهد

م. **حمر ماصا معد کیم نهر سکم.**

هر که بقضاوت منصوب شود چنانست که بیکارد سرش بریده اند

م. **نهر نهر الله له و م. نهم نهم الله عنه**

هر که بیامرزد خدایش بیامرزد و هر که ببخشد خدایش ببخشد

م. **احد عمر موم کرا کار او سرا کار کم. عمله**

هر که عمل گروهی را خوب یابد دوست دارد چنانست که آن را انجام داده است

م. **بررع کرا کصد رعنه و م. بررع سرا کصد**

هر که خیری بکارد سود برد و هر که شری بکارد آن را بدرود

م. **اسطاع مکم ا. بکوا. له کسه م. عمر سالم ملهمز**

هر که از شما تواند ذخیره نهانی از عمل شایسته داشته باشد باید چنین کند

م. **کر - صلا نه بالبر حس. و حه بالعار**

هر که بشب نماز بسیار کند بروز چهره اش نیکو شود

م. **ک - عز مسمدا مسبو مسمده م. النار**

هر که به عمد بر من دروغ بندد جایش از آتش پر شود

م. **کام اذلم و م. اذلم باع المرار**

هر که بیم ناک باشد همه شب راه سپرد و هر که همه شب راه سپرد بمنزل رسد

م. **مع کسر له برکه کار له حسه**

هر که گناهی اراده کند آنگاه از آن درگذرد ترک گناه عمل نیک وی بحساب آید

م. **صمر کا**

هر که خاموش ماند نجات یابد

م. **خلف علی بهم. مرای منا کرا ملکرم ع. همه نه لهنم الکی حو کر**

هر که بکاری قسم خورد و بهتر از آن پیش آید کفاره قسم خویش دهد و کاری که بهتر است انجام دهد

م. **اسر صاحب بعه ملا الله علیه اما و امانا**

هر که بدعتگزاری را توبیخ کند خدا قلب وی را از امان و ایمان پر کند

م. **احب الی کور اموی الناس ملوک علی الله**

هر که دوستدارد از همه مردم نیرومندتر باشد باید بخدا توکل کند

م. **میر کور ماله معو سید**

هر که ضمن دفاع از مال خویش کشته شود شهید است

م. **سمع الناس بعلمه سمع الله نه مسامع کله نوم الصمه و خیره و صیره**

هر که از شهرت علم خویش گوش مردم را پر کند روز قیامت خدا از فضیحت وی گوش مردم پر کند و حقیر و ناچیزش کند

م. **له سه صلا نه ع. العسا و المکر له برک سا م. الله الا بقدا**

هر که نمازش از ناسزا و بدی بازش ندارد به نماز از خدا دورتر شود

م. **کار نوم. بالله و النوم الاکر ملنر کرا و لنصم**

هر که بخدا و آخرت ایمان دارد یا خبری گوید و یا خاموش ماند

م. **مطر صانعا کار له میر اخره**

هر که روزه داری را افطار دهد نظیر پاداش وی دارد

م. **خاويل امرا بمقصه الله** كار. **امو - ما رجا و امر - لمكى ما ايهى**

هر که خواهد کاری را بوسیله نافرمانی خدا انجام دهد امیدش شود و چیزی که از آن بیم دارد زودتر بدو رسد

م. **سره ا. بسك. ذبوحه العنه مللر م النماعه**

هر که دوستدارد در دل بهشت سکونت گیرد هم آهنگ جماعه باشد

م. **اولى مفروما ملكامى به ما. لم بسطع ملدكره ما. ذكره مهد سكره**

هر که نیکی بیند آن را تلافی کند و اگر نتواند آن را یاد کند که اگر یاد کند شکر آن گذاشته است

م. **سسه نعو م صعو صنع**

هر که بگروهی تشبه جوید از آنهاست

م. **طلب علما مادركه له كمال. م. الاخر و م. طلب علما و لم يدركه كس له كمال. م. الاخر**

هر که علمی جوید و بیابد برای او دو بهره پاداش نویسند و هر که علمی بجوید و نیابد برای او یک بهره پاداش نویسند

م. **اذنلر الله نعهه ملسكرا**

هر که نعمتی یابد باید شکر آن بگذارد

م. **ما - على كبر عمله مار خوا له كرا و م. ما - على سر عمله مكاموا علنه و لا ناسوا**

هر که بر خیری که انجام داده بمیرد برای وی امیدوار باشید و هر که بر شری که عمل کرده بمیرد بر او بیمناک باشید و نومید مشوید

م. **سا - سینه مى ا لاسلا م كابل له نورا نوم النمه**

هر که مویش در اسلام سفید شود بروز قیامت نور وی خواهد بود

م. عسا ملسم ما

هر که با ما نادرستی کند از ما نیست

م. سره ا. سلع مللر و الصمص

هر که دوستدارد بسلامت ماند خاموشی گزیند

م. احسم. صلا نه خم. براه الناس نه اسا جا خم. کلو ملک استعانه استعار. سا ره

هر که در حضور مردم نماز خویش نیکو کند و چون بخلوت رود آن را بد گزارد این اهانتی است که بپرورد کار خویش میکند

م. اکلصم لله ارضم. صاخا طعر- سابع العکمه م. مله علی لسانه

هر که چهل صبحگاه خاص خدا شود چشمه های حکمت از قلب وی بر زبانش جاری شود

م. ابر گنه الله علی گنه الناس کناه الله موه الناس

هر که محبت خدا را بر محبت مردم ترجیح دهد خدا گرفتاری مردم را از او کفایت کند

م. اعطی خطه م. الرمم مهد اعطی خطه م. کر الدسا و الاکره

هر که را از ملایمت نصیبی دادند نصیب وی را از خیر دنیا و آخرت داده اند

م. ک- بالسعاه له سلعا نو و السمه

هر که شفاعت را دروغ شمارد روز قیامت از آن بی نصیب ماند

م. سر ع. طعر عی مصداع می الراسم و دا می البطر.

هر که با وجود بی نیازی سؤال‌کند رنجی بسرش و دردی در شکمش افتد

**م. سَعِ الصَّدَقَةَ عَمَلُهُ**

هر که بدنبال شکار رود آن را بدام آرد

**م. انْطَا نَهْ عَمَلُهُ لَهْ سِرْعُهُ نَهْ نَسَبُهُ**

هر که عملش پیشش آرد نسبش پیشش نبرد

**م. اَحَدٌ مِّنْ اَمْرَانَا نَكَا مَا لَمْ يَمَسْ مَعَهُ رَدٌّ**

هر که در کار ما بدعتی پدید آرد مردود باشد

**م. كَانِ اَمْرًا مَمْرُومًا مَلِكًا. اَمْرُهُ ذَلِكُ مَمْرُومٍ**

هر که بنیکی وادار کند همین وادار کردنش نیز بنیکی باشد

**م. سِرُّ النَّاسِ اَمْوَالُهُمْ نَكْرًا مَا نَحْنُ فِي خَمْرِ مَلْسَمَةٍ اَوْ لَسْكَرٍ**

هر که برای فزون طلبی چیزی از مال مردم بخواهد آتشست کم بر گیرد یا زیاد

**م. نَظْرٌ مِّنْ كُنَا - اَكْبَهُ نَهْرٌ اَدْنَاهُ مَكَانًا نَظْرٌ مِّنْ النَّارِ**

هر که بی اجازه برادرش در نامه او نگردد گوئی در جهنم نگریسته است

**م. مَسِيٌّ مِّنْكُمْ اِلَى طَمَعٍ مَلْسَمٍ رُودًا**

هر که از شما بدنبال طمعی می‌رود آهسته رود

**م. اَصْبَحَ لَا سُوِيَّ طَلَعَتْ اَحَدٌ عَمْرًا لَهْ مَا حَيٌّ**

هر که صبح کند و قصد ستم کسی نداشته باشد گناهانش بخشیده شود

### مداراه الناس صدقه

با مردم مدارا کردن صدقه دادن است

م. سیر ع. علم مکمه الله بلعام م. نار

هر که از علمی پیرسندش و مکتوم دارد لگامی از آتش بر او زنند

م. برل عر مو م. ملا بصوم. بطوعا الا نادم

هر که مهمان قومی شود بی اجازه آنها روزه دلخواه نگیرد

م. احب ا. بکوا. اکرم الناس طسم الله

هر که دوست دارد گرامی تر از همه مردم باشد از خدا بترسد

م. سره ا. کد طعمه ا لانما. ملعب المر لا کبه الا لله تعالی

هر که دوست دارد حلاوت ایمان بچشد کسی را فقط برای خدا دوست دارد

م. احب لها الله احب الله لهاه و م. کره لها الله کره الله لهاه

هر که دیدار خدا را دوستدارد خدا دیدار وی را دوست دارد و هر که دیدار خدا را ناخوش دارد خدا نیز دیدار وی را ناخوش دارد

م. مارم الجماعه ما- منه حاصله

هر که از جماعت ببرد به رسم جاهلیت بمیرد

م. حس. اسلاف المر برکه مالا یسه



کسی که فضول نباشد اسلامش نکو باشد

م. حفظ ما س. لعنه و ما س. ر حله ذکر لعنه

هر که دهان و عورت خویش نگه دارد بهشتی شود

م. ك لسانه ع. اعراض النامه اماله الله عربه بود العاصمه

هر که زبان خویش از آبروی مردم نگاه دارد روز قیامت خدا گناهان وی ببخشد

م. ررم م. سی مللرمه

هر که چیزی نصیبش کرده اند در حفظ آن بکوشد

م. امال نادما بعه اماله الله تعالی عربه

هر که معامله پشیمانی را اقاله کند خدا از گناهانش بگذرد

م. ك. می حاحه احه ك. الله می حاحه

هر که از پی حاجت برادر خویش باشد خدا از پی حاجت وی باشد

م. ذعی علی م. طلعه معد اصبر

هر که بر ظالم خویش نفرین کند یاری شود

م. سه كرامه الاكره بعه ربه الكسا

هر که حرمت آخرت خواهد زینت دنیا رها کند

م. طله العلم بعه الله بررمه

هر که علم جوید خدا عهده دار روزی او شود

م. **خادر می کصومه نهر علم له برار می سخط الله حی سرع**

هر که در مناقشه ای بدون علم مجادله کند در خشم خدا باشد تا دست بردارد

م. **کمر سلمه مهد بری م. الکر**

هر که کالای خویش بر دارد از تکبر بری شود

م. **کام الله کوم الله مه کر سی**

هر که از خدا ترسد خدا همه چیز را از او بترساند

م. **اناه الله کرا ملر علیه**

هر که خدایش نعمتی دهد باید اثر نعمت بر او نمایان شود

م. **له سکر الفلیر له سکر الکر**

هر که سپاس کم نگذارد سپاس بسیار نیز ندارد

م. **مرا کور. کسه معو سسد**

هر که ضمن دفاع از دین خود کشته شود شهید شده است

م. **ما- عربنا ما- سسدا**

هر که بغریت بمیرد شهید مرده است

م. **صام الابد ملا صام و لا امطر**

هر که روزه پیوسته دارد نه روزه داشته و نه افطار کرده

م. **مسی مع طالع مهد احر م**

هر که با ظالمی راه رود گناه کرده است

م. **رمع نامی رمع الله به**

هر که با امت من ملایمت کند خدا با وی ملایمت کند

م. **برک الله به کرا بصر مه**

خدا برای هر که نکوئی خواهد مبتلایش کند

م. **اصا- مالا م. معاوسم اذ حبه الله می سائر**

هر که مال از حرام بدست آرد در حوادث سخت از دست بدهد

م. **له بعهه علمه بصره حمله**

هر که علمش سودش ندهد جهلش زیانش رساند

م. **صمه له نا- م. کبر ملسره مانه لا بکری می بعلم عه**

هر که دری از خیر بر او گشودند فرصت غنیمت شمارد که نداند چه وقت بسته خواهد شد

م. **اسلم علی بکبه رجز وحید له الله**

هر که یکی بدست وی اسلام آرد بهشت بر او واجب شود

م. **اولی رحلا م. عبد المطلب مفروما می الدسا ملع بکدر ا. بکامه کامانه عه نوم الله**

هر که با یکی از خاندان عبد المطلب در دنیا نیکی کند و او نتواند تلافی آن کند من در روز قیامت تلافی آن خواهم کرد

م. **كُور الر كمار المصاب و الامراض و الصدقه**

از گنجینه های نیکی نهان داشتن مصیبتها و مرضها و صدقه است

م. **رای عوره مسرعا کا. کم. احنا مو وده م. مرعا**

هر که عورتی را به بیند و مستور دارد چنانست که دختر زنده بگور کرده ای را از قبر زنده برآرد

م. **سر عز مفسر سر الله علیه می الدسا و الاکره**

هر که به تنگدستی گشایش دهد خدا در دنیا و آخرت باو گشایش دهد

م. **اعر بالمسد ادله الله**

هر که بوسیله مملوکان عزت جوید خدایش ذلیل کند

م. **لا برحف لا برحف و م. لا بهر لا بهر له**

هر که رحم نکند رحمش نکنند و هر که نیامرزد او را نیامرزند

م. **لا نسکی م. الالباس لا نسکی م. الله**

هر که از مردم شرم ندارد از خدا شرم نکند

م. **سروک می الدسا سهفه می الاکره**

هر که از دنیا توشه بر گیرد در آخرت سودش دهد

م. **سکر لی ا. لا سال الالباس سنا و البکر له بالعه**

کیست که تعهد کند از مردم چیزی نخواهد و من برای او بهشت را تعهد کنم

م. **برک الله به کرا بهمه می الدم.** و **بلمه رسده**

خدا برای هر که نیکی خواهد وی را در کار دین دانا کند و راه رشاد را باو الهام کند

م. **بهمر سوا کر به می الدنا**

هر که عمل بد کند در دنیا سزای آن بیند

**مناوله المسکر. بی منه السو**

عطا به مستمندان از مرگ بد جلوگیری میکند

**منه احداکم. می سنا بدرک جنات المکاحدم. اسا الله**

(ای زنان) هر یک از شما با اشتغال در خانه خویش اگر خدا خواهد ثواب مجاهدان خواهد یافت

م. **نظر الی مسلمه بطره کمه بنا م. عر حم اکامه الله نوم الصامه**

هر که بمسلمانی نظری تند کند که بناحق او را بترساند روز قیامت خدا او را بترساند

م. **نهم ۴. عرمه او گامه کار می طر المرسم نوم الصامه**

هر که بقرضدار خویش مهلت دهد یا قرض او را قلم گیرد روز قیامت در سایه عرش باشد

م. **بکر اکاه سه معو کسه دمه**

هر که یک سال از برادر خویش قهر کند چنانست که خون وی را ریخته است

م. **وماه الله سر ما م. لعنه و سر ما م. رخله ذکر العنه**

هر که خدایش از شر دهان و عورت نگاه دارد بهشتی است

م. **وَمَنْ صَاحَبَ بَعْدَهُ مَعَدَاةً عَرَضَ عَلَيْهِ الْإِسْلَامُ**

هر که بدعتگزاری را محترم دارد بویرانی اسلام کمک کرده است

م. **وَلِي سِنَا م. أَمُورِ الْمُسْلِمِينَ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ فِي حَاحِئِهِ حَتَّى يَنْظُرَ فِي حَوَائِجِهِ**

هر که چیزی از امور مسلمانان را بعهدہ گیرد خدا در حاجت وی ننگرد تا وی در حوائج مسلمانان بنگرد

م. **لَا يَرْحَمُ النَّاسَ إِلَّا بِرَحْمَةِ اللَّهِ**

هر که بمردم رحم نکند خدا باو رحم نخواهد کرد

م. **لَا يَرْحَمُ م. فِي الْأَرْضِ إِلَّا بِرَحْمَةِ م. فِي السَّمَاءِ**

هر که بمردم زمین رحم نکند خدای آسمان باو رحم نکند

م. **كَانَ يَوْمَ اللَّهِ وَالنَّوْمِ الْأَكْرَمِ لَا يَرُوعُ. مُسْلِمًا**

هر که بخدا و روز جزا مؤمن است مسلمانی را نترساند

م. **كَمْ سَعَادَةٍ إِذَا دَعَى السَّائِلُ كَمْ. سَعْدٌ بِالرَّوْرِ**

هر که شهادتی را که از او خواسته اند نهان دارد چنانست که شهادت دروغ داده باشد

م. **كَمْ عِلْمًا ع. أَهْلُهُ النَّوْمُ الْهَامَةُ لَعَامًا م. نَارَ**

هر که علمی را از اهل آن نهان دارد روز قیامت لگامی از آتش بر او زنند

م. **كَمْ أَصْلَهُ وَطَاءَ مَوْلَدَهُ حَسْبُ عَصْرِهِ**

هر که اصلش گرامی و مولدش پاکیزه باشد محضرش نیکست

م. **لَمْ يَرْصَمْ بَعْضًا لِلَّهِ وَ لَمْ يَوْمِ بِعَدْرِ اللَّهِ مُلْتَمِسًا أَلَا عَرَّ اللَّهُ**

هر که بقضای خدا رضا نیست و بتقدیر خدا ایمان ندارد خدائی غیر خدای یکتا بجوید

م. **مَا عَرَّ سِيَّ بَهْمَةِ اللَّهِ عَلَيْهِ**

هر که بحالی بمیرد خدا وی را بهمان حال بر انگیزد

م. **مَصِي لَأَكْبَهُ الْمَسْلَمَ حَاحَهُ كَارٍ لَهُ م. الْأَخْرَ كَم. حَمَّ وَ أَعْمَرَ**

هر که حاجت برادر مسلمان خویش بر آرد چنانست که حج کرده و عمره گذاشته باشد

م. **مَصِي لَأَكْبَهُ الْمَسْلَمَ حَاحَهُ كَارٍ لَهُ م. الْأَخْرَ كَم. كَدَّ اللَّهُ عَمْرَهُ**

هر که حاجت برادر مسلمان خویش را برآرد چنانست که همه عمر خویش را خدمت خدا کرده باشد

م. **مَطْعَ رَكْعًا أَوْ حَلْفَ عَرِّ بَعْم. مَاحْرَهُ رَأَى وَ نَالَهُ مِزَّ أَرْ بَعْمَ -**

هر که از خویشاوند ببرد یا قسم دروغ خورد پیش از آنکه بمیرد وبال آن ببیند

م. **كَارٍ حَالًا مَلَا كَلِمَ أَلَا نَالَهُ**

هر که قسم بایدهش خورد جز بخدا قسم نخورد

م. **كَارٍ سَعَلًا حَسَا لَسَا حَرَمَهُ اللَّهُ عَرَّ النَّارِ**

هر که آسانگیر و نرم و ملایم باشد خدا او را بجهنم حرام کند

م. **كَارٍ عَلَيْهِ حَمَّ مَعَهُ بَعْضًا لَهُ نَرًا مَعَهُ م. اللَّهُ حَارِسٌ**

هر که قرضی داشته باشد و قصد پرداخت آن کند پیوسته نگهبانی از جانب خدا بر او گماشته باشد

م. **كَا** لَه **مَلِكٌ صَالِمٌ كُمْ** . **اللَّهِ** عَلَيْهِ

هر که قلبی خوب داشته باشد خدا بوی مشتاقست

م. **كَا** لَه **وَحَايٌ مِي الدَّيَا كَا** . لَه **نَوْمٌ الصَّامَهُ لَسَانًا** . م. **بَار**

هر که در دنیا دو رو باشد روز قیامت دو زبان از آتش دارد

م. **كَا** . نَوْمٌ . **بِاللَّهِ** وَ **النَّوْمِ** **الْاَكْرَمِ** **مَلِكُمْ** . **اَلِي** **خَارَهُ** وَ م. **كَا** . نَوْمٌ . **بِاللَّهِ** وَ **النَّوْمِ** **الْاَكْرَمِ** **مَلِكُمْ** **صَبْهَهُ**

وَ م. **كَا** . نَوْمٌ . **بِاللَّهِ** وَ **النَّوْمِ** **الْاَكْرَمِ** **مَلِكُمْ** **كِرَا** **اَوْ** **لِسْكِر**

هر که بخدا و روز جزا ایمان دارد با همسایه خویش نکوئی کند هر که بخدا و روز جزا ایمان دارد مهمان خویش را گرمی دارد هر که بخدا و روز جزا ایمان دارد سخن بخیر گوید یا خاموش ماند

م. **مَاتَ** **اَعْمَى** **اَرْتَمَ** . **كَطْوَهُ** **عَمْرٌ** **لَهُ** **مَا** **بَعْدَهُ** . م. **كَيْبَهُ**

هر که کوری را چهل قدم بکشد گناهان گذشته اش آمرزیده شود

م. **مِنْ** **سَمِي** **عَسَى** **اَمَهُ** **كَا** . لَه **سَرَا** . م. **النَّارِ**

هر که پیشانی مادر خویش را ببوسد از آتش جهنم مصون شود

م. **مِنْ** **عَصْفُورًا** **بِعَر** **حَمِّ** **سَالَهُ** **اللَّهِ** **عِنَهُ** **نَوْمٌ** **الصَّامَهُ**

هر که گنجشکی را بناحق بکشد خدا روز قیامت از وی باز خواست کند

م. **عَمَّا** **عَبْدَ** **الْفَكْرِه** **عَمَّا** **اللَّهِ** **عِنَهُ** **نَوْمٌ** **الْمَسْرَه**



هر که هنگام قدرت ببخشد خدا در روز سختی او را ببخشد

م. علم علما مله اجر م. عمر نه لا نعصم م. اجر العامر

هر که علمی یاد دهد، پاداش کسی که بدان عمل میکند از اوست و پاداش عامل کاسته نشود

م. عر اگاه بکسر له عمر حی بعمله

هر که برادر خویش را بگناهی سرزنش کند نمیرد تا مرتکب آن شود

م. عرس عرسا له باکر مه ادمی و لا کلم م. کلم الله الا کار له صدمه

هر که درختی بکارد هر بار که انسانی یا یکی از مخلوق خدا از آن بخورد برای وی صدقه ای محسوب شود

م. عسا طلمس ما المکر و العداع می البار

هر که با ما نادرستی کند از ما نیست مکر و خدعه در جهنمست

م. طلب العلم کار کفاره لما مصی

هر که علم جوید کفاره گناهان گذشته وی باشد

م. طلب العلم لیکاری به العلم او لیکاری به السعنا او بصرف به و حوه الاسم اله ادکله الله البار

هر که علم جوید که بوسیله آن با دانشوران همچشمی کند یا با سفیهان مجادله کند یا توجه عامه را بسوی خود جلب کند خدایش بجهنم برد

م. عاز لا - سا - مادسم. و روحسم. و احسم. السع. مله العه

هر که سه دختر داشته باشد و تربیتشان کند و شوهرشان دهد و با آنها نیکوئی کند پاداش او بهشتست

م. عد عدا م. اخله معد اسا صعبه المو-

هر که فردا را از عمر خویش شمارد مرگ را خوب نشناخته است

م. حصر مفضله مكرتها مكالها عا- عبا و م. عا- عبا مرصنا مكانه حصرها

هر کس ناظر معصیتی باشد و آن را منفور دارد چنانست که غایب بوده و هر کس از معصیتی که در غیاب او کرده اند خشنود باشد چنانست که ناظر آن بوده است

م. خلف نصر الله معد اسرد

هر که بغیر خدا قسم خورد مشرکست

م. كبر روجه امر او مملوكه طلمس ما

هر که همسر کسی یا مملوک او را فریب دهد از ما نیست

م. دعا الی حدی کار له م. الاخر من اخور م. بعه لا بضم دلک م. اخور حه سنا و م. دعا الی

صلا له کار علیه م. ا لانه من انام م. بعه لا بضم دلک م. انامه سنا

هر که به هدایتی دعوت کند پاداش وی چون پاداش همه کسانی است که پیروی آن کنند و از پاداش آنها چیزی نمیکاهد و هر که بضالتهی دعوت کند گناه وی مثل گناهان همه کسانیست که پیروی آن کنند و از گناه آنها چیزی نمیکاهد

م. باع دارا له له كمر بضا می ملعا له بارك له بضا

هر که خانه ای فروشد و با قیمت آن خانه دیگر نخرد برکت نیابد

م. باع عبا له بسه له برر می معد الله و له برر الملاكه بلمه

هر که چیز معیوبی فروشد و نگوید پیوسته در دشمنی خدا باشد و فرشتگان پیوسته او را لعنت کند

م. باع عمر دار م. عمر ضروره سلط الله عز معنا بالها سلمه

هر که بدون ضرورت خانه ای را بفروشد خدا تلف کننده ای را بگمارد که قیمت آن را تلف کند

م. بکا بالکلا و میر السلا و ملا کنبوه

هر که پیش از اسلام سخن آغازد جوابش مدهید

م. برک الرمی بعد ما علمه مانا نهمه کفرها

هر که تیراندازی را تعلیم گرفته باشد و ترک کند نعمتی را کفران کرده است

م. بروم بعد اسکمر نصف ا لانها. مسلم الله می النصف النامی

هر که زن بگیرد یک نیمه ایمان خویش را کامل کرده از خدا در باره نیم دیگر بترسد

م. می عز امی الملا لیله واحده احبط الله عمله ارنهم. سه

هر که برای امت من یک شب آرزوی گرانی کند خدا چهل سال عبادت او را باطل کند

م. امی نمر علم کار. اینه عز م. اعناه و م. اسار عز اکنه نامر نعله ا. الرسد می عزه بعد کانه

هر که بدون علم فتوی دهد گناه حاصل از آن را بگردن دارد و هر که ببرادر خویش کاری سفارش کند و داند که مصلحت در غیر آنست بوی خیانت کرده است

م. امصد اعناه الله و م. بکر امهره الله و م. نواضع رمه الله و م. کر مصفه الله

هر که میانه روی کند خدا بی نیازش کند و هر که اسراف کند خدا فقیرش کند و هر که فروتنی کند خدایش بر دارد و هر که بزرگی فروشد خدایش درهم شکند

م. اكرم امرا مسلما مايا بكره الله تعالى

هر که مسلمانی را گرامی دارد خدای والا را گرامی داشته است

م. اكرم م. الاستغفار حمد الله له م. كرم مرخا و م. كرم صم مرخا و ررمه م. حس لا حس

هر که استغفار کند خدا برای او از هر غمی گشایش و از هر تنگنایی مغری پدید آرد و او را از جایی که انتظار ندارد روزی دهد

م. اكرم بالعلم طعم الله عز و حبه و ركه عز عمه و كرم البار اولی به

هر که بوسیله علم نان خورد خدا چهره او را دگرگون کند و کارش را واژگون کند و جهنم سزاوار او باشد

م. انظر مفسرا الی مسربه انظره الله بكمه الی توبه

هر که تنگدستی را مهلت دهد تا گشایش یابد خدا گنااهش را مهلت دهد تا توبه کند

م. اطعم مریضا سعوه اطعمه الله م. بهار العنه

هر که غذای دلخواه مریضی را به او بخوراند خدا از میوه های بهشت باو بخوراند

م. اعان طالها سلطه الله علیه

هر که ستمگری را اعانت کند خدایش بر او مسلط کند

م. اعان عز خصومه بطله له بر می سقط الله حی سرع

هر که بوسیله ستمی بر خصومتی کمک کند پیوسته مورد خشم خدا باشد تا دست بردارد

م. اعان طالها لخصم باطله حها ممد بره مه كمه الله و رسوله

هر که ستمگری را اعانت کند که بوسیله باطل خویش حقی را پایمال کند، از حمایت خدا و پیغمبر برون باشد

م. اعطى حظه م. الرعم مهد اعطى حظه م. الحر و م. حرم حظه م. الرعم مهد حرم حظه م. الحر

هر که را از ملایمت بهره داده اند از نیکی بهره اش داده اند و هر که را از ملایمت محروم کرده اند از نیکی بی نصیبش کرده اند

م. اعسر عده احوه المسلم مله بصره و هو بسطیع بصره ادله الله تعالی می الدسا و الاکره

هر که برادر مسلمانش را در حضور او غیبت کنند و تواند یاریش کند یاری وی نکند خدا او را در دنیا و آخرت خوار کند

م. اصبر بمصیبه می ماله او حسده و کصما و له سکما الی الناس ک. حفا علی الله ا. بهر له

هر که در مال یا تن خویش بلیه ای داشته باشد و پنهان کند و شکایت آن بمردم نبرد بر خدا واجب است که بیامرزدش

م. اطعم مسلما حایما اطعمه الله م. بهار الله

هر که مسلمان گرسنه ای را غذا دهد خدا از میوه های بهشت باو بخوراند

م. اسری سرمه و هو یفله ایما سرمه مهد سرک می عارحا و ایما

هر که مال دزدی را بخرد و بداند که دزدیست در ننگ و گناه آن شریکست

م. اصا- حدا مفکر عهونه می الدسا ماله اعدا م. ا. سی علی عده العهونه می الاکره و م. اصا-

حدا مسره الله علیه ماله اکره م. ا. یفوک می سی مد عفا عه

هر که گناهی کند و در دنیا عقوبت آن ببیند خدا عادل تر از آنست که بار دیگر بنده خویش را در آخرت عقوبت کند و هر که گناهی کند و خدا آن را ببوشاند خدا کریمتر از آنست که به بخشیده خود باز گردد

م. اصم و همه العوی له اصا- صما م. دلک دسا عمر الله له

هر که روز آغاز دو سر پرهیزکاری داشته باشد و در این اثنا گناهی کند خدا وی را بیامرزد

م. اصمیر و همه عن الله ملسم م. الله می سی و م. اصمیر لا ینم بالمسلمین. ملسم مسم

هر که روز آغازد و توجه او بغیر خدا باشد با خدا کاری ندارد و هر که روز آغازد و بکار مسلمانان توجهی نداشته باشد مسلمان نیست

م. اصمیر مطیفا لله می والکبه اصمیر له نایار. مسموچار. م. الله و ا. کار. واحدا مواحد

هر که روز آغازد و در کار پدر و مادر خویش مطیع خدا باشد، دو در از بهشت بر او گشوده باشد و اگر یکی باشد یکی

م. استطاع مسم ا. سر اکاه الموم. سونه ملسم

هر کس از شما تواند برادر مؤمن خویش را بجامه ای بپوشاند، بپوشاند

م. اسمع اعنه الله و م. اسمعی اعناه الله

هر که عفت جوید خدایش عفت دهد و هر که غنا طلبد خدایش غنی کند

م. ادب و هو بصک ذکر البار و هو بصی

هر که گنه کند و خندان باشد وارد جهنم شود و گریان باشد

م. اراد ا. نعله ماله عبد الله ملسطر ما لله عبده

هر که خواهد بداند نزد خدا چه دارد بنگرد خدا نزد وی چه دارد

م. اراد ا. سکا دعونه و ا. کسم کرینه ملسم م. مفسر

هر که خواهد دعوتش مستجاب شود و غمش از پیش برخیزد تنگ دستی را گشایش دهد

م. اراد امرا مساور مه امرا مسلما و همه الله لارسد اموره

هر که اراده کاری کند و با مرد مسلمانی در باره آن مشورت کند خدایش بمعقولترین کارها توفیق دهد

م. ارضی والدیه **مهد** ارضی **الله** و م. اسعط والدیه **مهد** اسعط **الله**

هر که پدر و مادر خویش را خشنود کند خدا را خشنود کرده و هر که پدر و مادر خویش را خشمگین کند خدا را خشمگین کرده است

م. ارضات علما و له برکت می الدیا رمدیا له برکت م. **الله** الا **مهدا**

هر که علمش فزون شود و بی رغبتی وی بدنیا فزون نشود دوریش از خدا بیشتر شود

م. اسطاع **مک** ا. بی دینه و عرصه **مهاله** **ملسم**

هر که از شما تواند دین و آبرو را بمال خود حفظ کند، حفظ کند

م. اسطاع **مک** ا. **سبع** **اکاه** **ملسمه**

هر که از شما تواند برادر خویش نفع برساند، برساند

م. **اکطا** **کطبه** او **ادس** **دیا** له **بدم** **معو** **کماره**

هر که خطائی کند یا گناهی از او سر زند آنگاه پشیمان شود پشیمانی کفاره اوست

م. **ادار** **دیا** **سوی** **مصاه** **اداه** **الله** **عه** **نوم** **السمه**

هر که دینی بعهده دارد که نیت پرداخت آن دارد، خدا روز قیامت قرض وی را ادا کند

م. **ادل** **سسه** می **طاعه** **الله** **معو** **اعر** **هم**. **بهر** **بمقصه** **الله**

هر که خویشتن را در اطاعت خدا خوار کند از کسی که به معصیت خدا عزت جسته باشد عزیزتر است

م. **ادل** **عده** **موم**. **ملع** **بصره** و **معو** **بدر** **علی** ا. **بصره** **ادله** **الله** **علی** **روس** **الاسعاد** **نوم** **السامه**

هر که مؤمنی را پیش او خوار کنند و تواند یاری او کند و نکند روز قیامت خدا پیش همگان خوارش کند

م. اذیت دنیا معلم ا. له ربا ا. سا عمر له و ا. سا عده کار. حما علی الله ا. بفر له

هر که گناهی کند و داند که پروردگاری دارد که اگر خواهد گناه وی بیامزد و اگر خواهد عذابش کند بر خدا واجب است که بیامزدش

م. اذیت دنیا معلم ا. الله مد اطلع علیه عمر له و ا. له سبفر

هر که گناهی کند و داند که خدا ناظر وی بوده، خدا بیامزدش و گر چه آمرزش نخواهد

م. احم ا. بسط له می رره و ا. بسا له می اخله ملنصر رکه

هر که دوست دارد که روزی وی گشاده کنند و زندگیش طولانی شود با خویشاوند پیوند گیرد

م. احمک عم. الناس له کعب عم. النار

هر که در بمردم بیند از جهنم مصون نماند

م. احمک علی المسلمین. طعامه صربه الله بالکدام

هر که خوراک مسلمانان را احتکار کند خدا بخوره مبتلایش کند

م. احمس. صفا سه و س. الله صفا الله ما سه و س. الناس و م. اصلم سربره اصلم الله علا سه

هر که رابطه خویش را با خدا نیک کند خدا رابطه وی با مردم نیک کند و کسی که باطن خویش به صلاح آرد خدا ظاهر وی بصلاح آرد

م. احمس. الرمی له برکه ممد برک نعمه م. النعم

هر که تیر اندازی بداند و آن را ترک کند یکی از نعمتها را ترک کرده است

م. اکام موما کار. حما علی الله ا. لا نومه نوم النعمه

هر که مؤمنی را بترساند بر خدا واجب است روز قیامت ایمنش نکند



م. اكد اموال الناس يريد اداها ادى الله عنه و م. اكدنا يريد الا ما ابله الله

هر که مال مردم بگیرد و اراده پرداخت آن داشته باشد خدا پرداخت آن کند و هر که بگیرد و اراده تلف کردن داشته خدا آن را تلف کند

م. ابي الله كر لسانه و له سمع عطيه

هر که از خدا بترسد زبانش کند شود و خشم خویش آشکار نکند

م. ابي الله و ماه كر سى

هر که از خدا بترسد خدا او را از همه چیز محفوظ دارد

م. احرى الله على بده مرها لمسلم مرم الله عنه كره الدنيا و الاكره

هر که خدا بدست وی گشایشی برای مسلمانی پدید آرد خدا محنت دنیا و آخرت از او بردارد

م. احب لله و انصم لله و اعطى لله و منع لله هدد اسكمر ا لانهار

هر که برای خدا دوست دارد و برای خدا دشمن دارد و برای خدا عطا کند و برای خدا منع کند به کمال ایمان رسیده است

م. احب سنا اكر م. ذكره

هر که چیزی را دوست دارد یاد آن بسیار کند

م. احب دنياه اصر باكره و م. احب اكره اصر دنياه فابروا ما بهى عز ما بهى

هر که دنیا را دوست دارد آخرت خود را زیان زند و هر که آخرت را دوست دارد بدنیاى خویش زیان زند، پس آنچه را باقیست بر آنچه فانیست ترجیح دهید

م. احب موما خسره الله مى رمرعم

هر که گروهی را دوست دارد خدا وی را با آنها محشور کند

م. احب اى كذ طعمه الايمان ملك المر لا كنه الا لله

هر که دوست دارد لذت ایمان بچشد کسی را دوست دارد که او را جز برای خدا دوست ندارد

م. اسى بالصا م. المسلم. مله سعه مى لظه و اساره و گلسه

هر که بقضاوت میان مسلمانان مبتلا شود میان آنها در نظر و اشاره و مجلس خویش برابری نهد

م. اسى بالصا م. المسلم. ملا برمع صونه على احد النصم. الا برمع على الاكر

هر که بقضاوت میان مسلمانان مبتلا شود صدای خویش بر یکی از مدعیان بلند نکند مگر اینکه بر دیگری نیز بلند کند

م. اسى مصر و اعطى مسكر و طلع مفر و طلع ماسفر اولك لعه الام. و مع مسدور.

هر که مبتلا شود و صبر کند و عطایش دهند و شکر کند و ظلم ببیند و ببخشد و ظلم کند و آمرزش طلبد آنان در امانند و آنها هدایت یافتگانند

م. اى عراما او كاحا مصدمه ما يقول مهد كمر ما ارل على حمد صر الله عليه و اله

هر که پیش غیبگو یا کاهن رود و گفته او را تصدیق کند بدین محمد کافر شده است

م. اى الكه مفر و ما ماصوه ما. له كدوا مادعوا له

هر که با شما نکوئی کرد عوضش دهید و اگر نتوانید برای او دعا کنید

م. اناه احوه مصصلا مله سز دلک مه گها او مبطلا ما. له مفر له برک على النوصم

هر که برادرش بعذر خواهی پیش وی آید باید عذر وی را درست باشد یا نادرست بپذیرد و اگر نپذیرد بر من بحوض در نیاید

م. اى الله احاه الله مه كرسى و م. له نعم الله احاه الله م. كرسى

هر که از خدا بترسد خدا همه چیز را از او بترساند و هر که از خدا نترسد خدا وی را از همه چیز بترساند

م. رمی مومنا بکفر معو کمله

هر که مؤمنی را بکفر نسبت دهد چنانست که او را کشته باشد

م. روع مومنا له نوم. الله روعه نوم الهامه و م. سعی نوم. امامه الله معاف دار و کری نوم الهامه

هر که مؤمن را بترساند خدا روز قیامت ترس او را با امنیت بدل نکند و هر که از مؤمنی بدگوئی کند خدا روز قیامت او خوار و زبونش کند

م. ررع ررعا ماکر مه طر کار له صدمه

هر که کشتی کند و پرنده ای از آن بخورد برای وی صدقه ای محسوب شود

م. رمی کرص مه ا لانما. ما. نا - نا - الله علیه

هر که زنا کند ایمانش برود و اگر توبه کند خدا توبه او بپذیرد

م. رمی او سر - العر برع الله مه ا لانما. کما کلع ا لاسا. العمصم م. راسه

هر که زنا کند یا شراب بنوشد خدا ایمان از او بکند همچنان که انسان پیراهن از سر خویش بیرون میکند

۳۰۰ م. رمی رمی نه

هر که زنا کند با کسان وی زنا کنند

م. رمی الدسا علمه الله لا تعلم و حمله بصرا

هر که از دنیا بگذرد خدایش بدون تعلم علم آموزد و بصیرت دهد

م. سا کله عد - نسه و م. کر همه سعه بده و م. لا می الر حال ختم کرامه و سعطه مروبه

هر که خویش بد باشد خویشتن را معذب دارد و هر که غمش بسیار شود تنش رنجور گردد و هر که با مردم منازعه کند کرامتش برود و جوانمردیش نابود شود

**م. سال م. عر مهر مکارنا ناکر العمر**

هر که فقیر نباشد و سؤال کند گوئی شراب خورده است

**م. ذمع عصمه ذمع الله عنه عکانه و م. حبط لسانه سر الله عورنه**

هر که غضب خویش باز دارد خدا عذاب خویش از وی باز دارد و هر که زبان خویش نگه دارد خدا عیب وی بپوشاند

**م. ذم. نلانه م. الولد حرم الله علیه النار**

هر که سه اولاد بخاک بسپارد خدا آتش جهنم را بر او حرام کند

**م. ذل علی کرمله منر اخر ماعله**

هر که به نیکی راهبر شود پاداش نکوکار دارد

**م. ذ- ع. عرصم اکنه نالمنه کار حفا علی الله ا. نهه م. النار**

هر که در غیاب برادرش از آبروی وی دفاع کند بر خدا واجب است که او را از جهنم مصون دارد

**م. ذکر امرایها لسم مه لهنه حسه الله می نار حسم حی نالی سعاد ما مال**

هر که بعیب جوئی کسی را بصفتی که در او نیست یاد کند خدا او را در آتش جهنم محبوس دارد تا گفته خویش را مجری دارد

**م. ذکر رحلا بها مه مهد اعانه**

هر که مردی را بصفتی که در او هست یاد کند غیبت وی کرده است

م. رای مکم مکرا ملنره سده ما. لم سبطع ملسانه ما. لم سبطع مبلنه و ذلک اصمف ا لانها.

هر کس از شما ناشایسته ای بیند بدست خویش مانع آن شود و اگر نتواند بزبان و اگر نتواند بدل مانع شود که حد اقل ایمان همین است

م. رای ناله نهر الله مهد نری م. الله

هر که بکار خدا برای غیر خدا ریا کند از خدا بیزار می جسته است

م. رلی صفرا حی هور لا اله الا الله لم کاسه الله

هر که طفلی را تربیت کند تا لا اله الا الله گوید خدا از او حساب نخواهد

م. رخم و لو کسکه عصهور رخمه الله نو و الصمه

هر که رحم کند و گر چه نسبت در باره سر بریدن بچه گنجشکی باشد خدا در روز قیامت او را رحم کند

م. رک ع. عرصه اکسه رک الله ع. و حصه النار

هر که از آبروی برادر خویش دفاع کند خدا آتش را از چهره وی باز دارد

م. ررم هی مهد ررم کر الدسا و الاکره

هر که را تقوی داده اند خیر دنیا و آخرت داده اند

م. ررمه الله امراه صالحه مهد اعانه عر سطر کسه مسلم الله می السطر النامی

هر که را خدا زنی پارسا داده وی را بر نصف دین خویش یاری کرده و باید در باره نصف دیگر آن از خدا بترسد

م. رصی م. الله بالنسر می الررم رصی الله مه بالنسر م. الفم

هر که از خدا بروزی اندک راضی شود خدا از او بعمل اندک راضی شود

۴۰. رَمْعٌ حَكْرًا عَمَّ الطَّرِيفُ كَسْبٌ لَهُ حَسْبُهُ

هر که سنگی از راه بردارد عمل نیکی برای وی ثبت کند

۴۱. رِبِّي نَامُهُ لَعْنَةُ بَرِيٍّ خَلَدَهُ اللهُ نَوْمُهُ الصَّمْعَةُ سَوَاطِئُ بَارِئَةٍ

هر که با کنیزی که زناکاری وی ندیده زنا کند روز قیامت خدا وی را بتازیانه آتشین تازیانه زند

۴۲. سِرٌّ إِكْرَامٌ الْمَسْلُومِ فِي الدُّنْيَا مَلِكٌ يَهْضُمُهُ سِرُّهُ اللهُ نَوْمُهُ الصَّمْعَةُ

هر که در دنیا راز برادر مسلمان خویش بیوشد و او را رسوا نکند خدا روز قیامت راز وی بیوشاند

۴۳. سِرُّهُ إِذَا بَكَوْا أَمْوَالَهُمْ مَلِكٌ عَلَى اللهِ

هر که دوست دارد از همه مردم نیرومندتر باشد بخدا توکل کند

۴۴. سِرُّهُ إِذَا سَلَّمَ مَلِكٌ فِي الصَّمْعَةِ

هر که دوست دارد سالم ماند خاموشی گزیند

۴۵. سِرُّهُ إِذَا سَكَبَ اللهُ لَهُ عَيْدُ السُّدَّانِ وَالْكَرْمِ مَلِكٌ فِي الدُّعَا فِي الرِّكَابِ

هر که دوست دارد خدا هنگام سختی و مصیبت دعای وی اجابت کند هنگام گشایش دعا بسیار کند

۴۶. سَفِيٌّ بِاللَّيْسِ مَعَهُ نَهْرٌ رَسَدَهُ أَوْ مَعَهُ سَفِيٌّ مَعَهُ

هر که بد مردم گوید از عقل به دور است یا خللی در او هست

۴۷. سَكْرٌ الْمَأْكُودَةُ حَمَا

هر که در صحرا سکونت گیرد خشن شود

م. سلك طرفها بلصم منه علما ستر الله له طرفها الى الله

هر که به جستجوی علم راهی سپرد خدا برای وی راهی سوی بهشت بگشاید

م. سر - الكمر الى عطسا. نو م الله

هر که شراب نوشد روز قیامت تشنه بیارندش

م. سر - حمرا كرم نور الايمان. م. حومه

هر که شراب نوشد نور ایمان از ضمیرش برود

م. سعد سعادہ بسام بنا مال امری مسلم او سعد بنا ك م سعد اواخر النار

هر که شهادتی دهد که بسبب آن مال مرد مسلمانی را بخورند یا خونی بریزند مستحق جهنمست

م. صار صار الله به و م. سام سام الله علیه

هر که زیان بکسان رساند خدا زیانش رساند و هر که سختگیری کند خدا با وی سخت گیرد

م. صر - مملوكه طالها امص منه نو م الله

هر که مملوک خویش را بستم بزند روز قیامت از او تقاص کنند

م. صر - سو ط طلما امصم منه نو م الله

هر که بستم تازیانه زند روز قیامت از او تقاص کنند

م. صب سما له او لمره حی نسه الله عنه وحیر له الله

هر که یتیم خویش یا یتیم دیگری را نگه دارد تا خدایش از رعایت او بی نیاز کند بهشت بر او واجبست

م. **كرامه الموم.** **عز الله** تعالی بها بونه و رصاه بالنسر

از لوازم حرمت مؤمن نزد خدا است که جامه اش پاکیزه باشد و باندک خشنود گردد

م. **موجبات المفهره اطعام المسلم السهبا.**

غذا دادن مسلمان گرسنه از موجبات آمرزیده شدن است

م. **اذاى المسلمین می طرفه و حین علیه لمسه**

هر که مسلمانان را در راههایشان آزار کند لعنت وی بر ایشان واجب است

م. **اذاى مسلما مسدا اذای و م. اذای مسدا اذای الله**

هر که مسلمانی را آزار کند مرا آزار کرده و هر که مرا آزار کند خدا را آزار کرده است

م. **اوی صاله معو صال ما له بهر صا**

هر که گمشده ای را جا دهد مادام که وجود آن را اعلام نکند گم راه است

م. **اساع طعاما ملا بهه حنی بسومه**

هر که غذا میفروشد بفروشد یا کامل بفروشد

م. **امصر الممر اذکار السرور عز الموم.** بهصی عنه ذبا بهصی له حاجه بهم له کره

از بهترین عملها خوشحال کردن مؤمن است یعنی دین وی را ادا کنی، حاجتی از او بر آوری یا محنتی از او بر طرف کنی

م. **بهاه النکه الاكد بالک**

کمال درود گفتن دست گرفتن است



م. حسبه عبادته المر حسبه طبه

از جمله عبادت نکوی مرد خوش گمان بودن او بخداست

م. سفاذه المر حسبه العلم و م. سفاوه سو العلم

نیکخوئی نیکبختی مرد است و بدخوئی بدبختی است

م. سفاذه المر ا. سبه اناه

از لوازم نیکبختی مرد آنست که مانند پدر خویش باشد

م. سکر النعمه امساوحا

از لوازم شکر نعمت داشتن نمودار کردن آنست

م. سه الرجز رهه می مفسه

مدارا در معاش از دانش مرد است

م. سه الرجز ا. بصلم مفسه و لم م. حر الدنيا طلب ما بصلم

اصلاح معیشت از دانش مرد است و جستجوی چیزی که معاش تو را بصلاح آرد دنیاپرستی نیست

م. انقطع رجاوه ها ما - اسرام بده و م. رصی ها مسه الله مر - عنه

هر که از نابود شده امید ببرد راحت شود و هر که بقسمت خدا راضی شود آسوده گردد

م. كام الناس لسانه صو م. اجر النار

هر که از زبانش بترسند از اهل جهنمست

م. لم يسمع بكلمته و لا كساه ملا كسر ل م م قالسه و م. لم يوحى ل م لا يوحى له و لا كرامه

هر که از دین یا دنیای او سودی نبوی در مجالست او خیری نیست

م. احسن. مما سبه و م. الله كساه الله ما سبه و م. الناس و م. اصلم سربره اصلم الله عا سبه و م. عمر

لا كرهه كساه الله كساه

هر که روابط خویش با خدا نیکو دارد خدا روابط او را با مردم به صلاح آرد و هر که پنهان خویش اصلاح کند خدا عیان او را به صلاح آرد و هر که برای آخرت خویش کار کند خدا دنیای وی را کفایت کند

م. سعه سعه و م. لا يهد الصبر لواء الكبر بهر و م. مرصم الناس مرصوه و م. بر كسه لم

سركوه

هر که را سود دهی سودت دهد و هر که در حوادث دنیا صبوری نکند عاجز ماند هر که بد مردم گوید بدش گویند و هر که آنها را رها کند رهایش نکنند

م. اراء السلامه ملهعظ ما حرى نه لسانه و لكرسم ما انطوى عليه خبانه و لكس. عمله و لهصر امله

هر که سلامت خواهد مراقب گفتار خویش باشد و از آنچه در دل دارد چیزی بزبان نیارد عمل نیک کند و آرزو کوتاه دارد

م. بواصع لله رمفه الله و م. بكر وصفه الله

هر که برای خدا فروتنی کند خدایش رفعت دهد و هر که تکبر کند خدا او را پست کند

م. اداع ما حسه كار كسدسا و م. عمر مومنا سى لم يهر حى بر كسه

هر که عمل بدی را شایع کند چون عامل آنست و هر که مؤمنی را بکاری عیب کند نمیرد تا مرتکب آن شود

م. اسولى عليه الصبر رحله عنه الراحه

هر که ملامت بر او چیره شود راحت از او دور شود

م. **حرم الرعم مهد حرم العر كله**

هر که از مدارا بی نصیب باشد از همه خوبیها بی نصیب مانده است

م. **عمر علم عر علم کار ما بسد اکر ما بصلم**

هر که بی علم عمل کند بیش از آنچه اصلاح میکند افساد خواهد کرد

م. **ررم جسم. صوره و جسم. کلم و روحه صالحه و سکا مهد اعطی حظه م. کر الدسا و الاکره**

هر که را صورت نیک و سیرت نیک و جفت پارسا و سخاوتی دادند بهره او را از خیر دنیا و آخرت داده اند

م. **بررع کررا کصد رعنه و م. بررع سرا کصد کداهه**

هر که نیکی کرد سود برد و هر که بدی کرد پشیمانی درود

م. **لا اد - له لا عمر له**

هر که ادب ندارد عقل ندارد

م. **طلب سسا و حد و حد**

هر که چیزی بجوید و بکوشد بیاید

م. **لا بر حه لا بر حه**

هر که رحم نکند رحمش نکنند

م. **اراد الله به کررا ررمه الله کللا صالحا**

هر که خدا خیر او خواهد دوستی شایسته نصیب وی کند

م. **بسم فرع الباء بوسک** ا. **بسم له**

هر که بکوفتن در ادامه دهد بر او بگشایند

ملعون ذو الوحس. ملعون ذو اللسان.

دو رو ملعون است دو زبان ملعون است

م. **الر ا. نصر صدق است**

از جمله نکوئی اینست که با دوست پدر خویش دوستی کنی

م. **الصدقه ا. سلع علی الناس و اس ظلم الوحه**

از جمله صدقه اینست که بمردم سلام کنی و گشاده رو باشی

م. **الصدقه ا. بعل الر حذ الفل صممر به و بعله**

از جمله صدقه اینست که مرد علم آموزد و بدان عمل کند و تعلیم دهد

م. **المروه ا. نصر الامر لاصه اذا اسطع سسع**

بعله

از لوازم جوانمردی اینست که برادر بگفتار برادر خویش وقتی با او سخن میکند، گوش فرا دارد و از نیک رفتاری اینست که برادر با برادر خویش وقتی بند کفش وی بریده (و رفتن نتواند) توقف کند

م. **اسو الناس م. اذ حد اصره بکسا عره**

از جمله بدترین مردم کسیست که آخرت خویش را بدنای دیگری تلف کند

م. اسراط الساعه الفکم و الفکم و مطمعه الرحم و کوم. الامم. و اسما. العام.

از علایم قیامت بد گوئی و بد کاری و بریدن خویشان و خائن شمردن امین و امین پنداشتن خائن است

م. امصر الساعه ا. سسع م. اسر. می الکام

از جمله بهترین وساطت و وساطت میان دو کس در کار زناشوئی است

مو - المرید سعادہ

مرگ غریب، شهادت است

موضع الصلوه م. الدم. كموضع الراس م. العسد

مقام نماز نسبت بدین چون مقام سر نسبت بتن است

المجاهد م. حاد سهه می طاعه الله

مجاهد آنست که در کار اطاعت خدا با ضمیر خویش جهاد کند

المر علی دم. کلله

مرد بر روش دوست خویشتن است

المر کسر ناکه

مرد بیرادر خویش نیرو میگیرد

المسار ما مالا صو علی النادی ما له بعد المطلو م

گناه دو ناسزا گو بر کسی است که آغاز کرد بشرط آنکه مظلوم تجاوز نکند

**المسلم م. سلم المسلمون م. لسانه و بده**

مسلمان کسی است که مسلمان از دست و زبانش در امان باشد

**المسلم اذو المسلم لا يظلمه و لا يظلمه**

مسلمان برادر مسلمانست بدو ستمش نکند و تسلیمش نکند

**المسلمون بده واحد على م. سوانه**

مسلمانان بر ضد غیر مسلمانان همسخنند

**المسجد سر كرى**

مسجد خانه هر پرهیزکار است

**المعدة سر الكا و العصه راس كرى كوا**

معدده خانه مرض است و پرهیز سر آمد دواهاست

**الموم م. امه الناس على ائمتهم و اموالهم و دمانهم**

مؤمن آنست که مردم او را بر جان و مال و خون خویش امین شمرند

**الموم للموم كالسار بده بده بده**

مؤمن نسبت بمؤمن چون بناست که قسمتی از آن قسمت دیگر را محکم کند

**الموم عرى كرى و الفاخر كرى لم**

مؤمن شریف و کریم است و فاجر فریبکار و فرومایه است

**المومر. یوم الصمه می طر صدقه**

مؤمن روز قیامت در سایه صدقه خویش است

**المومر. کس مطر. حدر**

مؤمن هوشیار و دقیق و محتاط است

**المومر. بسر الموبه**

مؤمن کم حاجتست

**المودنور. اطول الناس اعانا یوم الصمه**

مؤمنان روز قیامت از همه مردم گردن فرازترند

**المو - كفاره لکر مسلم و مسلمه**

مرگ برای هر فرد مسلمان و هر زن مسلمانی کفاره گناهانست

**المناحر م. بحر ما بی الله عنه**

مهاجر آنست که از هر چه خدا نهی کرده دوری کند

**المع مع م. احد و له ما اکسر**

مرد در صف دوستان خویش است و نتیجه اعمالش بدو میرسد

**المسار مومر. ما سا اسار و ا سا سکر ما سا اسار ملسر ما لو بر نه مقله**

کسی که با وی مشورت کنند امانتدار است اگر خواهد رأی دهد و اگر خواهد خاموش ماند و اگر داد همان گوید که اگر خود او بود میکرد

**المساورة حصم. م. الكمامه و ام. م. الملا مه**

مشورت حصار ندامت است و ایمنی از ملامت

**الموم. احو الموم. لا بدع بصكه عر كر حال**

مؤمن برادر مؤمنست و به هر حال از خیر خواهی او چشم نپوشد

**الموم. حن. لن. حی كاله م. الل. احمم**

مؤمن نرمخو و ملایمست تا آنجا که از نرمخوئی احمقش پنداری

**الموم. مفعه ا. ماسبه مفع و ا. ساوره مفع و ا. ساركه مفع و كر سی م. امره مفعه**

مؤمن مایه سود است اگر همراهش شوی سودت دهد و اگر با وی مشورت کنی سودت دهد و اگر شریکش شوی سودت دهد و همه کار وی مایه سود است

**المومون. حسون. لسون. كالعمر الالف ا. مد اهاد و ادا اسم عر صكره اسنام**

مؤمنان نرمخو و ملایمند چون شتر دست آموز که اگر بکشندش برود و اگر بر سنگی به خوابانندش بخوابد

**المهمد ممر مه كالعمار می الطاحون.**

کسی که بی دانش عبادت کند چون الاغ آسیاست

**المرصم سوط الله می الارصم بوك - به عباده**

بیماری تازیانه خدا در زمین است که بوسیله آن بندگان خویش را ادب میکند



الموم. مرآه الموم. و الموم. احو الموم. كوطه م. وراه

مؤمن آئینه مؤمنست مؤمن برادر مؤمنست از پشت سر مراقب اوست

الموم. للموم. كالسا. المرصوص سد نصه نصا

مؤمن نسبت بمؤمن چون بنای محکم است که اجزای آن یک دیگر را استحکام بخشد

الموم. بالف و لا کر صم. لا بالف و لا بولف

مؤمن الفت گیرد و هر که الفت نگیرد و الفت نیارد خیری در او نیست

الموم. بفار و الله اسد عرا

مؤمن غیرت میبرد و غیرت خدا شدیدتر است

الموم. م. اجزا لانها. بمرله الراس م. السد بالف الموم. اجزا لانها. كما بالف السد لها م الراس

مؤمن نسبت باهل ایمان چون سر نسبت بتن است مؤمن از رنج مؤمنان رنجور شود چنان که تن از رنج سر رنجور گردد

الموم. کر عر کر حال سرع نصه م. م. حسه و حو كمد الله

مؤمن همیشه خوبست جانش از تن میرود و خدا را ستایش می کند

الموم. الکی كالم النام و بصر عر اداحه امصر م. الموم. الکی كالم النام و لا بصر عر اداحه

مؤمنی که با مردم آمیزش کند و بر آزارشان صبر کند از مؤمنی که با مردم آمیزش نکند و بر آزارشان صبر نکند بهتر است

الموم. اکرم عر الله م. نصم ملاکبه

مؤمن نزد خدا از بعض فرشتگان او عزیزتر است

**المسار موم. ا. سا اسار و ا. سا له سر**

کسی که با او مشورت کنند امانت دار است اگر خواهد رأی دهد و اگر نخواهد ندهد

**المسلم مره المسلم ماذا رای به سنا ملناکده**

مسلمان آئینه مسلمانست وقتی چیزی در او دید بگیرد

**المسلمو. احوه لا مصر لاحد عر احد الا بالعوی**

مسلمانان برادرانند هیچ کس بر دیگری جز به پرهیزکاری برتری ندارد

**المسلمو. عند سروطعه ما واهم العم م. دلک**

مسلمانان باید بشرایط خویش که مطابق حق باشد وفا کند

**المصاب و الامراض و الاحرا. می الکا حرا**

بلیه و بیماری و غم کیفر دنیاست

**المفروم نا- م. ابوا- العه و حو بدمع مصارع السو**

نیکی دری از درهای بهشتست و از مرگ بد جلوگیری میکند

**المفک طرف م. الطلم**

تأخیر پرداخت دین، شمه ای از ظلم است

**المفد عر الرنا کفاد و م.**

آنکه بر زنا اصرار ورزد چون بت پرست است

## المکر و العده و العنايه می البار

مکر و فریب و خیانت در جهنمست

## المناعم ملک عسه بسکی کما سا

منافق بر دیدگان خویش مسلط است چنان که بخواهد گریه می کند

## المیر بعد می مره ما سامر علیه

میت در قبر از ناله و فریادی که بر مرگ او کنند معذب می شود

## لما اول حده الامه بالنصر و الرمد و سلك اصرا بالنصر و الامر

متقدمان این امت بیقین و زهد نجات یابند و متأخرانش به بخل و آرزو هلاک شوند

## بما الاذی ع. طرم المسلمین.

آزار از راه مسلمانان دور کن

## بصفا ما کفر لامی م. العنور م. الف. و المهد

یک نیمه قبرها که برای امت من حفر می شود از چشم بد و پرخوری است

## بصر الله امرا سمع ما سنا منله کما سمعه

خدا مردی را که چیزی از ما بشنود و همان طور که شنیده بدیگران برساند، یاری کند

## بصر الله امرا سمع ما حسنا معطه حی منله عره مر - حامر مه الی ما حو امه مه و ر - حامر مه لس

بصفا

خدا مردی را که سخنی از ما بشنود و بخاطر سپارد تا بدیگری برساند یاری کند بسا کس که دانائی بدانتر از خود برد و بسا کس که حامل دانائیست و دانا نیست

### بِعَمِّ السَّيِّئَةِ أَمَّا وَالتَّحَاذِرِ

چه نیکوست هدیه بهنگام حاجت

### بِعَمِّ الْمَطْبَعَةِ كَلِمَةٌ حَمِيمَةٌ سَمِعْنَا بِهَا إِلَى أَمْرِ لَكَ مَسْلَمٌ

چه نیکو عطائیست سخن حقی که بشنوی و بیرادر مؤمن خویش برسانی

### بِعَمِّ سَلَامٍ الْمَوْجِبِ الصَّبْرِ وَالذِّعْوَةِ

چه نیکو سلاحی است صبر و دعا برای مؤمن

### بِعَمِّ مَعْمُورٍ مَعْمُورٍ مَعْمُورٍ مَعْمُورٍ مَعْمُورٍ مَعْمُورٍ

دو نعمتست که بسیاری مردم در آن مغبونند صحت و فراغت

### بِعَمِّ الْمَالِ الصَّالِمِ لِلرَّحْلِ الصَّالِمِ

چه نیکست مال شایسته برای مرد شایسته

### بِعَمِّ صَوْمَعَةِ الْمَسْلَمِ سَهْ

خانه مسلمان برای او چه نیکو صومعه ایست

### بِعَمِّ الْعَدْوَةِ الْكَلِمَةِ مِ. كَلَامِ الْعَدْوَةِ

چه نیکو هدیه ایست یک کلمه گفتار حکمت آموز

## بَعْدُ الْاِذَا الْعَز

چه نیکو نان خورشی است سرکه

## بَعْدُ السَّمْعِ الْفَرَا لَصَادِحِهِ نَوْمِ الصَّمَةِ

چه نیکو شفيعی است قرآن در روز قیامت برای کسی که قرآن خوانده باشد

## بَعْدُ الْمَالِ الْبَعْرِ الرَّاسِكَا مِ الْوَجْرِ

چه نیکو مالیست نخل که در کل محکمست

## بَعْدُ الْمَوْرِ عَنِ نَعْوَى اللَّهِ الْمَالِ

مال برای پرهیزکاری خدا چه نیکو یاور است

## بَعْدُ الرَّحْرِ عَنِ احْلِهِ صَدَمِهِ

خرجی که مرد برای کسان خود کند صدقه است

## نَوْمِ الْقَالِ امْصِرْ مِ عِبَادَةِ الْقَالِدِ

خواب دانشمند از عبادت عابد بهتر است

## نَوْمِ الصَّائِمِ عِبَادَةِ وَ صَمَةِ سَمِ وَ عَمَلِهِ مَصَاعِفِ وَ دَعَاوِهِ مَسْكَا وَ كَلِمَةِ مَعْمُورِ

خواب روزه دار عبادت است و سکوت وی تسبیح است و عملش مضاعفست و دعایش مستجابست و گنااهش آمرزیده

## نَوْمِ عَنِ عِلْمِ كَرْمِ صَلَاةِ عَنِ حَرِّ

خواب با علم بهتر از نماز با جهل است

## بورو بالفکر ماه اعظم لآخر

صبحدمان چراغ روشن کنید که پاداش شما بیشتر شود

به الموم. کر م. عمله و عمر المصمم کر م. سه و کر همز عر سه فاذا عمر الموم. عملا نار می مله

نور

نیت مؤمن از عمل او بهتر است و عمل منافق از نیت او بهتر است و هر کدام بر نیت خود کار می کنند و چون مؤمن عملی کند در قلب وی نوری روشن شود

## الناحم اکر ربا ملعون.

بازارگرم کن رباخوار ملعونی است

## الناس ولد ادم و ادم م. برا-

مردم فرزند آدمند و آدم از خاک است

## الناس رحلا. عالم و منقله و لا کر صما سواهما

مردم (قابل اعتنا) دو کسند عالم و علم آموز و در غیر آن ها خیری نیست

## الناس معاد. و المرم کساسم و اذ- السو کرم السو

مردم چون معدن ها گونه گویند و نژاد در کسان نافذ است و تربیت بد چون نژاد است

## الاکم می مومه کالمفسر می داره

آنکه از خاندان خویش زن گیرد چنانست که در خانه خویش علف چیند

به الموم. اتباع م. عمله

نیت مؤمن از عمل وی شایسته تر است

الناس كاسار المسط

مردم چون دندانهای شانه اند

الناس كله عار الله مادىع اله اهنه لهاله

مردم همگی کسان خدایند و محبوبتر از همه پیش خدا کسی است که برای کسان او سودمندتر باشد

الناس اسبه برمانع

مردم بروزگار خویش مانند

الناس معاد. كمعاد. الصد و الفصه

مردم معدن هایند چون معدن طلا و نقره

الناس خاله السطار.

زنان دامهای شیطانند

الناس كا لا برى الهانه لا برى مه راحله

مردم چون شترانند صد شتر بینی و یک باربردار در آن میان نبینی

الناس بفعلوا العرا- و اما بفطوا. اخورجع نوم الهامه عر مدر عهولع

مردم کارهای نیک کنند اما روز قیامت پاداششان را بقدر عقولشان میدهند

## النصر مع النصر و العزم مع العزم و الهم مع الهم سرا

فیروزی قرین صبر است و گشایش قرین رنج است و همراه هر سختی گشایشی هست

## البدن بونه و الناس م. الدب صم. لا ذب له

پشیمان شدن چون توبه کردن است و هر که از گناه توبه کند چنانست که گناه نداشته

## الطر الى العصره برد می النصر

بسبزه نگریستن بینائی را فزون میکند

## الطره سمع مسموم م. سماء انیس

نگاه بد تیری زهرآگین از تیرهای شیطانست

## الطر الى المراه العسا و العصره برد می النصر

دیدن زن خوبروی و سبزه بینائی را فزون میکند

## الطامه م. ا لانما

پاکیزگی از ایمانست

## الساحه م. عمر العاحله

نوحه گری از عمل جاهلیت است

## السه العسه بصر صاحبنا العه

نیت خوب صاحب خویش را به بهشت می برد



صدقہ اللہ الی المومنین. السائر علی نابه

گدا ہدیہ خداست کہ بر در مؤمن آید

من بصروہ الا بصفاکم بدعوہ و احلامہ

شما را بدعا و عقل ضعیفانتان یاری میکنند

من م. احد مہی علی ما الا اسلم مدامہ کذلک صاحب الدینا لا سلم م. الدینو۔

مگر کسی هست کہ بر آب رود و پاهایش تر نشود؟ همچنین دنیا دار از گناہ مصون نخواہد ماند

ملک الرحال حم. اطاعہ النساء

مردان کہ اطاعت زنان کنند بہلاکت افتند

حم. اعلم مہی النساء الصدہ بھور عم. العکم

آنها، یعنی زنان، چیرہ تراند ہدیہ چشم خردمند را ببندد

الصدہ بدمر بالسمع و البصر و العلب

ہدیہ گوش و چشم و دل را از کار ببندازد

الصدہ ررم م. اللہ مہم. احدی الہ سی ملہلہ

ہدیہ روزی خداست ہر کہ چیزی بدو ہدیہ دادند بپذیرد

التوی مہمور لصاحبه ما لہ مہم نہ او سکلم

پندار بد اگر بکردار و گفتار نیاید بخشودہ است

## الف بصره

غم یک نیمه پیری است

واضع الفه عند عر امله كملد اناربر النور و اللولو و الدند

آنکه علم به نااهل سپارد چنانست که گوهر و مروارید و طلا به خوکان آویزد

و الله ما الدنيا في الاخرة الا منز ما كمر احدكم اصبه حده في الم مسطر له برجع

بخدا قسم دنیا نسبت به آخرت چنانست که یکیتان انگشت خویش به دریا نهد، بنگرد چه می آورد؟

و الله لا سدى سداد رحز واحد كمر ل م. كمر الفه

بخدا قسم اینکه مردی را هدایت کنی از داشتن شتران سرخ مو بهتر است

و الله لا كدور سدى اعدل عليكم في

بخدا قسم پس از من، کسی را نخواهید یافت که در باره شما عادلتر از من باشد

و اكر صبغ ما. الصبغ سبغى ا. باكر وحده

همراه مهمان خویش غذا خور زیرا مهمان شرم دارد که تنها غذا خورد

و الساه ا. ركمتا بر كمت الله

حتی به بز اگر رحم کنی خدا بتو رحم کند

و ای خدا اذوی م. النکر

و چه مرضی از بخل بدتر است

و ای الموم. هم واجب

وعده مؤمن حقی است (که ادای آن) واجب است

و حسب گفته الله علی م. عصب مکلم

کسی که خشم آرد و بردباری کند، بصف محبان خداست

ور. حر الملما بدم السدا مر حم

مرکب دانشوران را با خون شهیدان همسنگ کردند اولی سنگین تر بود

و صلوا الدی سک و سه مرابه بکره ذکر کم اباه

با اقارب خویش بوسیله مکرر یاد کردنشان پیوستگی کن

وص الموم. کفاره العطا

بیماری مؤمن کفاره گناهان است

ومروا م. بلموا. مه الملم و مروا م. بلموه الملم

کسی را که علم از او می آموزید محترم دارید و کسی را که علم بدو می آموزید محترم دارید

ولد الرجز م. کسه م. اطیر کسه مکلوا م. اموالکم

فرزند مرد از جمله کسب او است، از نکوترین کسب او است، از اموال فرزندانان بخورید

ولد الربا سر اللانه اذا عمر بفر ابونه

زنا زاده اگر زنا کند از پدر و مادر خویش بدتر است

ویر لآ عسا م. العسرا

وای بر ثروتمندان از فقیران!

ویر للعالم م. العاجز و ویر للعاجز م. العالم

وای بر عالم از جاهل! و وای بر بر جاهل از عالم!

ویر للدی کد- مکد- مصک به العوم ویر له ویر له

وای بر آنکه سخن کند و دروغ گوید که کسان از آن بخندند وای بر او! وای بر او؟

ویر للسا م. الاحمر م. الدر و المقصر

وای بر زنان از دو چیز رنگین طلا و جامه زیبا

ویر لامی م. علما السو

وای بر امت من از علمای بد

ویر لم. اسطال علی مسلح مانعصم حه

وای بر آنکه به مؤمنی تطاول کند و حق او را بکاهد

ویر لم. لا تعلم و ویر لم. علم له لا تعلم

وای بر آنکه نداند و وای بر آنکه بداند و عمل نکند

الوحده حر م. حلس السو و العلس الصالم حر م. الوحده و املا الحر حر م. السکو- و السکو-

حر م. املا السر

تنهائی از همنشین بد بهتر و همنشین شایسته از تنهائی بهتر نکو گفتن از سکوت بهتر و سکوت از بد گفتن بهتر

### الورع الذی یفید عند السبیه

پرهیزکار کسی است که کار شبیه ناک نکند

### الوڈ سوار۔ و النقص سوار۔

دوستی را بارث میبرند و دشمنی را بارث میبرند

### الورع سد المهر

پرهیزکاری سر آمد اعمالست

### الوصو من الطعام سی المهر و یفید سی اللع و یصمم البصر

وضو پیش از غذا فقر را ببرد و بعد از غذا وسواس را زایل کند و چشم را نیرو دهد

### الوصو سطر الايمان و السواک سطر الوصو

وضو نصف ایمان است و مسواک کردن نصف وضو است

### الولد بمره اللب و انه غمه معله غره

فرزند میوه دل است و مایه ترس و بخل و غم است

### الولد م. رکار العنه

فرزند از ریحان بهشت است

### الولد لم. برک عماله کبر و مدد علی ربه سر

وای بر آنکه خیر برای عیال خود نهد و با شر بنزد خدا رود

**با عما کر العبر للمصدم بدار العلوك و هو سفي لدار المرور**

سخت در عجبم از آنکه خانه جاوید را باور دارد و برای خانه غرور بکوشد

**با مفسر البکار ا. الله ناعصم نوم السامه مکارا الا م. صدم و اذی الامانه**

ای گروه بازرگانان خدا روز رستاخیز بدکار محشورتان میکند مگر آنکه راست گوید و امانت نگه دارد

**بالی علی النام رما. الصابر مسع علی ذبه كالفانصم علی العمر**

روزگاری بر مردم بیاید که هر که خواهد دین خود نگهدارد چنان باشد که آتش بدست گرفته باشد

**بالی علی النام رما. الموم. مه اذل م. سانه**

روزگاری بر مردم بیاید که مؤمن از بزش خوارتر باشد

**سهم النام نوم الصمه علی ساسم**

روز رستاخیز مردم را بکیفیت نیت هایشان برانگیزند

**سیر احدكم الهدی می عم. احبه و بدع الدع می عسه**

یکیتان خس را در خشم برادرش ببیند و تنه درخت را در چشم خویش ندیده گیرد

**سهم ساعد الرور نوم الصمه مدلها لسانه**

شاهد دروغ روز قیامت آویخته زبان مبعوث می شود

**سبع المبر لانه مرجع اسار. و سبی واحد سهمه احله و ماله و عمله مرجع احله و ماله و سبی عمله**

سه چیز بدنبال میت روند دو تا باز گردند و یکی بماند اهل و مال و عمل وی بدنبال روند اهل و مالش باز گردند و عملش بماند

**بِاللهِ عَزَّ وَجَلَّ**

دست خدا همراه جماعتست

**بِاللهِ عَزَّ وَجَلَّ اسْلَامًا اَوْلًا مَالًا وَحَيٍّ لَا يَسِيْ اِلَّا حَالَهُ كَمَا لَمْ يَسِرْ وَلَا يَمَالِي اللهُ سَعْدًا**

شایستگان طبقه بطبقه روند تا جز پوستی چون پوست خرما و جو نماند که خدا به آنها اعتنا نکند

**سِرُّوْا وَ لَا تَسْرُوْا**

سهل گیرید و سخت مگیرید

**بَطِيْعُ الْمَوْمِنِ عَزَّ وَجَلَّ كَلِمَةُ لِسْمِ الْعَمَانَةِ وَ الْكَلِمَةُ**

مؤمن هر خوئی تواند داشت مگر خیانت و دروغ گوئی

**بِعَبْرَةِ رَجُلٍ مِّنَ السَّائِلِينَ لِيَسْأَلَهُ صِدْقًا**

پروردگار تو جوانی را که جوانی نکند دوست دارد

**مِنْ أَعْرَابِ سَعْرًا**

برکت اسب در رنگ کهر است

**كُلُّ اللهِ الْفَائِزِ إِذَا عَمَرَ فِي كَسْبِهِ**

خدا دوست دارد که وقتی کسی کاری میکند کامل کند

**بِكُلِّ مَعْرُوفٍ عَزَّ وَجَلَّ مَا رَجَزَ إِحْرَامَهُ مَهْ كَالْوَلِيِّ**

نیکی بدست صد مرد میرود که پاداش آخریشان مانند اولیست

**صَدَقَ عَمَّا نَصَدَمَتْ عَلَيْهِ صَادِقٌ**

سوگند در باره چیزی توانی خورد که مصاحب تو تصدیق آن کند

**سَمِيءٌ اِنْ يَكُوْنُ لِلْمَوْتِ. مَهَابَةٌ حَسَابًا وَفَارٌ عِنْدَ الرَّاحِ وَ صَبْرٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَ سَكْرٌ عِنْدَ الرَّحَا وَ مَوْعِ  
مَاهِ رَرْمَهُ اللهُ عَرٌّ وَ حَزٌّ لَا يَطْلُقُ الْاَعْدَا وَ لَا يَكْمُرُ عَنِ الْاَصْدَا مَكْنَهُ مِي نَهْرٌ وَ النَّاسُ مَهْ مِي رَاخَه**

مؤمن باید هشت صفت داشته باشد وقار در حوادث سخت و صبر به هنگام بلیه و شکر به هنگام گشایش و قناعت به روزی ای که خدای  
والا داده است بدشمنان ستم نکند و مزاحم دوستان نشود، تنش برنج باشد و مردم از او در آسایش باشند

**عَرْمٌ اِمٌّ. اَدَمٌ وَ سَمِيءٌ مَهْ اَسَا. اَلْعَرَضُ وَ الْاَمْرُ**

فرزند آدم پیر می شود و دو چیز با وی میماند حرص و آرزو

**بُورٌ. بَوْمُ الْعَامَةِ مَدَاكُ الْعُلَمَاءِ وَ دَمُ السُّدَا مَرْحَمٌ مَدَاكُ الْعُلَمَاءِ عَرٌّ دَمُ السُّدَا**

روز قیامت مرکب دانشوران و خون شهیدان را همسنگ کنند و مرکب دانشوران بر خون شهیدان مرجم شود

**عَرْمٌ اِمٌّ. اَدَمٌ وَ سَمِيءٌ مَهْ اَسَا. اَلْعَرَضُ عَنِ الْمَالِ وَ اَلْعَرَضُ عَنِ الْعَمْرِ**

فرزند آدم پیر می شود و دو چیز از او جوان می شود حرص مال و حرص عمر

**اَلدُّ الْعُلَمَاءُ كَرْمٌ. اَلدُّ السُّعْرُ وَ اِنْدَا هَمٌّ. هَمٌّ**

دست دهنده از دست بگیر که بهتر است و صدقه را از نانخوران خویش آغاز کن

**اَللِّمْرُ. الْكَادَةُ مَعْنَهُ لِّلْسَلْمَةِ مَعْنَهُ لِّلْكَسْرِ**



قسم دروغ کالا را تلف کند و کسب را از میان ببرد

**النصر. عر به المسكلم**

قسم مربوط به نیت قسم خور است